

چغازنبیل

(دور-اوتاش)

جلد سوم

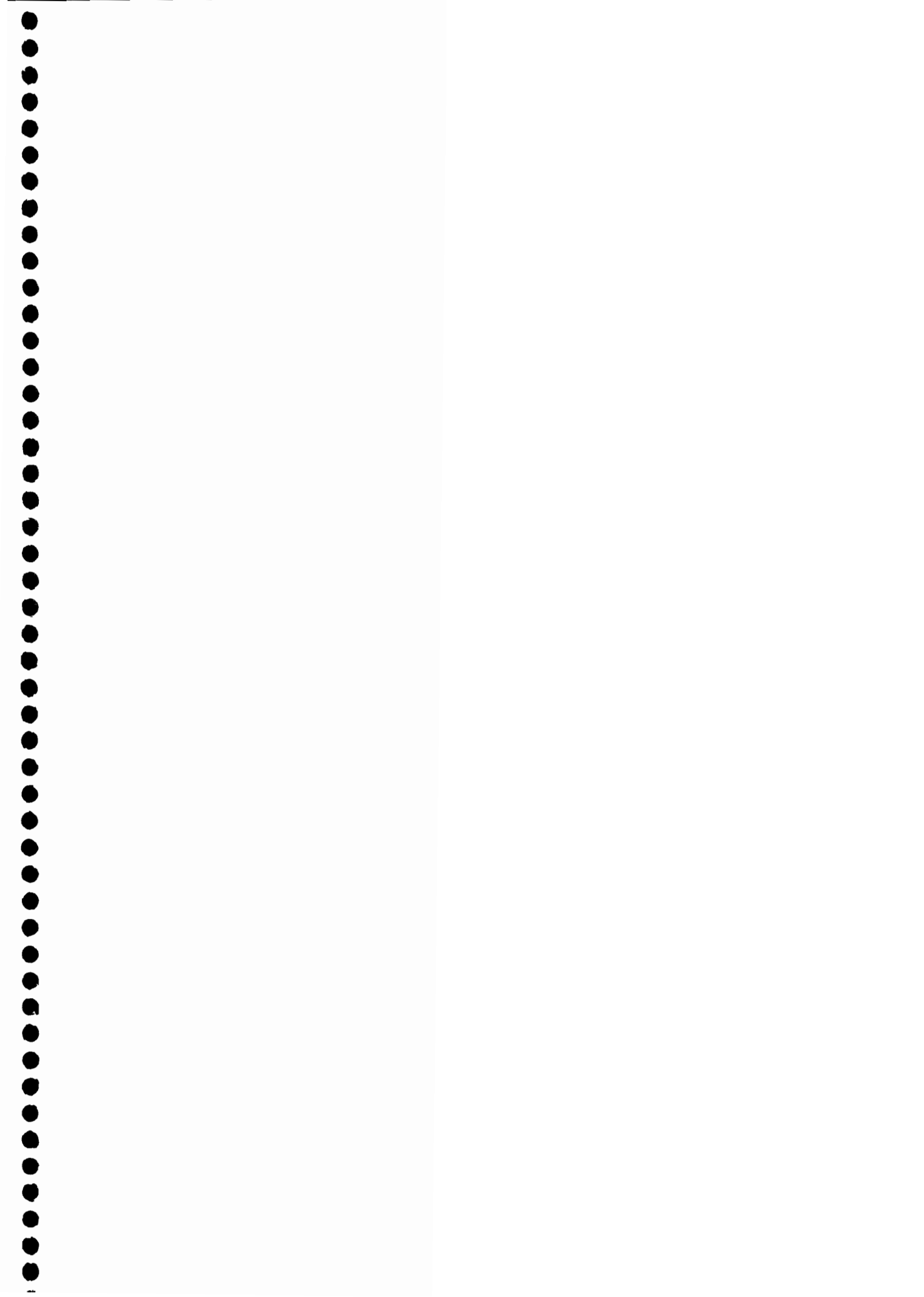
متون ایلامی و اکدی چغازنبیل

نوشته: م.ج. استو



ترجمہ: اصغر کریمی

ش
الرحمن الرحيم





چغازنبیل

(دور-اوتاش)

جلد سوم

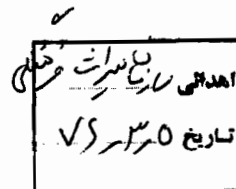
متون ایلامی و اکدی چغازنبیل

نوشته:

م.ج.استو

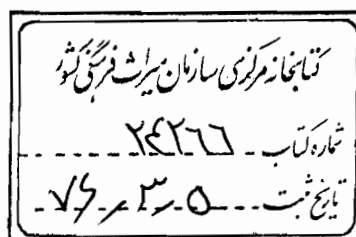
ترجمه:

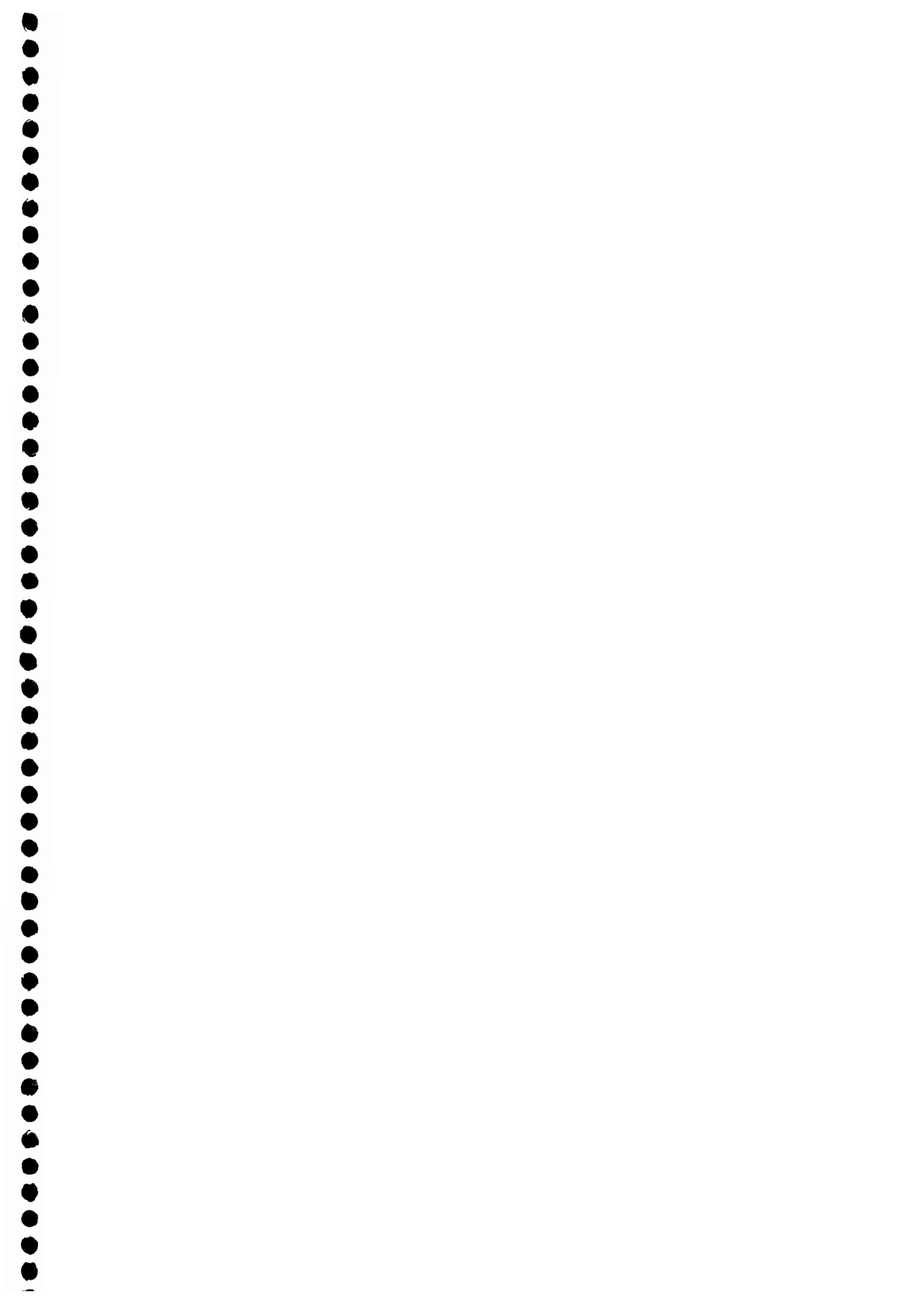
اصغر کریمی



سازمان میراث فرهنگی

۱۳۷۵





فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	دیاچه
۱۱	پیشگفتار
۱۵	علائم اختصاری
۱۷	متون ایلامی
۲۱	دسته الف (متن ایلامی ۱-۹)
۵۷	دسته ب (متن ایلامی ۱۰-۲۲)
۸۱	دسته ج (متن ایلامی ۲۳-۳۲)
۱۱۷	دسته د (چ. ز. ۳۳-۵۳)
۱۴۷	دسته ه (چ. ز. ۵۳-۶۱)
۱۶۳	متون اکدی
۱۷۷	هجاها
۱۹۵	تصاویر

مقدمه ناشر

خداوندا تو را سپاسگزاریم که توفیق رفیقمان کردی تا شرمندۀ دوستان و مشتاقان علم و دانش و فرهنگ و تمدن و هنر نشویم و همان‌گونه که در مقدمۀ جلد چهارم کتاب چغازنبیل آرزو کرده بودیم، پس از مدتی کوتاه جلد سوم کتاب یاد شده را چاپ کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.

بدین ترتیب چاپ چهار جلد کتاب چغازنبیل به پایان رسیده و تقدیم جامعۀ فرهنگی کشور می‌شود. لازم می‌دانم به مصداق حدیث نبوی: "مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ" از همکاران عزیز آقایان: رحیم ولایتی، محمدرضا کارگر، سیروس ایمانی‌نامور، غلامحسین رنجبر شورابی و محمدعلی مخلصی که تلاش مجدانه‌ای در آماده‌سازی و چاپ این کتاب و دیگر نشریات سازمان میراث فرهنگی داشته‌اند، تقدیر و تشکر نمایم. اجرشان عندالله.

ناصر پازوکی

معاون معرفی و آموزش

دیباچه

آخرین کتابی که در همین مجموعه یادنامه ها، درباره متون ایلامی بود، بیش از دو دهه قبل به قلم دوشیزه م. Rutten منشر گردید.

از آن زمان به بعد، در کارهای محوطه چغازنبیل (دور-اونتاش) پیشرفت نوینی حاصل شده است. برای اولین بار در تاریخ پژوهشهای درباره تمدن کهن ایلامی، هزارها متن پیدا شد، که قسمت اعظم آنها به شکل آجر کتیبه دار بود. این متون نشان دهنده فشرده ترین پیوستگی با مضمون معماری آن بود. هیچیک از این کتیبه ها، حتی ناچیزترینشان، از طبقه بندی پژوهش برکنار نماندند.

هیئت باستان شناسی و چهار نسل از سرپرستان آن در انتظار یک متن دو زبانه آکدی-ایلامی بودند و یکی از اهداف عمده کوششهایشان پیدا کردن چنین کتیبه ای بود و هست. شرایط پیدا شدن متون چغازنبیل هم به علم و هم به فراست و باریک بینی ام. - جی استو M. - J. Steve امکان ارائه نتایج تحقیقاتش را در این جلد فراهم کرد. بدون تردید، این کتاب مرحله نوین و مهمی را در مورد شناخت زبان ایلامی، به همان نحوی که در دوره «کلاسیک» استیلایش وجود داشته و یکی از مراحل آن است، که هنوز هم چندان شناخته شده نیست، ارائه خواهد کرد.

کاری که استو دوازده سال وقت خود را صرف آن کرده است، دربرگیرنده سنت های هیئت در زمینه کتیبه شناسی نیز می باشد که پدر شل Père V. Scheil، که این کتاب به او تقدیم شده است، با درخشش فراوان، در طول نزدیک به نیم قرن، آن را به عهده داشت.

در اینجا لازم است از مؤسسه Geuthner و بخصوص از شخص خانم Ebert و مؤسسه M. F. Seidl-geuthner به خاطر دقت و توجهی که برای انتشار این کتاب به عمل آوردند و همچنین از مؤسسه های Bontemps و Faucheux به خاطر معرفی آن سپاسگزاری نمایم.

رومن گیرشمن

پیشگفتار

این جلد از کتاب چغازنبیل عمدتاً در برگیرنده متونی است که در جریان کاوشهای انجام شده در محوطه چغازنبیل پیدا شده‌اند^(۱). در این کتاب، هم با مجموعه کتیبه‌هایی آشنا خواهیم شد که در طول عملیات حفاری به رهبری آقای ر. گیرشمن از ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۲ گردآوری شده‌اند، و هم با مآخذ و مدارکی آشنا خواهیم شد که توسط و. شل (V. SCHEIL)، ژ. دوسن (G. DOSSIN) و دوشیزه م. روتن (Mil. M. RUTTEN) بر مبنای همین یافته‌ها منتشر شده‌اند. مهرهای تخت و مهرهای استوانه‌ای پیدا شده از این محوطه موضوع کتاب دیگری از همین مجموعه است.

متونی که به زبان ایلامی هستند با علائم اختصاری «متن ایلامی ۱» تا «متن ایلامی ۶۱» و تعداد اندک متونی نیز که به زبان اکدی هستند با علائم اختصاری «متن اکدی I» تا «متن اکدی VIII» نشان داده شده‌اند. تنها علامت اختصاری «متن نامعلوم» مربوط به قطعه‌ای از یک کتیبه است که در روی یک زیتون یا لوح سنگی کنده شده و نمی‌توان با قاطعیت گفت که محتوای آن به کدام یک از این دو زبان مربوط می‌گردد. طبقه‌بندی مذکور، به صورت گام به گام، تابع پیشروی کارهای باستانشناختی در محوطه است. آغاز کاوشهای باستانشناختی چغازنبیل از آزادسازی و خاکبرداری زیگورات شروع شده، که مرکز شهر را اشغال می‌کرده، و به صورت شعاعی ادامه یافته تا به دیوار حصار خارجی رسیده است که البته چنین ترتیبی یک عمل خالصاً قراردادی نیست. این همه آجر کتیبه‌دار در یک بخش می‌تواند نشانه‌های گویائی برای باستان‌شناس و همچنین متن‌شناس و اهل فقه‌اللغه فراهم آورد. نظر به این که ما در عملیات سالهای ۱۹۵۵-۱۹۵۴ در کارگاه حضور داشتیم، همین امر امکان داد تا در جریان پیدا شدن تمام آجرهای کتیبه‌دار و گردآوری آنها باشیم و موقعیت مکانی آنها را دقیقاً معلوم نمائیم. در

۱- نام این محوطه در زبان فارسی «چغازنبیل» نوشته می‌شود. در این کتاب نیز ما از علائم آوانگاری به کار رفته در جلد‌های ۳۹ و ۴۰ یادنامه‌های چغازنبیل (جلد‌های اول و دوم چغازنبیل که توسط همین مترجم به زبان فارسی برگردانده شده‌اند). تبعیت خواهیم کرد. در این کتاب، هر جا که لازم است نام یادنامه‌های مأموریت باستانشناسی در ایران به زبان فرانسه نقل شود، از کلمه *Mém.* استفاده شده که بیانگر خلاصه شده *Mémoires de la Mission archéologique en Iran* است. این یادنامه‌ها از سال ۱۹۰۰ میلادی به بعد نوشته شده و انتشار یافته‌اند.

موقع حفاری، تعدادی از این آجرها هنوز هم در سرجای خود در روی دیوارهای زیگورات، معابد یا حصارها قرار داشتند؛ بخش عظیمی از این آجرها از آوارهای فرو ریخته، جمع آوری شدند. این مورد آخر سبب فراهم شدن سیاهه دقیق از انواع گوناگون متونی شد که در یک بخش کاملاً نامحدود پیدا شدند. ما محاسبه دقیق از آنها به عمل آوردیم. این محاسبات امکان شناسایی خدایانی را فراهم آورد که بعضی از ساختمانها وقف آنها شده بودند، ساختمانهایی که در روی آنها حتی یک آجر کتیبه دار در سرجای خود باقی نمانده بود.

از تعداد ۵۲۵۷ کتیبه پیدا شده تا سال ۱۹۶۵^(۱)، با قاطعیت می توان گفت که ۹۴۳ عدد از آنها در محل خود قرار داشتند؛ توزیع این کتیبه ها به ترتیب زیر بوده است: در زیگورات ۶۶۲ عدد (متن ایلامی ۱)؛ در «معبد ایشوشیناک A» ۳۷ عدد (متن ایلامی ۲۵)؛ در عمارات اطراف صحن ها ۲۶ عدد (متن ایلامی ۶)؛ در «دروازه شاهی» ۱۱ عدد (متن ایلامی ۱)؛ در معبد کی ری ریشا ۲۱ عدد (متن ایلامی ۷)؛ در معبد ایشنی کاراپ ۹۴ عدد (متن ایلامی ۸)؛ در معبد خدای گال ۱۴ عدد (متن ایلامی ۹)؛ در «گذرگاه شاهی» ۵۴ عدد (متن ایلامی ۲۲)؛ در «دروازه شوش» ۲ عدد (متن ایلامی ۲۲)؛ در برج «نور کپیرات» ۳۲ عدد (متن ایلامی ۲۱).

با توجه به تعداد آجرها می توان انتظار توده عظیمی از تنوع را داشت. در واقع، هر چند که کلیه کتیبه ها دارای سبک هستند و به سبک مربوط به خود حکاکی شده اند، با این همه تنوع نمایش ترسیمی و خطاهای کلاسیک کتابت به حد اقل رسیده است. در آخر همین کتاب، در ستون چهارم جدولها، منتخبی از نشانه ها را می یابیم که بر اساس فراوانی اشان منظم و مرتب شده اند. به نظر چنین می رسد که نسخه برداری از متن ها یا نشانه ها کاملاً به صورت گروهی بوده است به این معنی که گروهها دارای متن همگون هستند. بر همین اساس است که مجموعه وقف شده به خدای نبو Nabû (متن ایلامی ۴۱) شامل تعداد زیادی آجر یک دست است که خط آن فراخ بوده و با فشار حکاکی شده است. مثلاً همین کاتب، که توسط قلمش شناخته شده، همیشه به جای این که *u* را برای ضمیر اول شخص مفرد بکار برد، از نشانه *u* استفاده کرده و مرتباً اسم خاص *Hubanumena* را با نشانه *ba* به جای *ban*، که متداول بوده، بکار برده است (متن ایلامی ۴۳).

گوناگونی ها بر اساس آوانگاری گروه بندی شده اند. بخش اعظمی از بیقاعدگی ها و بی ترتیبی ها منبعث از اشتباهات مکانیکی است از آن جمله اند: از قلم افتادگیهای جبری یک هجا یا یک کلمه؛ اضافه شدن یا تکرار نشانه ها، حتی یک جمله کامل، که منبعث از پایانه خطوط همگون است؛ اختلاط و درهم ریختگی نشانه ها، حذف چند سیلاب به قصد اختصار یا ادغام بعضی از هجاها در تلفظ و هم چنین تکرار سهوی یک یا چند لغت. نمایش ترسیمی عجیب متن ایلامی ۴۰۸: *Iš-ni-ga-ka-ra-ab* شاید شاهدی بر تردید کاتب در انتخاب نشانه است. همین گوناگونیها، در کنار این اشتباهات مادی، پاره ای از نشانه های دستوری را برایمان فراهم می آورند که به طور گذرا به آنها اشاره خواهیم کرد.

تردیدی که هنوز هم درباره شیوه تلفظ واقعی آواهای ایلامی گرفتارش هستیم، بیانگر بخشی است که در مورد نسخه

۱- این عدد نه مطلق است و نه قطعی؛ احتمالاً هنوز هم تعداد زیادی از این کتیبه ها وجود دارد که در کفسازیهای صحن ها دوباره کار گذاشته شده اند. طرحهای موجود در متن و عکسهای موجود در لوح ها، به جز نشانه هایی که خلاف این موضوع است: «متن ایلامی ۶۱ C-۵۱: لوح شماره ۲۱، شماره های ۳-۱، ۷-۵؛ لوح شماره ۲۲ شماره ۵) معرف تقلیل آنها به نصف نسخه های اصل است. قریب به اتفاق تصاویر، که از روی اثر مهرها به دست آمده، از م. د. کومو M.D.Commeau گرفته شده است، که از این بابت به گرمی سپاسگزاریم.

برداری آن را پذیرفته‌ایم. سعی نکرده‌ایم آواهای همگون را کاهش دهیم یا مطابق قاعده کنیم؛ یعنی آن چیزی که در طرح متون سومری و آکدی مرسوم است به نظر ما هنوز در این جا ممکن نیست. ما هنوز گروه زبانی‌ای که ایلامی به آن مربوط می‌شود نمی‌شناسیم و از طرف دیگر هجابندی سومری-آکدی، که زبان در آن جریان یافته، یک نظام ترسیمی اقتباسی است که اختلاف بین خط و تلفظ را تشدید می‌کند. ولی اگر زبان ایلامی، همانطور که احتمال می‌رود، دارای آواهای خاص خود بوده، بدیهی است که این امر به صورت یک مسئله مبهم و قابل طرح هنوز باقی است و شانس به دست آوردن مجدد این صداها مفقود شده هنوز هم وجود دارد^(۱). با این همه، نوساناتی که در نگارش کاتبان وجود دارند می‌توانند پاره‌ای نکات مورد مجادله و مباحثه را روشن نمایند، از آن جمله‌اند: تعبیر مجموعه‌های *ga/ka du/tu ba/pa* طبیعت حروف مصوت و صغیری، گروه حروف بی‌صدا در وضعیت اولین حرف از یک کلمه، ترسیمهای شکسته، نقش حروف صدادار آخر کلمه مثل */a/ /i/...*^(۲).

اگر آوانگاری $ya=ia, z=s$ را پذیرفته‌ایم فقط به دلیل دغدغه خاطری است که برای ساده کردن داریم؛ *h* را به جای *h* می‌نویسیم زیرا به خوبی به نظر می‌رسد که نشانه‌ای که در آکدی بیانگر حرف مصوت حلقی یعنی */h/* است، پاسخگوی همان مصوت در زبان ایلامی نیست^(۳).

اگر کلیه نظام آوانگاری انعطاف ناپذیر ایلامی نارس می‌ماند^(۴)، در مورد ترجمه متون نیز همین امر صدق می‌کند. در بیشتر موارد، آن چه که ما پیشنهاد می‌کنیم فقط تلاشهایی هستند و نه بیشتر. در مورد تمام دوره‌ای که قبل از متون شاهانه هخامنشی قرار دارد، فقدان کتیبه‌های دوزبانه بطور سنگینی احساس می‌شود و در حالت کنونی، ترجمه کردن آنها، به هر قیمتی، بدون تردید یک اقدام بیهوده است^(۵). به نظر ما، فایده بنیادی انتشار این کتاب ارائه چندین آجر تازه است که تازه‌هایی از ساختار زبان ایلامی از لحاظ تاریخ ادبیات و قواعد دستور زبان و فقه‌اللغه ارائه می‌دهند.

۱- Herbert H PAPER, *Phonology*, pp. 28-29 با تکیه بر نسخه‌برداری کلمات فارسی کهن در ایلامی، وجود یک صوت */c/* را فرض می‌کند که می‌تواند معادل */c/*، */z/* فارسی قدیم و */z/*، */š/* آکدی باشد. هنوز هم وجود وجود صوت */tl/* در معرض بحث است که حضور آن در زبان ایلامی نشانگر وابستگی‌هایی با گروه زبانی قفقازی است. در نهایت مراجعه شود به E. REINER, *Langue*, cha. 3.4.1.

۲- تناوب حروف مصوت */i/* و */a/* که توسط W.HINZ (*AR. OR.* 18, pp. 282-285) به مثابه نشانه‌ای از حالات فعل تصور شده است، شاید از طریق ترسیمهای متداول بیان نمی‌شود. مراجعه شود به مأخذ قبلی. E. REINER, ch. 3.5. همچنین مراجعه شود به موارد استثنائی که در R. LABAT, *Structur*, p. 39.ch. 32 c. آمده است.

۳- مراجعه شود به H.H.PAPER, *Phonology*, p. 24, 3.7. et 3.6.6. که نمونه‌هایی را ارائه می‌کند که در آنها فارسی قدیمی */x/* که معادل */h/* آکدی است، در ایلامی توسط */k/* نشان داده می‌شود. */h/* ایلام میانه گرایش به ناپدید شدن در ایلامی-هخامنشی را دارد.

۴- نگاه کنید به George G. CAMERON, *Persepolis Treasury Tablets* (OIP 65), p. 47. Chicago, 1948.

۵- کتیبه‌های دوزبانه‌ای که در واقع بخش ایلامی چ. ۳۱: ۸-۶ و بخش آکدی متن ایلامی ۳۲: ۱۰-۸ را تشکیل می‌دهند چیزی بیشتر از یک دوجین معادل برای مفاهیم و واژه‌هایی که معنی آن تا امروز ناشناس یا قابل تردید بوده است، در اختیارمان نمی‌گذارد.

علائم اختصاری

acc.	accusatif.
accad.	accadien.
cyl.	cyindre.
col.	colonne.
conjug.	conjugaison.
él.-ach.	elamite achemenide.
m.-el.	moyen elamite.
ND	nom de divinité.
NP	nom de personne.
par ex.	par exemple.
pers.	personne.
plur.	pluriel.
rev.	revers.
sing.	singulier.
V.-p.	vieux-perse.

A brevias bibliographiques

ABRT	CRAIG J.A., Assyrian and Babylonian religious texts. Leipzig, 1895-97.
Afo	Archiv für Orientforschung. Berlin-Graz.
AHW	von SODEN, W. Akkadisches Handwörterbuch. Wiesbaden, (1959-).
AJSL	American Journal of Semitic Languages and Literature, Chicago.
ARMT	Archives royales de Mari. Paris.
Ar. Or.	Archiv Orientalni. Prague.
CAD	Chicago Assyrian Dictionary. Chicago, (1956-).
CIE	KONIG, F.W., Corpus Inscriptionum Elamitarum, I, Die Altelamische Texte. Hanover,
DEIMEL,	DEIMEL, A., Pantheon Babylonicum, Rome, 1950.
<i>Pantheon</i>	
EKI	KÖNIG, F.W., Die elamischen Königinschriften. Graz, 1965.
HIA	CAMERON, G.G., Histoire de l'Iran antique. Trad. fran. Paris, 1937.
HINZ,	HINZ, W., Die elamischen Inschriften des Hanne. In: Volume in honour of S. H. Taqizadeh, Londres,
Hanne	1962.
HÜSING,	HÜSING, G., Die einheimischen Quellen zur Geschichte Elams. I, Altelamische Texte. Leipzig, 1916.
<i>Quellen</i>	
Ir. Ant.	Iranica Antiqua, Leiden.
JNES	Journal of Near Eastern Studies. Chicago.
KAH	Keilschrifttexte aus Assur historischen Inhalts, I, Leipzig, 1911 ; II, ibid., 1922.
KAR	Keilschrifttexte aus Assur religiösen Inhalts, I, Leipzig, 1915-19; II, ibid., 1920-23.
LABAT,	LABAT, R., Structure de la langue élamite. In : Bulletin de la Société de Linguistique de Paris, IX,
<i>Structure</i>	années 1950-51. Paris, 1951,
LTBA	Die Lexikalischen Tafelserien der Babylonier und Assyrer in den Berliner Museen. Berlin, Museen.
	Berlin, 1933
MVAG	Mitteilungen der Vorderasiatisch-ägyptischen Gesellschaft. Leipzig.

- Mém.*, Délégation en Perse, Mémoires. Tome I-XIII, Paris, 1900-1.
Mission archéologique de Susiane, Memoires. Tome XIV, ibid., 1913.
Mission archéologique de Perse. Publications. Tome XV, ibid., 1914.
Mission archéologique de Perse (Iran), Memoires. Tome XVI-XXXIX, ibid., 1921-1966.
- OIP Oriental Institute Publications. Chicago.
- OLZ Orientalische Literaturzeitung. Berlin, 1898-1908; Leipzig, 1909.
- Or Ns Orientalia. Nova Series. Rome.
- PAPER, PAPER, H. H., The Phonology of the Royal Achaemenid Elamite. Ann Arbor, 1955.
- Phonology*
- PTT CAMERON, G. G., Persepolis Treasury Tablets (OIP 65), Chicago, 1948.
- RA Revue d'Assyriologie. Paris.
- REINER, REINER, E., The Elamite Language. Handbuck der orientalistik, I Abt., vol. II, fasc
Language (à paraître) (1).
- RLA Reallexicon der Assyriologie. Berlin.
- RT Recueil de travaux relatifs à la philologie et à l'archéologie égyptiennes et assyriennes. Paris.
- STRECK, STRECK, M., Assurbanipal und die letzten assyrischen Könige bis zum Untergang Niniv's (VAB 7). Leipzig, 1916.
- Assurb.*
- TALLOQVIST TALLOQVIST, K., Akkadische Gotterepitheta (Studia Orientalia 7). Helsinki, 1938.
- Akkad.götterepith.*
- UET Ur Excavations Texts. I. GADD-KRAMER, Literary and religious Texts. Londres, 1963.
- VAB Vorderasiatische Bibliothek. Leipzig.
- Vestnik Vestnik Drevney Istorii. Moscou.
- WEISSBACH WEISSBACH, F. H., Neue Beiträge zur Kunde der susischen Inschriften. Abhandlungen der
Neue Beiträge Sächsischen Gesellschaft der Wissenschaften, philologisch-historische Klasse. 14. Leipzig, 1894.
- WVDOG Wissenschaftliche Veröffentlichungen der Deutschen Orient-Gesellschaft. Leipzig.
- WZKM Wiener Zeitschrift für Kunde des Morgenlandes. Vienne.
- ZANF Zeitschrift für Assyriologie, Neue Folge. Berlin-Leipzig.
- ZDMG Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft. Leipzig.

Sigles divers

- AO Antiquites Orientales. Sigle de classement du Musée du Louvre.
- A²Sa Artaxerxes I I, Inscription a de Suse.
- CT Cuneiform Texts from Babylonian Tablets in the British Museum.
- DB Darius: Inscription de Béhistun. D'après WEISSBACH, F. H., Die Keilinschriften der Achämeniden, Leipzig 1911; pour le vieux-perse, KENT R., Old Persian Grammar, Texts, Lexicon, 2^e edit., New Haven, 1952.
- DS Darius: Inscription de Suse. Cf. ci-dessus.
- Fort. Tablettes des Fortifications. Persépolis.
- K Tablettes de Kouyunjik. British Museum.
- ICF Institut de Ceramique Française. Sevres.
- MNB Monuments de Ninive et de Babylone.
- NRa Darius: Inscription a, de Naqsh-e-Roustam. Cf. ci-dessus, DB.
- TZ I- Textes elamites de Tchoga-Zanbil.
- TZ I- Textes accadiens de Tchoga-Zanbil.
- XPh Xerxès: Inscription h, de Persépolis. Cf. ci-dessus, DB.
- XS Xerxès: Inscription de Suse. Cf. ci-dessus, DB.
- VAT Vorderasiatische Abteilung. Tafeln. Musée de Berlin.

(1) Nous remercions très sincèrement le Prof. E. REINER de l'aimable libéralité avec laquelle elle a mis à notre disposition son manuscrit.

متون ایلامی

دسته الف :

- ۱ - متن واقع در سرجای اصلی خود، در روی دیوارهای زیگورات و بعضی از قسمتهای حصار اول.
- ۲ - متن با دو ثبت، بیانگر ساختن یک *ulhi* [حریم مقدس]
- ۳ - همان متن با یک ثبت.
- ۴ - متن دیگر با دو ثبت که آن نیز به ساخته شدن یک *ulhi* اشاره دارد.
- ۵ - متن موجود در سرجای اصلی خود، در روی دروازه بزرگ که دارای خمیدگیهای طاق و هلال در محل ۱۵ است (معبد/ینشوشیناک «A»).
- ۶ - متن موجود در محل اصلی خود، روی پایه‌های استوانه‌ای (پوسمنت ها) صحن‌های شمال شرقی، شمال غربی و جنوب غربی.
- ۷ - وقفنامه معبد کی ری ریشا (Kiririsha).
- ۸ - وقفنامه معبد ایشنی‌کاراپ (Ishnikarap).
- ۹ - وقفنامه معبد خدای گال (GAL).

دسته ب :

- ۱۰ - وقفنامه معبد پی‌نیکیر (Pinikir).
- ۱۱ - وقفنامه دیگری مربوط به همان خدا (*siyan alumimma*).
- ۱۲ - وقفنامه یک *aštam* به همان خدا.
- ۱۳ - وقفنامه معبد‌های خدایان ایم و شالا (IM و Shala).
- ۱۴ - وقفنامه‌های دیگری به همان خدایان (*siyan silin*).
- ۱۵ - وقفنامه معبد خدایان شیموت (Shimut) و بت - آلی (Bêlet-âli).

- ۱۶ - وقفنامه دیگری به همین خدایان (*siyan kinin*).
 ۱۷ - وقفنامه معبد خدایانی به نام ناپراتپ ها (*Naprateps*).
 ۱۸ - وقفنامه یک *sir halte* به همین خدایان.
 ۱۹ - وقفنامه معبد خدایان هیشمیتیک (*Hishmitik*) و روهوراتیر (*Ruhuratir*).
 ۲۰ - وقفنامه دیگری به همین خدایان (*siyan hunin*).
 ۲۱ - متنی که به ساخته شدن برجی به نام نورکیپرات (*nur kiprat*) اشاره می‌کند، در محل، روی برجی در حصار دوم (بخش جنوب شرقی).
 ۲۲ - متن موجود در محل در روی دیوارهای «گذرگاه شاهی» (حصار دوم، بخش جنوب شرقی) و «دروازه شوش» (همانجا، بخش جنوب غربی).

دسته ج :

- ۲۳ - بنای *ipillati*، هدیه به خدای نوسکو (*Nusku*).
 ۲۴ - متن دیگری وقف خدای نوسکو.
 ۲۵ - معبد وقف شده به کی‌ری‌ریشا، در *kištum* تذکار پادشاهی (*sunkime*).
 ۲۶ - معبد خدای سونکیر ریشارا (*sunkir rišarra*). تذکار پادشاهی (*sunkime*).
 ۲۷ - وقفنامه به خدای ناهونته (*Nahhunte*)؛ تذکار پادشاهی (*sunkime*).
 ۲۸ - معبد وقف شده به خدای گال؛ تذکار پادشاهی (*sunkime*).
 ۲۹ - قطعه‌ای که اشاره به ساختن یک *siyan limin* دارد؛ تذکار پادشاهی (*sunkime*).
 ۳۰ - وقفنامه به یک خدای کرماشیر (?) (*Kirmashir*).
 - به دست آمده از ورودی بزرگی که دارای دو در است؛ حصار خارجی، بخش شرقی.
 ۳۱ - متن دارای دو ثبت، درباره به وجود آمدن شهری توسط اونتاش گال اشاره می‌کند که دارای نام اوست، به وجود آمدن *siyan kuku* و ساختمانهایی که در آنجا برپا شده‌اند.
 ۳۲ - متنی تقریباً مشابه ولی ثبت دوم آن، که به زبان آکدی است، ترجمه ثبت دوم متن ایلامی ۳۱ است.

دسته د :

- ۳۳ - ساختن یک *siyan upqumia* برای اینشوشیناک.
 ۳۴ - *siyan likrin* وقف شده به اینشوشیناک.
 ۳۵ - وقفنامه به خدایان گال و اینشوشیناک : *melki ilani*.
 ۳۶ - ساختن دروازه *abul kinuni* نذر شده به خدایان گال و اینشوشیناک، فرمول I.
 ۳۷ - همان متن، فرمول دوم.
 ۳۸ - *ain kutin* وقف شده به خدای گال.

- ۳۹ - معبد وقف شده به خدایان هیشمیتیک و روهوراتیر، با ذکر عبارت *hadien hapšir*
- ۴۰ - وقفنامه به خدای هو بان (هومبان) (Hu(m)ban).
- ۴۱ - وقفنامه به خدای نبو (Nabû).
- ۴۲ - وقفنامه به خدای نبیوم (Nabium).
- ۴۳ - وقفنامه به خدای نوسکو (Nusku).
- ۴۴ - *murti* ساخته شده برای هدیه به خدای نوسکو.
- ۴۵ - وقفنامه برای الهه اینانا (Innana).
- ۴۶ - بنائی به نام *pukši takkipi* وقف شده به خدای *Sunkir rišarra*
- ۴۷ - وقفنامه به الهه نین.ا. گال NIN.É.GAL
- ۴۸ - وقفنامه به الهه مانزات (Manzat).
- ۴۹ - وقفنامه به الهه شیاشوم (Shiashum).
- ۵۰ - وقفنامه به خدایان شوشموسی (Shushmusi) و بلیت (Beli(li)t).
- ۵۱ - وقفنامه به خدای کیلاه شوپیر (Kilah shupir).
- ۵۲ - مشکوک و نامعلوم.

دسته ه :

- ۵۳ - ۵۶ - متون کنده شده در روی مجسمه‌های ساخته شده از گل پخته لعابدار.
- ۵۷ - متن موجود در روی دسته گل میخ ساخته شده از گل پخته.
- ۵۸ - متون حک شده در روی سرگرزها.
- ۵۹ - متون حک شده در روی قطعات مفرغی.
- ۶۰ - کتیبه‌های موجود در روی «میخها» و گل میخهای تزئینی.
- ۶۱ - کتیبه‌های حک شده در روی «زیتونها» ی گلی که از یک قبر موجود در قصر-آرامگاه گردآوری شدند.

دسته الف (متن ایلامی ۹-۱)

در این دسته، کتیبه‌هائی را گردآورده‌ایم که هنوز هم در محل اصلی خود در بخش واقع در درون حصار اول، باقی هستند یعنی در: زیگورات، عمارتهای مدور صحن‌ها، معابد واقع در وجه شمال غربی، دیوار حصار و «دروازه شاهی»^(۱).

۱ (لوح یکم، شماره‌های ۴-۱؛ لوح دوم، شماره ۱) (=Mém., 3, 20; 5, 20 bis (Suse); 32, 12)

این متن قبلاً دوبار منتشر شده است: یک بار و. شل V. SHEIL آن را بر اساس آجرهای یافته شده از شوش منتشر کرده است و بار دیگر م. روتن در پی اولین حفاریهای ر. د. مکتم در چغازنبیل. مضمون کتیبه در هر دو مورد همگون است. این بار که برای بار سوم آن را منتشر می‌کنیم از بُعد دیگری به آن می‌نگریم زیرا که تعداد قابل توجهی از این آجرها در محل اصلی خودشان، در روی دیوارهای زیگورات پیدا شده‌اند^(۲). ظواهر امر نشان می‌دهند که برج به صورت طبقه طبقه وقف شده است. همین وضعیت اجازه داد تا موفق به شناسائی نشانه zag، که تا به امروز شناخته نشده بود بشویم، و بفهمیم که این نشانه، هجای اول کلمه zag-ru-uu⁴ می‌باشد و کلید متن را ارائه می‌دهد.

متداولترین نمونه و تیپ، کتیبه‌ای ۶ خطی در روی یکی از وجوه مکعبی به ابعاد $36 \times 36 \times 9/5$ سانتیمتر یا نیمه آجری به ابعاد $36 \times 16/5 \times 9/5$ سانتیمتر است (مراجعه شود به لوح شماره یکم، تصویر شماره ۱). در روی آجرهای زوایا، متن در دو وجه و در ۵ خط ادامه می‌یابد. همچنین ربع آجرهائی نیز به شکل مربع (به ابعاد $16/5 \times 16/5 \times 9/5$ سانتیمتر) وجود دارند، که در روی دو وجه آن با ۶ خط نوشته شده است. این ربع آجرها در روی برجستگی دروازه‌ها به کار می‌رفته‌اند.

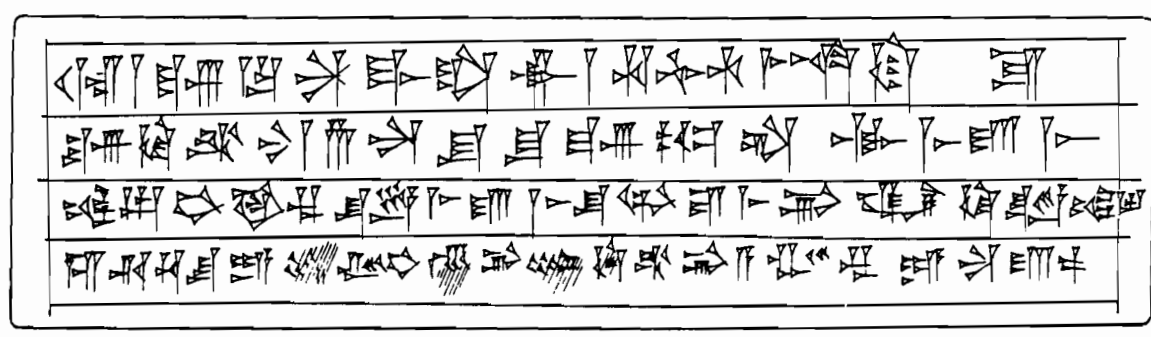
۱- همین فضا به تنهایی تعداد ۲۵۶۰ آجر کتیبه‌دار را در برداشت؛ ۲۵۱۹ آجر کتیبه‌دار از بین حصار اول و حصار دوم جمع‌آوری شد و ۱۷۸ آجر کتیبه‌دار نیز از بین حصار دوم و حصار سوم. در آخر همین کتاب به نقشه توپوگرافیک محوطه مراجعه شود (نقشه شماره ۱).

۲- هیچ متن دیگری در روی زیگورات سرجای خود پیدا نشده است. جزئیات قرارگیریهای متن ایلامی ۱: در وجه شمال شرقی: ۹۸ آجر؛ در وجه شمال غربی: ۵۲ آجر؛ در وجه جنوب غربی: ۳۵۳ آجر و در وجه جنوب شرقی: ۱۵۹ آجر. در مجموع ۶۶۲ آجر.

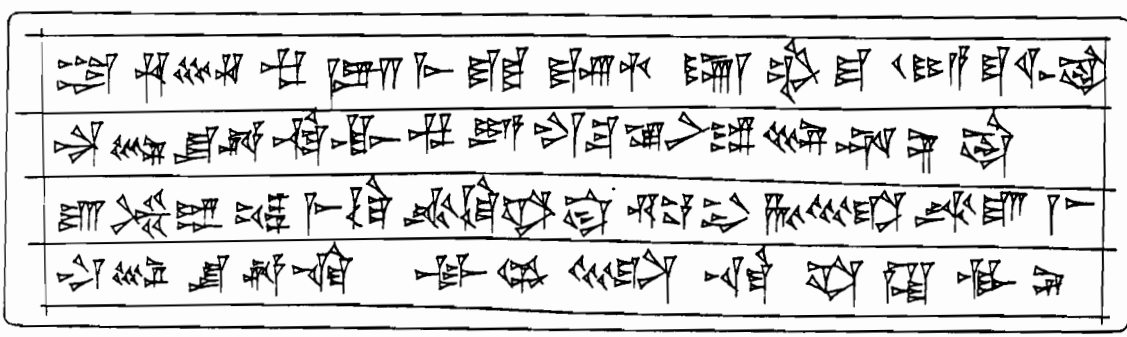
1) u un-taš-DINGIR.GAL ša-ak Ha-ban-nu-me-na-ki su
 u v^uuntašnapiriša šak Habannumena-k(i) of
 I PN son PN₂ of
 suffix secondaire
 متون ایلامی و آکدی ۲۲ Anzan šušun-ka چغازنبیل

2) UN-KI-ik An-za-an šu-šu-un-ka
 su-ki-k APPosition
 تنها مورد استثنائی آجری است که در داخل دیوار حصار اول («دروازه شمالی») کار گذاشته شده بود: متن کامل
 متن ایلامی ۱، که فقط ۵ خط را اشغال می کرد، فقط در روی یک وجه آن با حروف به هم فشرده حکاکی شده بود (۳۳×۷/۵ سانتیمتر).
 شکل و ترسیم آن بطور محسوسی با نوع متداول تفاوت داشت. آجرهای همگونی (۳۳×۳۲×۷/۵ سانتیمتر) در
 بازمانده های یک ورودی ابتدائی وجود داشتند که در سال ۱۹۶۵، وقتی که داشتند آن را مجدداً احیاء می کردند، در روی
 پلکان وجه شمال شرقی زیگورات بر حسب اتفاق پیدا شدند (لوح شماره یکم، تصویر شماره ۲، مراجعه شود به یادنامه ها).
 نشانه ای از حفاری کنار این در عیان کننده نشانه ای از بازسازیهای مهم این در است.

الف (لوح یکم، شماره های ۳-۴)



ù Un-taš^d GAL ša-ak Hu-ban-un-me-na-ki su - ۱
 un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka ta-ak-me ù-me - ۲
 tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-ga az-ki-it- tu₄-ur - ۳
 sah-ri hu-šu-ia in-gi hi-en-ga in-di-ig-ga a-gi si-ia-an ú-pa - ۴



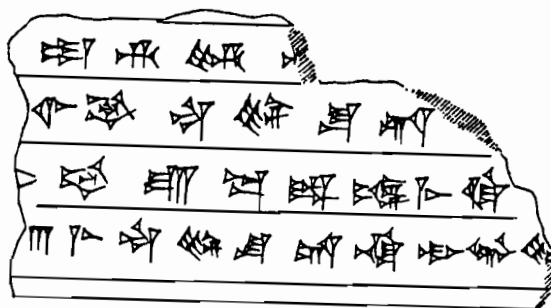
at hu-us-si-ip-me ku-ku-un-nu-um up-ku-mi-a ku-ši-ih - ۵

۶ - In-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-ra in du-ni-ih

۷ - ú zag-ra-tu₄-me ki-ik-ki-te-eh hu-ut-tak ha-li-ik ú-me

۸ - In-šu-uš-na-ak ul-li-na te-la-ak-ni

۱ ب (لوح شماره دوم، تصویر شماره ۱)



...]-at hu-us-s[i ...

...]-si-ih In-šu-uš-[...

...]-ih ú sig-ra-tu₄-me ki-[...

...]ú-me In-šu-uš-na-ak ul-l[...

متغیرها:

۱ - ū/ù

گاهی مواقع در مقابل کلمه اونتاش - گال (Untash-GAL)، شناسه تعیین کننده اسم خاص انسان، وجود ندارد. گوناگونی‌هایی که م. روتن (Mém., 32, p. 53) به آن اشاره کرده و جای واژه نگار (ایدئوگرام) GAL را می گرفته اند، ما در متونی که در اختیار داریم، پیدا نکردیم.

در جلوی عبارت Hu-ban-un-me-nu-ki دارای m/d/md هستیم، گاهی نیز شناسه وجود ندارد. ارزش تذکر برای پیگیری متون است. مجموعه کتیبه ها تمام گوناگونی های این اسم خاص را فراهم می آورند (لطفاً به فرهنگ لغات ایلامی [آخر کتاب] مراجعه شود).

۳ - šu-ul-lu-me-ga / šu-ul-lu-me-ka / šu-ul-lu-me-en-ga / šu-ul-lu-me-en-ka / šu-ul-lu-me (یکبار)

sah-ri / hu-š-a - ۴

hu-šu-ia / hu-š-a

in-gi / en-gi (یک بار)

hi-en-ga / hi-en ka / hi-ka / hi-ga

in-di-ig-ga / in-di-ik-ka / in-di-ga (یک بار)

si-ia-an / si-a-an

ku-ku-un-nu-um / ku-ku-ün-um - ۵

up-ku-mi-a / up-qu-mi-a / up-up-ku-mi-ia / up-qu-mi-ia / up-qu-me-ia

In-šu-uš-na-ak / In-šu-ši-na-ak - ۶

du-ni-ih / tu₄-ni-ih / du-ni (یک بار)

zag-ra-tu₄-me / sig-ra-tu₄-me - ۷

ul-ti-na / li-na - ۸

te-la-ak-ni / te-la-ak (نادر است)

« من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا *Humbannumena* شاه انزان و شوش، یک زندگی طولانی به دست آوردم، سلامتی من مساعد است، در نهایت... به سلاله/م نخواهم داشت. برای همین است که معبدی با طاقهای آجری ساختم، نیایشگاهی عالی و باشکوه؛ برای خدای اینشوشیناک، و من آن را به (رب) مکان مقدس هدیه کردم. من در آن زیگوراتی به سوی آسمان برافراشتم. باشد که کارها و اعمال من مورد قبول خدای اینشوشیناک واقع گردد! »^(۱).

۱ - اونتاش-گال *Untaš-d GAL*

به دلایل مطالب بعدی (ج. ز. ۹) است که - موقتاً - به این قرائت اشاره می‌کنیم. کاملاً معلوم می‌شود که محتوای معنی نام شاهانه عبارت است از: «خدای گال برایم برقرار کرد»، یعنی «برایم به وجود آورد» یا «مرا شاه نمود» زیرا کلمه *untash* از ترکیب دو جزء *un* و *taš* به وجود می‌آید: *un* (نشانه نسبت دادن چیزی به ضمیر اول شخص مفرد *u* است) + *taš* (نشانه سوم شخص مفرد از ریشه *ta-* به معنی «نهادن، گذاشتن» است). در مورد تفسیر کلمه *Hu(m)bannumena* چندان اطمینانی وجود ندارد؛ ژ. ژ. کامرون G.G.Cameron این تعبیر را پیشنهاد می‌کند: «من همان هومبان *Hu(m)ban* هستم» [مراجعه شود به: (HLA, p. 255, Index)]; با این همه، این تفسیر شکل *Hu-ban-ma-na* را در نظر نمی‌گیرد [نگاه کنید به: (M. PÉZARD, *ib.*, p. 45 : *Mém.* 15, p. 42 : 1)]; پایانه *k/gi* به نقش پسوند در حالت «بیانی» مربوط می‌شود که جذب ضمیر اول شخص مفرد شده است:

Untaš-d GAL šak Hubannumenaki sunkiki Anzan Šušunka ^(۲).

ta-ak-me. - ۲

۱- کلماتی که با حروف سیاه نوشته شده‌اند تأکید بر خاصیت تخمینی ترجمه دارند.

۲- مراجعه شود به: E.REINER, *Language*, ch. 4.2. همچنین مراجعه شود به R.LABAT, *Structure*, ch. 20.

این عبارت ضمناً در اکثر مواقع به صورت *d/ta-ak-ki-mi* دیده شده است؛ معادل بودن این عبارت با *balatu* آکدی آن به قدر کافی از عبارات گوناگونی استخراج می‌گردد که فرمولهائی از نوع *me...-me* (نام شخص) *ta-ak-ki-me ú-me a-ak* در آنها یافت می‌شوند. در این مورد مخصوصاً به کتیبه شیلهاک - اینشوشیناک مراجعه شود که به «تاکیم‌ها - *takkime* موسوم است (Mém. 3,47: 8 ss). در این جا، حروف آخر *-me*، پسوندی است که اسامی مجرد را می‌سازد؛ ولی وجود پایه‌ای مثل *-tak* به معنای «زندگی کردن»، موجب می‌شود که همیشه خطائی به وجود آید و فقدان را موجب شود^(۱).

۳ - *tu₄-ur hi-ih*

این دو کلمه باید جدا از یکدیگر باشند؛ *tu₄-ur* را در خط بعدی با *az-ki-it* مشاهده می‌کنیم و *az-ki-it* را نیز در متون ایلامی چغازنبیل (متن ایلامی ۳۶:۴) بدون *tu₄-ur* می‌بینیم. همچنین مراجعه شود به اسم خاص *mT e-im-ti tu-ur qa-taš* (Mém., 3,49: 14).

hi-ih صورتی از فعل اول شخص مفرد است؛ باب اول صرف افعال^(۲)؛ این عبارت با صفت فاعلی در خط ۴ چنین است: *hi-en-ga*، با فعل تمنائی در متون ایلامی چغازنبیل شماره ۲:۵ چنین آمده است: *hi-ih-li/ni* همین فرمول با *sunkime* بکار رفته است (متون ایلامی چغازنبیل، شماره‌های ۲:۲؛ ۲۵:۲؛ ۲۶:۲؛ ۲۷:۶؛ ۲۸:۳؛ ۲۹:۵ و غیره). همه این عبارات حاوی مفهوم «گرفتن، به دست آوردن، داشتن» هستند، که بطور وضوح در جمله زیر ظاهر می‌شود:

ù e-ri-en-tum₄ e si-ia-ah a-ak hi-ih-hi که ترجمه آن چنین است: «من آجر آن را (با کتیبه کوک - ناشور Kuk-Nashur) دیدم و گرفتم...» (Mém., 5. 78: 21)^(۳).

۱- در ایلامی - هخامنشی برای «زندگی کردن» کلمه *kata/u* را داریم. در کتیبه بیستون *ka-tak-ti-ni* (DB 60;75) و *ka-tuk-ti-ni* (DB 66: 87) آمده است.

۲- به عنوان مثال، از قول Richard T. HALLOCK نقل می‌کنیم که نظامی از صرف افعال ایلامی را مطرح کرد که به نظر ما خطوط عمده آن کاملاً درست است. ما غالباً به دو تحقیق او به نامهای زیر مراجعه می‌کنیم:

The Finite Verb in Achaemenid Élamite, JNES, 18 (1959), pp. 1-19.

The Verbt Nouns in Achaemenid Elamite, Studies in Honour of B. Landsberger, Chicago, 1965, pp. 121-125.

۳- V. Scheil در همه جا با فرض کردن کلمه *sunkim*، گروه *turhih* را «گرفتم، درک و احساس کردم» ترجمه کرده است (Mém., 3, p. 31). M. PEZARD آن را «خواستن، تصمیم گرفتن» ترجمه کرده (Mém., 15, p. 64)؛ W. HINZ آن را «ich wünschte» (آرزو کردم، مشتاق شدم) ترجمه کرده (Ar. Or. 18 (1950), p. 290). مراجعه شود به:

W. HINZ, *Elams Vertrag mit NArâm-Sin von Akkade*, ZANF, 2r (1967), pp. 66-96. P. 84:

hi-h"betete ich". (ادعا کردم)

این مقاله مهم را وقتی شناختیم که فرم سوم این کتاب برای تصحیح در اختیارمان قرار گرفته بود.

Tu₄-ur: متوسل شدن به پایه *tu/ir*، به معنای «حرف زدن، گفتن»، احتمالاً از این امر مستثنا می‌باشد. پیوند آن با عباراتی مثل *tak(ki)me, sunkime, kitti, ma* (*Mém.*, 3, 19: 5-6) بیشتر مفهوم «طول زمان، دوره، پایداری» را به یاد می‌آورد، که بیانگر عبارت *dûru(darû)* آکدی است. اصطلاح *ana dûr u pala* که در قراردادهای شوش مرتباً و متناوباً بکار رفته است، (*Mém.*, 22. 50:11; 51: 13, etc.) توانسته به تحول و استحاله و همچنین به ماندگاری این کلمه آکدی مساعدت نماید.

si-it-me: همانطور که در مورد *takme* دیده شده است، در این مورد نیز توافق شده بنا بر ساختمان نحوی جمله، مترادفی برای *šalamu* آکدی به معنای «خوب بودن، سلامتی» دیده شود.

Šu-ul-lu-me-ga: تحلیل این عبارت دشوار است. به نظر V. SCHEIL این کلمه از کلمه سامی *šullumu* گرفته شده است (*Mém.*, 3, 19: 5-6). البته این عبارت به شکل *šu-ul-ma-ga* نیز دیده می‌شود (*RA*, 14, p. 41, face 1:5)، و به این ترتیب می‌توان *šul-ma-k(a)* را تقطیع کرد و به دومین باب صرف فعل وابسته نمود^(۱) که در آن عنصر *-ma-*، با ارزش استمرار مداوم، به ریشه وصل شده است. در همین معنا، گونه *šu-ul-lu-me-en-g/ka* ما را به سوی شکلی از اسم فاعل یا صفت فاعلی باب سوم صرف فعل رهنمود می‌دهد که عبارت است از: *šu-ul-l(u) + m(a) + (a)n + k(a)*. ماندگاری این شکل را در ایلامی - هخامنشی عبارت *š-ra-man-ka* تأیید کرده است (*Fort.* 6745; *J N E S*, 18, p. 17). بنابراین، در ایلام میانه یک پایه *šul-* خواهیم داشت که در *Mém.*, 5, 87:3 آن را به مثابه گونه‌ای از فعل *du-uh* یعنی به این صورت *a-ak za-ab-be šu-li-ih* می‌یابیم. معنای «برداشتن، بدست آوردن» برای *du-* در ایلامی - هخامنشی کاملاً تأیید شده است (مراجعه شود به *PTT*, p. 211؛ لذا ترجمه گروه *sitme. ume šullumenka* چنین خواهد شد: «من سلامتی را به دست می‌آورم، من از سلامتی متمتع می‌شوم» که مفهوم «سلامتی من مساعد است» از همانجا ناشی می‌شود.

۳-۴. به نظر ما، پیشنهادی که اساس آن مبتنی بر عبارت *az-ki-it...* است، در تمام تفسیرها و تعبیرهای ادبی دوام دارد. عبارت پایانی *in-gi hi-en-g/ka* مفهوم یک عنصر منفی را ایجاب می‌کند به این معنی که *ingi* از نفی *in-* و پیشوند شخصی اول شخص *k: in-k(i)* ترکیب شده است^(۲). *Hi-en-g/ka* یک اسم فاعل از اول شخص مفرد از *hi-* است. این فرمول ساده شده را در متن ایلامی ۳۶:۴ به صورت *az-ki-it hu-šu-ut-ta in-gi hi-en-ga* باز می‌یابیم. بنابر این، عنصری که نفی را ایجاب می‌کند الزاماً یا *azkit* یا *hušu-* است. در عبارتی مشابه از کتیبه‌ای که متعلق به شیلهاک - اینشوشیناک است (*Mém.*, 3, 49[^] 22-24)؛ یک بار کلمه *pu-hu* جایگزین کلمه *hu-šu-ia* می‌شود و بار دیگر کلمه *pu-ri-e* جانشین آن می‌گردد. معنی «پسر، سلاله»، در مورد *puhu* تردیدی به جا نمی‌گذارد (من باب مثال درباره ایلامی - هخامنشی مراجعه شود به *PTT*, p. 36)؛ به نظر ما چنین می‌رسد که *hušu-* و *puri-* باید دارای معانی مشابه باشند^(۳)؛ در این صورت

۱ - مراجعه شود به: REINER, *Language*, Ch. 5.2.2

۲ - مراجعه شود به: REIER, *Language*, ch. 5.2.2

۳ - در همین معنی مراجعه شود به: HINZ, *Hanne* p. 108, n. 2; SCHEIL, *RA*, 14, p. 38s; در معنی مخالف آن

مراجعه شود به: M. Lambert, *Ir, Ant.* V. p. 29 s.

ارزش منفی آن توسط *azkit* نشان داده شده است یعنی شاه به خود اطمینان می‌دهد و اعلام می‌کند که پایان سلاله خود را نخواهد دید. RUTTEN از ریشه *zuku* به معنای «منهدم کردن، پاک کردن»، به *azkit* نزدیک می‌شود (Mém., 32. p.).⁵¹ گنجانده شدن *tu₄-ur sah-ri*، که هنوز هم به صورت غیرقابل تفسیر باقی مانده است، نمی‌تواند معنای عمومی جمله را تغییر دهد.

۴ - *in-di-ig-ga/in-ti-ik-ka* :

معادل ایلامی - هخامنشی *hu-uh-be in-tuk-ki-me* به معنای «به این دلیل» است (فارسی قدیم آن *avahyaradiy* است)^(۱).

۴-۵. *si-ia-an ú-pa-at hu-us-si-ip-me.*

در حال حاضر عبارت *upat* به معنای «آجرکاری-آجر» پذیرفته شده است: عبارت *upatipi* که در متن ایلامی ۶: ۳۱ وجود دارد به آکدی ترجمه شده و در متن ایلامی ۸: ۳۲ به شکل کلمه *libbitu(m)* آکدی آمده است.

عاقبت و. شل، کلمه *hussip* را به مثابه جمع *husa* به معنای «دیواره، دیوار» تعبیر کرد (Mém., 11,99:5.p.74)^(۲). ما چنین می‌اندیشیم که هنوز هم باید مفهومی را که قبلاً G. G CAMERON برای *hussa*، به معنای «چوب» در نظر گرفته بود، حفظ کرد^(۳). پیشنهاد می‌کنیم در مقاله‌ای که مجله *اوریاتالیا* (Orientalia) آن را بطور پیوسته خواهد کرد، عبارت *hussa-me* مورد توجه قرار گیرد. این عبارت در جملاتی ظاهر می‌شود که در آنها مسئله بازسازی بناهای منهدم شده به مثابه یک عنصر ساختمانی، غیر از دیوارها، مطرح هستند. در متون مشابه، چوب فقط می‌تواند بیانگر قطعات چوب بندی‌ای باشد که یا سقف را تشکیل می‌داده‌اند و یا نگهدارنده سقف بوده‌اند. پس از آن، در اثر تحولات معنایی، این کلمه معنی «ستون بندی» و سپس بطور عام «پوشش» به خود گرفته است. متنی که ما به آن اشاره می‌کنیم متن مربوط به *Mém., 5,71.col.3:4* است که نمونه‌ای از آن چنین است:

E-kal-la-at si-ia-an me hu-sa-me ha-la-at-ia ku-ši-ik a-ak mi-šir-ma-na ù e-ri-en-tum₄-ia

be-ip-ši-ih، به معنای «در اکالات، من سقف معبد را که با خشت ساخته و خراب شده بود، آن را با آجر بنا کردم و بازسازی نمودم». پوشش خشتی یک بنا، (که این پوشش یا از خشت باشد یا از آجر) فقط می‌تواند یک سقف گنبدی باشد. بنابراین، در مورد گروه *siyan upat hussip.me* بر این باوریم که توانسته‌ایم به ساختار معکوسی نزدیک شویم که ترجمه زیر است:

۱- مراجعه شود به: «um willen» HÜSING, Quetten, p. 47 و HINZ در (Ar. Or. 18, p. 286 s.) پیشنهاد

می‌کند که با ایلامی - هخامنشی *tik-* از 13,18 : DPf به معنای «خواستن»، به آن نزدیک شویم. همچنین مراجعه شود به به مأخذ: *FRIEDRICH, Or. NS, 18 (1949), p. 18*

۲- در نهایت مراجعه شود به تعبیر و تفسیر M. LAMBERT, Ir. An. V. p. 29: که *hussip* را «ورودی» معنی کرده و به

مثابه مخفی برای *hut-sip* «محل ورود» دیده است. از نظر HINZ, (Or. NS, 31, pp. 34-44) «شاخ»، به منزله عنصری تزئینی معابد

ایلامی معنی می‌دهد، که چندان قانع کننده نیست. HIA, p. 125, et n. 3 - مراجعه شود به

«معبدی برگنبد‌های آجرها».

ku-ku-un-nu-um up-ku-mi-ia - ۵

عطف موجود بین فاعل *siyan* و فعل *kuših*.

kukunnum یک شکل ایلامی از *gi-gû-na/gi-gun₄-na* سامی است که آکدی آن *gegu(n)nû* است. در کتیبه‌ای به زبان آکدی، این لغت به صورت *ku-ku-un-na-a* نوشته شده است (متن ایلامی یکم شماره ۲)؛ مفاد و مضمون قسمتهائی از این متن در متن ایلامی ۴،۳،۲ پیدا می‌شود: اندیشه نگار *ulhi* در اینجا به جای *kukunnum* به کار رفته است. داده‌های باستانشناختی با احتمالات زیادی معادل بودن دو مفهومی را تأیید می‌کنند که هر دو نشانگر نیایشگاه ساخته شده در قلعه زیگورات هستند (مراجعه شود به متن ایلامی ۲).

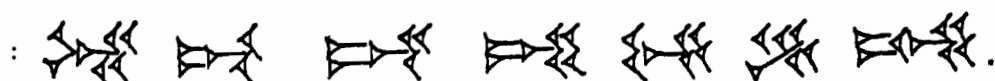
upk/qumiya در ج. ۲: ۳۳ صفت *upk/qumiya* بیانگر کیفیت معبد اینشوشیناک است بدون بیان دقایق دیگری از آن معبد. به نظر و. شل عبارت است از نامی از یک ماده است (*Mém.*, 3, p. 37,38) که در جای دیگر نیامده است. فرضیه استقرار نشانه *upqu* اکادی از واژه *epêqu* به معنای «محکم بودن، جسیم»، که ضمناً بنابر اظهار نظر شدن بیانگر «برافراشته شدن» نیز هست (W. von SODEN, *AHW*, s. v. *epêqu(m)*) شاید غیر قابل تردید باشد.

si-ia-an ku-uk - ۶

این اصطلاح، همانطور که G. HÜSING (*Quellen*, p. 47) و V. SCHEIL (*Mém.* 10, p. 86; 11, p. 13) آن را بخوبی دیده‌اند، بیانگر محل اختصاص یافته به معابد خدایان اصلی در محوطه ایلامی است. معنی تحت‌اللفظی آن چنین است «کسی که از معبد نگهداری، از آن حمایت می‌کند» (*kuk-, kukt-* به معنای «نگهبانی کردن، حمایت کردن») از طریق اشاره به حصار حاصل می‌شود که تمنوس را، که نیایشگاهها در آن جمع شده‌اند، محدود می‌کند. *si-ia-an ku-uk-ra* می‌تواند چنین ترجمه شود: «شخص *siyan kuk* خدائی که در مکان-مقدس اقامت دارد، خداوندگار مکان-مقدس».


zag-ra-tu₄-me - ۷

تا امروز، اولین نشانه این کلمه به گونه‌های مختلفی تعبیر شده است^(۱) در متنی که ما در اختیار داریم، این کلمه به صورت زیر آمده است:

: 

۱- مراجعه شود به HÜSING, *Quellen*, n. 12, p. 48: *pir* و SCHEIL, *Mém.*, 3, p. 37; 5, p. 88: *am*.

مراجعه شود به RUTTEN, *Mém.* 32, p. 83: *SIR(?)*

پیشنهاد کرده‌ایم که در آن خطی را ببینند که خاص ایلام بوده است، خطی که با جرح و تعدیل چند شکل از اشکال خطی عصر اولین سلسله شاهی بابلی به دست آمده^(۱) و نشانه آن چنین  zag/k/q است. در ضمن، توانستیم آجرهای کتیبه داری را که R. de MECQUENEM در پی عملیات حفاری که در چغازنبیل انجام داد، در شوش گردآورده بود، دوباره پس بگیریم و آنها را به صورت مجموعه در آوریم. تکه‌ای که با نشانه TZ 1 B نشانه گذاری شده و از همین مجموعه حاصل شده است، در برگرفته تنها تنوع ترسیمی است که ما آن را sig^(۲) خوانده‌ایم. این عمل مؤید قرائت کلمه «زیگورات» در متن خودمان است که با املاء نویسی ziqqurratu/sequrratu/ziqratu آکدی مشابهت و همخوانی بیشتری دارد. معذالک، به دلایل خط کهن (سنگ نگاری یا پالئوگرافیک) پیشرفته فوق، ارزش ZAG را بری نشانه‌ای بکار می‌بریم که مطابق عادت بکار برده می‌شود.


ki-ik-ki-te-eh

بر اساس بنیادهای شناخته شده ای مثل kit- «بودن» یا ki- «دنبال کردن»، که در ایلامی - هخامنشی مورد تأیید هستند، در نظر گرفتن این شکل دشوار است. بر اساس گونه‌هایی چون zu-ur-táh یا mu-ur-táh، به نظر می‌رسد که فرضیه یک فعل ترکیبی رجحان دارد^(۳). این نمونه آخر، که یکی از ترکیبهای آن، یعنی mur دارای معنی «خاک» است، خود را به مثابه نوعی از روش آنتی‌تز عبارت ki-ik-ki-te-eh معرفی می‌کند که می‌توان آن را به صورت: kik+ta تحلیل کرد. در ایلامی - هخامنشی همانطور که معنی «گذاشتن، جای دادن» برای پایه t/da پذیرفته شده، معنی «آسمان» نیز برای kik کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است (من باب مثال مراجعه شود به NRA 1:2). تکرار k یک شیوه نوشتاری است و بیانگر حضور یک حرف صدادار پیوندی /i/ بین عنصر اسمی و پایه فعلی است^(۴). هجای پایانی teh، که در جای دیگر tih دیده شده است (ج. ر. ۲۲:۵)، احتمالاً یک واژه گونه است. نهایت این که ترجمه پیشنهاد شده، یعنی: «زیگوراتی را به سوی آسمان برافراشتم» به تعداد زیادی از اصطلاحات سومری یا اکادی مربوط می‌شود که در همین

۱- به عنوان مثال مراجعه شود به:

Ch. FOSSEY, *L'Évolution des Cuniéformes* (= *Manuel d'Assyriologie*, t. II. Paris 1926)

nos. 21 287, 21 295.

و همچنین مراجعه شود به: F. W. KONIG که توانست در آخرین *Corpus* (EKI) متون چغازنبیل را داخل کند. در آنجا نشانه  مشاهده می‌شود که به نظر ما بدون مبنای پالئوگرافیک است.

۲- با FOSSEY, o.c., no. 34 185 که در بین دیگران مقایسه شده است.

۳- در این مورد مخصوصاً مراجعه شود به Mém., 3, 54, cil. 2: 4; 55, champ II: 1 در عناصر هخامنشی دارای یک شکل

گیری مشابه هستیم zikkida (DB, 14: 47, 50, 53), da + «جای دادن» zikki- «گذاشتن، ارسال کردن». مراجعه شود به HALLOCK, JNES, 18, p. 19

۴- خط مشابه را در Mém., 3, 57: 4 می‌بینیم pinigir ki-ik-ki gi-li-ir-ra

مناسبتها به کار رفته‌اند^(۱).

۷-۸. بند انتهائی *hu-ut-tak ha-li-ik ú-me...* با عبارت *elukkunu lillik*... (نام خدا) (نام خدا) *ša épūšu ū ša* *anahu ū* به آکدی برگردانده شده است (متن ایلامی ۶-۵:۴؛ متن ایلامی ۶-۵:۵)، معذالک به نظر می‌رسد که این ترجمه نیز چندان و بطور دقیق تحت اللفظی نباشد. به این ترتیب، عنصر *hal* قبل از این که مفهوم «خسته شدن، به زحمت افتادن» زبان آکدی باشد، که واژه آن *anāhu* است، بیشتر القاء کننده معنای «عمل کردن، ساختن، کار کردن» است (مقایسه شود با: *Mém.*, 3, 57,3 و *TZ 53 A : 5*).

alāku-(نام شخص) *eli* آکدی چرخشی است که به «پسندیده و دلچسب بودن، مطبوع» ترجمه شده است (مراجعه شود به «مطبوع بودن، مطبوع»، *CAD*, s. v. *alāku*, p.321,10'). بنابراین معادل ایلامی آن لزوماً واژه به واژه اصطلاح آکدی آن نیست.

در گروه *(ul)lina telakni*، نشانه‌ای که بیانگر مجموعه باشد بستگی به تعبیر و تفسیر عنصر اول یعنی *lina* دارد. به نظر *E.Reiner (Language, ch. 8.1; 9.1.3.1)* این موضوع عبارت است از یک ساختار مکانی است که از یک «عنصر جهت دار» *-lina-* و یک ضمیر شخصی تشکیل شده است: *un-lina/in-lina* به معنی «برای تو» است. اگر از *lina* فعل *di-* که معنی آن «دادن، هدیه کردن» است (مراجعه شود به *PTT*, p. 207) استفاده شود، می‌تواند در شکل مصدری آن (باب سوم صرف افعال، گونه *(a)huttan*)، معنی و مفهوم و بیان دیگری از آن مستفاد شود^(۲). در تعدادی از متون به شکل ساده *lina* بر می‌خوریم (مراجعه شود به *TZ 1 : 8, var. ; 26: 5 etc.*)؛ ضمیر شخصی مفرد، که در قبل قرار می‌گیرد، بطور شگفتی آوری تغییر می‌کند، مثل: *ul/il/un* و شاید هم *ú* (متن ایلامی ۱۶:۵۳ الف)؛ همین موضوع اگر در حالت جمع و در حالت مفعول به باشد، ضمیر در آخر قرار می‌گیرد، مثل: *lina apun* (*li-na-pu-un*, *TZ 31:4; 32:5; 50:2*). احتمالاً در پیشوندهای مفرد باید شکل مشابهی از ضمیر سوم شخص مفرد *-il > -in > -ir* را دید^(۳). در مورد *tela-* می‌توان بین معنی «رفتن» (*=alāku*) یا «پسند آمدن، پذیرفتن» مردد ماند. معذالک تحریر آکدی، معنی کلی جمله را برایمان بازگو می‌کند.

۱- مراجعه شود به: 16 : IX colonne, *Les Cylindres de Gudéa*, Paris 1905, Cyl. A, که در آن آمده است: «[این] معبد، همانند کوهی در آسمان و روی زمین، او آن را به سوی آسمان برافراشت».
در *Cyl. B, colonne XXIV: 9* آمده است: «معبد همانند کوهی بزرگ به سوی آسمان ساخته شده است».

۲- مراجعه شود به: 32 : V. p. *Ant.*, *M. LAMBERT, Jr.*

۳- این موضوع احتمالاً می‌تواند ناشی از نوعی اختلاط در شیوه کاربرد باشد، که کاربرد آن در بکار گیرین این پیشوندها نادر نیست.
مراجعه شود به: 6.1.1.1, *ch. Language*, *REINER*.

۲ (لوح شماره دوم، شماره‌های ۲-۳)

(= *Mém.*, 32, VIII et IX)

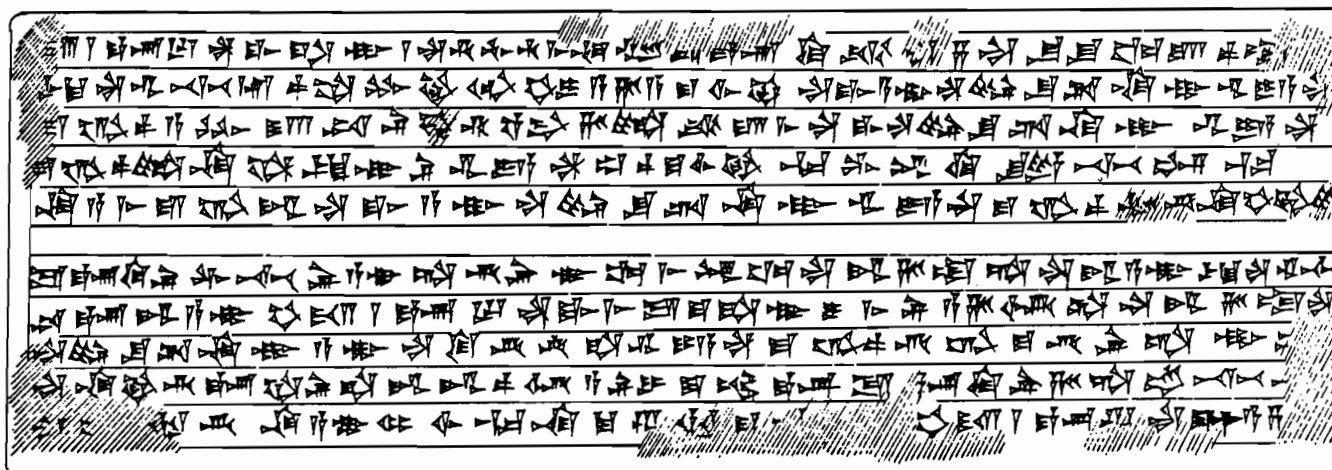
کتیبه‌های ایلامی یا آکدی که تحت شماره‌های متن ایلامی ۲، ۳، ۴ و چ. I، II و III گروه بندی شده‌اند، گروه همگونی را به لحاظ محل کار، محتوای متون و الگوی مواد تشکیل می‌دهند. اگر متن ایلامی ۳۱ و ۳۲ را مستثنی کنیم، که شکل بزرگی هستند که در دروازه‌های مجلل شهر بکار رفته‌اند، ابعاد متوسط کتیبه‌ها در همه جا $۳۶ \times ۳۶ \times ۹$ سانتیمتر است در حالی که ابعاد آنها در اینجا $۳۸/۵ \times ۳۹ \times ۱۲$ سانتیمتر می‌باشند. آجرهای زوایا به ابعاد $۲۴/۵ \times ۱۷ \times ۱۲$ سانتیمتر (متن ایلامی ۲) و به ابعاد $۱۸ \times ۱۸ \times ۱۱/۵$ سانتیمتر شاهی برکنده شدن از نوع برجستگی و تغییر ناگهانی دروازه‌ها یا کنگره‌های تزئینی هستند. حاصل شدن اکثریتی از این متون ما را به این فکر می‌اندازد که آنها به یک مجموعه معماری تعلق داشته‌اند و مکان آنها باید در قله برج مطبق بوده است^(۱). در جریان حفاری و خاکبرداری و آزاد سازی قسمتهای مرتفع زیگورات بود که این آجرهای کتیبه‌دار و همینطور متون آکدی (متن آکدی I، II و III) و آجرهای لعابدار (کاشی) با انعکاس طلائی و نقره‌ای، با رنگهای الوان را گردآوری نموده‌اند که هر دو دسته کتیبه‌های ایلامی و آکدی به آنها اشاره می‌کنند. این مواد متعلق به یک بنای اختصاص یافته بوده که در یک مورد (متن ایلامی ۲، ۳ و ۴) به نام *ulhi* گفته شده و در مورد دیگر (متن ایلامی I) توسط کلمه *kukunnû* مشخص شده که به نظر ما هر دو تنها به یک بنای واحد اطلاق می‌شوند.

۱- جزئیات قرارگیری این آجرهای کتیبه دار، بر اساس وجوه زیگورات، مطابق با جدول زیر است:

شمال شرقی	شمال غربی	جنوب غربی	جنوب شرقی	جمع
۱۵	۱۳	۱۱	۳۱	متن ایلامی ۲
۱	۲			متن ایلامی ۳
۸	۹	۱۳	۱۳	متن ایلامی ۴
۳	۴	۵	۴	متن آکدی I
۴		۱	۵	متن آکدی II
۱				متن آکدی III
۳۲	۲۸	۳۰	۵۳	جمع....
				۱۴۳

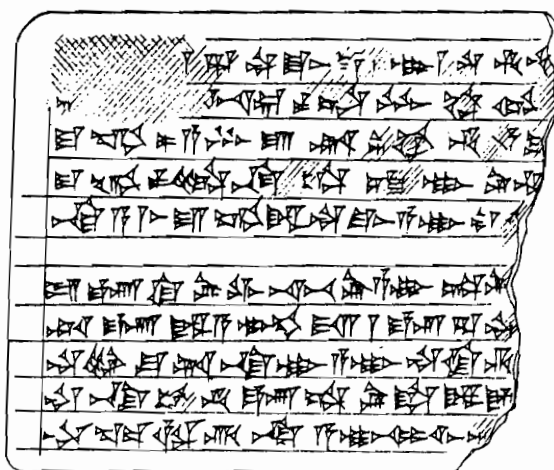
این رابطه‌ها تا حد زیادی منظم هستند؛ وجه جنوب شرقی نشانگر یک مسیل عمیق بود- بازمانده پلکانی که از طبقات بالا می‌آمده- که همین مسیل تعداد زیادی از آجرهایی را که از نوک زیگورات آمده بود، با خود برده است.

چ. ز. ۲. الف. (لوح دوم، شماره ۳)



1. ú ᵐUn-taš-ᵈGAL ša-ak ᵐᵈHu-ban-nu-me-na-gi [s]u-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-ka ú-pa-at
2. la-an-si-ti-ip-pa te-pu-uh ul-hi i a-ha-a ku-ši-ih ᵈGAL a-ak ᵈIn-šu-uš-na-ak si-ia-an
3. ku-uk-pa a-pu ú du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik-ú-me ᵈGAL ᵈIn-šu-uš-na-ak si-ia-an
4. ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni si-ia-an ap-pa ku-ši-ih-ma pi-el ki-it-ti-im-ma
5. na-a-me-lu-uk-ra ᵈGAL a-ak ᵈIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa gi-ri-na hi-ih-l[i]
6. su-un-ki-ir pi-ti-ir a-ak ta-ri-ir ak-ka me-el-ka-an-ra ha-at-ta-an-ra a-ak la-an-si-ti-[e]
7. du-un-ra a-ak hi-iš ᵐUn-taš-ᵈGAL-me su-ku-ša-ak i-me-ni a-ha-ar ta-an-ra ha-at ᵈ[GAL]
8. ᵈIn-šu-uš-na-ak a-ak ᵈKi-ri-ri-ša si-ia-an ku-uk-pa ri-uk-ku-ri-ir ta-ak-n[i]
9. ᵈNa-ah-hu-un-te ir-ša-ra-ra pa-ar a-ni-i ku-tu₄-un su-un-ki-ir Ha-ta-am-ti-i[r]
10. an-k[a] ru-ri-na a-ak mi-ši-ma-na ku-ur-ru ku-d[u-ni a-ak] hi-iš ᵐUn-taš-ᵈGAL-me a-ha
[ta-áš-ni]

متن ایلامی ۲ ب (لوح دوم، شماره ۲)



1. ...U] n-taš-^dGAL ša-ak ^mHu-ban-[...
2. la-[an-si]-ti-ip-pa te-pu-uh ul-[...
3. ku-uk-pa a-pu ú du-ni-ih hu-ut-[...
4. ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni si-[...
5. na-a-me-lu-uk-ra ^dGAL a-ak ^dIn-[...
6. su-un-ki-ir pi-ti-ir a-ak ta-ri-[...
7. du-un-ra a-ak hi-iš ^mUn-taš-^d[...
8. ^dIn-šu-uš-na-ak a-ak ^dKi-ri-[...
9. ^dNa-ah-hu-un-te ir-ša-ra-ra[...
10. an-ka ru-ri-na a-ak mi-ši-m[a-...

Var.

1. Šu-šu-ka rare) / Šu-šu-un-ka
2. ul-hi i / ul-hi, plus fréquent sans le i.
3. hu-ul-lak / hu-ul (1 fois).
4. ap-pa: quelquefois omis.

5. *hi-ih-li* / *hi-ih-ni*.
6. *su-un-ki-ir* / *su-un-ki* (1 fois).
ha-al-la-an-ra / *ha-al-an-ra*.
9. *Na-ah-hu-un-le* / *Na-ah-hu-le* (rare).
a-ni-i / *a-ni* (moins fréquent).
10. *ku-du-ni* / *ku-uš (?) -ni*.

« من اونتاش-گال ... »

من آجرهای طلائی را حکاکی کردم، من در اینجا این «مأوا» را بنا کردم؛ برای خدایان گال و اینشوشیناک این مکان مقدس را هدیه کردم. باشد که اعمال و کارهای من که هدیه‌ای است برای خدایان گال و اینشوشیناک این مکان مقدس مورد پذیرش آنها قرار گیرد!

در معبدی که من بنا کردم، در جریان سالها و روزهای متعدد، از خدایان گال و اینشوشیناک است که من مرحمت و مساعدت می‌گیرم!

شاه دشمن و مخالف که (این معبد) را ویران و واژگون خواهد کرد، که طلای آن را خواهد کند و که پس از پاک کردن نام اونتاش-گال نام خود را جای خواهد داد، باشد که خشم و غضب خدایان گال، اینشوشیناک و کی‌ری‌ریشا بر او فرود آید! او در زیر خورشید اولاد و احفادی نخواهد داشت! (در مورد) یک شاه ایلام، وقتی که (این معبد) ضایع شود و به خرابی بیفتد، باشد که او آن را مرمت نماید و نام اونتاش-گال را سر جای خود بگذارد.

۲ - عبارت *lansit*-بیانگر *upat* به معنی «آجر» است. ساختاری مشابه در کتیبه‌ای که متعلق به شوتروک ناهونته (2) : *Mém., 3, 27* است چنین آمده است : *ú-pa-at ak-ti-ip-pa*. کلمه *akti*-مواد -بدل چینی سیلیسی - را مشخص می‌کند که تعدادی آجر و گل میخ نقشی که در شوش در سطوح قبل از اونتاش-گال به دست آمده، با آن ساخته شده‌اند^(۱). احتمال دارد در اینجا نیز عبارت *lansit*-به ماده آجرها مربوط باشد؛ این کلمه یا این عبارت را در بیشتر عبارات همراه با پایانه ابزاری *-ia, -ma(imm-ma), -n-ni* می‌بینیم (*Mém., 5, colonne 2: 8 ss; colonne 2: 6 ss, Mém., 3, 55: 19 ss, 71*). این کلمه بیانگر اشیاء بسیار متنوعی است مثل ظروف، ستونها، حوضها، دروازه‌ها، سکوها، نیایش (؟) و سایر قسمتهای نیایشگاه که بدون تردید با آجر ساخته شده‌اند. در *Mém., 3, 56: 3-4* بنائی که در آنجا مطرح است دقیقاً همان بنائی است که این متن از آن صحبت می‌کند: *ul-hu la-an-si-ti-ia*، که ضمناً معادل *kukunnum lamsidiya* متن ایلامی ۲ : ۳۲ است.

بنابراین، ترجمه باید پاسخگو و برآورنده سلسه‌ای نسبتاً متنوع از انطباقها باشد. بر اساس متنی از Béhiston (در

معانی «اکنون»، «جدید»، «تازه» برای آن پیشنهاد شده است^(۱)، این پذیرش به دشواری می تواند شامل حال مجموعه مواردی باشد که در بالا به آنها اشاره شد. مشروط بر آن که آن را به عنوان فرضیه کار تلقی کنیم، فرض آقای LAMBERT که به معنی «طلا» برای عبارت *lansit-* نزدیک می شود، به نظر ما چنین می رسد که این فرضیه بیشتر با مفاهیم و کاربریهای کلمه انطباق می یابد^(۲). وجود آجر «طلائی» یا «با پرتو طلائی» از طریق کتیبه آکدی متن آکدی I: ۴، ۱ در چغازنبیل مورد تأیید قرار گرفته است. این مواد گرانها پوشش *kukunnû* را تشکیل می داده، که بر همین مبنا نقادی ایلامی قبلاً چنین گفته است: *ku-ku-un-nu-um la-an-si-di-ia- a-ha- ku-ši-ih* (متن ایلامی ۳۲:۲). لذا شناسائی *ulhi/kukunnû* که بر پایه دیگری پیشنهاد شده است، تکیه گاه دیگری در فرضیه *lansit-* = «طلا» پیدا می کند. از طرف دیگر، اشاره به چپاول طلا، که در متن آکدی I: ۵ به این صورت آمده است: *ša huras-sù... inaššuma* در خطوط ۶-۷ متن خودمان نیز به این صورت: *akka lansiti.e dunra* دیده می شود. ضمناً این ترجمه توضیحی اقناع کننده از یک سری کتیبه را فراهم می کند که در آنها کلمه *lansit-* احتمالاً به مجسمه های خدایان مربوط می شود (متن ایلامی ۱۰:۳؛ ۱۳:۳؛ ۱۵:۳، و غیره^(۳)).

te-pu-uh که به صورت *ti-pu-uh* نیز نوشته شده است (3; 55 Champ II a : 2; 5, 87: 3) (*Mém.*, 3, 26: 3). و. شل آن را «قالب گرفتن» ترجمه کرده است. معنی ای که از کلمه *tuppu* («تابلت یا لوحه» <sum. DUB) آکدی مشتق شده، به نظر کاملاً متحمل می رسد و معانی «حکاکی کردن، ثبت و مکتوب کردن» از همانجا می آیند؛ موصوف *tuppi, me* هم در ایلام میانه مورد تأیید قرار گرفته است (58: 96; 53: 18, 5; 65: 5) (*Mém.*, 5, 65: 5; 11, 92, Rev., colonne 2: 18, 53; 96: 58) و هم در ایلامی - هخامنشی (*DB 70 : 2, tuppi: DB 66: 85, etc.*). صورت نوشتاری *tipi-* برای *tuppi/tippi* بخصوص در ایلامی متأخر ظاهر می گردد (5: 96; 6: 21; 5: 17; 9: 5) (*ti-pi-ka, Mém.*, 9, 17: 5; 21: 6; 96: 5) (*ti-pi-ra, Mém.*, 3, 64: 23; RA 14, p. 34; Suser.: 4; *ti-pi-ka, Mém.*, 9, 17: 5; 21: 6; 96: 5). در کتیبه بند مفرغی شیلهاک - اینشوشیناک نیز مورد تأیید قرار گرفته که در این باره مسئله بر سر کار آجر نیست. عبارت چنین است: *halli tippi aha tipikni* که آن را می توان به این صورت گفت: «باشد که آنچه که حکاکی شده، در همانجا به صورت حکاکی بماند» (*Mém.*, 5, 77 colonne 9: 10).

ul-hi بنائی که در خط ۴ به نام *ul-hi* نامیده شده به مثابه یک «معبد، نیایشگاه» (*siyan*) تصور شده است. در سری متون ایلامی ۲، ۳ و ۴ این بنا تنها بنای نام برده شده و تنها شیء موجود در کتیبه است؛ و در متن آکدی I تنها *kukunnû* است. این ایدئوگرام استعاری تا عصر هخامنشی باقی می ماند که در این عصر به فارسی قدیم *viO-* یا *hadiš* و در آکدی به

۱- مراجعه شود به:

WEISSBACH, ZDMG (1913), p. 311; HÜSING, *Quellen*, p. 45; FRIEDRICH, *Or. NS* 18 (1949), p. 18, n. 2; HINZ, *Ar. Or.* 18, p. 290; *Or. NS* 32 (1963), p. 13, 18; CAMERON, *PTT*, 209, 7.

RA 56 (1962), p. 92 s.; *Ir. Ant.* V (1965), p. 31. -۲

۳- در ایلامی - هخامنشی، کلمه «طلا» به شکل *lašda* مورد تأیید قرار گرفته است. مراجعه شود به:

Mém., 24, p. 109: 30, [42]; *PTT*, 37 : 4-5; = *daraniya* - فارسی قدیم

bitu- به معنی (مأوا، خانه، یا کاخ) بدون محتوی و مفهوم مذهبی مربوط می‌گردد^(۱). ولی در کتیبه شیلهاک-اینشوشیناک که قبلاً ذکر از آن به میان آمد (3-4 : 56, 3, *Mém.*) عبارت *ul-hu* در ارتباط با معبدی است که به ایشنی کاراب وقف شده است، و باز هم مدتی بعد، در ستون یادبود و کتیبه‌ای شوترورو (*Shutruru* 10: 2 face 5, 86, *Mém.*) عبارت است از یک نیایشگاه اینشوشیناک^(۲).

۴ - *kuših-ma* با پسوند بیانی، با مربوط شدن به *si-ia-an*

۴-۵. در مورد گروه *pi-el ki-it-ti-im-ma na-a-me-lu-uk-ra*، همان معنی کلی را اقتباس می‌کنیم که از قبل توسط W. HINZ (*Ar. Or.* 18, (1950), p. 288-289) شناخته شده است، این معنی از قبل شناخته با فرمول آکدی متن آکدی IV و ۲-۳ یعنی *ûmâti ma'dâti šanati rûqâti* همسوئی و همگالی بیشتری دارد. مجموعه آن به شرح زیر خوانده می‌شود: *ma na(an) meluk. ra* که در آن کلمات *pi-el* (= *be-ul* هخامنشی) به معنی «سال» و *na-an* به معنی «روز» محورها و عوامل اصلی تفسیر را تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد که می‌توان کلمه *kittin* را که W. Hinz آن را «طول مدت، زمان» ترجمه کرده است به یک پایه *kit-*، که در ایلامی - هخامنشی، به اشکال *ki-ti-in-ti* و *gi-ut* مورد تأیید قرار گرفته است^(۳)، متصل نمود. معادل فارسی قدیم آن *biya* (از *bav-* به معنی «بودن») است. *kittin, ma*، مصدر باب سوم صرف افعال با پسوند بیانی، می‌تواند به معنای «در جریان، در مدت (موجود بودن آن)» ترجمه شود^(۴).

معنی «متعدد، طولانی» در مورد عبارت *me-lu-uk* و همچنین معنی «بتوانی مدتی طولانی زنده باشی» در مورد عبارت (DB 60: 75) *nu me-ul-li-ik-da ka-tak-tini* طبیعتاً از عبارات هخامنشی بر می‌خیزد. در ایلام میانه *me-el* را می‌بینیم که V. SCHEIL آن را به صورت تخمینی «قوی، زیاد» ترجمه می‌کند (5: 7 et p. 107, *Mém.* 77). به حساب آوردن پسوند *-ra*، ضمیر شخصی سوم شخص مفرد دشوار است؛ W. Heinz آن را «einer mit langen» می‌نویسد. باید فرض کرد که *piel kittin-ma na(an) meluk. ra* جمله معترضه یا پرانتزی است که در پی یک خطابه

۱- مراجعه شود به :

G. KENT, *Old Persian*, 2e ed. New Haven (1953) : Lexicon s. v. *viO-*, et *JNES* 1 (1941), p. 217.

بخصوص مراجعه شود به :

DSj : 4: UL.HI.MEŠ=accadi. *bitu* (*Mém.*, 21, no 7, p. 44-45).

در مورد 2 : XSa UL-HI = v.p. *hadiš/ accad. bitu*, (*Mém.*, 21, no 23, p. 81).

۲- در حوزه بابلی، *ulhi* را به معنای «نیایشگاه» در 6 : LTBA, II, 7 می‌یابیم. کتیبه‌ای از توکولتی-نینورتای اول

Tukulti-Ninura I زیگورات را به مثابه «مأوا آشور» ذکر می‌کند (115 : V, 12, 29, *Afo, Beiheft* 12, 29, E. WEIDNER).

۳- مراجعه شود به : 66 : *PAPER, Phonology*.

۴- این تفسیر کاملاً با تفسیر 30, 20 : *Ir. Ant.* V > M. LAMBERT متفاوت است که او به صورت *kittin* و

kitin/kidin می‌شناسد و آن را «عدالت» ترجمه می‌کند.

مستقیم جای می‌گیرد؛ فقدان مطابقت نحوی از همین جا حاصل می‌شود هرچند که مفعول یا موضوع بازهم اهدائی باشد.

۵ - girina hihli/ni

عنصر *giri-* هم در رابطه با خدایان و هم در ارتباط با جمعیت‌ها، در بیشتر کتیبه‌های شیلهاک-اینشوشیناک دیده می‌شود. در این گروه عبارات امکان بهترین نزدیک شدن به معنی را فراهم می‌کند. شاه در یک دعا از خدای خود می‌خواهد: *[hu]-ur-tu₄ gi-ri-bib-ip*؛ از طرف دیگر، (Mém., 5, 77, cil. 5: 5) *hu-ur-tu₄ gi-ri-pu-up hu-ut-ta* [...] *hu-ut-ta-ak* را در مقابل دشمنانی قرار می‌دهد که کیفر آتش و تیر نوک تیز برای آنها طلب می‌شود: Mém., 11, p2. Rev.) *li-im-ma-[aš-pi-na ta-ri-ip-ša]-il si-ra-aš-pi-na li-im-ma-ak-na be-ti-ib-be lu-uk*: colonne 2: 25 ss و همچنین مراجعه شود به همان مأخذ، 1-4 revers. 94). در یک سو مردم مؤمن، با وفا و نافع وجود دارند که از خدایان می‌خواهند تا آنها را این چنین حفظ کنند و از سوی دیگر مردم خصم یا یاغی و متمرّد. وقتی که صحبت از خدایان است، تقریباً همیشه فرمول *gi-ri-ma-pu- ta-at-tah-ni/zu-uz-qa-ta-ah-ni*... (نام خدایان)، وجود دارد، «خدایان (نام خدایان)، مساعدان و نافعان، من برقرار کردم» (Mém., 11, 92, Rev. colonne. 2: 10, 13...) ^(۱). براتی شکل دستوری *giri(n)a*، مراجعه شود به اندکی قبل، متن ایلامی ۱: ۸، *lin(a)*؛ در متن ایلامی ۵: ۵ داریم: *giri(n)i in hihni*.

۶ - pi-ti-ir

«دشمن» در ایلامی - هخامنشی کاملاً مورد تأیید قرار گرفته و در متن ایلامی ۳۲: ۹ = متن ایلامی ۳۱: ۷ ترجمه آکدی آن به صورت *nakru* دیده می‌شود.

عبارت *ta-ri-ir* باید به معنای نامساعد به کار رفته باشد؛ مراجعه شود به عبارتی که در Mém., 11, 92, col 2: 53, 65, 88... و Mém., 31, p. 165: 31 در کتیبه‌ای که به نام «نارام - سین Naram-Sin» معروف است (مراجعه شود به: Mém., 11, 88, Fac. colonne 3: 21 et Rev. cil. 3: 14)، عبارت موجود در آن بیش از حد نامطمئن است تا بتوان بر اساس آن معنی دشمن یا دوست را برای گروه *Sin-ib-ba hu-ur-tu da-ri-ip Na-ra-am* تعبیر کرد. معذالک، در Rever، نفرینهای ستون ۳ (پس از *hu-ur-[tu] da-[ri-ir]*... 20ss)، که آن را در ستون ۵ (10ss) باز می‌یابیم، بیشتر معنای دشمنی می‌دهد. در متنی که ما در اختیار داریم، تفاوت‌های واضحی بین خرابیهائی که زوج *pitir ak tarir* و شاه ایلام از آن محکوم خواهند شد، دیده می‌شود، از خط ۱۰، خواسته شده که ویرانه‌ها را مجدداً برپا دارند. مشکل از یک متن مال میر

۱ - *giri.ma-p(u)* در ایلامی هخامنشی یک تأیید است، از یک صفت فعلی جمع، از صرف باب دوم (مراجعه شود به:

HALLOCK, *Studies*, p. 121). در نهایت، W. HINZ, *ZANF* 24, p. 60 برای عبارت یا کلمه *gi-ri* معانی زیر را

پیشنهاد می‌کند: «geloben, ein Gelübde ablegen, einen Schwur leisten».

Malamir (Mém., 3, 63: 12) ناشی می‌شود که ترجمه آن توسط W. HINZ (Hanne, p. 109) ZANF 16 p. 248 و ZANF 24, p. 76 برای ریشه *dar-* معنی «وابسته بودن، متحد» را تخمین می‌زند.

melkanra, hattanra, dunra: اشکالی از صرف باب سوم افعال، پایه + n + ضمیر شخصی سوم شخص مفرد^(۱). ترجمه *melka-* می‌تواند «چکش‌زدن» یا «مبدل کردن» در عباراتی باشد که موضوع آنها کتیبه‌ها می‌باشد (Mém., 5, 65: 6; 71: 43; 77, cil. 6: 4) ضمناً باید به معنی «ویران کردن، ضایع کردن» اکتفا کرد (Mém., 5, 77 col 7: 9-1). افعال *shepû* و *napâlu* که در متن آکدی I: ۴ آمده‌اند احتمالاً معادل‌های مناسبی برای *melkanra* و *hattanra* هستند^(۲). *dunra* به پایه *du-* تعلق دارد که غالباً در ایلامی - هخامنشی به معنی «دریافت کردن، برداشتن» بکار برده شده است (مراجعه شود به PTT, p. 211); این واژه به *našû* متن آکدی I: ۵ مربوط می‌گردد.

su-ku-ša-ak - ۷

suku- به معنی «پاک کردن»؛ این نشانه مستقیماً از عبارتی بیرون می‌زند که در آنها فعل در رابطه با کلمه *hiš* به معنی «اسم، کتیبه» است (در بین سایر منابع مراجعه شود به Mém., 5, 65: 6; 77, colonne 6: 5). شکل دستوری منظم باب اول صرف افعال، سوم شخص مفرد که به *a* (ربطی) + *suku-š* تقطیع شده است^(۳). پایانه آن ادغام را با زوج *ak : sukuša ak* مساعد کرده است.

i-me-ni: به معنی «مال او»، معادل اول شخص *ú-me-ni/ú-mi-ni* برای مفرد (Mém., 5, colonne 2: 16; 11, 95: 11, 97: 8; 98: 4) جمع *ú-pe-me/ni* (77 24; 96: 53).

ri-ukku-rir - ۸

ضمیر سوم شخص مفرد *ri-* به دنبال عنصر مکانی *ukku* به معنی «روی». تکرار آن در آخر یک پسوند از این نوع به دشواری قابل توضیح است.

۱- مراجعه شود به HALLOCK, JENS, 18, p. 15

۲- *ha-at-ta-an-ra* توسط KÖNIG به *ha-at ta-an-ra* تقطیع می‌شود که معنی «نفرین کردن» از آنجا ناشی می‌گردد. EKI, p. 51, n. 13

۳- درباره این *a/* ربطی مراجعه شود به HALLOCK, jnes, 18, P. 5

The forms with connective -a (e.g. *duša*) are used to express action leading to a further action»

همین موردی که درباره آن بحث شد. *su-ku-uš a-ak* EKI, p. 51, n. 15 ^ KÖNIG

۹ - *ir-šara-ra*:

ظاهراً این نیز دارای همان شکل گیری *ri-ukku-rir* مذکور در فوق است. در نظر اول پیچیدگی ایلامی آن از ترجمه آکدی *ina šupal* در متن آکدی ۶-۷ I: ظاهر می‌گردد. نزدیکی این دو متن توسط معادلهای متن ایلامی ۳۲:۹-۱۰ = متن ایلامی ۸-۷:۳۱. آید شده است^(۱). بنابراین، عبارت *Nahunte ir.šara.ra* معمولاً «زیر خورشید» ترجمه می‌شود. این تعبیر اخیراً توسط RICHARD T. HALLOCK، که معنی «زیر» را برای *šara* در کرده، دوباره زیر سؤال رفته و مطرح شده است. نویسندگان بدون آن که مشکل آن را ببینند، ساختار زیر را پیشنهاد می‌نمایند:

«one of (-ra) the great (*iršara*) Nahunte, that is (as) a devotee of the great Nahunte»^(۲)

معذالک در ایلام میانه، صفت «بزرگ» به صورت *ri-ša-ar* نوشته می‌شود. بخصوص در این مورد مراجعه شود به *Mém., 5, 77, colonne 7 : 15 ss* که آمده است: *In-šu-ši-na-ak ri-ša-ar na-ap-pir-ra Ki-ri-ri-ša ru-tu* در حالی که در ستون بعدی خطوط ۶-۷ داریم: *Nah-hu-un-te ir-ša-ra-a-ra a-ni uz-zu-un*. عبارت *pa-ar a-ni ku-tu₄-un* به صورت اقناع کننده تری، بیشتر معادل ایلامی - هخامنشی *NUMUN^mid-ni a-nu* است (مراجعه شود به DB 61: 76; 67: 88-89) و گونه سومری *NUMUM.UN.TUK* است (*Mém., 32, text*) *ki-ti-in-ti* تا معادل آکدی *ser-šu lu išari* (متن آکدی I:۷). متن ایلامی به صورت «او سلاله در برنخواهد داشت، او دارای سلاله نخواهد بود» ترجمه شده است (مقایسه شود با ایلامی - هخامنشی *ku-ti* به معنی «حمل کردن، آوردن» *PTT, p. 207*) که بر ترجمه نسخه آکدی «باشد که سلاله او پیشرفت و نمو نماید»^(۳).

۱۰ - *an-ka*:

نشانه *an* صریح و بدون ابهام است، مقایسه شود با متن ایلامی ۲ ب. معنی آن را متنی حدسی تضمین کرده که در آن *anaq* در رأس صحنه نمایش دیده می‌شود (*RA 14, Rev. 2:11*)؛ همچنین مراجعه شود به: DB 60: 74,75,88 و *NRa* 4: 31 و بالاخره به: *Mém., 24, p. 109: 13*

ru-ri-na: در این عبارت ۷ همجواری آن با *mišimama* نشان می‌دهد که باید برای *urina* نشانه‌ای همگون قایل شد. واژه اول غالباً به صورت *miširmana* ظاهر می‌شود که در آن *-r-* منفصل بیانگر اتساع ریشه است: *nv* (*miši-r-ma-na* در باب سوم صرف افعال). معنی «ویران شدن، ضایع شدن» کاملاً شامل حال آن است: معمولاً وقتی در

۱- مقایسه شود با *Ar. Or., 18, pp. 293-296*; *Freidrich, Or. NS 18, pp. 25-26*.

۲- *Jnes, 24 (1965), p. 272, n. 8.*

۳- *NUMUM.NU.TUK* سومری به *la išari* آکدی ترجمه نمی‌شود. ما در اینجا به خود اجازه ذکر فرضیه‌ای را می‌دهیم که توسط J. BOTTÉRO القاء شده است: عبارت *i-ša-ri* می‌تواند یک اشتباه نوشتاری برای *i-ra-ši* باشد. بنابر این معادل دقیق آن را که *TUK/rašu* است، خواهیم داشت.

تمام عبارات به واژه *mišrmana* بر می‌خوریم که اشاره به بازسازی بنائی دارند که در گذشته‌های دور ساخته شده‌اند. حدس و گمان *ru-* به معنی خراب کردن، انطباق خود را در متونی پیدا می‌کند که به شرح زیر آمده‌اند: در 5, 42: 5, *Mém.*, 15, p. آمده است: *si-ia-an pu-ur-ki-me ru-ru-uk pi-it-te-im-ma* (W. HINZ, ZANF 16, Face. colonne 2:54, 89)؛ و همچنین در 9, 77, colonne 4: 9, *Mém.*, 5, آمده است: *pe-ti-ir ú-ri... ru-ur-ta-at-ni* به معنی «دشمنم بتواند تو را نابود کند!»^(۱).

ku-ur-ru ku-du-ni/ku-uš-ni به معنی «باشد که او ویرانه‌ها را برپا دارد، باشد که مرمت نماید» (؟). *kur-* در موارد گوناگون دیده می‌شود، آمیخته با عباراتی آمیخته است که کیفر دادن و از میان برداشتن یک دشمن را شرح می‌دهند: *ta-ri-ip sa-li si-ra-aš-pi li-im-ma-ak ku-ra-ak ba-at-bu-ub ra-ab-ba-ak* (*Mém.*, 11, 92, face, col.2:) (54, 89) *li-im-ma-at ku-ra-at* (همان مأخذ: 87). و. شل همه جا آن را «از بین بردن» ترجمه کرده است (همان: 115)^(۲). *ku-du-ni*، به صورت صفت فاعلی احتمالاً با *ku-tu₄-un* خط قبلی، که ما به ایلامی-هخامنشی آن نزدیک شدیم، همگون است.

گونه *ku-uš-ni* یادآور تناوبی است که توسط CAMERON به صورت *ku-ti-iš/ku-iš* عنوان شده است (*PTT*, p. 31, n. 34, 35, 36). بر اساس معنی «حمل کردن» [که معانی برقرار کردن، توسعه و گسترش دادن،... نیز می‌دهد] ما در اینجا یک اصطلاح گویا را فرض می‌کنیم «باشد که او ویرانه را برپا کند، باشد که او مرمت نماید». این فرض در یک کتیبه آشوری متأخر که توسط شل منتشر شده است (1913), p. 204 (*RA*, 10) تکیه‌گاهی پیدا می‌کند: در 5: 4:21-5 face آمده است «شاهزاده آینده‌ای از بین شاهان پسران من، هنگامی که این معبد خراب شود... باشد که ویرانه آن را مرمت نماید و باشد که او کتیبه شرح نام مرا ببیند...» در 1: 5 face آمده است «شرح نام مرا که او برجای می‌گذارد!».

۳ (لوح دوم، شماره ۴)

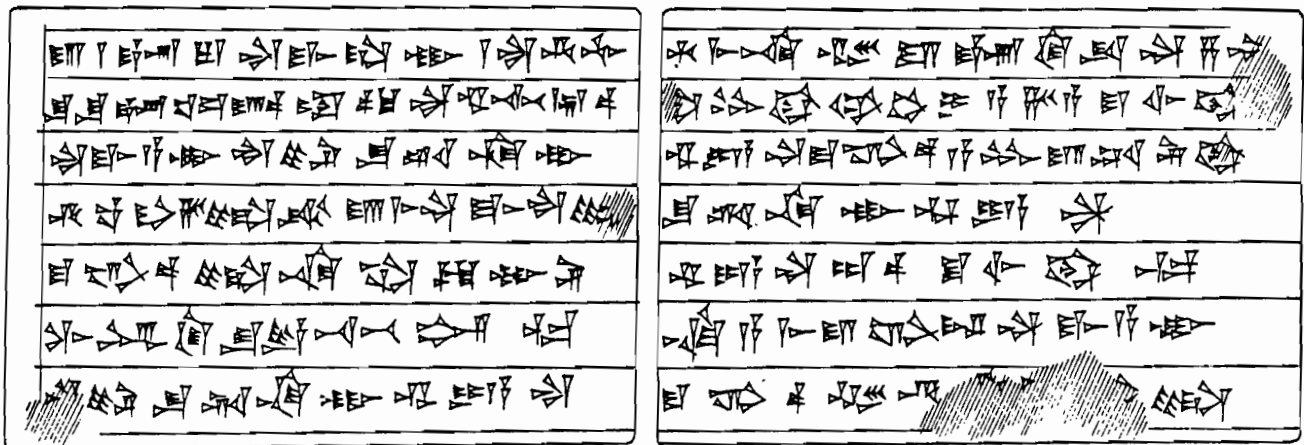
(= *Mém.*, 32, n. VII)

۱- متون دیگری هستند که معنی آنها از اطمینان کمتری برخوردار است مثل 13: 69, 5, 23: 63, 3, *Mém.* ایلامی-هخامنشی *ru-ir* «نیر نوک تیز، تیر فرو کردن به شکم» بر اساس *zaqīpu* آکدی اینچنین ترجمه شده و همین امر الزاماً اصل کلمه واقعی لغت ایلامی را نشان نمی‌دهد.

۲- مقایسه شود با 62, n. 88, 24, *ZANF* ترجمه‌ای که HINZ پیشنهاد کرده چنین است:

«ein elamischer König möge, wenn es (das Bauwerk) eingestürzt(?) und verfallen ist, es pflegend (*ku-ur-ru*, Partizip Prasens) erhalten»

این متن جوابیه‌ای از اولین قسمت متن ایلامی ۵-۱: ۲ است. همین که فقط سه نمونه به دست ما رسیده است، نشان می‌دهد که سطح کتیبه دار فقط سطح محدودی را مزین می‌کرده است. آجر زاویه دارای ابعاد $18 \times 18 \times 11/5$ سانتیمتر بود. دو شاهد دیگر قطعاتی ۸ خطی در روی تنها یک وجه هستند ($12 \times 28 \times 9$ سانتیمتر).



وجه الف:

1. ú ṁUn-taš-^aGAL ša-ak ^aHu-ban-
2. Šu-šu-un-ka ú-pa-at la-an-si-ti-ip-pa
3. ^aGAL a-ak ^aIn-šu-uš-na-ak
4. hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aGAL ^aIn-
5. ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni
6. pi-el ki-it-ti-im-ma
7. ^aIn-šu-uš-na-ak si-ia-an

وجه ب:

1. nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an
2. [t]e -pu-uh ul-hi i a-ha-a ku-ši-ih
3. si-ia-an ku-uk-pa a-pu ú du-ni-ih
4. šu-uš-na-ak si-ia-an
5. si-ia-an ap-pa ku-ši-ih-ma
6. na-a-me-lu-uk-ra ^aGAL a-ak
7. ku-uk-pa gi-ri-[na hi-ih]-li

متغیرها:

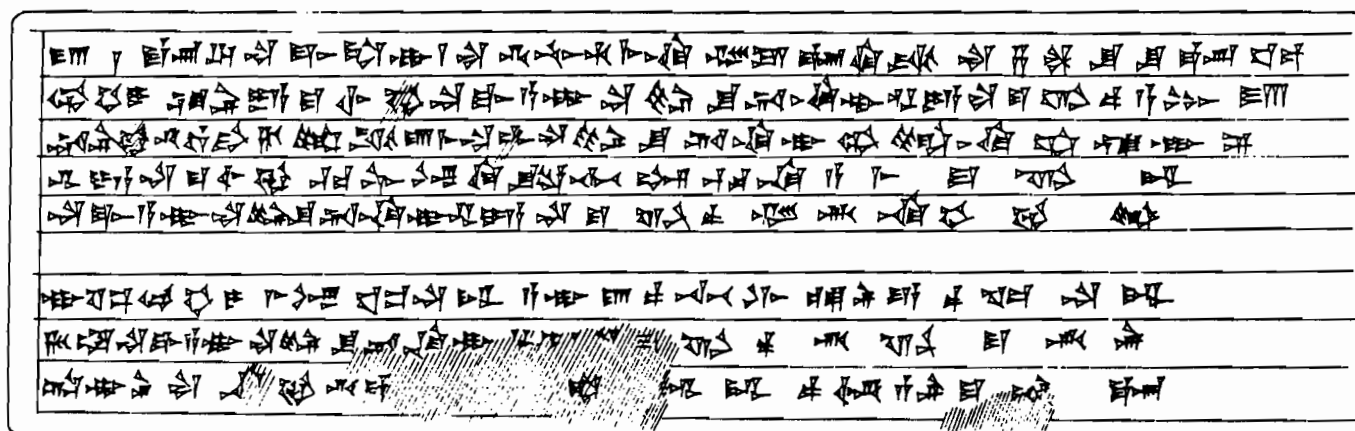
5. ap-pa, omis une fois.

۴ (لوح سوم، شماره‌های ۱-۲)

(=*Mém.*, 32, n. VI)

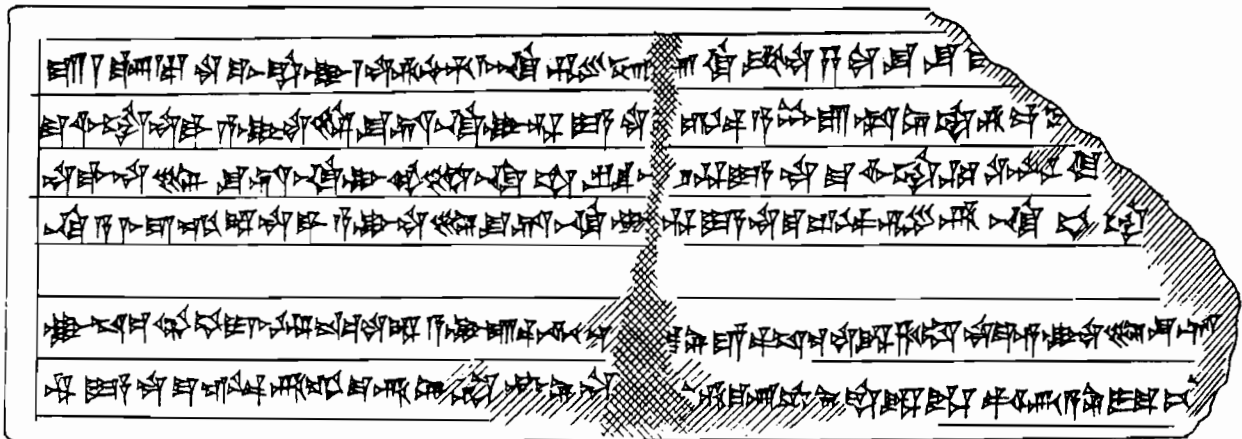
همانند یک تحریر خلاصه شده متن ایلامی ۲، روی آجرهای بزرگ با دو ثبت که توسط یک خط فاصله از هم جدا شده‌اند، خود را نشان می‌دهد. تنوع آن چنین است: مکعبهائی به ابعاد $38/5 \times 38/5 \times 11$ سانتیمتر (۳+۴ خط) فقط در یک وجه؛ مکعبهائی به ابعاد $38 \times 38 \times 11/5$ سانتیمتر (۲+۳ خط) نوشته شده در هر دو وجه.

متن ایلامی ۴ الف (لوح سوم شماره ۱)



1. ú ^mUn-taš-^dGAL ša-ak ^mHu-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka
2. ul-hi i la-ni-ia ku-ši-ih ^dGAL a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa a-pu ú
3. du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^dGAL ^dIn-šu-uš-na-ak ul-li-na te-la-ak-ni
4. si-ia-an ku-ši-ih-ma pi-el ki-it-ti-im-ma na-a-me-ku(!)-uk-ra
5. ^dGAL a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa gi-ri-na hi-ih-li
6. ak-ka ul-hi i me-el-ka-an-ra a-ak ú-pa-ti-pi la-ni-e pa-ka-an-ra
7. ha-at ^dGAL a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa ri-uk-ku-ri-ir
8. ta-ak-ni ^dNa-ah-hu-u[n-te ir]-ša-[r]a-ra pa-ar a-ni ku-tu₄-un

متن ایلامی ۴ ب (لوح سوم، شماره ۲)



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak ^mHu-ban-nu-me-na-gi su-[u]n-ki-ik An-za-an Šu-šu-u[n-...]
2. ku-ši-ih ^aGAL a-ak ^aIn-šu-uš-na-ak si-ia-an [ku]-uk-pa a-pu ú du-ni-ih hu-ut-ta[k-...]
3. ^aGAL ^aIn-šu-uš-na-ak ul-li-na te-la-a[k-n]i si-ia-an ku-ši-ih-ma pi-el ki-[-...]
4. na-a-me-lu-uk-ra ^aGAL a-ak ^aIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa gi-ri-na hi-ih-[-...]
5. ak-ka ul-hi i me-el-ka-an-ra a-ak ú-pa-ti-p[i l]a-ni-e pa-ka-an-ra ha-at ^aGAL a-ak ^aIn-šu-uš-[-...]
6. si-ia-an ku-uk-pa ri-uk-ku-ri-ir ta-ak-ni ^a[Na-ah-] hu-un-te ir-ša-ra-ra pa-ar a-ni-i ku-t[u₄-...]

متغیرها:

2. ul-hi i: tous les exemplaires lisibles ont cette forme avec i.
a-pu ú / a-pu un (1 fois).
3. ^aGAL: omis une fois.
4. na-a-me-lu-uk-ra: erreur de scribe manifeste, partout ailleurs: na-a-me-lu-uk-ra/na-me-lu-uk-ra (1 fois).
5. hi-ih-li / hi-ih-ni (1 fois).
6. ú-pa-ti-pi la-ni-e / ú-pa-ti-pi-e la-ni-e (1 fois)
8. a-ni / a-ni-i

ترجمه براساس متن ایلامی ۲ به منظور تکمیل کردن.

«من اونتاش-گال ...»

²من این «مأوا»ی نقره‌ای را ساختم...

...

⁶کسی که این «مأوا» را منهدم خواهد کرد، آجرهای نقره‌ای آن را خواهد شکست، باشد که نفرین خدایان ...

۲ - *lani-*

نتیجه فرضیه *hurasu* = (طلا) = *lansit* رسیدن به *kaspu* = (نقره) = *lan* است. پایانه ابزار *ia-* نشان می‌دهد که ساختمان *-ulhi-* با این مواد بنا شده است؛ در اینجا اشاره‌ای به آجرها نشده مگر در خط ۶ که در آنجا منهدم شدن آنها را مثل متن ایلامی ۲:۶ تجسم می‌نمائیم. بین *lan* «نقره؟» و عبارت *la-an* برای انطباق مذهبی که CAMERON (PTT, p. 7) و W.Hinz (Or. NS. 32 (1963), p. 13) آن را اینچنین تعبیر کرده یعنی گفته‌اند: «مراسم خدائی (?)»، «Kult, numinose» (Gegenwart).

۶ - *akka...upatipi lani.e pakanra* :

ترجمه تحت اللفظی آن می‌شود «کسی که آجرها نقره‌ای آن خواهد شکست». تمام نمونه‌ها دارای نشانه *-e* هستند که نشانگر سازندگی حاکی از مالکیت یا مالکانه است^(۱). این معنی می‌تواند منجر به معنی «قطعه قطعه کردن، شکاندن، خرد کردن» شود.

۵ (لوح سوم، شماره ۳)

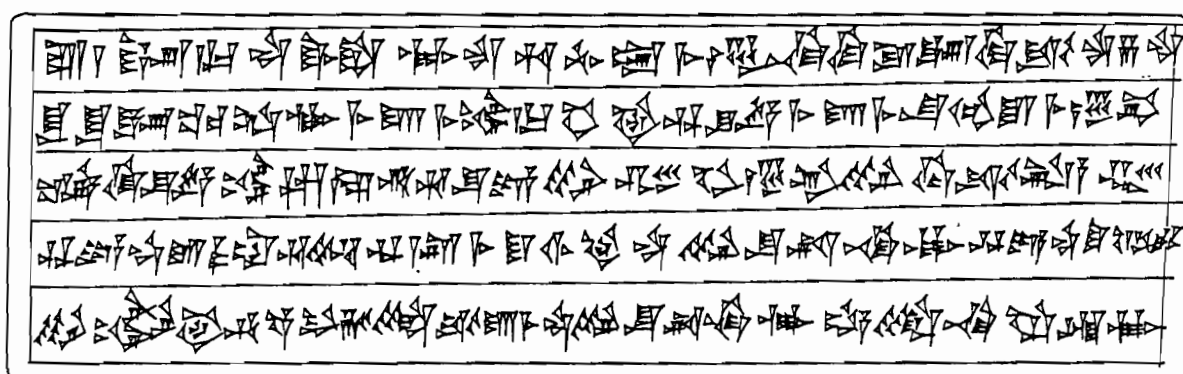
(= *Mém.*, 32. n. XI)

فایده این متن، که محتوای آن تماماً در متن آکدی I دیده می‌شود، اساساً بر این است که آجرهای این نوع مجدداً در محل خود در پایه‌های دروازه بزرگی، شبیه به دروازه‌هایی که به پلکانها باز می‌شدند، کار گذاشته شده بودند، و لذا مستقیماً به حیاط داخلی، که توسط «طبقه اول» کنونی محصور شده بود، باز می‌شد. لذا وجه داخلی دروازه توسط حجم آجرهای خام دومین طبقه مسدود شده بود. یک بررسی امکان یافتن ۳۷ آجر را در فاصله‌های یازده رگ آجر، در سر جای خود را داد. ده آجر دیگر در خرابه‌ها و آوارهای صحنهای مختلف به دست آمدند. ابعاد آنها چنین بودند: ۵.۳۴×۳۴×۸ سانتیمتر. این کتیبه ۷ که کوتاه‌تر از متن ایلامی ۱ است، ذکر *kukunnum* و زیگورات را از قلم انداخته است. در حال حاضر بی

۱- نویسنده این نشانه را به فعلی گسترش می‌دهد که توسط همین پادشاه در ستون یادبود بکار رفته که در آن مسئله مواردی مطرح است که از جای دور آورده شده است (*Mém.*, 5, 70: 26). موضوع باید بیشتر عبارت از چوب باشد (CAMERON, HIA, p. 125, n.).
3) تا سنگها (Scheil, RA, L.c., p. 197)؛ معنی «تراشیدن» مناسب این عبارت است.

احتیاطی است که از آن نتیجه‌ای درباره مراحل ساختن برج مطبق را استنتاج کنیم. قبلاً درباره کشف غیر مترقبه دروازه مشابهی اشاره شد که آن نیز متعلق به مرحله اول کارهائی ساختمانی بود که در آن آجرهای کتیبه‌دار حامل متون طویل متن ایلامی ۱ بودند.

این کتیبه به ساختن معبدی اشاره می‌کند که وقف خدای اینشوشیناک بوده، که تصور می‌شود در آن آثاری را در اتاقهای ۱۴ و ۱۵، نزدیک به زاویه جنوبی، یافته‌اند^(۱).



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak ^aHu-ban-um-me-en-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-en-ga
3. az-ki-it tu₄-ur sah-ri hu-šu-ia in-gi hi-en-ga in-di-ig-ga a-gi
4. si-ia-an ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ^aIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-ra
5. in tu₄-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aIn-šu-uš-na-ak il-li-na te-la-ak

متغیرها:

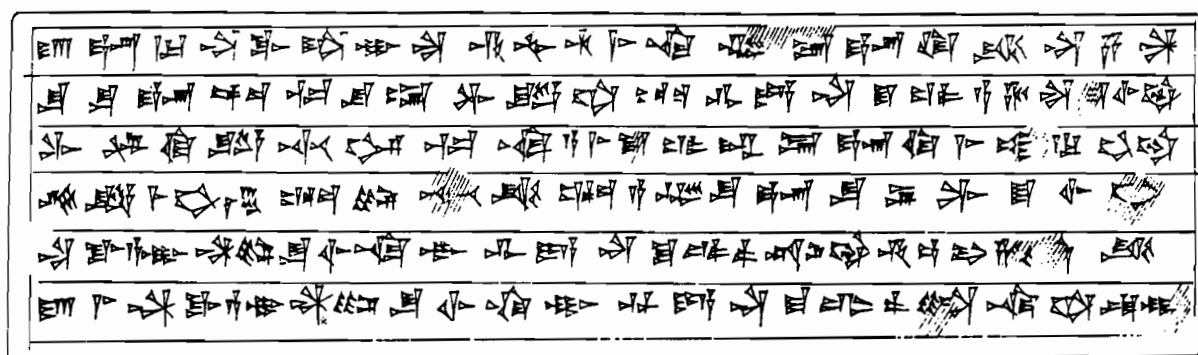
1. ú / ù.
2. šu-ul-lu-me-en-ga / šu-ul-lu-me-ga.
3. in-di-ig-ga / in-di-ik-ka.
5. il-li-na / ul-li-na (plus fréquent).

te-la-ak: هیچکدام از متنهای ما به *ni*- ختم نمی‌شوند؛ در این جا، همانطور که گاهی چنین مواردی در سایر متون پیش می‌آید، موضوع عبارت از یک کوتاهی ناشی از کمبود جا نیست.

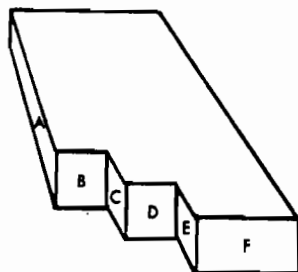
۶ (لوح سوم، شماره ۴)

(= *Mém.*, 32, no. V)

صحن‌های وسیعی که بین پایه برج و اولین حصار گسترده هستند، در روی سه طرف - شمال شرقی، شمال غربی و جنوب غربی - خود عرضه کننده پایه‌های استوانه‌ای بزرگی می‌باشند که قسمت فوقانی آنها، مزین به چهار طاقنمای دارای برجستگی سه گانه و دوردیف آجرکتیبه‌دار است که برج را با آنها ساخته‌اند. مراجعه شود به *Mém.*, 39, p. 69, fig. 42 et Plan II et III در متون طاقنماها، برجستگیها با همان آجرها قالب گیری شده‌اند و لذا متون در روی شش وجه کنده کاری شده‌اند^(۱). این آجرها از طریق شکل دوزنقه‌ای خود شناخته می‌شوند، سطح آنها اندکی محدب و برجسته و حاشیه‌های آنها پخ است. از جمع ۵۵ نمونه، ۲۶ نمونه هنوز هم در سر جای خود، در روی یکی از این بناهای کوچک که وجه شمال غربی است، قرار داشتند. ابعاد این آجرها چنین بود: ۸×۱۲×۲۶ سانتیمتر.



۱- کروکی یک آجر رگ دهم که دارای برجستگی است و چگونگی قرار گیری متن‌ها.



A

1. ú Un-taš-^aGAL
2. Šu-šu-un-ka
3. pi-el ki-it-
4. zi-it-me hi-
5. ^aGAL a-ak ^a
6. ú-me ^aGAL a-

B

- šā-ak ^a
- ma-šu-um
- ti-im-
- en-ka in-
- In-šu-ši-
- ak ^aIn-

C

- Hu-ban-nu-
- pi-it-
- ma na-a-
- ti-ik-
- na-ak si-
- šu-ši-na-ak

D

1. me-na-ki
2. te-ka
3. me-lu-uk-ra
4. ka a-gi
5. ia-an ku-
6. si-ia-

E

- su-un-ki-
- si-ia-an ku-
- su-un-
- šu-un-šu
- uk-pa du-
- an ku-uk-

F

- ik An-za-an
- uk a-ha-an ku-ši-ih
- ki-me tu₁-ur hi-ih
- ir-pi ku-ši-ih
- ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik
- pa li-na te-ja-ak-ni

1. ú Un-taš^a GAL ša-ak^a Hu-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka ma-šu-um pi-it-te-ka si-ia-an ku-uk a-ha-an ku-ši-ih
3. pi-el ki-it-ti-im-ma na-a-me-lu-uk-ra su-un-ki-me tu₄-ur hi-ih
4. zi-it-me hi-en-ka in-ti-ik-ka a-gi šu-un-šu ir-pi ku-ši-ih
5. ^aGAL a-ak^a In-šu-ši-na-ak si-ia-an ku-uk-pa du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik
6. ú-me^a GAL a-ak^a In-šu-ši-na-ak si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

متغیرها :

۱ - از قلم افتادگی نشانه در جلوی *Untaš - GAL* در این متنها عمومیت دارد.

« من اونتاش-گال، پسر خوبانومنا، شاه انزان^۲ و شوش، چشم انداز (یکبار) محوطه، من در آنجا مکان مقدسی

ساختم؛

^۳ در جریان سالها و روزهای متعدد سلطنتی طولانی به دست آوردم،

^۴ من سلامت هستم؛ و به همین دلیل بنا کردم ... (?)

^۵ برای خدایان گال و اینشوشیناک، لذا من این کار را کردم، و غیره...»

۲ - متن به دو سری بنای مجزا از هم اشاره می کند : *siyan kuk* و در خط ۴، گروه مرموز و معمائی *šušu irpi*

در متن ایلامی ۲-۳۱:۱ و متن ایلامی ۲-۳۲:۱ بیان کاملتری از کارهایی باز می یابیم که این شاه در جهت ساختمان سازی اقدام به آنها کرده است. اولین بخش برنامه شمرده شده چنین است : *hal mašum pitteka, at Untaš-a GAL*, *siyan kuk*... متن شماره ۶ ما فقط دارای یک اطلاعات مختصرتر است. حضور *hal* قبل از *mašum* به ما این امکان را می دهد که بیان این عبارت آخر را بطور مبهم پیش بینی کنیم. *hal* هم در ایلام میانه و هم در ایلامی - هخامنشی به عنوان نشانه اسم مکانها، سرزمینها، ناحیه ها یا شهرها به کار رفته است؛ این کلمه را به همین معنی یا بصورت مجزا و منفرد یا به صورت ترکیبی باز می یابیم. احتمال دارد که شکل مشابهی از *hal mašum* را به صورت *ha-al-ma-si Šal-u-lik-ki* در کتیبه ای منسوب به هوتلودوش - اینشوشیناک Huteludush-Inshushinak داریم (Mém., 11, p. 75). بنابراین، با پاره ای احتمالات می توان معنی «سرزمین، محوطه، مکان جایگیری» را برای کلمه *mašum* پیشنهاد کرد بدون این که بتوان دقت بیشتری برای آن قائل شد. این نشانه و بیان شامل همین عبارت می شود یعنی با صیغه خبری *hal* یا بدون آن، بیانگر زمینی است که می خواهند بناهای شاهانه را روی آن برپا کنند. شکل *pittek*، مشتق مجهول، که به همراه *mašum* آمده و از نظر دستوری نشان می دهد که قبل از این که کارهای ساختمانی تداوم یابد پاره ای عملیات نیز انجام شده است. در باره ریشه *pitt-* پذیرشهای متفاوت تری به عمل آمده است^(۱). به نظر ما معانی «محدود کردن، محبوس کردن، مخفی کردن» که توسط

۱ - SCHEIL, Mém., 3, p. 95 : «به دشواری رسیدن، جای دادن». p. 127, Vocab. : «ثابت و استوار کردن»؛ Mém., 5,

HINZ (ZANF, 16, p. 244 et 251; Or. NS. 31 (1962), p. 38) پیشنهاد شده، به الزامات تمام عبارات پاسخ بهتری می‌دهد. این معنی در بخشهایی از متون که در آنها موضوع ساختمان سازی مطرح است جای خود را می‌گیرد (3, Mém., 5, 84:7,10, 17; Mém., 15, p. 42: 5, etc. 58:15, 16-17 = Babyloniaca 8; Mém., 5, 84:7,10, 17; Mém., 15, p. 42: 5, etc. نظر مبهم‌تر و تاریک‌تر هستند، روشن می‌کند: *Šu-šu-un si-ia-an-ma pi-it-te-iš*، «در شوش او (آنها) را در معبد محبوس کرد» (Mém., 5, 70: 32, 25)؛ *ha-al MEŠ ap-pa Ar-ma-an-na pi-it-te-ka*، «شهر ارمن مقرر شد» (Mém., 5, 86:26)؛ *me a-ni pi-te-en* (نام خدا) *hi-ša*، «باشد که نام (یا کتیبه) (نام خدا) مخفی نماند» (Mém., 5, 84:7). در متن ایلامی ۶:۲ - همانطور که متن ایلامی ۳۱:۱ و متن ایلامی ۳۲:۱ - به نظر چنین میرسد که اصطلاح *mašum pitteka* به ساختمان سازی حصار اول، یا خط و اثر این حصار، احاله می‌کند که تملک محوطه از آن طریق به دست می‌آید^(۱).

۴ - *šunšu irpi kuših*

تلاشی که از سوی RUTTEN (Mém., 32) برای نزدیک کردن بین *ir-pi* متن ایلامی ۶ و *ir-pi* موجود در PTT 10، *rev: 2* با معنی «قبل، اولی»، در مقابل *ma-šu-um* بر اساس *me-ša*، *maš-* ایلامی - هخامنشی، که نشانگر «بعدی» بود، به نظر ما شکننده می‌رسد. ضمناً این نظریه تعادلی در *irpi/urpa* ایلام میان را ایجاب می‌کند که مورد پذیرش و تأیید قرار نگرفته است. یاری گرفتن از آکدی - *šunšu*، برای *šumšu* (مقایسه شود با *Mém., 11, p. 13:5*) - از طریق ساختار جمله و عبارت مستثنی است.

۷ (لوح چهارم، شماره‌های ۱-۲)

(= Mém., 32, no. XX)

متون ۷ تا ۹ از معابدی به دست آمده‌اند که در مرز شمال غربی صحن‌های زیگورات برپا شده‌اند. دو متن اول بر اساس زاویه غربی حصار یک مجموعه معماری را تشکیل می‌دهند که از گروه اجزاء به شکل T که ورودی آنها در مقابل دروازه شمال غربی برج مطبق باز می‌شود، جدا می‌گردد. معبد الهه کی‌ری‌ریشا - بخش غربی مجموعه - در پرتو ۲۱ نمونه متن ایلامی ۷ شناسائی شده که هنوز در سر جای اصلی خود در دیوارها و ستونهای دروازه‌ها قرار داشتند. نه آجر دیگر نیز در سه اتاق که زاویه شرقی معبد اینشوشیناک را تشکیل می‌دهند، در سر جای خود قرار داشتند (مراجعه شود به *Mém., 39, p.*

← 70:23 ss. «ترک کردن، به حال خود رها کردن»؛ 84: 7,10; 86:24-25: «منهدم کردن»؛ HÜSING, *Quellen*, p. 59: «نامیدن»؛

PÉZARD, *Mém.*, 15, p. 55-56: «افتادن، فرو ریختن»؛ *Babylonaca* 8, p. 24: «اعلام کردن، ظاهر کردن».

۱- HINZ, ZANF, 24, p. 81, n. 49: *ha-al ma-šu-um [pi]-it-te-ka (de TZ 31/32:1) Wohl bedeutel* -

: "das Werk-Material wurde beschafft".

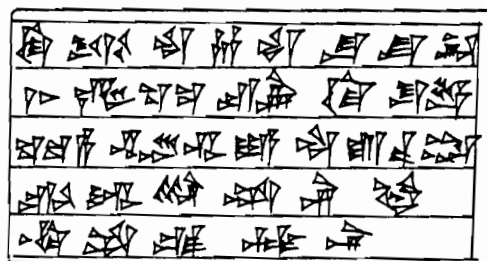
همین نویسنده در مورد عبارت 3: 55, TZ *mašum* به یاد می‌آورد که او مسئله را به حال اول بر می‌گرداند: *[ma]-su-um*

و آن را «Fayence-Material» ترجمه می‌کند.

(99 et Plans II et III). ابعاد این کتیبه‌ها چنین بود : ۳۲×۳۲×۷ سانتیمتر؛ ۳۴×۱۵/۵×۷ سانتیمتر.



1. ù ᵐUn-taš-ᵈGAL ša-ak ᵐHu-ban-nu-me-na-ki su-un-
2. ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me šu-ul-lu-
3. tu₄-ur sah-ri hu-šu-ia in-gi hi-en-ka in-di-ik-
4. hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ᵈKi-ri-ri- <ša> si-ia-an ku-
5. hu-ut-ut(!)-tak ha-li-ik ú-me ᵈKi-ri-ri-ša ul-li-



1. ki-ik An-za-an Šu-šu-ga
2. me-en-ka az-ki-it
3. ka a-gi si-ia-an ú-pa-at
4. uk-ra in du-ni-ih
5. na te-la-ak-ni

متغیرها :

1. Hu-ban-nu-me-na-ki / Hu-ba-nu-me-na-ki (1 fois).
Šu-šu-ga (2 fois) / Šu-šu-un-ka
2. šu-ul-lu-me-en-ka / šu-ul-lu-me-ga.
3. hu-šu-ia / hu-šu-ú-a (1 fois) / hu-šu-a.
hi-en-ka / hi-en-ga
in-di-ik-ka / in-di-ig-ga

4. *du-ni-ih / lu₄-ni-ih*5. *ul-li-na / li-na**le-la-ak-ni / le-la-ak* (1 fois).

«من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا *Humbannumena* شاه انزان و شوش، یک زندگی طولانی به دست آوردم، سلامتی من مساعد است، در نهایت... به سلاله ام نخواهم داشت. برای همین است که معبدی با طاقهای آجری ساختم؛ برای کی ری ریشا (بانوی) مکان مقدس به او هدیه کردم. باشد که کارها و اعمال من مورد قبول کی ری ریشا واقع گردد».

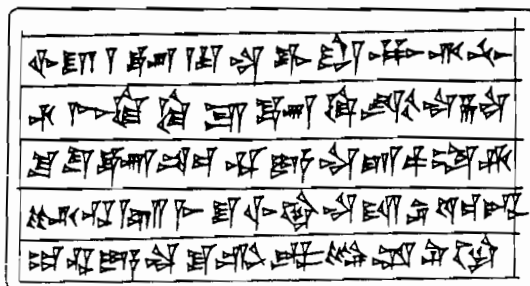
مطمئناً گروهی شدن این سه معبد اتفاقی نیست. معذالک دیده می شود که در این جا به زبان ساده موضوع بر سر یک تثلث نیست که در زمان سلسله بعدی به شکل گال، کی ری ریشا و خدای پسر هوتران تشکیل شد (مقایسه شود با *Mém.*, 77, colonne 7:1-2). پیوند الهه ایشنی کاراپ با خدایان بزرگ گال و کی ری ریشا جای شگفتی باقی نمی گذارد. تصور این موضوع نیز عجیب است که خدای هوتران، که در کهن ترین متون ایلامی از او ذکر شده است (*Mém.*, 11, 88:colonne 1:16)، در مدارکی که اونتاش گال به جا گذاشته دیده نشود. کی ری ریشا، «بانوی بزرگ» (*rutu rišarra*, *Mém.*, 5, 77, colonne 7:18) به پانتئون ایلامی تسلط دارد. به نظر می رسد که تفوق و برتری او بخصوص از زمان شاه هوبانومنا، پدر اونتاش-گال، وجود داشته که او را به نام «بانوی لیان *Liyan*» نامیده است. لیان جزیره ای بوده که مکان قدیمی بوشهر، در روی خلیج فارس را تشکیل می داده، که در آنجا معبدی پیدا شد که آن شاه برای این بانو ساخته بود (*Mem.*, 15m, p. 80). متن «معروف به نارام-سین»، که در مورد هوتران به آن اشاره کردیم، حاوی هیچ نوع اشاره ای به کی ری ریشا نیست؛ الهه پی نی گیر *Pinigir* است که در رأس خدایان قرار دارد. منتها کی ری ریشا - باز هم در لیان - از قبل یعنی از قرن هیجدهم قبل از میلاد، توسط کتیبه کوتاهی به زبان آکدی از *sukkalmaḥ Šimut-wartaš* (*Mém.*, 15, p. 91) شناخته شده است. در حدود همین دوره، نام او را در روی طبقه عدسی مانندی از نوع «آموزشگاهی» باز می یابیم (*Mém.*, 18, 26:3). محتملاً جنوب ایلام حوزه برتری «بانوی بزرگ» بوده است؛ در هر مورد، در زمان اونتاش-گال، این الهه در پشت سر خود الهه پی نی گیر را پس زده و تبعید کرده بود. در چغازنبیل، قرارگیری برتر معبد او تأکیدی بر این تسلط، ولی متن ایلامی ۷ هیچ عنصری را که اطلاعاتی در مورد شخصیت و آئین کی ری ریشا در اختیار گذارد، به ما نمی دهد.

۸ (لوح چهارم، شماره ۳)

(= *Mém.*, 32. no. XVII)

از مجموع ۱۰۱ آجر کتیبه دار، ۹۴ آجر در سرجای خود در روی دیوارهای معبد ایشنی کاراب قرار داشتند که یکی از بهترین نوع حفاظت شده آن، که به دنبال کتیبه کی ری ریشا قرار داشت.

ابعاد آن این چنین بود: ۳۲×۱۵/۵×۷/۵ سانتیمتر.



1. ù mUn-taš-^dGAL ša-ak Hu-ban-
2. nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
3. Šu-šu-un-ka si-ia-an ú-pa-at hu-
4. us-si-ip-me ku-ši-ih ^dIš-ni-ka-ra-
5. ab si-ia-an ku-uk-ra in du-ni-ih

متغیرها:

۱ - فقدان نشانه در جلوی *humbannumena* متداول است

4. *Iš-ni-ka-ra-ab* / *Iš-ni-ga-ka-ra-ab* ! (1 fois).
5. *du-ni-ih* / *lu₄-ni-ih*.

«من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، معبدی با تاقهای آجری بنا کردم؛ برای ایشنی کاراب (بانو) مکان مقدس و به او هدیه کردم.»

ایشنی کاراب - یا ایشمه کاراب *Ishmekarab*، قدیمی ترین و مطابق ترین در آکدی - دارای معبدی در شوش بوده که توسط *sukkal Temti-agun* در حدود اواخر قرن هفدهم قبل از میلاد ساخته شده بود. در سوگندهای لوح های قضائی این دوره «*dukkalmah*» ها، که در روی تمام نیمه دوم هزاره دوم گسترش دارد، نام او معمولاً به نام اینشوشیناک پیوند خورده و در درون ترکیب نامهای خاص متعدد اشخاص آن زمان می گردد. بعدها، شاه شیلهاک - اینشوشیناک یک *ulhu* از طلا (؟) وقف او می کند. نام یکی از دختران او *Išniqarab- BÀD* است به معنی «ایشنی کاراب مأمن من است»، و یکی از پسران وی به نام *Šilhina-hamru-Laqamar*، یادآور پیوند *Ishnikarab-Lagamar* لوح های شوش مشهور به «تدفینی ها»^(۱) است.

۱ - مقایسه شود با *Mém.*, 3, 56: 3-4; 47: 15-16, 19-20; 49: 13,14-15, etc. در *Mém.*, 18, لوح های «تدفینی»

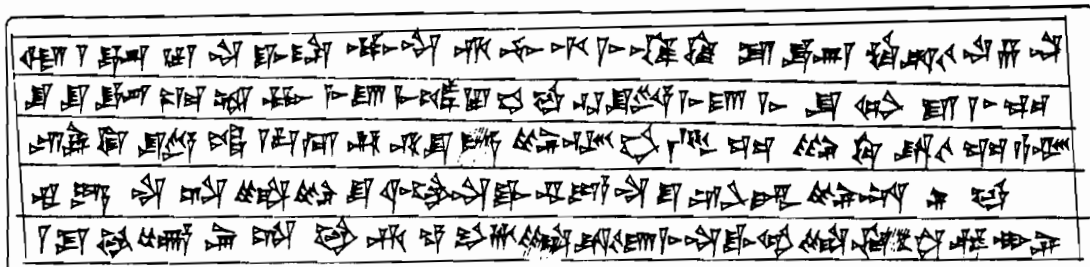
150-253, 255-256, 259. مقایسه شود با *SCHEIL, RA 13* (1916), p. 165 ss. قرائت *Šu-ši-na-ak* به جای *Šu-gur-na-ak* در *251:3 (=RA no.2), 252: 5 (RAno. 3), 256: 4-5 (+RA no.6)*

این دو الهه مرده را روی جاده‌ای راهنما هستند که به سوی تاریکی و گودال گور منتهی می‌شود جایی که خدای اینشوشیناک او را داوری می‌کند. معذالک، همانطور که در مورد کی‌ری‌ریشا نیز گفته شد، در کتیبه کوتاه و مختصری که به این الهه اختصاص یافته، هیچ چیزی درباره اهمیت او گفته نشده که خلاف وسعت نیایشگاه او باشد. در متن کوچکی که او را به اینشوشیناک پیوند می‌دهد، شاه گل‌میخی از گل پخته لعابدار نذر او می‌کند، متن ایلامی ۵۷.

۹ (لوح چهارم شماره ۴)
(= *Mém.*, 32, no. XXI, 2)

معبد خدائی که در زیر ایدئوگرام گال GAL مخفی شده، در شمال شرقی مجموعه معماری کی‌ری‌ریشا - ایشنی‌کاراپ قرار گرفته است؛ این معبد مستقل از آنهاست، ابعاد آن کوچک است و توسط یک راه به دروازه شمالی حصار اول متصل می‌گردد (مراجعه شود به *Mem.*, 39, Plan II (E, 5×V, 4-5) et Plan III). این بنا، برخلاف گروه قبلی، که ظاهراً بسیار دستکاری شده، در مجموع خود کاملاً به نظر می‌رسد متعلق به یک محلت قدیمی ساخت و سازهاست، و در هر حالت متأخر از اولین حصار است که از نظر کاربری به آن متصل شده است. قبلاً گفته شد که دو عدد آجر، دارای متن چ. ز. ۱ ابتدائی، با پنج خط فقط در روی یک وجه، در سر جای خود در زاویه داخلی - طرف جنوب غربی - دروازه شمالی پیدا شدند. این جزئیات می‌تواند در مورد تعبیر و تفسیر نام خدای گال اهمیت داشته باشد - که هنوز مورد مجادله است - . زیرا احتمال بسیار کمی وجود دارد که این معبد، که دقیقاً تا زمان ترک و به حال خود رها کردن محوطه مورد استفاده بوده است، جایگزین نیایشگاه شده باشد، که در این محل قرارگیری یا در جای دیگر برپا شده بوده، و به روشنی دارای نام خدای Hu(m)ban بوده که در متن ایلامی ۴۰ قرائت می‌کنیم.

آجرهایی که از این بخش گرد آوری شد ۲۲ عدد بود که ۱۴ عدد آن در سر جای خود قرار داشتند. ابعاد آجرهای کتیبه دار این چنین بودند: ۳۱/۵×۳۱/۵×۷ سانتیمتر؛ ۳۱/۵×۳۱/۵×۶/۵ سانتیمتر.



1. ù mUn-taš GAL ša-ak Hu-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-il si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-ka
3. az-ki-it tu₄-ur sah-ri hu-šu-ia in-gi hi-en-ka in-di-ik-ka a-gi

4. si-ia-an ta-li-in ku-ši-ih ^aGAL si-ia-an ku-uk-ra in du-ni-ih
 5. 𐎶 šu-uh-tir ir ta-ah hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aGAL ul-li-na te-la-ak-ni

متغیرها.

2. šu-ul-lu-me-ka / šu-ul-lu-me-ga.
 3. hi-en-ka / hi-en-ga.
 in-di-ik-ka / in-di-ig-ga.
 4. ta-li-in : le signe la est net sur tous les exemplaires.
 du-ni-ih / tu₄-ni-ih.

ترجمه تا خط ۴. مراجعه شود به متن ایلامی ۷.

.....

⁴من معبدی *talin* ساختم، برای خدای گال (رب) مکان مقدس، من آن را هدیه کردم، تیک *autel* برای او مستقر کردم. باشد که اعمال و کارهای من مورد قبول خدای گال واقع شود!

۴ - *talin*

کلمه *talin* قابل نزدیک شدن به مجموعه عباراتی است که در هر حالت بیانگر کلمه *siyan* (معبد): *silin* (متن ایلامی ۱۴)، *kinin* (متن ایلامی ۱۶)، *limin* (متن ایلامی ۲۹)، *likrin* (متن ایلامی ۳۴) است. مراجعه شود به *siyan* *huštin* در 3: 66, 5, *Mém.* یک پایه *tal-* به معنی «نوشتن» در تمام دوره ایلامی کاملاً مورد پذیرش است. حرف بی صدای /l/ تقریباً همیشه بصورت مکرراً آمده است: *ta-al-lu-uh*, *ta-al-lu-ka*, و باز هم بعدتر به صورت *tal-li-ra*, *tal-li-ik*, *tal-li-iš* و غیره. ولی در تخت جمشید کلمه *tal-iš* را داریم (PTT, 22:28) که معادل با *tal-li-iš* متداول است. از طرف دیگر، همین حرف آخر کلمه *-in* را (که حرف آخر کلمه یک اسم فعلی است، احتمالاً مصدر، از باب سوم صرف افعال) در *Mém.*, 63:2, 3 با تکرار، باز می یابیم، *tal-li-in* ^(۱). بنابر این در اینجا جمله *siyan talin* خواهد توانست پاره ای رابطه را - که فراموششان شده است - بین نیایشگاه گال و نوشته درون تناقضهای مذهبی آن منعکس نماید.

۵ - *šuh-tir*

۱- ما این چنین می خوانیم:

Te-ip-ti ki-te-en te-un-be-en-ra ši-iš-ni ir-ša tal-li-in ki-te-en-ni-na...in-ni a-ah-su-uq-qa-ma-na...

قرائت متفاوت. HINZ, Hanne., p. 106.

به صورت *suhtir* نیز نوشته می شود. از G. HÜSING (OLZ, 1904, p. 334) به بعد این کلمه عموماً به «محراب» ترجمه شده است و در رأس اشیائی قرار می گیرد که به اسباب نیایشگاهها تعلق دارند (Mém., 3, 55, Rev.:18; 5, 71, col 2:6); این متون، از شیلهاک اینشوشیناک، تصریح می کنند که آن از آجرهای سیلیسی لعابدار ساخته شده و گاهی نیز از طلا (?) پوشانده شده است. تذکر SCHEIL، که آن را «نیایشگاه» ترجمه کرده، هنوز هم بهتر برای محراب متناسب است: «از طریق *suhtir* است که کار کامل می گردد و در نهایت، پس از اسباب وسایل، وقف آئین می شود» (Mém., 5.p. 27).
۴-۵ - GAL^d.

هینز HINZ در مقاله ای که اخیراً نوشته ^(۱)، و درباره قطعات جدید است، چنین القاء می کند که خدائی را که توسط ایدئوگرام GAL معرفی شده، با خدای هومبان Hu(m)ban شناسائی شود. دلیل طرح چنین مسئله ای وجود دو سری آجر کتیبه دار است که یک سری به نام خدای گال (متن ایلامی ۹)، و سری دیگر به نام خدای هوبان (متن ایلامی ۴۰) است؛ در هر دو حالت موضوع ساختن یک معبد مطرح است. احتمال بسیار اندکی وجود دارد که در آنجا، در یک زمان، معبدی به نام گال و معبدی به نام هوبان وجود داشته باشد، مگر این که این دو نام گذاری جوهر وجودی تنها یک خدا را ببوشانند. بنابراین چنین ایجاب می کند که فرض کنیم اولین بنا، که وقف خدای هوبان بوده، از بین رفته، و بعداً جای آن را معبدی گرفته که در کتیبه هایش ایدئوگرام GAL را پذیرفته است. این نظریه به عقیده ما چندان عمقی ندارد؛ همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم چنین به نظر می رسد معبد گال، که هنوز هم سرپا است، به قدیمی ترین ساخت و سازهایی تعلق دارد که در حوزه همجوار با زیگورات ساخته شده اند. معذالک این دلایل باید تسلیم دلایل و براهین قاطع و بی چون و چرائی گردند که از تحلیل متون به دست آمده اند. ولی دلایلی که HINZ، با مهارت و زیر دستی نادری آورده، ما را مطلقاً قانع نکرده است. به اختصار، در چهارچوب محدود این یادداشتها، پاره ای از آخرین ایرادات خود را ارائه می کنیم.

الف) با تمام دشواری، می توان صحت و اعتبار معادلهائی را که نویسنده درباره پایه بعضی اسامی اشخاص لوح های ایلامی شوش آورده، رد کرد (Mém., 9). از یک طرف داریم:

Šá-ti-^dGAL (l.c. 259, revers. :7) / ^dGAL-nu-kaš (282: 6) / ^dGAL-taš (280: 4)

و از طرف دیگر داریم:

Šá-ti-hu-ba-an (108, revers. : 9) / Hu-ban-nu-kaš (4: 2) / Hu-ban-taš (138 : revers. :9)

که گویاترین نمونه ها هستند. شناسائی GAL با Hu(m)ban به شرطی حاصل خواهد شد که استدلال کنیم در همان زمانی که نام یک نفر مشخص Šati-GAL بوده، در همان زمان نام همین شخص Šati-Huban نیز بوده است. در جاهای دیگر به اسامی خاصی نیز برخورد می کنیم که معادله پیشنهادی را به هم می زند که عبارتند از:

^{md}Šá-ti-^dŠi-mu-ut (cf. JNES, 17 (1958), p. 260, n. 18), ^dŠušinak-^dŠa-ti (l.c 281 :15)^(۲)

ضمناً، شکل Šá-ti-hu-ban دارای معادلهائی چون Šá-ti-du-du-be-ra (281: 14) و Šá-ti-hu-pi-ti (3: 3) است

و امکان این فرض را می دهند که کلمه *hu-ban*-الزاماً نشانگر خدائی نیست که دارای چنین نامی است^(۱).

(ب) تابوی به یاری طلبیده برای تشریح کسوف -نسبی- نام *Hu(m)ban* در طول هزاره دوم، به نظر نمی رسد که توسط شیلهاک -اینشوشیناک دیده شده باشد که یکی از پسران خود را *Ku-tir-Hu-ban* نامیده است (مراجعه شود به : *Mém.*, 3, 55, Recto : 33; 5, 77, colonne 3:5). ما چنین می اندیشیم که موضع کامل عبارت از همین خدای *Hu(m)ban* که با پسوند وصفی *elu*، در متنی همراه شده است که در آن همین خدا اشاره به دوباره سازی بنائی (*murti*) می کند که به افتخار او برپا شده است (*Mém.*, 3, 55, champ I, b:1)^(۲). این فقره از کتیبه با دعائی به خدایان گال، کی ری ریشا و ایشنی کاراپ خاتمه می پذیرد. اگر هومبان و گال از هم جدا نباشند، این همجواری به نظر عجیب می رسد.

(ج) آخرین برهان سعی دارد که بگوید هومبان خدائی است که ایلامیها او را «خدای بزرگ» می نامیدند، و این امر از نقطه نظر خط نویسی قرائت *DINGIR.GAL* را ایجاب می کند که *napiriša* ایلامی حاصل می شود که به مثابه وصف ساده خدای هومبان تلقی شده است. فرض مبتنی بر تفسیر متون آکدی است که در آنها نام خدایان ایلامی آمده است : *Ia-ab-ru-Hum-ba-Nap-ru-šu*. نویسنده به دنبال E. REINER قرائت *Ia-ab-ru-Hum-ba-an Nap-ru-šu* را می پذیرد. به این ترتیب، این آخرین کلمه بدل به کلمه توصیفی *Hu(m)ban* می شود و دیگر خدای *Naprušu/Napiriša* وجود ندارد. این نمایش استدلالی و خود نمائی، برای این که تنگناآور باشد، در تمام موارد، در مورد فقدان نشان خدائی اغراق کرده است. حد اقل یک مورد استثنائی وجود دارد : در روی یک لوح آموزشی شوش می توان نام این سه خدا را خواند : *Na-hu-[un]-di, Na-pi-ri-ša, Ki-ri-ri-ša* (*Mém.*, 18, 26 face).

ما بر این باوریم که همین چند اشاره برای فراهم آوردن پاره ای تردیدها کفایت می کنند.

۱- به نظر می رسد که عنصر *-taš* در آخر نام خدایان دیگری نیز غیر از *GAL* و *Hu(m)ban* آمده است؛ ولی حقیقت این است که باید به زمان قدیمی تری برگشت : *Li-li-ir-taš* (var. *Li-li-taš*) cf. *Mém.*, 3, 47: 29 در همان عصر می بینیم : *La-li-in-taš* در *Mém.*, 9, 18: 4; 50: 4; 151: 3. همچنین مراجعه شود به *Mém.*, 10, 122: 9.

Te-im-ti-[ar]-ta-áš؛ و به صورت مبهم و مشکوک در *Mém.*, 14, 26: 3, *En-tit-taš*.

۲- SCHEIL آن را «هومبان بزرگ، بلندپایه» ترجمه کرده است؛ *elu* از *elû* آکدی اقتباس شده و وارد زبان ایلامی شده است؛ این کلمه را در زمان شیلهاک -اینشوشیناک در ترکیب *-alimelu-* می بینیم. مرجعه شود به ج. ز. ۱۱.

دسته ب (متن ایلامی ۲۲-۱۰)

این دسته شامل کتیبه‌هایی است که از بین حصار اول و دوم گردآوری شده‌اند و می‌توان آنها را مربوط به ساخت و سازها کرد. مجموعه اول (متن ایلامی ۱۰ تا ۲۰) از بین خرابه‌های پنج معبدی پیدا شده‌اند که در مقابل وجه درونی دومین دیوار، از زاویه شرقی، در ردیف هم قرار دارند. از ساختمانها فقط ارتفاع اندکی باقی مانده است - گاهی نیز فقط یک رگ آجر؛ بنابراین هیچ یک از این کتیبه‌ها، به معنای واقعی، در سر جای اصلی خود قرار نداشتند. بر اساس یک حسابرسی آماری از تمام آجرهای کتیبه‌دار گردآوری شده در یک بخش بود که توانستیم خدایانی را تعیین کنیم که نیایشگاههای گوناگون وقف آنها بوده‌اند.

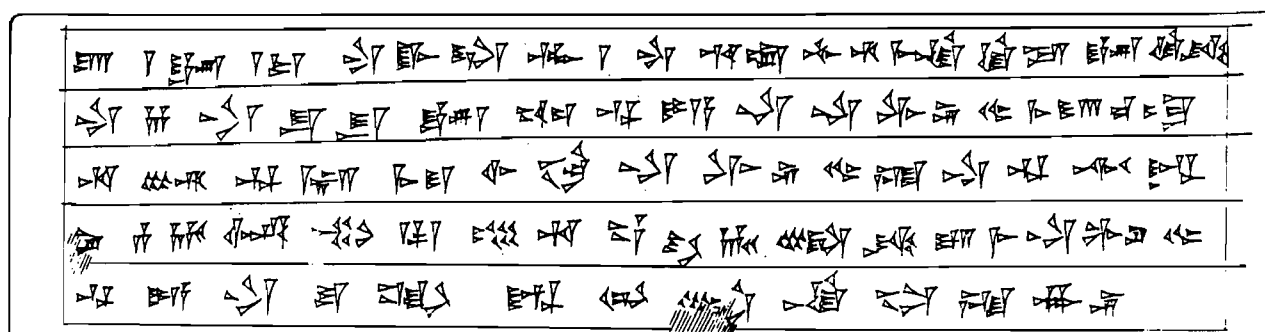
گروه دوم (متن ایلامی ۲۱-۲۲) از کتیبه‌هایی تشکیل شده که در سر جای خود در روی پیش‌آمدگی خط جنوب شرقی حصار دوم (مراجعه شود به نقشه شماره ۱، ۵، ۴، H) و در «گذرگاه شاهی» (همان نقشه ۳، ۵، ۳، H) قرار داشتند.

۱۰ (لوح چهارم، شماره ۵)

(= Mém., 32, no. XV)

اولین معبد، در زاویه، معبد الهه پی‌نیکیر است. از بین دیوارهای فرو ریخته، و در پاره‌ای جا هم‌تراز زمین شده‌اند، ۱۲۰ عدد آجر کتیبه‌دار از انواع گوناگون جمع‌آوری شدند. از این تعداد بیش از نصف آن - ۶۲ عدد - متعلق به متن شماره بوده و احتمالاً از حصاری به دست آمده در نزدیکی قرار داشته است؛ ۱۴ عدد آجر متن ایلامی ۲۱ موجب این فرض شدند که برآمدگی مشابهی با برآمدگی وجه جنوب غربی در اقامتگاه برپا بوده است. اگر این اثر باقی مانده از حصار را کنار بگذاریم، متونی که از الهه پی‌نیکیر نام می‌برند از طریق ۳۹ عدد آجر در مقابل ۱ کتیبه متن ایلامی ۴۲؛ ۱ کتیبه متن ایلامی ۳۵ و ۱ کتیبه چ. ز ۳۲ معرفی شده‌اند.

ابعاد آنها چنین است: ۳۷/۵ × ۳۷/۵ × ۹ سانتیمتر و ۸/۵ × ۳۴/۵ × ۱۵ سانتیمتر و ۱۷ × ۱۷ × ۱۰ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak m^dHu-um-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik
2. An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an ^dPi-ni-gir-me ú-pa-at
3. hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ^dPi-ni-gir la-an-si-ti-ra
4. ir a-ha-ar mu-ur-táh hu-ut-tak ha-li-ik ù-me ^dPi-ni-gir
5. si-ia-an ku-uk-ra ul-li-na te-la-ak-ni

متغیرها:

5. ul-li-na / li-na

« من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، معبد پی نیکیر را با طاقهای آجری ساختم؛ (مجسمه‌ای) طلائی از پی نیکیر را در آن برپا کردم. باشد که کارها و اعمال من به عنوان هدیه. مورد قبول پی نیکیر (بانوی) مکان مقدس قرار گیرد! »

۲ - Pinigir

اگر به نظر می‌رسد که کی‌ری‌ریشا در جنوب ایلام (مراجعه شود به متن ایلامی ۷) از پی نیکیر خلع ید کرده و جای او را گرفته است، معذالک جایگیری این معبد، اولین معبد از این سری معابد، در ورودی «گذرگاه شاهی» و سه متنی که نذر و وقف او شده‌اند نشان می‌دهند که الهه کهن هنوز هم مقام و منزلت والائی را حفظ کرده است.

۳-۴ - همین که ساختمان معبد تمام شد مسئله بر سر مستقر کردن یک الهه نیکیر، به صورت برپا (*murtah*)، است که کیفیت عبارت *lansit*- را نشان می‌دهد. همین روش در متن ایلامی ۱۳، متن ایلامی ۱۵، متن ایلامی ۱۷، متن ایلامی ۴۱ دیده می‌شود با مطابقت ضمائر شخصی سوم شخص جمع *-a-ou-un-*، وقتی که خدایان به صورت زوج آورده می‌شوند. معنی که در قبل (متن ایلامی ۲) برای *lansite*- آورده شد، ما را به طرف این ترجمه هدایت می‌کند: «یک پی نیکیر، او، از طلا در آنجا برپا کردم»، باید به طور غیر صریح و به احتمال خیلی زیاد کلمه «مجسمه» یا معادل آن را از آن فهمید^(۱). این اصطلاح به آکدی نزدیک می‌شود که *ilu* (DINGIR.MEŠ) برای نشان دادن مجسمه‌ها یا تمثال خدایان بکار رفته است. یک متن ایلامی قیاس و شباهت دقیقتری را برایمان فراهم می‌کند: *La(?) -ma-šu-ik-ku-un ha-lu-at-ia ku-ši-ik* «یک لاما سو... ساخته شده از گل» (*Mém.*, 5, 71: colonne 2: 28-29)؛ در اینجا نیز بطور غیر صریح عبارتی همانند مجسمه

۱- این همان چیزی است که M. LAMBERT, *Ir. Ant.* V. p. 23 به خوبی آن را دیده است. ذکر مجسمه طلائی خدایان یا شاهان نادر نیست، مقایسه شود با *CAD, s.v. salmu, passim*.

فهمیده می شود. در کتیبه های ما، به کار بردن پسوند شخصی - به جای پسوند ابزاری *-ia* - تأکیدی به ارجاع مستقیم به خدا را دارد.

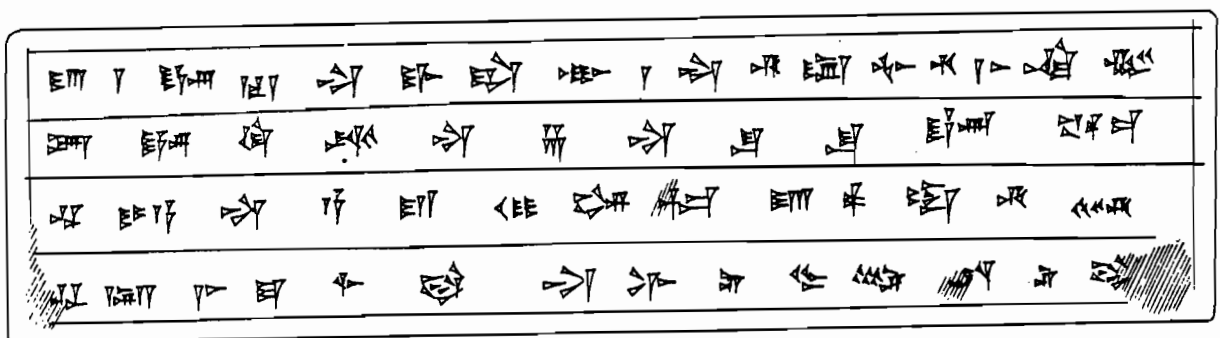
a-ha-ar: این جزء کوچک یا حرف اضافه، که ظاهری همانند پیشوند افعال دارد، ولی نشانه و کاربرد دستوری آن هنوز معین نشده اند، در اینجا به شکل مطیع مفرد دیده می شود. عبارت *a-ha-an* را، در متن ایلامی ۱۹:۳؛ ۱۷:۳؛ ۱۵:۳؛ ۱۳:۳؛ ۳۲:۲، در یک مفهوم و عبارت جمع می یابیم. تنها نمونه های مطابقت منظم در اینجا دیده می شوند (مراجعه شود به فرهنگ متون ایلامی در آخر کتاب).

۱۱ (لوح پنجم، شماره ۱)

در کنار فرمول کلیشه ای که متن ایلامی ۱۰ اولین نمونه آن است، تمام معابد حصار دوم یک سری متن کوتاه تحویل داده اند که توسط وصف و صفتی، گاهی متفاوت، الصاق شده به معبد (*siyan*) از یکدیگر متمایز می گردند. این آجرها که در سراسر خرابه ها پخش بودند و ظاهراً دوباره نیز از آنها استفاده شده است، نمی توان هیچ نوع اطلاعی از محل قرارگیری آنها به دست آورد. از طرف دیگر، نقشه و نظم و ترتیب سه معبد اول بطور عجیبی همانند بودند، و نشانه هایی که این واژگان درباره الگوهای معماری یا شکل های آئین، القاء می کرده اند، کلاً از ما می گریختند.

متن ایلامی ۳ توسط ۳ نمونه معرفی می شود.

ابعاد آنها چنین است: ۳۹×۱۶×۸/۵ سانتیمتر.



1. ú =Un-taš-^aGAL ša-ak =^aHu-um-ban-nu-me-na-gi
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka
3. si-ia-an a-lu-mi-im-ma ú-pa-at hu-us-
4. si-ip-me ku-ši-ih ^aPi-ni-gir in du-ni-ih

« من اونتا-ش-گال، پسر همومبانومنا، شاه انزان و شوش، معبدی با طاقهای آجری در شهرم ساختم، آن را به پی نیکبر اهداء کردم. »

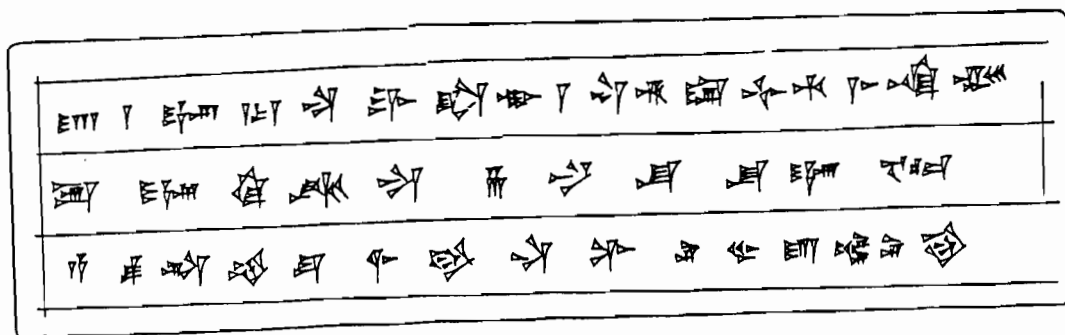
۳ - *alumimma*

داخل شدن کلمه آکدی *alû* «شهر» در واژگان ایلامی دیگر نمی تواند مورد تردید باشد. این کلمه را در متن ایلامی ۳۱:۲ و متن ایلامی ۳۲:۲ می بینیم که فرضیه (A. POEBEL (AJSL, 49(1932), p. 125 s.) را تأیید می کند که در ایلامی *alumelu/alimeli* (Mém., 3, 23: 3; 5, 70; 30, etc) دیده و معادل آکدی *álin elim* آکدی، یعنی «شهر مرتفع» است^(۱). بر این اساس، می توان به شیوه زیر کلمه *alumimma* : *al+ u.mi+(im)ma* تحلیل کرد که معنی تحت اللفظی آن «شهر من در» می شود. این معنی و اصطلاح در جای دیگر دیده نمی شود و دارای حالت القاء کننده این مفهوم است که شاه الهه را در حوزه ای وارد کرده که در آنجا او کاملاً در خانه و جایگاه خود نیست.

۱۲ (لوح پنجم، شماره ۲)

(= mém., 3, 3, Suse)

۱۶ آجر از ساختن یک *aštam* نام می برند که به صورت هدیه به الهه پی نیکبر تقدیم شده است؛ ۱۴ آجر آن از فضای شامل بین تکیه گاه معابد و حصار دوم به دست آمده اند. این بخش که در آن حفاری به نشانه هائی از کفسازی و بازسازی بعدی برخورد کرد، بطور خیلی زیادی منهدم و واژگون شده بود. هرچند که این بخش در آنجا پیدا شد، بنائی که متن ما از آن نام برده بود، هیچ اثری از خود باقی نگذاشته بود. ابعاد آنها چنین بودند: ۳۳/۵×۳۳/۵×۸/۵ سانتیمتر؛ ۹۴۰×۱۶×۹۴۰ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-«GAL ša-ak m«Hu-um-ban-nu-me-na-gi
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka
3. a-áš-ta-am ku-ši-ih «Pi-ni-gir ú tu-ni-ih

متغیرها.

1. *Hu-um-ban-nu-me-na-gi* / *ki*.
3. *ú lu₄-ni-ih* / *in du-ni-ih* (1 fois).

« من اونتاش-گال ...

من یک *aštam* ساختم، آن را به پی نیکیر اهداء کردم!»

۳ - *aštam*.

این کلمه می تواند عبارت از کلمه آکدی *aštammu/altamu* باشد. مراجعه شود به:

W. von SODEN, *AHW*, «Wirtahaus, Gastwirtschaft»;

W. G. LAMBERT, *Babylonian Wisdom Literature*, Oxford, 1956, p. 339, n. 4.

مجسمه های کوچک متعددی که از معبد پی نیکیر گردآوری شدند (مقایسه شود با (1959) 6 *Arta Asiaticques*, p. 266-268) به روشنی نشان می دهند که باید این الهه را به مثابه یک الهه تولید و باروری تصور نمود، این مجسمه ها عبارت بودند از: مجسمه های مرد و زن، مجسمه الهه هایی در حال شیر دادن، مجسمه حیوانات گوناگون که در بین آنها تعداد زیادی مجسمه میمون، یک مجسمه شیر، چند مجسمه کبوتر، یک مجسمه عقرب، یک مجسمه بزکوهی، یک مجسمه خارپشت و یک مجسمه لاک پشت.

معدالک باید به تنوع *a-āš-ta* نیز اشاره کرد (3: 3, 3). (*Mém.*, 3, 3: 3).

۱۳ (لوح پنجم، شماره ۳)

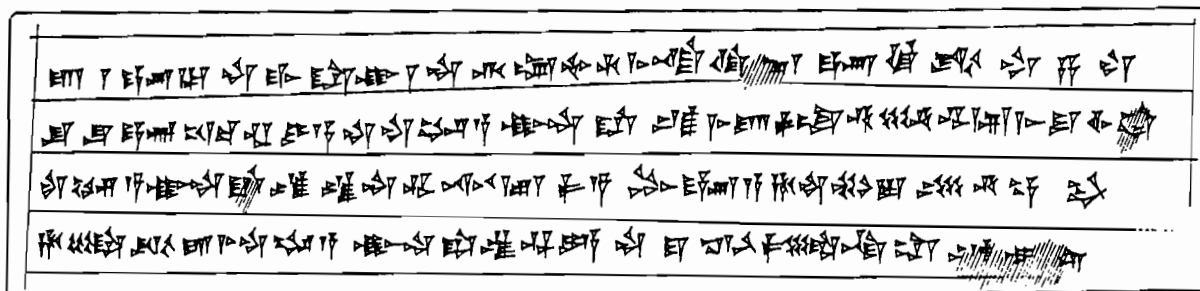
(= *Mém.*, 3, 5 (Suse); 32, n. XXIV)

مجموعه محوطه ای که ۱۰۰ نمونه متن ایلامی ۱۳ را در اختیار گذاشت که ۶۰ عدد از آنها به دنبال محوطه معبد پی نیکیر بود. حضور دو سکوی نیایش در اتاق قبل از محراب (؟) تأیید می کرد که این معبد کاملاً مربوط به یک زوج خدا است در مقابل خدایان ایم IM و شالا Shala. در حیاط نیایشگاه، خرده ریزهای یک مجسمه گاونر از گل پخته لعابدار زمین را پوشانده بود؛ همچنین از آنجا

۱- به دنبال یک قرائت مغلو ط از HÜSING (*Quellenn no. 12, p. 48*): *al-lu-mi-ia* برای *ap-qu-mi-ia* کلمه قبلاً وارد واژگان ایرانی شده است. CAMERON آن را «برای شهر من» تعبیر کرده است (1, n. 121, p. 121). (*HIA*, p. 121, n. 1).

صفحه‌ای از همان جنس گردآوری شد که روی آن کتیبه متن ایلامی ۵۶ حکاکی شده بود و حالتی از ساختمان یک معبد برای خدای گال را داشت.

ابعاد: ۳۸/۵×۱۶/۵×۸/۵ سانتیمتر؛ ۱۶/۵×۱۶/۵×۹/۵ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš. GAL ša-ak mHu-um-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka si-ia-an IM a-ak Ša-la-me ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih
3. IM a-ak Ša-la la-an-si-ti-ip-pa a-pu-un a-ha-an mu-ur-táh hu-ut-tak
4. ha-li-ik ú-me IM a-ak Ša-la si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

«من اونتاش-گال ...»

من معبد ایم و شالا را با طاقهای آجری ساختم؛ (مجسمه‌های) ایم و شالا را از طلا در آنجا برپا کردم. باشد که کارها و اعمال من به عنوان هدیه مورد قبول خدایان ایم و شالا (ارباب) مکان مقدس قرار گیرد.»

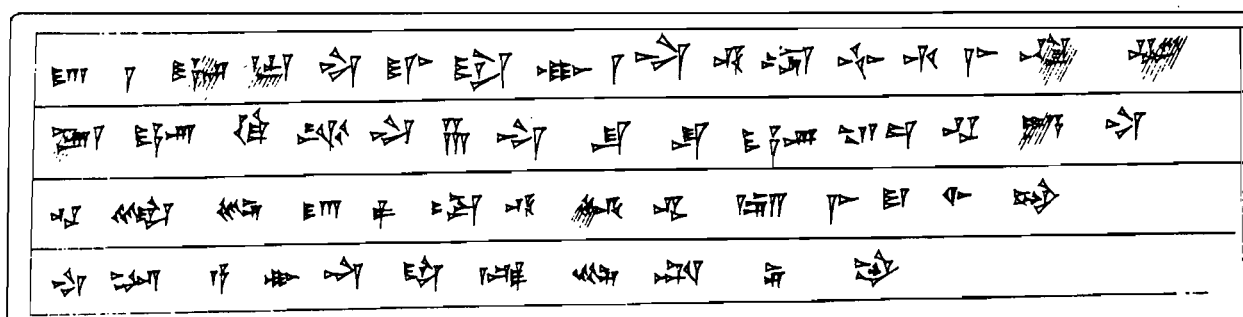
IM a-ak Ša-la - ۲

سابقه پیوند ایم و شالا به ماوراء اولین سلسه بابلی نمی‌رسد و عموماً این توافق وجود دارد که در الهه شالا خدائی از منشأ هوری Shalash/ahslush دیده شود. هویت خدای ایلامی طوفان و باران که در زیر ایدئوگرام IM مخفی می‌شود هنوز هم ناشناخته است. کشف خرده ریزهای مجسمه یک گاونر، از گل پخته لعابدار، در حیاط معبد کاملاً با نمادگاری یک خدا انطباق دارد، ولی کتیبه یک آجر بزرگ لعابدار که باید متعلق به سکو باشد، به سادگی اشاره به ساختن یک معبد برای خدای گال دارد (مراجعه شود به متن ایلامی ۵۶ الف و ب).

۳ - همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، به هماهنگی گروه *lansitippa apun ahan* قابل ذکر است.

۱۴ (لوح پنجم، شماره ۴)
(= *Mém.*, 3, 8 suse; 32, n. XXII)

این متن فقط در ۴ عدد آجر آمده است؛ دو عدد از این آجرها به صورت چفت شده - که به احتمال خیلی زیاد از آنها دوباره استفاده شده بود - در رجهای پایه‌ای پیدا شدند که در زاویه شمالی اتاق محراب قرار داشت.
ابعاد : ۳۹×۳۹×۹ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^aHu-um-ban-nu-me-na-gi
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an
3. si-li-in ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih
4. ^aIM a-ak ^aŠa-la in du-ni-ih

متغیرها :

4. in du-ni-ih / i du-ni-ih.

«من اونتاش-گال...»

در زمان *silin* معبدی ساختم با طاقهای آجری برای خدایان ایم و شالا و آن را هدیه کردم»

۴ - *silin*.

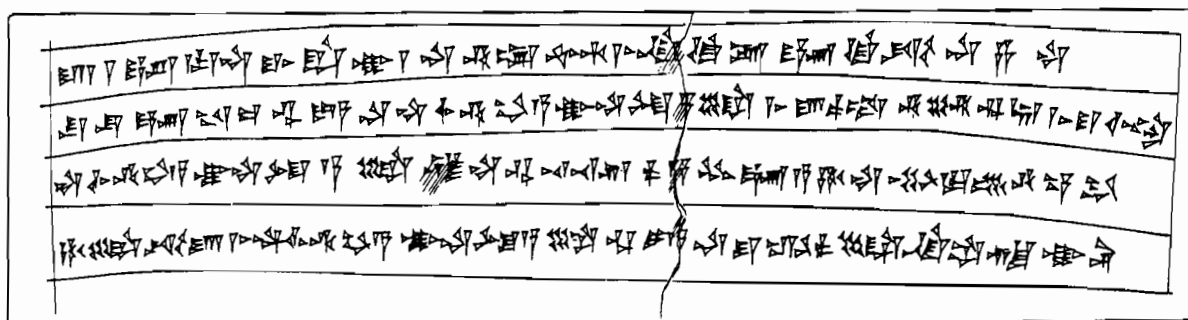
در این جا واژه *silin* است که کیفیت معبد وقف شده به خدایان IM و Shala را مشخص می‌کند. همین ریشه را در نام خدای *Sli-ir qa-at-ru* ^a باز می‌یابیم که یک خدای رسمی و غیر قابل تردید سرزمین ایلام است و در ادعیه‌ها به دنبال خدای

شیموت می‌آید^(۱) (Mém., 11, 92, FaCe, colonne 1:6) *Ši-ha-ha* (Mém., 3, 32: 3) *Si-il-ha-ha* (Mém., 11, 90, C, 24) *si-il-hi-te-ik-ra/šī-ul-ha-ak* (Mém., 3, 63:1) به ما امکان نزدیک شدن به دو پایه *sil-* و *šil-* را می‌دهد. ایلامی-همخانمش برای *šil-* معنی «کافی، نیرو، فراوانی» را فراهم می‌کند (مقایسه شود با متن ایلامی ۱:۳). در بابلی، مفاهیم «ترقی، بارآوری، فراوانی» (*hegallu, tuhudu, nuššu*) به گرد محور خدای IM (رب چشمه‌ها و باران) متبلور می‌شود^(۲). و. شل با ظواهر حقیقی ترجمه «آسایش و تنعم» را در این جمله: *si-il-hu ni-ga-me* پیشنهاد کرده است (Mém., 11, 92, Face, colonne 1: 40; cf. p. 29). یکی از دروازه‌های Esagila در بابل به نام *bâb hegalli*^(۳) نامیده می‌شده؛ بنابراین *siyan silin* در این جا می‌تواند «معبد فراوانی» باشد.

۱۵ (لوح ششم، شماره ۱)

(= mém., 3, 8 Suse; 32, no. XXIII)

وقف خدایان شیموت Shimut و بت (نین)-الی Bêlet(NIN)-ali: در مجموعه محوطه ۱۵۶ آجر وجود داشت که ۹۴ آجر آن از معبدی به دست آمد که به دنبال معبد IM و Shela قرار داشت. ابعاد: ۳۸/۵×۳۷×۹ سانتیمتر؛ ۳۸×۱۶/۵×۹/۵ سانتیمتر؛ ۱۷×۱۶/۵×۹ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš GAL ša-ak mHu-um-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an

2. Šu-šu-un-ka si-ia-an Ši-mut a-ak Bêlet(NIN)-a-li-me ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih

۱- شاید با خدای *Silagara* سالنامه‌های آشوربانیپال هم هویت باشد؛ STRECK, *Assurb.*, 2, VI: 43. شاید یک اعوجاج خطی *Si-li-ir qa-at-ru* را بتوان تصور کرد که ناشی از *Si-la-ga-ra-a* باشد؛ به همین منوال *Sunkir rišarra* که ایلامی است، در آشوری *Sumungursara/Sungurasara* می‌شود (مقایسه شود با متن ایلامی ۲۶: ۴).

۲- مقایسه شود با TALLQVIST, *Akk. götterepith.* p. 50 et 248

۳- مقایسه شود با E. UNGER, *RLA* s.v. *Abullu*, 357 a; W.C. LAMBERT, *Bsbylonian Literature*, p. 61. Wisdom

3. Ši-mut a-ak Bêlet(NIN)-a-li la-an-si-ti-ip-pa a-pu-un a-ha-an mu-ur-tah hu-ut-tak
 4. ha-li-ik ú-me Ši-mut a-ak Bêlet(NIN)-a-li si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

متغیرها:

3. a-ha-an / a-ha-a.

برای ترجمه مراجعه شود به متن ایلامی ۱۳.

۲ - Šmut a-ak Bêlet-ali

شیموت - یا سیموت - که در متن «معروف به نارام - سین» (Mém., 11, colonne 1: 9; revers. colonne 4:14) از آن ذکر شده، مسلماً یکی از قدیمی‌ترین و مهمترین خدایان ایلام است. آن را بازم در کتیبه‌های Málamir و (88) (Mém., 3, 63:4) باز می‌یابیم. HINZ نیز بر اساس شناسائی که توسط Hallock به عمل آمده^(۱)، در خطوط ۶ و ۲۱ همین متن مال‌امیر، نام شیموت را تحت ایدئوگرام PAP می‌خواند (Hanne, p. 107 et n. 2). «Šimut ist also der Gott der "Gesamtheit", des "Alles"» (HINZ, l.c., n. 2). حضور شیموت در پاره‌ای از نامهای خدائی چیزی را درباره شخصیت خدا برای ما روشن نمی‌کند: Si-mu-ut ha-ap-ru-uh (Mém., 18, colonne 2: 2; 28, 518:2, 527:). Si-mu-ut Hu-um-ba-an (Mém., 28, 471: 10) یا (ib. 471:11) Si-mu-ut ir ha-wi-ru-uh (181, 7) یا Šá-ti-Šōmu-ut^{md} (مراجعه شود به متن ایلامی ۹). همانطور که شل در مورد Iabru چنین فکری را القاء کرده است (Mém., 28, p. 112, n. 10)، پیشنهاد معادلی بین یکی از این جوهرهای وجودی خدایان و شیموت امکان ندارد. پیوند شیموت با الهه Manzat برای اولین بار در متنی از شیلهاک - اینشوشیناک آمده است که در آن خدا به نام «ایلامی» در حد کمال نامیده شده است (Ma-za-at a-ak Ši-mu-ut-ta Ha-tam-ti-ir) (Mém., 11, 94: 1-2). همچنین مقایسه شود با 10-11: 97 (Huteludush-Inshushinak, ib. 97). از این دو عبارت می‌توان برای تعیین هویت Manzat با Bêlet-ali - بانوی شهر - متن خودمان حقی به دست آورد؛ شل (Mem., 11, p. 61) هم به همین ترتیب است. معذالک هم شیموت و هم مانزات هر دو غالباً بدون ذکر مأخذ نام گذاری شده‌اند. در اینجا هنوز هم وجود یک معبد مانزات در چغازنبیل (متن ایلامی ۴۸) مسئله‌ای را مطرح می‌کند که حل نمی‌شود؛ در انتظار یک استدلال دقیقتر، در همین امر نشانه‌ای می‌بینیم که اجازه از هم جدا کردن هویت Manzat/Bêlet-ali را می‌دهد.

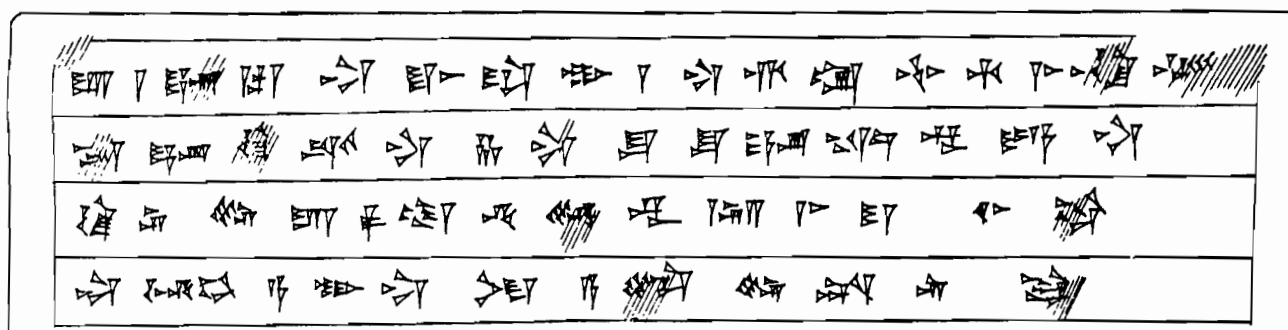
۱ - JNES, 17 (1958), p. 260, n. 18. همچنین مراجعه شود به: 4, 164:7; 23: 8; 37 revers.: 4, 164:7; 23: 8; 137:4 در «شاه» sunki (EŠŠANA) 247 revers.: 5, 6; 281:2, revers.: 5; 23: 8.

۱۶ (لوح ششم، شماره ۲)

(Mém., 32, n. XXIII, 2)

به نظر می‌رسد که تعدادی از این آجرها در سرجای خود بوده‌اند و همین آجرها هستند که به ما اطلاع می‌دهند معبد خدایان شیموت و بلت-آلی با وصفی *kini* می‌شناسانده‌اند. ۵ کتیبه در درگاه دروازه‌ای کار گذاشته شده بود که به حیاط باز می‌شد؛ سه عدد مکعب در قسمت پائین پایه‌ای وجود داشت که در طرف راست ورودی نیایشگاه قرار گرفته بود، یک مربع در قسمت پائین پایه طرف چپ؛ دو مکعب دیگر در این سو و آن سوی سکوی هدایائی قرار داشتند که تقریباً در مرکز حیاط قرار داشت. بنابر این می‌توان فرض کرد که این نوع آجرها، علیرغم استفاده متعددی که از آن به عمل آمده بود- بیش از آن خود دیوار معبد را مزین کند، ساخته‌های جنبی را نقشین می‌کرده است. تمام ۳۶ عدد آجر گردآوری شده از همان درون ویرانه‌ها به دست آمدند.

ابعاد: ۳۶×۳۷×۹ سانتیمتر؛ ۳۹/۵×۱۶×۹/۵ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-a GAL ša-ak mdHu-um-ban-nu-me-na-gi
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an
3. ki-ni-in ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih
4. Ši-mut a-ak Bêlet(NIN)-a-li in du-ni-ih

«من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان وشوش، معبدی *kinin* یا طاقهای آجری ساختم؛ برای خدایان شیموت و بلت-آل و به آنها هدیه کردم.»

kinin - ۳

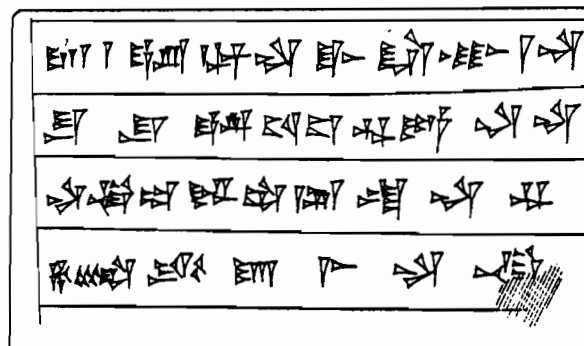
معلوم نیست که پیشنهاد F. W. KÖNIG (EKI, P. 44) مبنی بر ترجمه *kinin* به «Tor, Schleuse, Riegel» بر چه اساسی است. ما این کلمه را به ریشه *kan/kin* وابسته می‌دانیم که غالباً به معنی «دوست بودن، کمک کردن، یاری

رساندن» است^(۱). در اینجا با استفاده از عبارت *siyan kinin* یک «معبد یاری، کمک» خدایان خواهیم داشت.

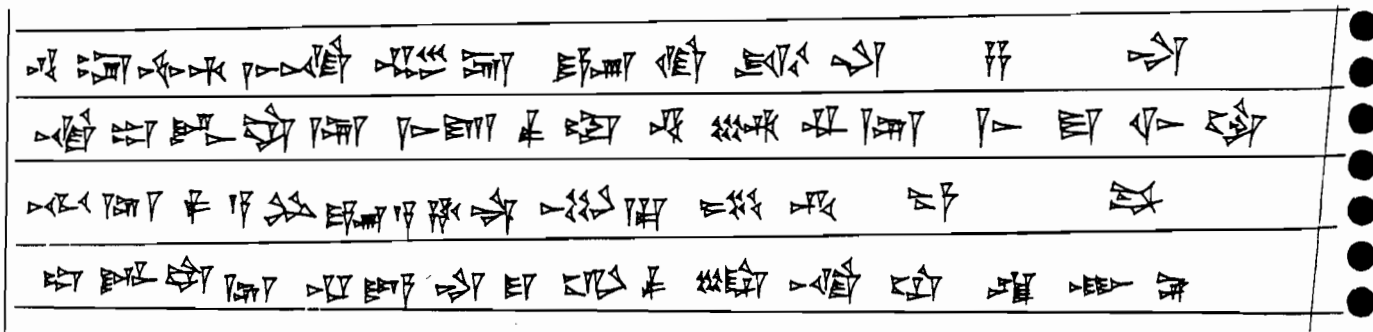
۱۷ (لوح ششم، شماره‌های ۳-۴)

(Mém., 3, 9 Suse; 32, no. XIII, 1 et 2)

بنائی اصلی که به دنبال معبد شیموت و بلت-آلی است، وقف ناپراتپ‌ها *Naoratep* شده، که شل به درستی آن را به مثابه یک «گروه خدایان» فرض کرده است. قرارگیری این بنا نوعی «*iwan*» چهار برابر را قبل از معنی ظاهر یاد آور می‌شود؛ سکوه‌ای نیایش به صورت زوج در انتهای هر یک از دالانهای سرپوشیده قرار گرفته اند (مراجعه شود به نقشه شماره ۱)، (G, 5×IV, 3). علیرغم سیلی که قسمتی از مجموعه را برده است، متون مطلعمان می‌سازد که این عمارت مسلماً یک معبدی (*siyan*) است. از جمع ۵۵ آجر، ۲۰ آجر آن از همین بخش به دست آمده است. ابعاد: ۳۶×۳۷×۸ سانتیمتر؛ ۳۹×۱۶/۵×۹/۵ سانتیمتر؛ ۱۷×۱۷×۱۰ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak md
2. Šu-šu-un-ka si-ia-an ^d
3. ^dNa-ap-ra-te-ip la-an-si-
4. ha-li-ik ú-me ^dNa-



۱- مقایسه شود با PAPER, *Phonology*, p. 39. معادلهای فارسی قدیم و آکدی آن: *daušta* و *rāmu* به معنی «دوست فلان بودن، دوست داشتن» است.

1. Hu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an
2. Na-ap-ra-te-ip-me ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih
3. ti-ip-pa a-pu-un a-ha-an mu-ur-táh hu-ut-tak
4. ap-ra-te-ip si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

متغیرها :

b : 4. li-na / ul-li-na

« من اونتا ش-گال... »

من معبد ناپراتپ‌ها با تاقهای آجری ساختم؛ (مجسمه‌های) طلائی ناپراتپ‌ها را در آنجا برپا کردم. باشد که اعمال و کارهای من به عنوان نذر مورد قبول واقع گردد.»

۲ - Napratep

هینز مبتنی بر نظم و نسق معبد چغازنبیل ادعا کرده است که در عنصر *rate-* یکی از ترکیبات نام خدایان را می‌بیند که عدد هشت است: *Napratep* «هشت خدایان» یا «خدایان - هشت» خواهند بود^(۱). علامت جمع نشانمان می‌دهد همانطور که قبلاً نیز شل گفته است (Mém., 3, p. 17)، با یک گروه خدا مواجه هستیم؛ ولی مقایسه و سنجش با اتوناک‌ها *Annunaki* یا ایگیگی‌ها *Igigi* پانتئون سومری-آکدی، که ظاهراً به خوبی مجموعه خدایان را نشان داده است^(۲)، به هیچ وجه قانع‌کننده نیست. مقایسه با یک نام دیگر خدائی، یعنی روهوراتیر *Ruhuratir* (متن ایلامی ۱۹)، با سازندی مشابه، می‌تواند پایه‌ای با توضیحی احتمالی فراهم کند. در یک مورد عنصر *rat-* در رابطه با کلمه *map* به معنی «خدا» است، در مورد دیگر با کلمه *ruhu* به معنی «انسان» در ارتباط است؛ این دو کلمه فقط می‌توانند موضوعاتی باشند که عمل ذکر شده توسط ریشه *rat-* در روی آنها عمل می‌کند (در واقع، در نام خدای *Ruhuratir* به هیچ وجه قانع‌کننده نیست که موضوع *ruhu* باشد). متأسفانه هیچ متن ایلامی به صورتی که اندکی مطمئن باشد درباره معنی داده شده توسط *rat-* اطلاعی در اختیارمان نمی‌گذارد^(۳).

۱ - Das Reich Elam, Stuttgart, 1964, p. 45

۲ - R. LABAT, Le Poème babylonien de la création, Paris, 1935, p. 146 ss

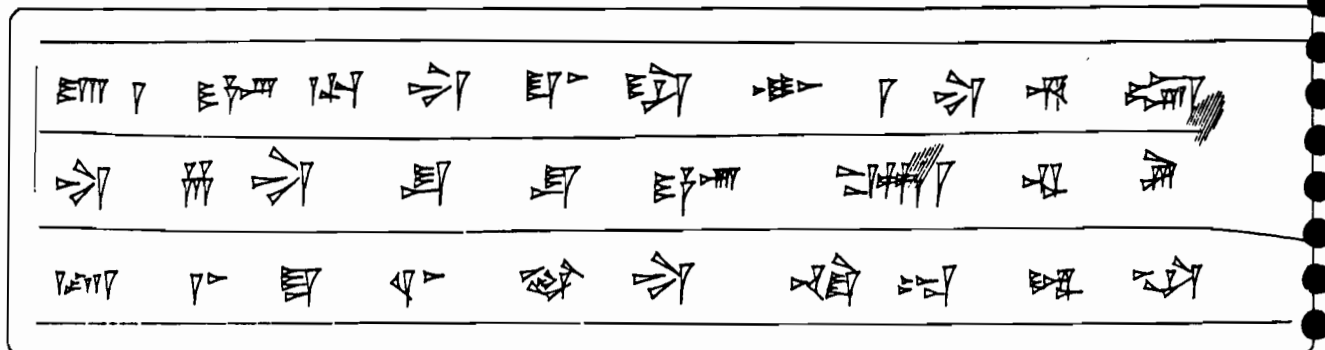
۳ - تأیید احتمالی یک پایه *rat-* در ایلام میانه، sa-am-mi-me ru-qa pu-ur-ma ra-ti-qa : Mém., 3, 54, col 2:6. انقطاع نامطمئن در 5 : Mém., 5, 87: 5. ra-ti ši-ik-ik-iš tak ha-du ku-ta-[-.. مقایسه شود با KÖNIG, EKI, p. 210: ra-ti- به معنی "bilden, formen" و P. 74, n. 4. سازند فارسی قدیم / ایلامی hur-taš ra-ti-ip در متنی از تخت

۱۸ (لوح هفتم، شماره‌های ۱-۲)

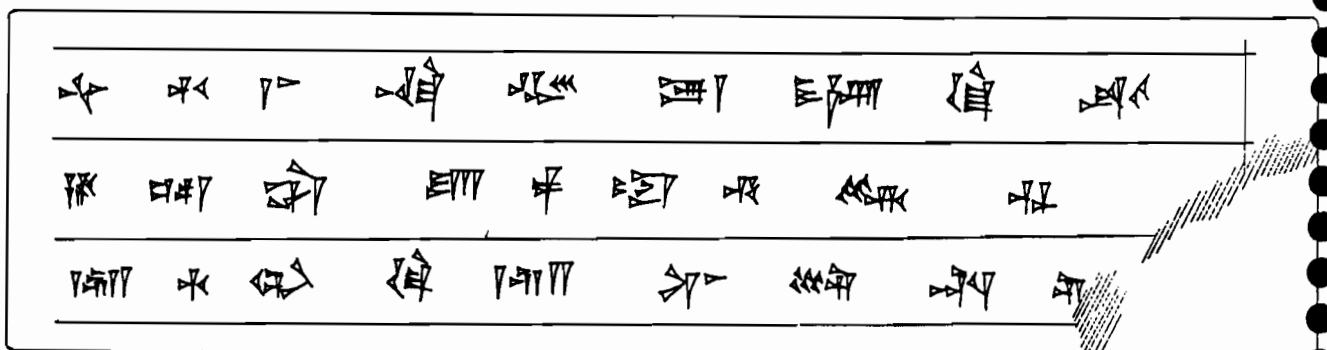
این بار به خوبی معلوم است که این متن - از نوع متن ایلامی ۱۶۱۴۷ - به ساختمان بسیار ویژه‌ای اشاره می‌کند که معذالک کتیبه قبلی به آن نام معبد داده است.

در این مورد ۶ نمونه داریم که ۲ مکعب آن با ۴ خط تنها در روی یک وجه و چهل مکعب یا نیمه آجر شامل دو وجه سه خطی.

ابعاد: ۳۶/۵×۳۶×۸ سانتیمتر؛ ۳۶×۱۶×۹ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak m^dHu-um-
2. An-za-an Šu-šu-un-ka si-ir
3. ip-me ku-ši-ih ^dNa-ap-ra-te-



جمشید (Fort. 2561)، توسط HINZ (ZANF, 24, p. 86) اینچنین: «Arbeiterinnen, nährende (?)» تعبیر شده است.

1. ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik
2. ha-al-te ú-pa-at hu-us-si-
3. ip nu-ul-ki-ip-pi in du-ni[ih]

متغیرها :

b : 2. ha-al-te / ha-al (1 fois).

« من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، رواقی [یا دالان سرپوشیده‌ای] با تاقهای آجری ساختم؛ برای ناپراتپ‌ها... آن را هدیه کردم. »

۲ - sir halte

ایلامی - هخامنشی *sir-ra* (DB 32: 58) معمولاً توسط «به چهارمیخ کشیدن» برگردانده شده است؛ ظاهراً این از همان ریشه‌ای که از *GIS s-ru-um* به معنی «نیزه» (NRA, 4: 36; NRc) مشتق می‌شود. بدیهی است که در این عبارت نشانه‌ای دیده می‌شود که مشابه با نشانه‌ای است که قبلاً نیز از آن صحبت شده که در آن نشانه مسئله کیفر و مجازات مطرح است یعنی: *ta-ri-ip ša-li si-ra-aš-pi* (Mém., 11, 92, Face, colonne 2: 56, 65, 88, etc). در واقع نسخه فارسی قدیم (DB II : 78) فعل *fruhajam* را به معنی «آویزان کردن، معلق کردن» به کار می‌برد، و به خوبی به نظر می‌رسد که معنی «برپاداشتن، افراشتن» با عبارات ایلام میانه مطابقت بهتری دارد. این همان ترجمه‌ای است که مورد پذیرش SCHEIL (Mém., 11, Vocab., p. 120) و M. PÉZARD (Babyloniaca 8, p. 16) واقع شده است. پایه *sir* در عین حال هم به صورت اسم موصوف و به صورت فعل ظاهر می‌شود. به صورت اسم موصوف در جایی است که درباره ساختمانها صحبت میشود (مقایسه شود با 3: 59, Mém., 3, 8, 10; Babyl., 8, p. 8) یا اشیائی که متعلق به اسباب و لوازم معابد هستند (10: 71, colonne 2: 10; 1: 68, 5; 23: 55, Mém., 3). در این مورد آخرین اشیاء می‌توانند از مفرغ و مطلا (؟) و مجسمه‌ای باشد: *si-ir-ri zu-ba-ar la-an-si-ti-in-ni- ša-ar-ri-ih* (Mém., 5, 71: colonne 2: 10). فعل *si-ra-ah* بیانگر عمل برپاداشتن یک سکوی نیایش (*suhtir*) است، برافراشتن یک دروازه (*haltite*) است (که در: Mém., 11, 99 C: 7-10 آمده است): *su-uh-ti-ir-me-la-an-si-ti-i-ni ha-al-ti-te la-ni-i-ni a-ha-at si-ra-ah*، «سکوی نیایشی از طلا(؟)، دروازه‌ای از نقره و طلا(؟)، در آنجا، برپا کردم» (مقایسه شود با تکرار *sisrah*، 27: 71, colonne 2: 27, Mém., 5).^(۱)

از تمام این نمونه‌ها تصویر مشترکی از یک بنا یا یک شیء به دست می‌آید که بطور مرتفعی قد برافراشته و نهایتاً شکل آن به قدر کافی آن چنان روشن است که بتوان دقیقاً یک «تیر، میخ چوبی بلند» یا یک «نیزه» را از آن تشخیص داد. در مورد *sir* به عنوان یک نظریه معنی «جرز، ستون چهارگوشه، ستون» را پیشنهاد می‌کنیم. در مورد کلمه *halte* به احتمال خیلی زیاد این کلمه همان کلمه *haltete* است که در متن ایلامی ۷: ۳۱ دیده می‌شود و معادل کلمه *daltu* به معنی «دروازه» در زبان آکدی است. آنچه که از آثار بازمانده از بنای وقف شده به ناپراتپ‌ها باقی مانده امکان تصور یک رواق چهارگانه است، و همین امر

۱- HINZ (Hanne., p. 108, n. 2) برای ترجمه *sir* این معانی را پیشنهاد می‌کند: «schwer=reich, machtig». معانی که ما پیشنهاد می‌کنیم، یعنی «مرتفع بودن، برپاشدن»، می‌تواند، از طریق مشتق شدن، با مفاهیمی چون *sir-ma-pu* (Mém., 5, 84: 7)، به اسامی خاص ترکیب شده از عنصر *sir*، مثل *Sir ukduh*، *Sir Simut*، انطباق یابد.

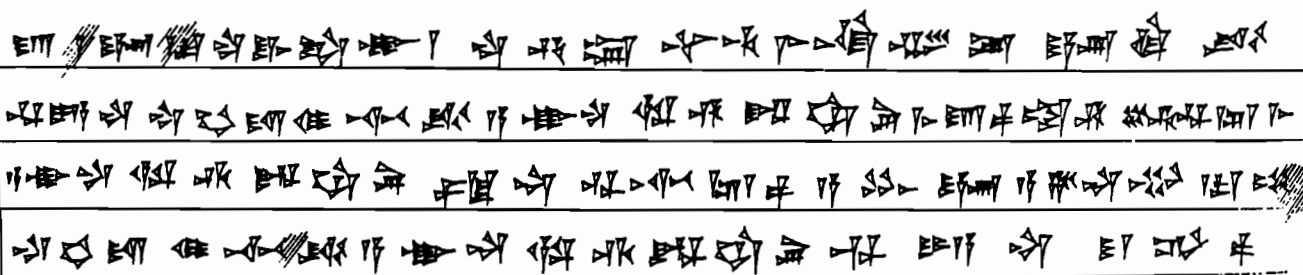
می تواند پیوند *sir* به معنی «ستون چهار گوشه، جرز» را با *halte* به معنی «دروازه» القاء نماید.

۳ - ناشناخته دیگری از این کتیبه مختصر کلمه وصفی *mulkippi* است که خدایان ناپراتپها را توصیف می کند. KÖNIG (EKI, p. 42 et n. 15) در این کلمه نام عدد «هشت» را می بیند، که در جای دیگر آن را نمی شناسیم. هیچ نوع ریشه ایلامی - *mulk-* مورد تأیید قرار نگرفته است. واژگان کاسیت معادل *nu-la* را می دهد که برابر است با *šar-ru* به معنی «شاه»؛ در علم مربوط به اخلاق و رفتار هوریت های نوزی Nuzi اشکال *Nu-la-Za-hi/ Nu-ul-Za-hi* و *Nu-ul-Te-šup* برمی خوریم که می گویند خدای «Zahi (= Sah) شاه است»، خدای «Tešup شاه است»^(۱). ارتباط بین این زبانها و زبان ایلامی هنوز هم به خوبی برقرار نشده است تا بتوان با اطمینان این پیشنهاد را داد که *nul-* یک ریشه مشترک است.

۱۹ - (لوح هفتم، شماره های ۳-۴)

(= Mém., 3, 19, Suse)

نیایشگاه خدایان هیشمیتیک Hisshmitik و روهوراتیر Ruhuratir در ماوراء دروازه شمال غربی حصار دوم، در نیمه راهی که به سوی زاویه شمالی می رود، قرار گرفته است. معبد به معنی واقع کلمه، که جهت و نظم آن با جهات و نظامات معابد زاویه شرقی متفاوت است، بطور کاملاً واضح از یک قسمت الحاقی که به همان بزرگی است، جدا می شود. هیچکدام از ۱۷ نمونه متن ایلامی ۱۹ از این قسمت الحاقی به دست نیامده اند. به علاوه، متن کلیشه ای متن ایلامی ۱۳، ۱۵ و ۱۷، است که هیچ نوع آگاهی درباره طبیعت و آئین خدایان هیشمیتیک و روهوراتیر در اختیارمان نمی گذارد. ابعاد: ۳۹×۱۶/۵×۹/۵ سانتیمتر؛ ۱۷×۱۶×۹/۵ سانتیمتر.



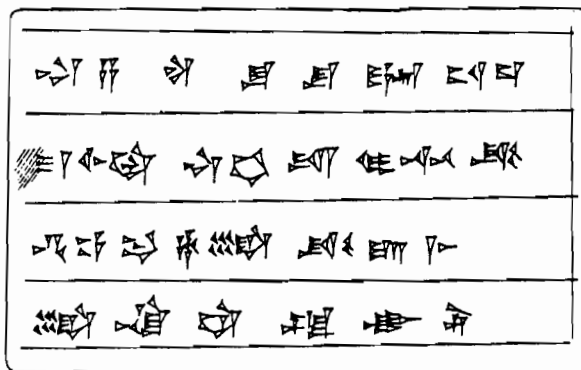
F. DELITZSCH, *Die Sprache der Kossäer*, Leipzig, p. 25

۱- مراجعه شود به :

K. BALKAN, *Kassiten Studien I*, New Haven, 1954, p. 171

OIP 57, p. 240

1. ú ^mUn-taš-^aGAL ša-ak ^mHu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik
2. si-ia-an ^aHi-iš-mi-ti-ik a-ak ^aRu-hu-ra-te-ir-me ú-pa-at hu-us-si-ip-me
3. a-ak ^aRu-hu-ra-te-ir la-an-si-ti-ip-pa a-pu-un a-ha-an mu-ur-táh
4. ^aHi-iš-mi-ti-ik a-ak ^aRu-hu-ra-te-ir si-ia-an ku-uk-pa



1. An-za-an Šu-šu-un-ka
2. ku-ši-ih ^aHi-iš-mi-ti-ik
3. hu-ut-tak ha-li-ik ú-me
4. li-na te-la-ak-ni

در مورد ترجمه آن مراجعه شود به متن ایلامی ۱۳.

۲ - قبلاً (متن ایلامی ۱۷:۲) به تعبیری ممکن از نام *Ruhuratir* از نوع شکل گیری *Napratep* اشاره کردیم. در مورد *Hišmitik* می‌توان خطر حدس ترکیبی از *hiš+mit-* را متقبل شد. عنصر اول این ترکیب به معنای «نام» کاملاً شناخته شده است؛ برای ما ایلامی - هخامنشی برای پایه *mit-* یا *miti/u* معنی «فرستادن، آوردن، هدایت کردن» را فراهم می‌کند (DB 25:14; 33:62, etc.). شکل *mi-ti-ik* در ایلام میانه به مثابه وصف خدای اینشوشیناک ظاهر می‌شود: و. شل عبارت *mi-ti-ik na-ap-pi-ir-ra* (*Mém.*, 5, 67:7) را «رئیس خدایان» ترجمه کرده است (9, p. *ib*). ممکن است که ما در آنجا اشاراتی به یک خدای «آموزگار و استاد نام» داشته باشیم، که به صورت نابوی (*Nabû*) بابلی، توزیع کننده سرنوشت و تقدیر است.

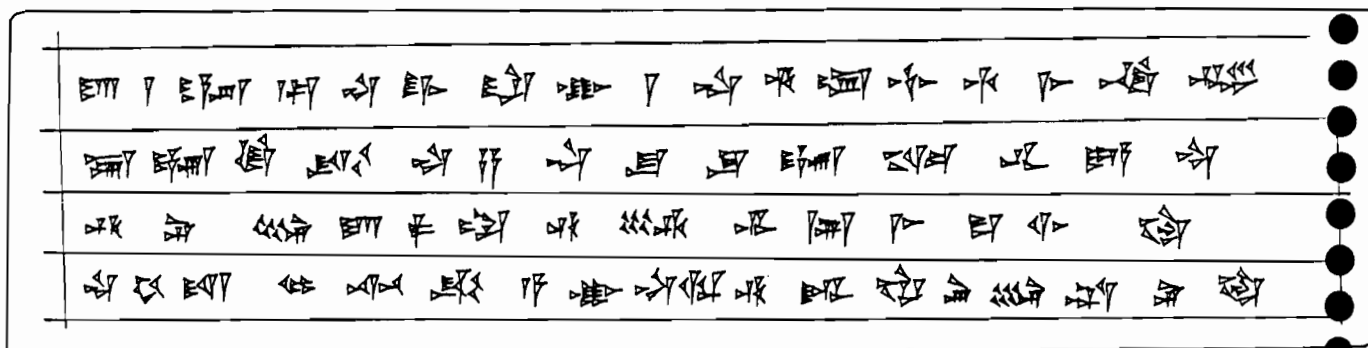
خارج از حوزه ایلامی، *Ruhuratir* گاهی به صورت *Lahuratir/l* نوشته می‌شود (مقایسه شود با: CT XXV, 11:37; *Šuirpu* II: 162). مراجعه شود به (1916), p. 10 (*RA*). در ایلامی، شکلی که با // نوشته می‌شود *Lu-hu-ra-te-ir* است (11, 174: 22, *Mém.*)؛ جایگزینی *r/l* عادی است.

غالباً کلمه روهوراتیر را بدون هیشمیتیک می‌بینیم (8, p. 8 = *Babyloniaca* 3, 68:14, 16, *Mém.*)، و این امر بخصوص در قراردادهائی است که در آنها آن را همراه با *Šamaš* باز می‌یابیم (etc., 24:72; 18:71, 22, *Mém.*). بابلیها آن را

به Ninurta، خدای طوفان تشبیه می‌کرده‌اند که باد را از طرف جنوب به جریان می‌انداخته، خدای جنگ و خدای شکار. ولی این انتقال و جابه‌جائی وجود متمایز، هیچ نوع اطلاعی درباره طبیعت واقعی خدایان به ما نمی‌دهد؛ اینشوشیناک را به مثابه شکلی از Ninurta نیز تصور کرده‌اند (مقایسه شود با: A. DEIMEL, *Pantheon*, s. v. *Šušinag*). پیوند او با هیشمیتیک هنوز هم به صورت مبهم باقی مانده است؛ این دو خدا هر دو مذکر هستند و لذا موضوع بر سر یک زوج خدا نیست، و با توجه به استقلال و والائی روهوراتیر، اینها دو خدای دوقلو نیز نیستند^(۱).

۲۰ (لوح هشتم، شماره ۱)

«ذخیره» [آجرها] سه آجر از این متن را فراهم می‌کرد؛ دو آجر دیگر در حیاط قسمت الحاقی معبد هیشمیتیک و روهوراتیر پیدا شدند. آنها در خروجی کانالی گذاشته شده بودند که در حوض واقع در اتاق زاویه جنوبی به عنوان تخلیه فاضلاب به کار می‌رفته است (مراجعه شود به نقشه شماره یک، E × IV).
ابعاد: ۳۶×۳۶×۹ سانتیمتر؛ ۳۸/۵×۱۶/۵×۸ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak ^{md}Hu-um-ban-nu-me-na-gi
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an
3. hu-ni-in ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih
4. ^aHi-iš-mi-ti-ik a-ak ^aRu-hu-ra-te-ir in du-ni-ih

«من اونتاش-گال...»

معبدی *hunin* با طاقهای آجری ساختم، برای خدایان هیشمیتیک و روهوراتیر آن را هدیه کردم.

۳ - *hunin*

به نظر ما چنین می‌رسد که استخراج معنی آب از متون ایلامی که در آنها یک ریشه *hun-* آمده، غیرممکن است؛ KÖNIG چنین کاری را کرده است^(۱). کلمه *hu-un-ba-ar* (Mém., 3, 54, colonne 2:9; 55, cham I, a:1) که شل آن را از طریق زبان آکدی *huburu* به معنی «ظرف، حوض» تشریح کرده، یک استقراض احتمالی از زبان هوریت است و نشانگر یک «ظرف آبجو» می‌باشد (مراجعه شود به CAD, s, v. *huburu*).

در متن ستون یادبود Šuturu (Mém., 5, 86, Face 1: 17, 20)، عبارت:

Šu-ut-ru-ru pa-ši-šu rabû li-iš a-ak hu-un-sa-aš احتمالاً در ارتباط با هدایا و نذوراتی است که توسط

پیشوای بزرگ مذهبی درباره فتوحات جنگی به عمل می‌آید. در عباراتی که دارای انقطاع است، شکل از جمع (?) را می‌یابیم: *hu-un-pu si-ia-an....-áš-pi-na* (Mém., 11, 92, Face, colonne 1: 65)؛ ضمناً این عبارت را نیز داریم: *gi-ri-na hu-un hi-ih-na* (Mém., 3, 19:7) که شاید شکل تابعی از ضمیر اشاره *hu* است. در Mém., 11, 88, colonne 5:21 revers. نیز مراجعه شود به شکل *hu-ni-NE(?) -in*^(۲). از این عبارات عجیب و بی‌قاعده هیچ نوع توجهی به یک نکته ظاهر نمی‌شود.

۲۱ (لوح هشتم، شماره ۲)

(=Mém., 3, 18; 5, 18 bis, p. 87 (Suse); 32: 3)

مکانهائی که این آجرها از آنها به دست آمدند، با دقت فراوانی تعیین مکان شده بود: از ۲۲۰ متنی که نهایتاً گردآوری شدند، ۸۴ عدد از آنها در برج پیش آمده‌ای پیداشدند که در حصار دوم قرار داشت (نقشه شماره یک، H, 4xV, 6)، در ۴۰ متری جنوب «گذرگاه شاهی». یک کیلوئی شامل ۳۲ آجر هنوز هم در آنجا در سرجای خود قرار داشت. مجموعه بزرگ دیگری - ۵۵ نمونه - در حوالی همین حصار در وجه شمال شرقی، در بلندای معابد ایم و شالا پخش شده بودند. می‌توان فرض کرد که برآمدگی دیگری در این محل وجود داشته که آن را آبشویی بطور بدی منهدم کرده است.

«ذخیره» [آجرها] حدود ده تائی آجر فراهم کرده بود؛ در حوالی زیگورات، دو کتیبه متن ایلامی ۲۱ در بین آوارهای صحن شمال غربی و جنوب شرقی پیدا شدند و دو کتیبه دیگر سهواً به احتمال زیاد - در رجهای «دروازه شاهی» و در ورودی «معبد B» اینشوشیناک چفت و زبانه شده بودند.

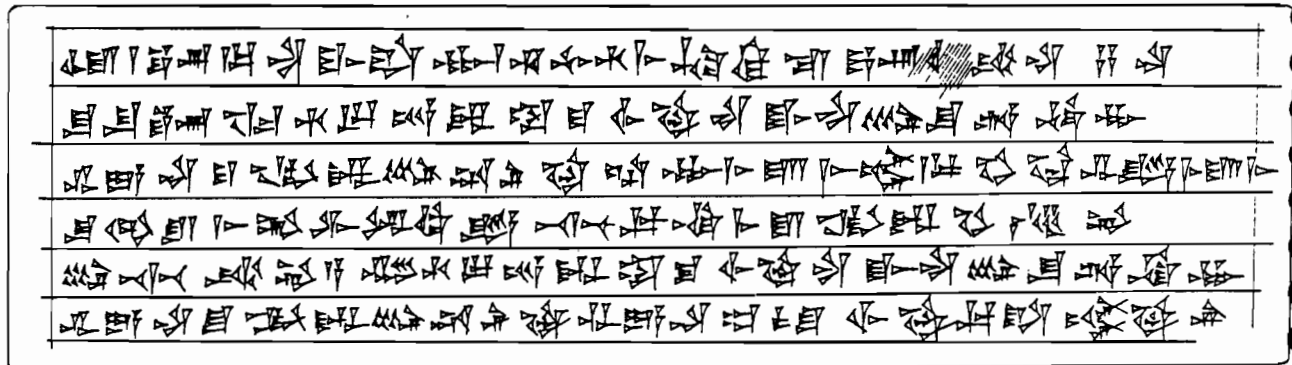
ابعاد: ۳۷x۳۷x۹/۵ سانتیمتر؛ ۳۶x۱۷x۹ سانتیمتر.

در روی یک وجه تمام و نیمه‌ای از وجه دیگر تعدادی مربع نیمه آجر کتیبه نگاری شده بود و همین امر امکان این

۱ - EKI, p. 44 en not; p. 150, n. 10; p. 78, n. 3

۲ - HINZ, ZANF, 24, p. 89، این عبارت را *hu-ni-bi-in* می‌خواند و این چنین تلقین می‌کند که این کلمه می‌توانسته یا گویای بخشی از یک قسمت داخلی معبد باشد، یا گویای «ein Tabu-Emblem».

فرض را می‌دهد که در قسمت‌های از بین رفته برج پیش آمدگیهائی به صورت جرز وجود داشته است.



1. ù ᵐUn-taš-ᵈGAL ša-ak ᵐHu-ban-nu-me-na-ki su-un-k[i]-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka nu-ur kib-ra-at ku-ši-ih ᵈGAL ᵈIn-šu-uš-na-ak
3. si-ia-an ku-uk-ra in du-ni-ih ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me
4. šu-ul-lu-me-ga pi-el ki-it-ti-ma na-me-lu-uk-ra hi-en-ga
5. in-ti-ig-ga a-gi nu-ur kib-ra-at ku-ši-ih ᵈGAL ᵈIn-šu-uš-na-ak
6. si-ia-an ku-uk-ra in du-ni-ih si-ia-an ap-pa ku-ši-ih-ma ša-tu₄-uh-ni

متغیرها:

۱ - ù / ú .

۲ - (یک بار تکرار شده است) *kib-ra* / (که کمتر متداول است) *kib-ra-at* / *ki-ib-ra-at*

In-šu-uš-na-ak / *In-šu-ši-na-ak*

۴ - *ki-it-ti-ma* / *ki-ít-ti-im-ma* / *ki-ti-ma*

۵ - (یک بار تکرار شده است) *in-ti-ig-ga* / *in-di-ig-ga* / *in-ti-ik-ka*

«^۱من، اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان^۲ و شوش، *nur kiprat* (روشنائی جهان) را ساختم؛ آن را به خدای GAL و خدای اینشوشیناک^۳ (رب) مکان مقدس هدیه کردم. عمری طولانی به دست آوردم، سلامتی من مساعد است، از سالهاموجودیت با روزهای متعدد بهره من هستم. کبرای همین است که *nur kiprat* (روشنائی جهان) را ساختم؛ آن را به خدای GAL و خدای اینشوشیناک^۴ (رب) مکان مقدس هدیه کردم. باشد تا در معبدی که ساختم خوشبختی را بیابم!»

۲ - *nur kiprat* .

هیچ تردیدی وجود ندارد که اصطلاح *nur kiprat* کاملاً از آکدی قرض گرفته شده است: در کتیبه‌های ما از این نوع لغات محصور شده در یک متن نوشته شده به زبان ایلامی نادر نیستند (من باب مثال مراجعه شود به *abul kinuni* در متن ایلامی ۳۶:۲ و متن ایلامی ۳۷: *abul mišari*, *abullu rabbitû/šagutu*، متن ایلامی ۳۱:۵، متن ایلامی ۳۲:۶؛ *melki ilāni*، متن ایلامی ۳۵:۳).

برعکس آنچه که ما در ابتدا مطرح کردیم (*Ir. Ant.* II, p. 47) این نام‌گذاری افتخار آفرین شأنی بیشتری دارد تا به زیگورات مجاور اطلاق شود که نقطه مرتفع آن بیش از ۵۰ متر است، که پیش‌آمدگیهای جرزم‌مانند آن ۱۰ متر پهلوه به پهلوه است، به حصار دوم تکیه داده است. تنها اشتباه، در این جا تنها نمونه از این وجه وصفی اطلاق شده به یک بنای باشکوه است؛ این اشتباه را در جاهای دیگری نیز می‌بینیم که به وصف *Marduk : KAB 26, 17*؛ *ABRT II, 6*؛ *Šamaš*؛ *MNB, 1848, III, 14* می‌پردازد؛ و خدای *Asahaddon : K 2801, 45* (مراجعه شود به: *(K. TALLQVIST, Akk. götterepeith., p. 113, sub nu-ru kibrāti/kib-rat*

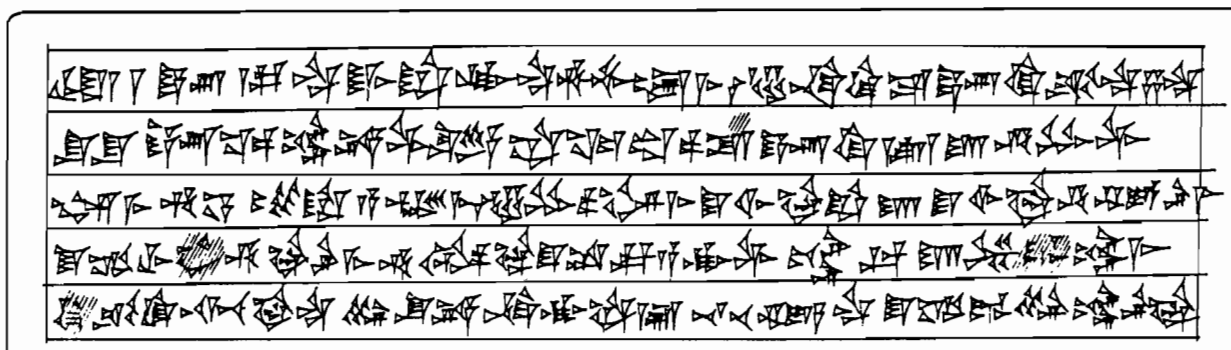
۶ - *šatuhni*

فعل *šatuhni* متعدی اول شخص مفرد، به عبارات *šā-at-me* (*Mém.*, 3, 19:6) *šā-at-ti-me* (*Mém.*, 5, 71)، *colonne 1:4* متصل شده است. اینها جزو اموالی هستند که شاهان در حال، دعا به درگاه خدایان استغاثه می‌کرده‌اند. فرمول بسیار نزدیکتر به آن: *à a-ak^{td} Nah-hu-[un-te u-tu] ri-še-eh-hu-na ša-te-hu-na* (*Mém.*, 11, 92, *colonne*) (1:47).

ایلامی - هخامنشی *Šad/t* («خوشبخت» *šā-da* ; *šā-ud-da* XPh, 39) فرضی است که فارسی قدیم *šiyati-/šati* گرفته شده است مقایسه شود با: CAMERON, PTT, No. 6, p. 39 و *BENVENISTE, Titres et noms propres en iranien ancien, Paris, 1966, p. 119-121*

متن ۲۲ (لوح هشتم، شماره ۳)

این کتیبه، مثل کتیبه قبل، از مکانهای مطمئنی به دست آمده‌اند یعنی از دو دروازه حصار دوم که عبارت هستند از «گذرگاه شاهی»، در حوالی زاویه شرقی (۸ آجر، که ۲ تای آنها در سرجای خود بودند) و «دروازه شوش» در روی خط جنوب غربی (۱۸ آجر که ۳ تای آنها در محل اصلی خود قرار داشتند).
ابعاد: ۳۴/۵ × ۳۴ × ۹/۵ سانتیمتر.



1. ù mUn-taš-^dGAL ša-ak ^dHu-ban-um-me-en-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka tu₄-uš pi-it-te-ka ap-pa su-un-ki-ip ú-ri-pu-pi
3. im-me hu-ut-táh-ša a-gi me-en-pu <ap>-pa im-me ku-ši-ih-ša ú ku-ši-ih hu si-ia-ni-me
4. ku-uk-ši-ih hu-uh-ni-me hu-ul-pa-ah ku-du-ma a-ak pi-tu₄-ma ú zag-ra-tu₄-me
5. ki-ik-ki-ti-ih ^dIn-šu-uš-na-ak te-ip-ti si-ia-an ku-uk-ra in tu₄-ni-ih

متغیرها:

2. ap-pa: omis 1 fois.
3. ap- (de ap-pa), omis 7 fois / ap-pa (6 fois).
hu si-ia-ni-me / hu si-a-ni-me (3 fois).
4. ku-du-ma / ku-du-um / ki-lu₄-um-ma (le plus fréquent).
pi-tu₄-ma / pi-lu₄-um / pi-lu₄-um-ma (le plus fréquent).
5. ki-ik-ki-li-ih / ki-ik-ki-le-eh.

۱ «من اونتاش گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان^۲ و شوش، یک صحن محصور، آن چیزی که شاه قدیمی^۳ نشاختند و جانشینان آنها نشاختند، من ساختم؛ این (گروه) معبدها را^۴ ساختم؛ حصاری را قرار دادم، خارج و داخل؛ من، زیگورات را به سوی آسمان کبرافراشتم؛ آن را به خدای اینشوشیناک (رب) مکان مقدس هدیه کردم»

۲ - tuš pitteka

مشابه گروه *mašum pitteka* متن ایلامی ۶ است. «دروازه شاهی» و «دروازه شوش»، که کتیبه‌های ما از آنجا پیدا شده‌اند، به میدانگاهی وسیعی باز می‌شوند که راههای طواف و حرکت دستجمعی زائران دعاخوان آن را مخطط کرده و در بین دو حصار اول و دوم واقع شده است. در نبود کلیه مراجع در مدارک ایلامی، معنی «حیات، صحن» را برای لغت *tuš* پیشنهاد می‌کنیم؛ در این واژه معادل مفهوم سومری -آکدی *kisal/kissallu* را خواهیم داشت. این فرضیه را شکل خارجی خدایان محاط می‌کند؛ دنباله متون پی‌درپی به مجموعه معابدی اشاره می‌کند که در طول صحن‌ها در یک خط قرار گرفته‌اند، با حصار دوگانه‌ای که آنها را در درون خود جای می‌دهند و بالاخره با برج مطبقی که در مرکز این تمنوس برپا شده است.

۳ - *menpu*.

بر اساس این که برای ترجمه مستلزم یافتن معادل برای *tu₄-uš* یا *su-un-ki-ip* است لذا برای ترجمه دو امکان وجود دارد. در حالت اول داریم: «صحن... که شاهان قدیمی درست نکرده‌اند و *menpu* که آنها نشاخته‌اند»^(۱)؛ در مورد دوم: «صحن... که شاهان قدیمی درست نکرده‌اند و *menpu* ها که نشاخته‌اند»^(۲). ما مورد دوم را به کار می‌بریم، بدون این که مطلقاً مورد اول را کنار بگذاریم. در واقع، جای موصول دوم *appa* - که کاملاً تأیید شده است - جای ابهام و تناقض باقی می‌گذارد؛ از طرف دیگر *hu-un-pu* که مفرد است (Mém., 11, 92, Face, colonne 1: 65) برای *me-en-pu* یک مشابه قیاسی فراهم می‌کند. معذالک در ایلام میانه پایه *men-* را می‌بینیم که برای درست کردن کلمات *me-en* (در *me-en Ha-tam-ti* از Mém., 11, 92, colonne 1: 67) و شکل‌های تابع: *me-ni-ik Ha-tam-ti-ik* (Mém., 3, 50:7 et passim)، *me-ni-ir* (!) (Mém., 11, 92, 1) *Ha-tam-ti-ri* به کار می‌روند. به صورت جمع داریم: *me-ni-ip Ha-tam-ti-ip* (Mém., 11, 92, Face, colonne 1: 94, passim). ولی شکل *me-en-ku li-ik-ki Ha-tam-ti-ti-ik* (Mém., 5, 84:3) وجود دارد که ظاهراً یک جمع *me-en-pu-(up ap)* را توجیه می‌نماید. نگارش فعل ناقص *ap-pa* - که ۷ بار مورد تأیید قرار گرفته است - احتمالاً فشرده‌گی و ادغام *me-en-pu-(up ap)-pa* را نشان می‌دهد. لغت *men-* که به سایر عناوین شاهانه پیوند خورده است عموماً «شاهزاده» ترجمه شده است، ولی کلمه غیر قابل احتراز ایلامی - هخامنشی *me-ni* به معنی «سپس، بعداً»، که در ایلام میانه نیز مورد تأیید است (Mém., 5, 67: 4)^(۳) بدون تردید دارای یک منشأ است. از همین جا، در مورد *men-*، معنی دقیقتر «جانشین یا خلف، شاهزاده وارث» ناشی می‌شود که بالاخره تبدیل به «شاهزاده» یا «شاه» می‌گردد و همین امر بیانگر یک تحول مشابه با تحول عنوان *sukkal* در ایلام است.

imme hutahša/imme kuihša. واژه *imme* از علامت نفی *in-* و پسوند *me-* ترکیب شده که مرتباً برای تمام اشکال از نوع جاندار و بی جان بکار رفته است. افعال آن مطابقت دارند با مثال و میزان صرف پایه‌ای (صرف افعال باب اول): ریشه + پسوند سوم شخص جمع + *a* حرف ربط، *hutta+hš+(a)/kuši+hš+(a)*.

۳ - *hu sianime*.

علیرغم این که وجود این شکل *hu* در ایلام قدیم بسیار مبهم و مشکوک باشد، ما آن را به مثابه یک مدلل کننده تلقی می‌کنیم^(۴). این حدس و گمان می‌تواند تکیه‌گاهی را در یک متن، متأخر، از شیلهاک اینشوشیناک دوم پیدا کند: *DIL.BAT za-na^dŠu-šu-un-ra i du-un-iš-da* <^d> *hu-uh- si-a- an* «این معبد، به (الهه) DIL.BAT، بانوی شوش، هدیه گردید».

KÖniG, EKI, p. 64, 13a - ۱

۲ - M. LAMBERT, *Ir. Ant.* V, p. 24. در این معنا بکار برده ولی پیوستگی *menpu-pa* توجیه نمی‌شود.۳ - ایلام میانه *me-en-ni-e sa-ap* به ایلامی - هخامنشی *me-ni- sa-ap* مربوط می‌شود. مقایسه شود با:

۴ - مراجعه شود به KÖniG, p. 96, EKI, n. 6.

PAPER, *Phonology*, p. 108, 8.3.3.1.

به نظر ما عبارت *sianime* مرکب از: *sian + (i) + me* دقیقاً کلمه‌ای است که نشانگر معبدی است که پسوند *-me* در پی آن است با حرف صدادار ربطی */i/*. این پسوند که در بیشتر مواقع برای تشکیل مجردات و اسامی معنی به کار می‌رود، ضمناً چنین به نظر می‌رسد که همین پسوند بیانگر ایده خنثی یا جمعی است، و این مورد وقتی است که موضوع بر سر کلمات ذات و جامد است: *zagratu.me* (چیز زیگورات)، و در اینجا *sian(i).me*، «مجموعه معابد»، *huhn(i).me* «مجموعه حصارها».

۴ - *huhnime hulpah*

hu-uh-ni-me برای بیان و تشریح *hu-hu-un* به معنی «حصار» (= *dāru* آکدی) است که آن را در عبارتی تقریباً مشابه در متن ایلامی ۳۱:۲ و متن ایلامی ۳۲:۳ باز می‌یابیم.

فعل *hu-ul-ba-ah* به طریقه‌ای خالصاً حدسی توسط و. شل به معنی «به هم ملحق کردن، جفت و جور کردن» ترجمه شده است: و آن عبارت از قطعه‌ای از متن است که در آن تعداد زیادی شیء مطرح هستند که در یک گروه جمع می‌شوند، که آنها در یک جایی بصورت مجموعه قرار می‌دارند: *Mém., 5, 69: 5 si-in HU.UT.MEŠ pu-ur-ma hu-ul-ba-ah* (10-11 et p. 14)^(۱). در متن ما این معنی می‌تواند مناسب حال دو حصاری باشد که ظاهراً با هم هستند، گروهی را تشکیل می‌دهند که عبارات *kiduma* و *pituma* را تصریح و تعیین می‌کنند. این دو کلمه باید مربوط به گروه *huhni.me hul-pah* باشند؛ جمله‌ای که به دنبال آن است مستقل می‌باشد (مراجعه شود به متن ایلامی ۱:۷). جای فعل، که عادتاً در آخر جمله است، ساختار ویژه‌ای را ایجاد می‌کند، که بدون تردید ناشی از شکل *huhnime* است: نظامی از حصارها را منظم و آماده کردم (یعنی) یک خارجی و یک داخلی».

kuduma ak pituma. به نظر ما چنین می‌رسد که توضیحی که از طریق آکدی داده شده محتملتر و به حقیقت نزدیکتر و در وضعیت بهتری است. شکل‌های *kuduma/kid/tuma* می‌تواند به *kîdû(m)* آکدی نزدیکتر شوند، یعنی صفت «خارج» (*kîdû(m)*): «صحرا، طرف خارجی» و *pid/tuma* از *bîûânû* صفت «داخل»، (*bîtu(m)* به معنی «منزل، خانه»). ضمناً این عبارات را می‌بینیم که در آکدی درباره دیوارها مورد استفاده قرار گرفته‌اند (مراجعه شود به W. von SODEN, *AHW*, s.v. *kîdû(m)* et *bî-tânû*).

۵ - *te-ip-ti*

معکلاً آن را به «رب، ارباب، استاد، قطب» ترجمه کرده‌اند. این معانی به بهترین وجهی با فرمولهائی از نوع زیر انطباق دارند: *E In-su-ušna-ak te-im-ti a-li-e-li-ri* «ای اینشوشیناک آقا و ارباب شهر مرتفع» (*Mém., 11, 92, colonne* Face, (1:34; *passim*).

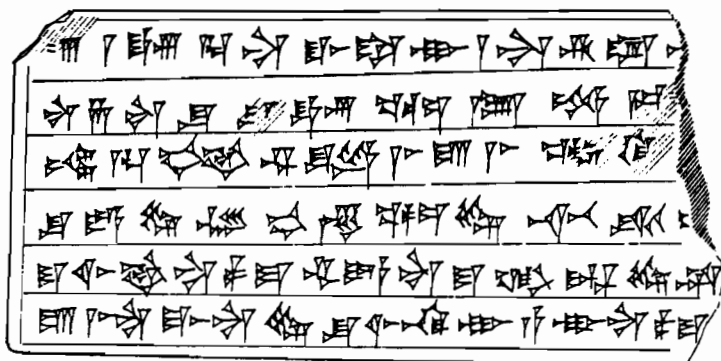
دسته ج (متن ایلامی ۲۳-۳۲)

متونی که در زیر راجع به آنها صحبت خواهد شد همگی از حوزه شرقی به دست آمده‌اند که این حوزه مشتمل است بر بین حصار دوم و دیوار خارجی شهر. حفاریهای آخرین عملیات در این بخش بناهای مهمی را به منصفه ظهور رساندند. : نیایشگاهی برای خدای نوسکو Nusku ، مجموعه‌ای از سه « کاخ » و یک دروازه مجلل (مرجع شود به نقشه شماره ۱)، (K-N×I-VI). هیچ آجری به مفهوم واقعی در سرجای اصلی خود پیدا نشد؛ ولی تردیدی نیست که کتیبه‌های متن ایلامی ۲۳-۲۴ و متن ایلامی ۳۱-۳۲ به بناهای کاملاً معینی تعلق داشته‌اند. گروه متن ایلامی ۳۰-۲۵ سری جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهد: تمام این آجرها -بجز چند استثنای نادر- فقط از این قسمت شهر گردآوری شده‌اند و با حضور کلمه‌ای ایلامی که نشانگر شاهی است (*sunkime*) متمایز می‌گردند. انباشتگی آنها در این محل قطعاً نمی‌تواند اتفاقی باشد، محلی که در آن آثار بازمانده مجموعه‌های بزرگ معماری را آزاد کردند، مجموعه‌هایی که از همان ابتدای حفاری «کاخ» نامیده شدند. به نظر می‌رسد که مدارک مکتوب بخوبی هویتی را تأیید می‌کنند که برای آثار بازمانده معماری پیشنهاد شده است و اینها بر روی محتوای این کتیبه‌ها پرتو افکنی می‌کنند.

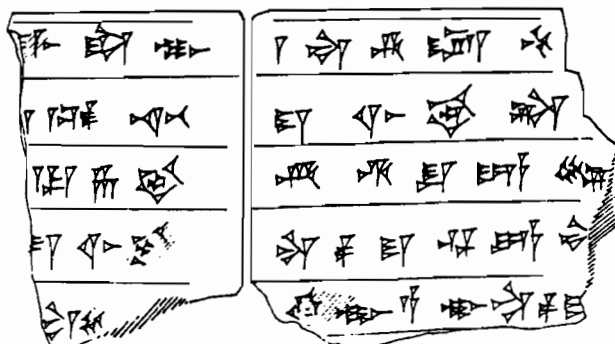
۲۳ (لوح هشتم، شماره‌های ۶-۴؛ لوح نهم، شماره ۱)

شانزده قطعه آجر شکسته‌ای که از تنها بنای واقع در ۱۸۰ متری کاخ شماره ۱ به دست آمدند، همگی بیانگر وقفنامه‌ای به خدای نوسکو هستند. بنابراین در این بنا باید نوع غیر معمولی را دید، نیایشگاهی که این خدا برای این حامی و پشتیبان داشته‌است. شرح مختصری از مکانها برای درک متن الزامی است؛ در مورد جزئیات بیشتر به جلد ۴۰ *Mémoires* (یادنامه‌ها)، که در حال انتشار است مراجعه گردد (مراجعه شود به نقشه شماره ۱، M×VI). ساخت و ساز بناها به شکل T است و محور طولی آن در جهت خط شمال شرقی - جنوب غربی می‌باشد. اولین اتاق که حالت عرضی دارد، توسط دو ورودی خود که در یک ردیف هستند به روی چهار ضلعی حیاطی باز می‌شوند که در مرکز آن یک پایه مکعبی شکل به ابعاد ۲/۷۰ متر از خشت برپاشده است. تنها آثار و نشانه‌هایی که محفوظ مانده‌اند در همین جا هستند.

سری اول آجرها (متن ایلامی ۲۳، ۷ نمونه) بیانگر ساختن یک *ipillati* وقف شده به نوسکو می‌باشد.



الف (لوح هشتم، شماره ۴)



ب (لوح هشتم، شماره ۵)

۲۳ الف :

1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^dHu-um-b[an-...
2. An-za-an Šu-šu-un-ka ip-il-l[a-...
3. tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me az-ki-[...
4. šu-ia in-gi hi-en-ka in-ti-ik-k[a...
5. ku-ši-ih ^aNusku (PA.TÚG) si-ia-an ku-uk-ra in du-[...
6. ú-me ^aGAL ^aIn-šu-ši-na-ak a-ak ^aNusku (PA.TÚG) [...

۲۳ ب :

1. ...]GAL ša-ak m^dHu-um-ban-[...
2. ...]-la-ti ku-ši-ih ta-[...
3. ...]-ur za-ah-ri hu-šu-ia in-[...
4. ...]ku-ši-ih ^aNusku (PA.TÚG) si-ia-a[n ...
5. ...]^aI[n-... ,na₃-ak a-ak ^aNusku (PA.TÚG)[...



ج (لوح هشتم، شماره ۶)



د (لوح نهم، شماره ۱)

ج ۲۳:

1. ...]GAL ša-ak m[...
2. ...]-il-la-ti ku-š[i-...
3. ...t]u₄-ur za-ah-ri hu-šu-[...
4. ...]ku-ši-ih ^aNusku (PA.TÚG)[...
5. ...]^aIn-šu-ši-na-ak a-[...

د ۲۳:

1. ...]-nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-
2. ...]-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me
3. ...]-gi hi-en-ka in-ti-ik-ka ia-ak
4. ...]ku-uk-ra in du-ni-ih hu-ut-ta-ak
5. ...]si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

اصلاح

1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^a Hu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik
2. An-za-an Šu-šu-un-ka ip-il-la-ti ku-ši-ih ta-ak-me ú-me
3. tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me az-ki-[it]tu₄-ur za-ah-ri hu-
4. šu-ia in-gi hi-en-ka in-ti-ik-ka ia-ak [ip-il-la-ti]
5. ku-ši-ih ^aNusku (PA.TÚG) si-ia-an ku-uk-ra in du-ni-ih hu-ut-ta-ak [ha-li-ik]
6. ú-me ^aGAL ^aIn-šu-ši-na-ak a-ak ^aNusku (PA.TÚG) si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

^۱من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و ^۲شوش، یک *ipillati* ساختم؛ یک زندگی طولانی به دست آوردم، و غیره. برای همین است که یک *ipillati* ساختم؛ آن را به خدای نوسکو (رب) مکان مقدس هدیه کردم. باشد که اعمال و کارهای من مورد قبول خدایان گال، اینشوشیناک و نوسکو قرار گیرند!

۲ - *ipillati*

در این جا برای اولین بار در زبان ایلامی به این کلمه برمی خوریم؛ این کلمه را بعداً (متن ایلامی ۴۴) در ارتباط با لغت *smurti* که قبلاً شناخته شده و کاملاً شناسائی شده است، باز می یابیم. در این متن آخر، ساختار جمله چنین القاء می کند که *murti* در درون *ipilliti* ساخته شده بود: *mu-ur-ti ip-il-la-ti-ma ku-ši-ih* (متن ایلامی ۴۴:۲). *mu-ur=ti ip-il-la-ti-ma-ku-ši-ih* (متن ایلامی ۴۴:۲). کلمه *murti* را «عبادتگاه، نیایشگاه کوچک» ترجمه کرده اند (مقایسه شود با 1 et p. 85, n. 1: *Mém.*, 3, 55, Bord sup.)؛ این ترکیب (*muru* به معنی «زمین، خاک» + *tu* به معنی «جای گرفتن») یاد آور نوع ساخت و سازی است که سومریها و بابلیها این نوع بنا را با کلمات *ku.bara* و *šubtu* و *parakku* مشخص می کردند.^(۱) پیشنهاد می کنیم که در علامت KU از متن بعدی (متن ایلامی ۲۴:۳) ایدئوگرامی را ببینیم که در زبان آکدی می تواند *šbtu* خوانده شود و لذا معادل آن در ایلامی *murti* خواهد بود. این کلمات آخر به بهترین وجهی به پایه خشتی اطلاق خواهد شد که در میان حیاط به پا خواسته است. از همین جا، باید در کلمه *ipillati* یا باید خود حیاط را دید یا مجموعه ساخت و سازی را که در واقع چیزی جز یک حیاطی نیست که به دنبال راهروی سرپوشیده قرار گرفته است. بخشی از مناسک مذهبی آکدی برای جشن *ahitu* می تواند این فرضیه را پر معنی تر کند: «سپس (ایشتر *Ishtar*) وارد حیاط *akitu* خواهد شد، و در روی *parakku* بزرگ، در حیاط *akitu* خواهد نشست»^(۲). ضمناً کارکردها و اختیارات خدائی بسیار متنوع نوسکو می توانند موجب تعبیرها و تفسیرهای بسیار متنوعی گردند. نام خدا به ویژه در ارتباط با تمام اشارات و استدلالات ضمنی مذهبی است که در رابطه با آتش و روشنائی می باشد. در این چشم انداز، نیایشگاه چغازنبیل می تواند به مثابه معبدی تصور شود که در آن آتش مقدس نگهداری می شده است، یا به مثابه یکی از «رصدخانه هائی» (*bû tâmarti*) تلقی گردد که از آنجا پیدایش هلال ماه را، که امکان تعیین ابتدای هرماه را مشخص می کرده است، رصد می کرده اند. می دانیم که نوسکو، «نگهبان و بیدارباش» و «رسول» دنیای زیرزمینی - گاهی به *Nergal* تشبیه شده - در تریغ ماه نو شناسائی شده است. ولی هیچ نشانه مشخصی وجود ندارد که ما را در این معنی یا در معنی دیگر هدایت کند^(۳).

۱- مقایسه شود با 2 p. 97, n. 2: F. THUREAU-DANGIN, *Rituels accadiens*, Paris, 1921, p. 97, n. 2. «Anus در روی *Paraku* می نشیند (*ina muhhi paraakki*)... که همان *bara* یا *para* سومری است (که کلمه *parakku* از آن می آید) گاهی مواقع به توسط کلمه *šubtu* بیان می شود (مقایسه شود با IV R 9, 32 a, etc.). بنابراین کلمه *šubtu* هم نشانگر «مقر» است و هم نشانگر «مقام و مأوا».

۲- 4-5 AO 7439, revers. مقایسه شود با 117 p. THUREAU-DANGIN, *l.c.*

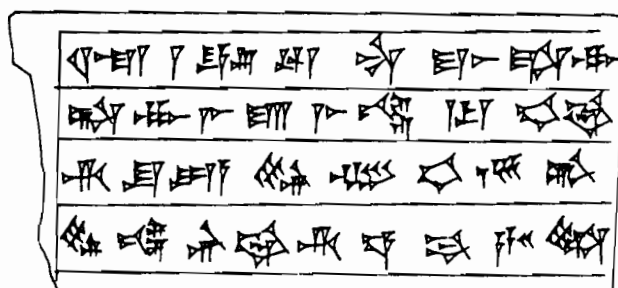
۳- در طول خاک برداری و آزادسازی بنا، هیچ نوع نشانی از خاکستر یا زمین سوخته شده در این بخش به دست نیامد. از

۲۴ (لوح نهم، شماره های ۲، ۴)

با توجه به مطالب فوق، ۹ آجر متن ایلامی ۲۴ از بین آوارها و خرابه‌های بنائی گردآوری شدند که وقف خدای نوسکو

بود.

ابعاد: ۵.۳۲×۳۲×۷ سانتیمتر.



1. ù mUn-taš-^aGAL ša-ak
2. ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih
3. hu-šu-ia in-gi hi-en-ka
4. in tu₄-ni-ih hu-ut-tak ha-li-



1. ^aHu-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-ka
2. si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-ga az-ki-it tu₄-ur [sah]-ri
3. in-di-ig-ga a-gi KU U Ū ku-[ši-i]h ^aNusku (PA.TÚG) si-ia-an ku-uk-ra
4. ik ú-me ^aNusku (PA.TÚG) ul-li-na [te]-la-ak-ni

طرف دیگر، پایه خشتی هیچ از آثار بازمانده‌ای از عبور و دسترسی نشان نداد و ارتفاع آن نمی‌تواند دقیق باشد.

متغیرها:

1. *Hu-ban-nu-me-na-ki / *Hu-ban-nu-me-na-ki; Šu-šu-ka / Šu-šu-un-ka / Šu-šu-un-ga
2. šu-ul-lu-me-ga / šu-ul-lu-me-ka / šu-ul-lu-me-en-ka / šu-ul-lu-en-ga.
3. hi-en-ka / hi-en-ga; in-di-ig-ga / in-di-ik-ka; KU U Ū / KU U KU (!) 1 fois.

«من اونتاش-گال ...»

² به همین دلیل است که یک سکوی ۱۰ ارشی ساختیم؛ آن را به خدای نوسکو (رب) مکان مقدس⁴ هدیه کردم، باشد که کارها و اعمال من به عنوان هدیه و نذر مورد قبول خدای نوسکو قرار گیرد.»

KU.U.Ū. - ۳

تفسیری که در *Ir.Ant.* II, p. 107 پیشنهاد شده: «یک KU ۱۰ ارشی» مبتنی بر متن مشابهی است که آن نیز مطمئن نیست: *a-ak ša-ri-ik-ku Ū 10-na ku-ši-ih* که و. شل آن را چنین ترجمه کرده است «و من یک *šarikku* ۱۰ ارشی مکعبی ساختم» (*Mém.*, 11, 23 bis: 4, p. 88, Pl. III:3)^(۱). این قرائت تنها قرائت ممکن نیست؛ می تواند این مورد را نیز در نظر داشت: *ku-u ū ku-ši-ih*، یا این که *ku-u ū ku-ši-ih*. با توجه به این که مکملهای آوانگاری در ایلامی تأیید شده نیستند، باید *KU-u ū ku-ši-ih* را از هم جدا کرد. در ایلام میانه، در جای دیگر به نشانه U با ارزش هجائی /u/ بر نمی خوریم. نظر به فقدان نظریه بهتر، ما نظریه *KU = šubtu* را با معنی «پایه، سکو، مقام و مأوا» در نظر می گیریم. آوانگاری آن به صورت KU U Ū موجب حدس هیچ نوع راه حلی نمی گردد.

۲۵ (لوح نهم. شماره های ۵،۳)

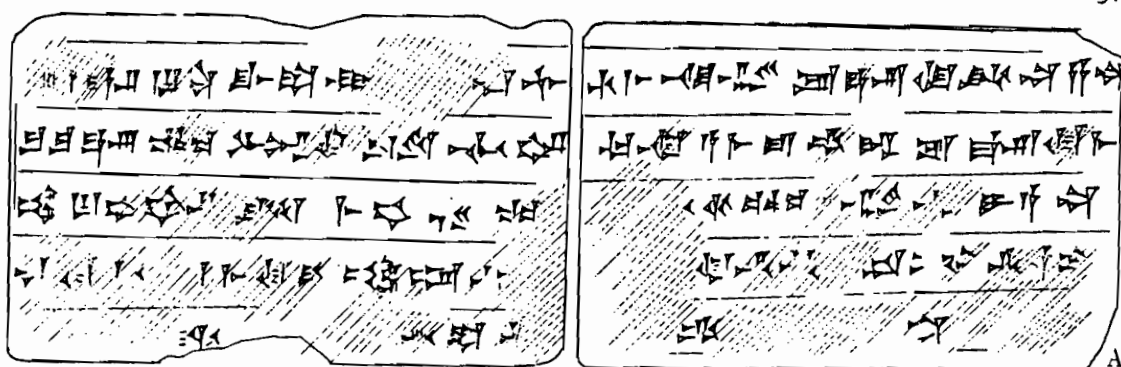
از این متن فقط دو نمونه موجود است. متن ایلامی ۲۵A (لوح نهم، شماره ۵) آجر کوچکی است که مخصوص زاویه بوده است (۱۰×۱۷×۵/۱۷ سانتیمتر)، وضعیت بسیار بدی دارد که از بخشی به دست آمده که در فاصله میانی واقع در بین نیایشگاه نوسکو و کاخ شماره ۱ قرار دارد (نقشه شماره ۱، L×V). آثار بازمانده از دیوارهایی که از طریق حفاری به دست آمده اند برای فراهم کردن حداقل نشانه های ساخت و ساز در این محل بسیار ناکافی و ناچیزند. با این همه، در آنجا زمینی را مشاهده کردیم که ساخت و ساز خاکستری رنگ آن احتمالاً ناشی از حضور خاکستر آمیخته با خاک است.

متن ایلامی ۲۵B یک نیمه آجراست (۹×۱۶؟ سانتیمتر) که از زاویه شرقی حصاری گردآوری شد که معبد خدایان

۱- اولین قرائت و. شل در *mém.*, 3, 23:4 چنین است: *a-ak ša-ri ik-ku ū u-na -ku-ši-ih*. آیا نمی توانیم آن را به طریقه زیر تقطیع کنیم: *a-ak ša-ri-ik KU Ū 10-na ku-ši-ih* «یک سکوی ساخته و درخور ۱۰ ارش ساختم»؟

ناپراتب‌ها را محاط می‌کند^(۱).

این کتیبه به مجموعه‌ای تعلق دارد که متن آن به «پادشاهی» اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد که در حوالی «کاخها» به خوبی مشهود است که تمام این آجرها از محله کاخها به دست آمده‌اند. وجود یک «دروازه شاه» (*abul šari* متن ایلامی ۳۱:۵) در ورودی اصلی شهر، این تصور را تقویت می‌کند. بنابراین با چند دلیل می‌توان چنین اندیشید که یا در درون کاخها یا در مجاورت آنها نیایشگاههای متعددی وجود داشته‌اند که وقف خدایان مطلوب شاهی یا الهه‌های ممتاز و صاحب عنوان شاهی بوده‌اند.



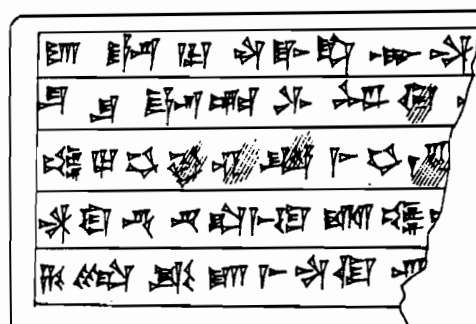
وجه الف :

1. [ú]^mUn-taš-^dGAL ša-ak [^dHu-u]m-ban-
2. Šu-šu-un-ka pi-el ki-it-ti-im-
3. tu₄-ur hi-ih si-it-me hi-en-ka
4. [^dKi-ri-ri-ša]-me ki-iš-tu₄-um-m[a
5. [ha-] li-[ik ú-me ^dKi-ri]-ri-ša s[i-

وجه ب :

1. nu-me-na gi su-un-ki-ik An-za-an
2. ma na-a-me-lu-uk-ra su-un-ki-me
3. [in-ti-i]k-ka [a]-gi s[i]-ia-an
4. ku-ši-ih [^dKi-ri-ri]-[ša]du-ni-ih hu-ut-tak
5. [ia-an ku-]uk-[ra li-na] te-[la-ak-ni]

۱-۶ نمونه از متن ایلامی ۴۳ و متن ایلامی ۴۴ (نوسکو) در همین بخش گردآوری شد، که در کاسه‌های پاشنه در دوباره کار گذاشته شده بودند. می‌توان از خود پرسید آیا مواد و مصالح بناهای واقع در خارج از حصار دوم بعدها، پس از منهدم شدن پادشاهی اونتاش-گال، برای مرمت معابد نزدیکتر به زیگورات به کار نرفته‌اند.



B (Pl. IX, 3)

1. ú Un-taš-^aGAL ša-ak ^a
2. Šu-šu-un-ka pi-el ki-
3. tu₄-ur hi-ih si-it-me hi-en-
4. ^aKi-ri-ri-ša-me ki-iš-tu₄-u[m(?)] ..
5. ha-li-ik ú-me ^aKi-ri

«لَمَن اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش در طول سالها و روزها سلطنتی طولانی به دست آوردم، از سلامتی برخوردار هستم. به همین دلیل معبدی برای الهه کی ریشا در «بیشه» ساختم؛ آن را به الهه کی ریشا هدیه کردم. باشد که اعمال و کارهای من مورد پذیرش الهه کی ریشا (بانوی) مکان مقدس قرار گیرد.»

kištum.ma - ۴

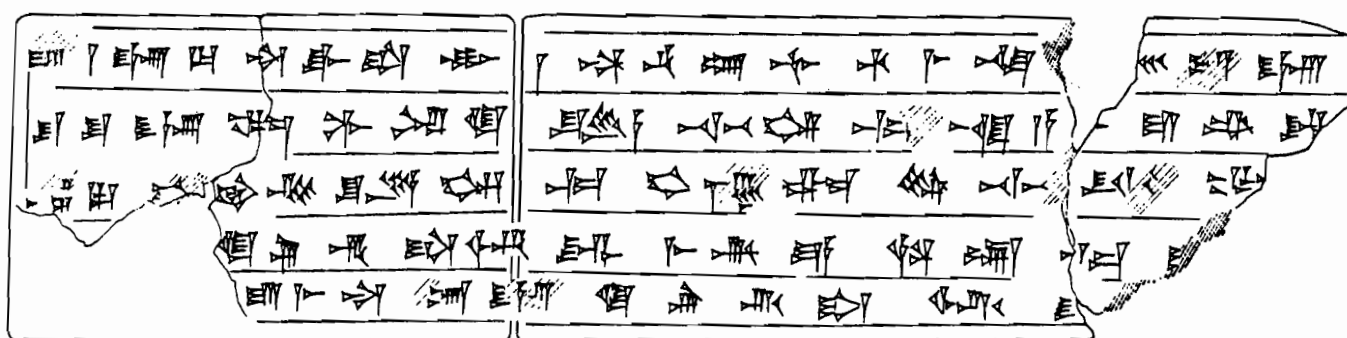
احتمالاً استقراض و اقتباس جدیدی از کلمه آکدی به معنی «چوب، بیشه» است. شواهد و قرائن ارائه شده ما را با تصویری از یک عمارت کوچک آشنا می‌کند که در میان بیشه‌زارهای درختی برپا شده بود^(۱). آشور بانپال در توصیف خرابیهائی که در ایلام به عمل آورده، نوشته است: «بیشه‌های پنهانی آنها (GIŠ.kišati. MEŠ-šunu) که هیچ بیگانه‌ای به آنها دست نیافته بود، (هیچ بیگانه‌ای) به حول و حوش آنها قدم نگذاشته بود، سربازان من وارد آنجا شدند، نکات مخفی و پنهان آنها را برگرداندند، آنها (آن بیشه‌زارها را) با آتش از بین بردند»^(۲).

۲۶ (لوح دهم، شماره‌های ۵-۱)

(=Mém., 32, 18, 2)

۱- من باب نمونه مراجعه شود به 133-134, nos. Artia, Prague 1959, *Les reliefs des palais assyriens*.
 ۲- J.-M. MYNARD, *Le Prisme du Louvre*, AO 19 939, Paris, 1957, p. 57, ciol.V:44-48 که ترجمه به زبان فرانسه است.

متن ایلامی ۲۶ توسط ۹ تکه آجر شکسته معرفی شده است؛ ۸ تکه آن از زاویه شرقی شهر به دست آمده و از بین آنها ۶ تکه آن دقیقاً از حدفاصل گردآوری شده که ورودی بزرگ را از دروازه دوگانه کاخ شماره ۳ جدا می‌کند (نقشه شماره ۱)، (N×III). مفهوم باستانشناختی: بخش کاخها، حوالی مجاور دروازه‌ها که یکی را «دروازه شاهی» (متن ایلامی ۳۱C:۵) نام نهاده‌اند، به بهترین وجهی بیانگر این وقف به خدائی است که «شاه بزرگ»، *sunkir rišarra* نامیده شده است.



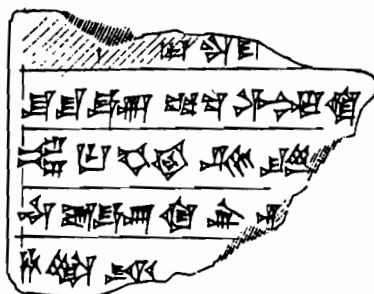
A (لوح دهم، شماره ۱)

:۲۶A

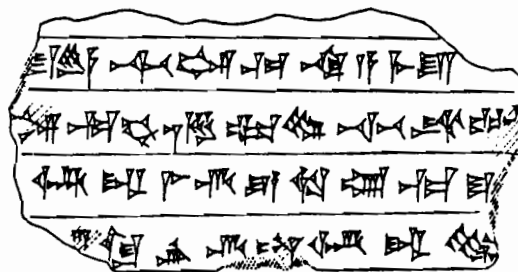
- | | |
|--|--|
| 1. ú mUn-taš- ^d GAL ša-ak | m ^d Hu-um-ban-nu-me-na-[g]i su-un- [... |
| 2. Šu-šu-un-ka pi-el ki- | it-ti-im-m[a] na-a-[m]e-lu-uk-ra [... |
| 3. [t]u ₄ -ur hi-ih zi-it-im- | ma(!)hi-en-ka in-ti-ik-ka [... |
| 4. ...]-ki-ir ri-ša-ar- | ra-me ri-e-ru-um-ma k[u- ... |
| 5. ...] ú-me ^d Su- un | -ki-ir ri-ša-ar-r[a ... |



B (لوح دهم، شماره ۳)



C (لوح دهم، شماره ۲)



D (لوح دهم، شماره ۳)

:۲۶ B

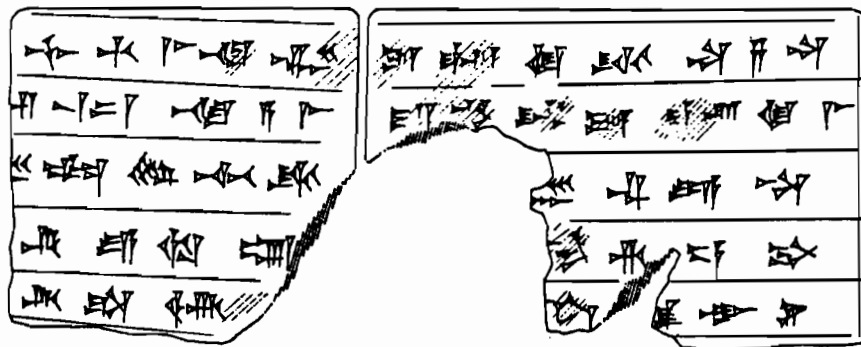
1. ú mUn-taš-^d ...
2. An-za-an Šu-šu-un-k[a ...
3. su-un-ki-me tu₄-ur h[i- ...
4. a-gi si-ia-an ^dS[u- ...
5. [ha]-li-ik ú-me ^d [...

:۲۶ C

1. ...] -taš-^dGAL [...
2. Šu-šu-un-ka pi-el ki- [...
3. tu₄-ur hi-ih zi-it- [...
4. ^dSu-un-ki-ir r[i- ...
5. ha-li-ik [...

:۲۶ D

1.
2. -it-ti-im-ma na-a-me-lu- [...
3. -im-ma hi-en-ka in-ti-ik-ka[...]
4. -ar-ra-me ri-e-ru-um-ma ku- [...]
5. -u]n-ki-ir ri-ša₃-ar-ra li- [...]



E (لوح دهم، شماره ۵)

:۲۶ E

- | | |
|--------------------------|----------------------|
| 1. ...] -ban-nu-me-na-gi | su-un-ki-ik An-za-an |
| 2. ...] -im-me na-a-me- | lu-uk-ra su-un-ki-me |

- | | |
|--------------------------|----------------------|
| 3. ...] -en-ka in-ti-ik- | [ka a-g]i si-ia-an |
| 4. ...] ri-e-ru-um-[ma | ku-ši-[ih hu-ut-tak |
| 5. ...] ri-ša-ar-[ra | li-na t]e-[l]a-ak-ni |

مرمت

1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak m^dHu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka pi-el ki-it-ti-im-ma na-a-me-lu-uk-ra su-un-ki-me
3. tu₄-ur hi-ih zi-it-im-ma hi-en-ka in-ti-ik-ka a-gi si-ia-an
4. ^dSu-un-ki-ir ri-ša-ar-ra-me ri-e-ru-um-ma ku-ši-ih hu-ut-tak
5. ha-li-ik ú-me ^dSu-un-ki-ir ri-ša-ar-ra li-na te-la-ak-ni

«¹ من اونتاش-گال

... برای همین است که در *rierum* معبد خدای «شاه بزرگ» را ساختم. باشد که کارها و اعمال من بعنوان پیشکش مورد قبول خدای «شاه بزرگ» قرار گیرد.»

3 - *zi-it-im-ma*

در همه جای دیگر: *zi-it-me* (متن ایلامی ۶:۴؛ متن ایلامی ۲۷:۶) یا *si-it-me* (همان) آمده است. در مفهوم دیگری *zi-it-im-ma* آمده است: متن ایلامی ۵۱:۵ (که در متن ایلامی ۲۹:۵ مرمت شده است).

4 - *Sunkir rišarra*

همانطور که قبلاً نیز گفته شد احتمال دارد که این نام مربوط به خدائی باشد که توسط سالنامه‌های آشوربانیپال به طور غیرماهرانه‌ای به صورت *Sungursara*^d نوشته شده است^(۱). به علاوه، در حالت کنونی مستند سازی، کشف شخصیت خدائی که زیر این نامگذاری مخفی شده است، عملاً غیر ممکن است. H.d.GENOUILAC (1905), p. 27 (RT)، کلمه *Sungursara* را با *Hauban sunki* (EŠŠANA) از *Mém.*, 3, 63:6-7 مقایسه می‌کند. در واقع عنوان «شاه» به خدایان گوناگونی اطلاق شده است: *A.É.A sunki* (EŠŠANA)، در *Mém.*, 3, 2:3؛ *NUN sunki* (EŠŠANA)، همان مأخذ 12:4. در حوزه بابلی، یک خدای LUGAL با خدای IM شناخته شده است و همچنین در اسناد قضائی شوش ^dIM (Mém., 23, 318: 11) *šarrum*، همان مأخذ 24, 340:17 را باز می‌یابیم. «به نظر ایلامیهای چنین می‌رسد

۱- شناسائی پیشنهادی توسط P. JENSEN, WZKM, p. 50؛ مقایسه شود با CAMBERON, HIA, p. 221, n.1.

که بنا به میل کلمه وصفی «شاه» را به این نام یا آن نام خدایان خود بیفزایند، بدون این که برای این موضوع، به نظر من، هویت جدید خدائی در نظر داشته باشند.^(۱)

۴ - *ri-e-ru-um-ma*

me ri-e-ru-um-ma (نام خدا) *si-is-an* معادل *me ki-iš-tu-ma* (نام خدا) *si-ia-an* از متن ایلامی ۲۵:۴ است. بر اساس این تعادل، می توان فرض کرد که *ri-e-ru-um* به محلی ارجاع می دهد که معبد در روی آن بنا شده است. گل نوشته ها و کتیبه های شوش محلی را به نام *Ri-ri-e si-ga-áš(?)* (Mém., 23, 169:45) به ما می شناساند که بدون تردید همان *[... Ri-e-ri-e]* از ۱۹۴:۷ است. بنابراین می تواند عبارت از کلمه ای باشد که برای تشکیل اسامی محل بکار می روند من باب مثال از نوع *Hu-hu-un si-ir ha-hu-ir* (Mém., 14, p. 13, colonne 3:2)^(۲).

۲۷ (لوح دهم، شماره ۶)

(= Mém., 3, 14, Suse)

این کتیبه ابتدا توسط F. IENORMANT بر اساس رونوشتی از W. LOFTUS انتشار یافته است^(۳). متن چغازنبیل مشابه با متن شوش است. یک نمونه آن از بین آوارها و ویرانه های کاخ شماره ۱، دو نمونه دیگر در ویرانه های دروازه بزرگ خارجی به دست آمده و بالاخره پنج نمونه در میرمت یک کاسه پاشنه در دروازه درونی مجدداً به کار رفته اند که متعلق به مجموعه ای است که «دروازه شاهی» نامیده شده است (نقشه شماره یک، M-N×III). این جزئیات نشان می دهد که همه این مجموعه دستکاریهای زیادی را متحمل شده و تعیین محل آن در زمان ناهونته، خدا-خورشید ایلامی که متن ایلامی ۲۷ وقف او شده، دشوار است. در روی آجرهای بزرگی که که از ورودی بزرگ به دست آمده اند، با اشاره به یک «دروازه حق، دروازه عدالت» (*abul mišari*)، (متن ایلامی ۳۱:۵) تذکری جالب توجه برایمان فراهم می آید. پیوند خدا-خورشید با تمام مفاهیم مناسبت های منطقی عدالت، قانون و داوری به قدر کافی شناخته شده است^(۴). معبد او شاید می توانسته به مثابه «مقام

۱- SCHEIL, Mém., 3, p. 6

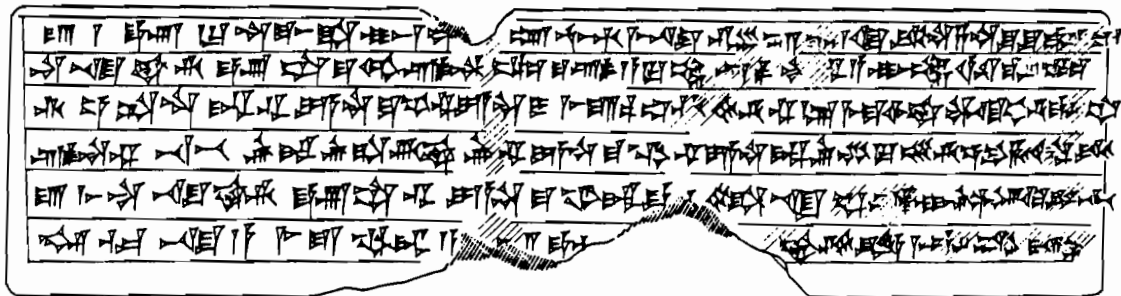
۲- بر اساس فرض پروفیسور G.G. CAMERON باید برای این کلمه در کنار کلمه آکدی *rê'u* معنا و مفهومی یافت، که نگارش آن گاهی به طور عجیبی فرق می کند (مقایسه شود با Tallqvist, Akkad. götterepith, p. 164 s.). در خود شوش، عنوان «چوپان، شبان» به پادشاه Addahushu اطلاق می شده است (Mém., 28, n.5, p. 9).

۳- SCHEIL, Mém., 3, p. 6

۴- مراجعه شود به E. DHORAME, La religion assyro-babylonienne, Paris, 1910, p. 82 ss.

اعلیٰ که در آن آراء و قضاوت‌های کشور در آن داوری می‌شده‌اند» تلقی گردد^(۱). پادشاه است که عدالت را از طریق نوعی نمایندگی از طرف خدایان، که داوریها را به او دیکته می‌کردند، انجام می‌دهد. تمام این انطباقها امکان وجود معبدی از ناهونته را در این بخش از شهر که به مثابه «محل شاه» عیان می‌گردد، ممکن می‌سازد. Shamash هم به این ترتیب معبد خود را در حصار کاخهای خورساباد Khorsabad داشته است.

ابعاد: ۳۴/۵ × ۸/۵ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-aGAL ša-ak m[Hu]-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka
2. Na-ah-hu-un-te ku-ul-la-an-ka ku-la a ur tu₄-[um]-pa-an-[r]a a-ak tu₄-ru-u[n]-ka
3. hu-ut-ta-an-ra si-ia-an ku-uk si-ia-an-i-me ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih Na-ah-hu-un-te
4. la-an-si-ti-ir-ra ir ša-ri-ih ir si-ia-an ku-uk si-ia-an-ra ir mu-ur-tah hu-ut-tak ha-li-ik
5. ú-me Na-ah-hu-un-te si-ia-an ku-uk-ra u[n] li-na te-[l]a-ak-ni pi-el ki-it-ti-
6. im-ma na-a-me-lu-uk-ra a-[ak s]u-un-[ki-me tu₄-ur hi-i]h zi-it-me un'du-ni-iš-ni

«من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش،^۲ به خدای ناهونته نماز گذاردم، او این خواهش را مستجاب کرد، و آنچه که من خواسته بودم (تحت اللفظی: گفتم) او آن را انجام داد: (بنابراین) این معبد مکان-مقدس را با طاقهای آجری ساختم؛ (مجسمه) طلائی خدای ناهونته را قلمزنی کردم، آن را (در) معبد مکان-مقدس قرار دادم. باشد که اعمال و کارهای من به عنوان هدیه مورد قبول خدای ناهونته (رب) مکان-مقدس قرار گیرد. در طول سالها و روزها یک حکومت طولانی به دست آوردم که با سلامتی من همراه بود.»

۲ - kullanka.

معنی «دعا کردن» در مورد *kula-* قبلاً توسط G. HÜSING مطرح شده و SCHEIL آن را پذیرفته است^(۱)؛ این معنی بطور کاملاً طبیعی از بخشی از یک کتیبه ناشی می‌گردد که در آن ادعیه به خدایان دیده می‌شود. عبارتی از شیلهاک-اینشوشیناک، که به متن ما خیلی نزدیک است، به بهترین وجهی این معنی را مصور می‌سازد: *ku-ul-la-ah ku-ul-la-ak ú-me ha-ap-ti tu₄-ru-uk ú-me hu-ut-ta-at* «دعا کردم، به دعایم گوش فراده (تحت اللفظی: آن چه که من دعا کردم)، آنچه که من خواستم (تحت اللفظی: گفتم) انجام ده!» (Mém., 11, 92, Face, colonne 1:37). ساختار دستوری نمونه‌ای از تناوبی از پیشوندهای اول شخص و سوم شخص مفرد را در اختیار می‌گذارد. شکل‌های *turunk(a)*, *kullank(a)*، اسم فاعلها همراه با پیشوند «بیانی» بستگی به *ú* اونتاش-گال *Untash-GAL* دارند و در مقابل *tumpanr(a)*, *hutatanr(a)* همراه با پیشوندهای «غیربیانی» قرار می‌گیرند که بستگی به ناهونته *Nahunte* دارند.

tumpanra. برای پایه فعلی *tumpa-* معانی کاملاً گوناگونی را پیشنهاد کرده‌اند: «اجابت کردن، مطابقت کردن، کمک کردن، بنیاد گذاشتن، ساختن»^(۲). مسلم است که کلمه در متونی دیده می‌شود که در آنها کلمه به ساخت و سازها و بناها اطلاق می‌گردد (؟) *Babylonica* 8, p. 7:3؛ صفحات مفرغی تخت جمشید 18, 22, 35, 41؛ Face: 2, 3, 4, 5؛ revers. RA؛ 14, 31. Face, ch. 2:4. مقایسه شود با معادل متن ایلامی ۳۱:۷ *tu₄-um-pa-an-ra* = متن ایلامی ۳۲:۹ *impušu* آکدی به معنی «کردن، ایجاد کردن».

وابسته بودن به کلماتی چون *kul(l)a-* به معنی «دعا کردن»، یا *šutur* به معنی «نظم، قانون» (ج. ز. ۳۱:۴؛ ۳۲:۵؛ 12. Mém., 5, 86, revers.) به نظر ما چنین می‌رسد که معنی معکوس و چاره جویانه آن «واقع شدن، عملی شدن» باشد. این پذیرش تمام عبارات را در نظر می‌آورد. در یک مورد عبارت خواهد بود از علیت مادی، در مورد دیگر علیت فاعله.

۳-۴ - در گروه‌های *siyan-kuk-siyan.i.me* و *siyan-kuk-sian.ra* توالی پیشوندها *rectum+regens* را داریم. در حالت اول، ساختار مضاف‌الیه آن در نوع *upat hussipme* معکوس شده است؛ در حالت دوم، به نظر می‌رسد که تمام گروه اسمی همانند مخالف تعریفی ساخته شده باشند *Nahunte*^(۳): «(مجسمه) ناهونته... مجسمه معبد مکان-مقدس».

۶ - *dunišni*.

شکل متداول متعدی سوم شخص مفرد (نشانه آن -š) از پایه *dun-* به معنی «دادن».

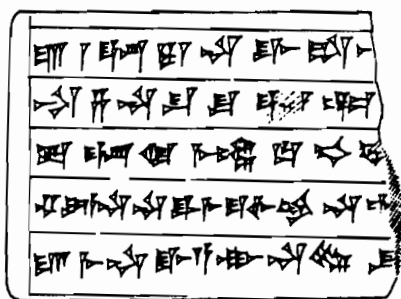
۲۸ (لوح یازدهم، شماره‌های ۱-۳)

(=Mém., 3, 17, Suse)

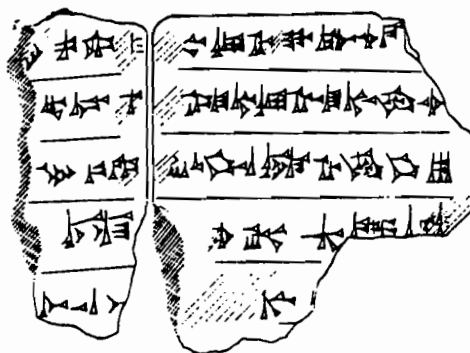
۱- مقایسه شود با: G. HÜSING, *Die Sprache Elams*, Bresalau, 1908, p. 17؛ SCHEIL, Mém., 11, p. 28.
۲- مقایسه شود با (p. 244) et n. 1 (p. 243-244), HINZ, ZANF, 16 (1952)، که تعبیر گوناگون در آن آمده است.
معنی «ساختن» را نیز SCHEIL, Mém., 5, p. 49 et 111 به آنها اضافه کرده است.

متن شماره ۲۸ از ۶ قطعه آجر شکسته‌ای بازسازی شد که از ویرانه‌های کاخ شماره ۱ (حیاط بزرگ A و اتاق شماره ۱۷؛ مراجعه شود به 40، *Mém.* و نقشه شماره یک LXIV)، و بخشی که بین ورودی مجلل و کاخ شماره ۳ گسترده است، به دست آمدند. معبد جدیدی است که به خدای گال هدیه شده است. با توجه به منشأ آجرها و ذکر «شاهی» که هویت مجموعه متونی را مشخص می‌کند که ما در اینجا دسته بندی کرده ایم این فرضیه «نوعی معبد حاکم نشین، برپا خواسته در درون محله شاهی و وقف شده به خدای «بزرگ» حامی سلسله شاهی» به نظر مقبول می‌رسد.

گال و اینشوشیناک در آخرین دعا با هم پیوند دارند.



الف (لوح یازدهم، شماره ۱)



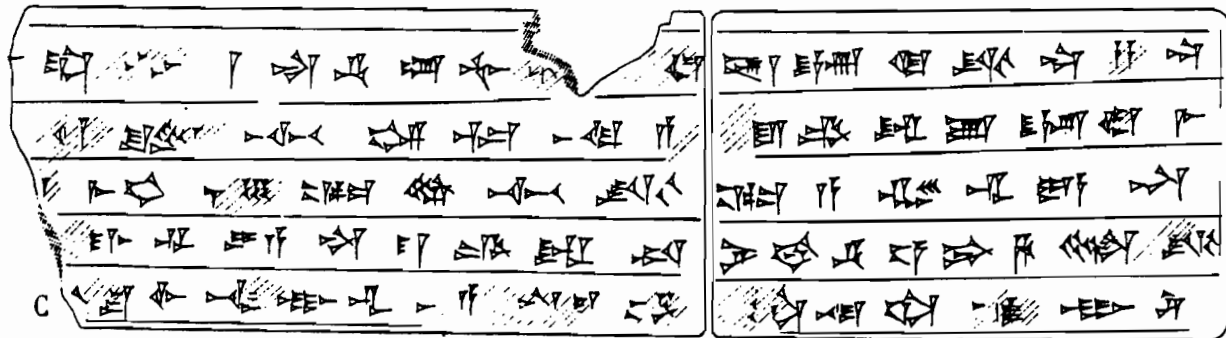
ب (لوح یازدهم، شماره ۲)

۲۸ الف :

1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak [...]
2. An-za-an Šu-šu-un-ka [...]
3. su-un-ki-me tu₄-ur hi-ih [...]
4. si-ia-an ^aGAL-me ku-ši-ih ^aGAL [...]
5. ú-me ^aGAL ^aIn-šu- [...]

۲۸ ب :

- | | |
|---|--------------------|
| 1. ...] ^a [...] | -n]u-me-na- [...] |
| 2. ...-[u]n-ka pi-el k[i]- | it- [...] |
| 3. ...] -ur hi-ih si-it-me hi-e[n]- | ka in- [...] |
| 4. ...] -ši-ih ^a GAL si-ia-an ku-uk- | r[a] du-ni- [...] |
| 5. ...] -šu-ši-na-ak si-ia-a[n] | k]u-uk-pa l[i]-... |



ج ۲۸:

- | | |
|--|---------------------------|
| 1. ...ša[-ak] ^m Hu-um-ban-[nu]-[me-na-]ki | su-un-ki-ik An-za-an |
| 2. ...[ki]-it-ti-in-ma na-a- | [me]-lu-uk-ra su-un-ki-me |
| 3. ...i]t-me hi-en-ka in-ti-ik- | ka a-gi si-ia-an |
| 4. ... GAL si-ia-an ku-uk-ra du- | ni-ih hu-ut tak ha-li-ik |
| 5. ...l]n-šu-ši-n[a]-ak si-[i]a-[an ku-uk]-[pa] | [l]i-na te-[l]a-ak-ni |

متغیرها:

1. ^mHu-um-ban-nu-me-na-ki / ^mHu-um-ban-nu-me-na-gi
4. ha-li-ik / ha-a-[i-ik] (1 fois).

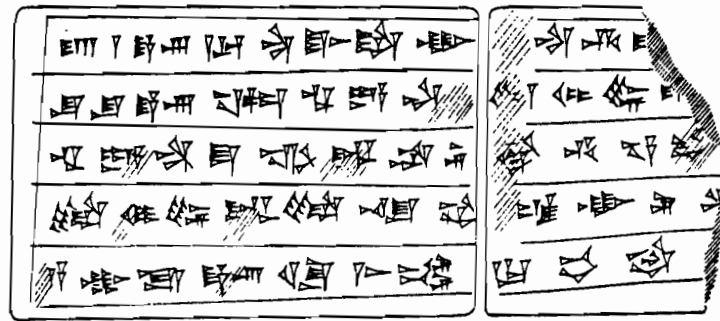
بازسازی

1. ú ^mUn-taš-^aGAL ša-ak ^mHu-um-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik
2. An-za-an Šu-šu-un-ka pi-el ki-it-ti-im-ma na-a-me-lu-uk-ra
3. su-un-ki-me tu₄-ur hi-ih si-it-me hi-en-ka in-ti-ik-ka a-gi
4. si-ia-an ^aGAL-me ku-ši-h ^aGAL si-ia-an ku-uk-ra du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik
5. ú-me ^aGAL a-ak ^aIn-šu-ši-na-ak si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

برای ترجمه متن مراجعه شود به ج. ۲۵ و ج. ۲۶

قطعه‌ای تزیین متن در حیاط A کاخ شماره ۱. به دست آمد که به این کاخ به دلیل مقبره‌های مسقف با سقف آهنگ‌کنده شده در زیر زمین، کاخ-آرامگاه نیز می‌گویند^(۱). قطعه دوم از حوالی دروازه بزرگ خارجی به دست آمد. بازسازی پیشنهادی آن حدسی است؛ این بازسازی براساس انطباق مادی متن ایلامی ۲۹ با متن ایلامی ۵۱ درست شده است. در مورد پاره‌ای جزئیات در مورد بازسازی مراجعه شود به متن ایلامی ۲۶ و متن ایلامی ۲۷ و همچنین به *Mém., 3, 19*. معذالک خدائی که بر اثر بدشانسی در قطعه‌ای در اختیار ما است، غایب می‌باشد، می‌توانسته *Kilah shupir* متن ایلامی ۵۱ باشد.

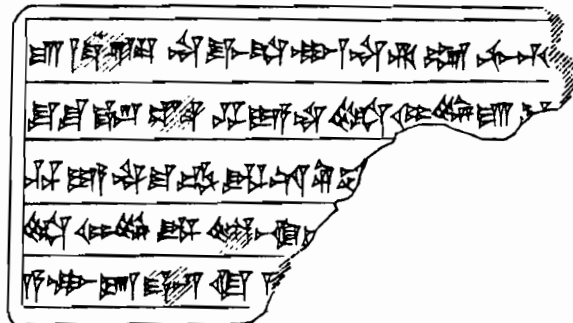
ابعاد: ۱۶/۵ × ۹/۵ × ؟ سانتیمتر.



الف (لوح یازدهم، شماره ۴)

1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak
2. Šu-šu-un-ka si-ia-an
3. si-ia-an ku-uk-ra du-ni-
4. li-mi-in-ra li-na te-
5. a-ak su-un-ki-me tu₄-

m^dHu-u[m- ...
[l]i-mi-in [...
ih hu-ut-tak [...
la-ak-ni p[i-...
ur hi-ih [...



ب (لوح یازدهم، شماره ۵)

1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak m^dHu-um-ban-nu-[...]
2. Šu-šu-un-ka si-ia-an li-mi-in ú- [...]
3. si-ia-an ku-uk-ra du-ni-ih [...]
4. li-mi-in-ra li-na te- [...]
5. a-ak su-un-ki-me [...]

مرمت

1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak m^dHu-um-ban-nu-[me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an]
2. Šu-šu-un-ka si-ia-an li-mi-in ú-[pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ND (?)]
3. si-ia-an ku-uk-ra du-ni-ih hu-ut-tak [ha-li-ik ú-me ND (?) si-ia-an]
4. li-mi-in-ra li-na te-la-ak-ni pi-[el ki-it-ti-in-ma na-a-me-lu-uk-ra]
5. a-ak su-un-ki-me tu₄-ur hi-ih [zi-it-im-ma gi-ri-ni in hi-ih-ni.]

۱ من اونتا-ش-گال پسر هویانومنا شاه انزان^۲ شو شوش، معبدی *limin* با *طاقهای* آجری ساختم، آن را به خدای (نام خدا) (۴) (۳) (رب) مکان-مقدس هدیه کردم. باشد که اعمال و کارهای من به عنوان هدیه مورد قبول خدای (نام خدا) (۴) معبد^۴ *limin* قرار گیرد! در طول سالها و روزهای متعدد حکومتی طولانی به دست آوردم، که امتیاز داشتن سلامتی را به دست آوردم!

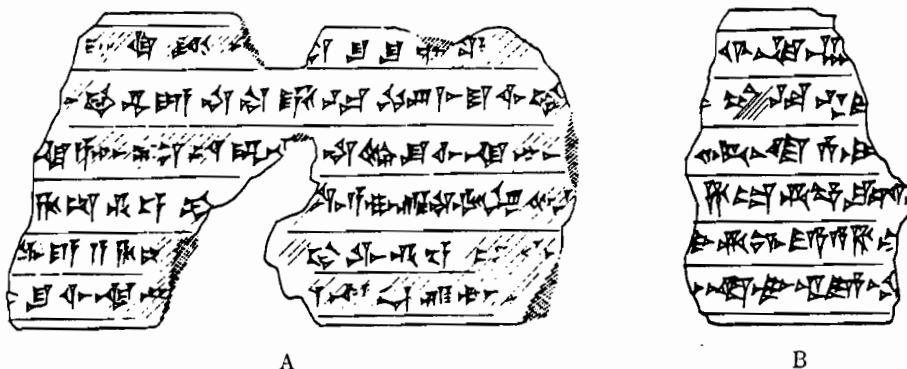
۲ - *limin*

وجود یک پایه *lim-* به معنی «سوزاندن، منهدم کردن توسط آتش» هم در ایلام قدیم و هم در عصر هخامنشی مورد تأیید قرار گرفته است (Mém., 11, 92, Face, col 2: 64, 87, 99; colonne 3: 28, 58, etc.; 31, p. 162, revers. 4, p. 164, revers. 30; A²Sa: 4. و مقایسه شود با: 1. n. 38, et n. 1 (HINZ, Or. NS, 31 (1962), p. 38, et n. 1). توالی آن با *lun-* از طریق شکل *lumunra* متن ایلامی ۷: ۳۱ فراهم شده است که همین عبارت آخر معادل *uqallû* آکدی در متن ایلامی ۹: ۳۲ است. در متن ما این کلمه، به صورتی که قبلاً نیز با آن مواجه شدیم، تعیین کننده معبد با کلمات *talîn* (متن ایلامی ۴: ۹)، *silin* (متن ایلامی ۳: ۱۴) و غیره است. لذا ترجمه تحت اللفظی آن «معبد سوخته شده، منهدم شده توسط آتش» خواهد بود. در موقع اولین انتشار این کتیبه (Ir. Ant. II, p. 67) متذکر شده ایم که آن را از کاخ-آرامگاهی گردآوری کردیم که مقبره های زیرزمینی آن در برگیرنده اجساد خاکستر شده بودند. این رسم تدفین اموات بدون تردید از امتیازات خانه شاهی بوده و اجازه این فرض وجود دارد که آئین خاکستر کردن در بعضی از مکانهای مقدسی انجام می گرفته که در مجاورت کاخها

بوده است. با این همه نمی توان امکان وجود یک آئین آتش، همانند آئین Gibil سومری، را نفی نمود که دارای شخصیت خاص و جنبه الهی دارد. بعضی از لعن ها و نفرینها (مراجعه شود به مراجع فوق و (Mém., 11, 92: 32, p. 162 et 164): «باشد که آتش دشمنان را بسوزاند و از پا درآورد»، یاد آور لعن ها و نفرینهای Gibil یا Giru «نابودکنندگان بدذاتان و شروران!» هستند که آن را در سری *Maqlû* (I, 110 s.; II, 130s., etc) می بینیم. و بالاخره ایلام، سرزمین تولیدکننده فلزات گرانبها، باید همانند سومریها و بابلیها برای خود دارای خدای آتش باشند، خدائی که حامی و سرپرست صنعتگران فلزکار است.

۳۰ (لوح یازدهم، شماره های ۶-۷)

از این کتیبه فقط دو قطعه منهدم شده باقی مانده که از بین ویرانه های کاخ شماره ۳ (متن ایلامی ۳۰ الف) و کاخ شماره ۲ (متن ایلامی ۳۰ ب) نجات داده شده اند. به نظر می رسد که محتوای متن با یکنواختی اکثر دیگر متون گسیختگی دارد و وضعیتی که این متن دارد عملاً اقبال هیچ نوع تعبیر و تفسیری را فراهم نمی کند. دو نمونه و شاهد آن به نظر می رسد که دارای تنوع بسیار اندکی هستند.



۳۰ الف :

1. ...[un]-ki-ik A[n-za-a]n Šu-šu-'un'-ka
2. ...] h si-ia-an ^dKir-ma-šir-me ku-ši-ih
3. ...-na a-ak uš(?) -ta(?) -ra-n[a] ^dIn-šu-ši-na-ak
4. ...] ha-du (ou -ap (?)) hu-ut-tak[...] -pi a-ak la-an-gi(?) -el-li, (?)
5. ...-pi-e a-ha d[u- ...] h-pi hu-ut-t[áh(?) -ši] (?)
6. ... I]n-šu-ši-na-a[k ...]i-n[a t[e-la-ak-n[i]

۳۰ ب :

1. ...n] u-me-na-g[i ...
2. ...]-h-ma si-u[a- ...
3. ...]-ar-na a-a[k ...
4. ...] ha-du (ou -ap (?)) hu-ut šu(?) -uš (?) [...
5. ... a]k hu-pi-e a-ha du-[...]
6. ...-š] i-na-ak si-ia-a[n ...

نام خدائی که در این جا *Kir-m/wa-šir*₈ می خوانیم احتمالاً بسیار مشابه با *Kir-p/wi-si-ir* «متن معروف به نارامسین» است (Mém., 11, 88, Face, colonne 2:5). در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد، یکی از شاهان شوش دارای نام *Ku-uk kir-pi/wa-áš* بوده است (Mém., 24, 248:12, 14; 349: 32; 35., rev.; 10; passim). در زمان شاهنشاهی املاء *Kir-m/we-iš*، *Kir-m/wa-áš* را می یابیم (Mém., 5, 71, colonne 1:13-14; 78:18; 11,95,:20; 97:23). ادامه حیات خدا تا دوره آشوریهها از طریق حضور او در سالنامه های آشوربانیپال به نام یک خدای ایلامی با نام *Ki-ir-sa-ma-as* مورد اطمینان است^(۱).

۴ - *la-an-gi-el-li*

قرائت احتمالی. نامی از یک ماه ایلامی را با شکل مشابه آن می شناسیم: *la-gi-ul*، *la-an-e-ul-li*، *la-an-gi-la*: (CAMERON, PTT, p. 41, n. 4 و HALLOCK, JNES, 21 (1962), p. 53, n. 2). مقایسه شود با

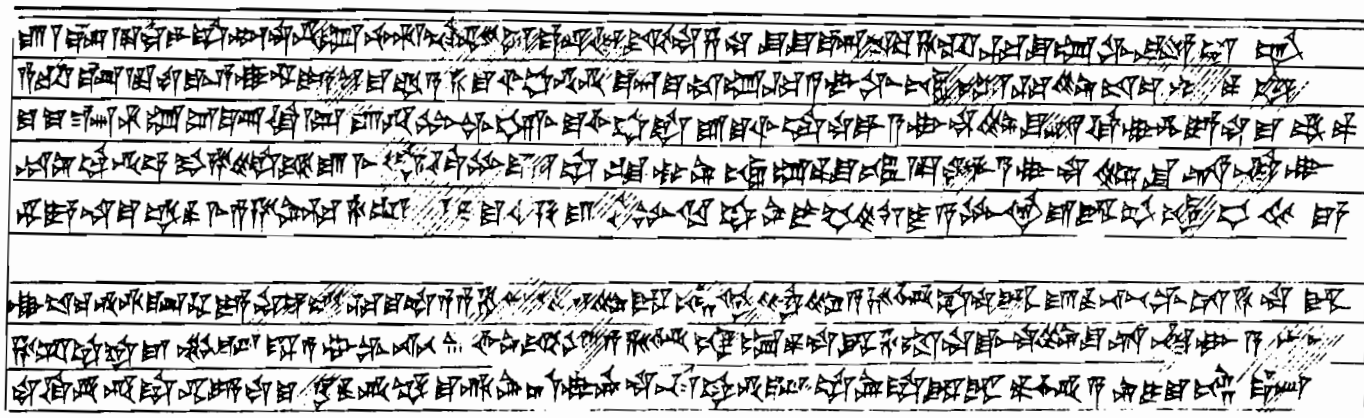
۳۱ (لوح دوازدهم، شماره های ۴-۱؛ لوح سیزدهم، شماره های ۲-۱)
(قطعه شکسته (=Mém., 32, n. XXV, 1))

آجرهائی که متون ۳۱ و ۳۲ روی آن حکاکی شده اند از طریق شکلشان درباره تمام سایر آجرها با جرأت رأی می دهند. ابعاد متوسط آنها ۵/۱۲×۴۰×۴۰ سانتیمتر است ولی وجوه نوشته شده ای وجود دارند که تا ۴۵ سانتیمتر نیز می رسند (متن ایلامی A ۳۱). مجموعه ۴ آجری اول از نوع متن ایلامی ۳۱ و ۳ آجر از نوع متن ایلامی ۳۲ از «ذخیره» به دست آمدند. به گروه باید مجموعه ای ۴۰ آجری را افزود که از همانجا به دست آمده اند که متن آنها با دقت چکش کاری شده بود^(۲). یک وجه آن، که بدون تردید در این کار منهدم کردن سیستماتیک فراموش شده بود، در برگیرنده قسمتی از متن ۳۱ بود (= متن ایلامی ۳۱ د؛ مراجعه شود به لوح هشتم، شماره ۱).

۱- SCHEIL, Mém., 5, p. 59. Streck, Assurb., II, colonne VI:39. مرجعه شود به

۲- آجر دیگری از همین آجرهای چکش کاری شده از حیاط A کاخ شماره ۱ پیدا شد (نوشه شماره یک، LxIV

کتیبه دارای دو قسمت مجزا از هم است که فاصله‌ای میان آنهاست. ثبت تحتانی، در متن ایلامی ۸-۳۱:۶ به زبان ایلامی انشاء شده است و در متن ایلامی ۱۰-۳۲:۸ به زبان آکدی. محتوای هردو متن مشابه هستند: بنابر این، برای دوره ماقبل هخامنشی اولین سند دوزبانه را در اینجا داریم. ثبت فوقانی حاوی نوعی از ذکر رئوس مطالب تکرار اجمالی از تمام کارهای اقدام شده است: انتخاب محوطه، بنیان گذاشتن شهر، حصارها و نیایشگاهها و بالاخره ساختن دروازه‌ها. این مورد آخر را هم توسط یک عبارت ایلامی و هم توسط *abullu* آکدی نشان داده‌اند، «دروازه بزرگ» است که راه به درون شهر می‌برد. در جریان آخرین عملیات حفاری‌ها، در بخش سوم حصار نزدیک به زاویه شرقی عملاً یک ورودی مجلل پیدا شد. این مجموعه دارای دو دروازه هم محور در دو طرف یک حیاط وسیع مربعی شکل است. (مراجعه شود به نقشه شماره یک، M-N×III). این مجموعه ۱۸ عدد آجر جدید را در اختیار گذاشت (۱۵ نمونه از متن ایلامی ۳۱ و ۳ نمونه از متن ایلامی ۳۲). تردیدی وجود ندارد که این کتیبه‌ها در کارهای این دروازه‌های بزرگ کار گذاشته بوده‌اند. معذالک یک چیز جزئی مشکل آفرین است: در متون ما کلمه *abullu* همراه با شش وصف متفاوت است و می‌توان چنین اندیشید که موضوع بر سر شش ورودی متفاوت است. ولی، به استثنای قسمتی از خط شمال شرقی که در سیلابها مفقود شده است، پروفیل حصار خارجی در هیچ جا کمترین نشانه و اثری از یک دروازه را در اختیار نمی‌گذارد^(۱). بنابر این با فرض کرد که تفاوت‌های وصفی مربوط به تنها دو دروازه ورودی میشده که در زاویه شرقی آزاد شدند. با احتمال خیلی زیاد حداقل تا این حد جلو رفته‌ایم که بدانیم دروازه خارجی را مسلماً *abullu rabitu* می‌نامیده‌اند: ۵ آجری که این عنوان را ذکر می‌کنند، تماماً از بین آوارهایی به دست آمدند که گذرگاه را پر کرده بودند.



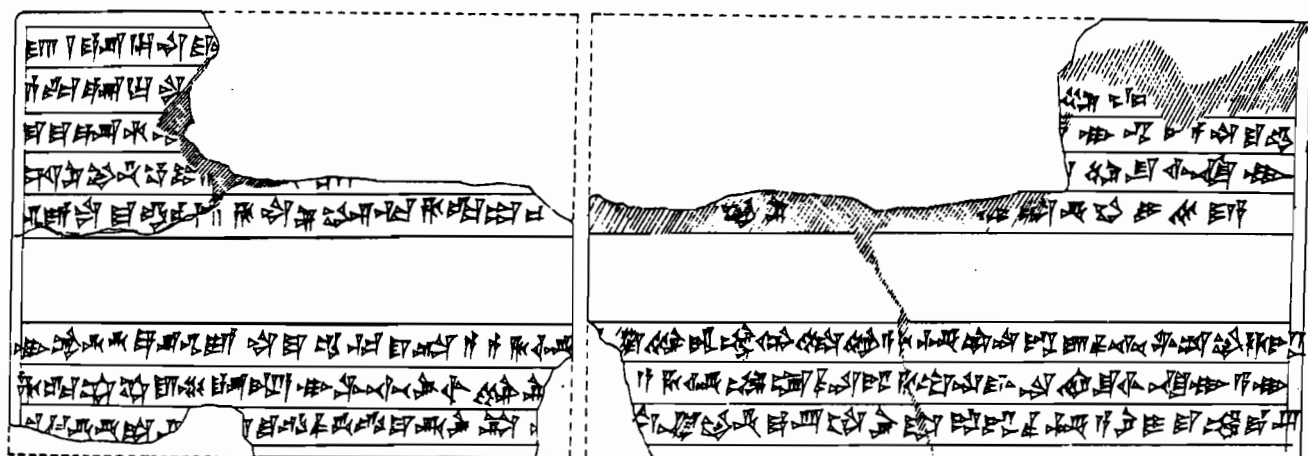
الف (لوح دوازدهم، شماره ۱)

۱- دروازه مشهور به «کوره، تنور» - *abullu kinuni* - (متن ایلامی ۳۶ و ۳۷) احتمالاً در قسمت شمال شرقی حصار بیرونی باز می‌شده است.

۳۱ الف :

1. ú ᵐUn-taš-ᵐGAL ša-ak ᵐHu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik
An-za-an Šu-šu-un-ka ha-al ma-šu-um pi-it-te-ga
2. a-al Un-taš-ᵐGAL a-ak si-ia-an ku-uk a-ha ku-ši-ih hu-hu-un
ku-du-um-ma a-ak pi-tu₄-um-ma in ka-ak-pa-ah
3. ku-ku-un-nu-um su-un-ki-ip ú-ri-pu-pi im-me ku-ši-ih-ša ú
ku-ši-ih ᵐGAL a-ak ᵐIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa
4. du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me li-na-pu-un te-la-ak-ni
tu₄-um-pa šu-tu-ur ᵐGAL a-ak ᵐIn-šu-uš-na-ak
5. si-ia-an ku-uk-pa-me a-ha ni-ma ha-al[a]p-pa ku-[š]i-ha
lu-up-pu-ru-uh-ni i hi-li i a-bu-ul ra-bi-tu₄ hi-i-še-e

6. ak-ka hu-hu-un si-ia-an ku-uk-ma ku-ta a a-ha-[ar li]-in-ra
tu₄-ul-li-in a-ha-ar ta-an-ra ú-pa-ti-pi du-ha-an-ra
7. ha-al-te-te lu-mu-un-ra a-ak pi-ti-ir ši-ni ik-el a-ha-ar
tu₄-um-pa-an-ra ha-at ᵐGAL ᵐIn-šu-uš-na-ak a-ak
8. ᵐKi-ri-ri-ša si-ia-an ku-uk-pa ri-uk-ku-ri-ir ta-ak-ni
ᵐNa-ah-hu-un-te ir-ša-ra-ra pa-ar a-ni i ku-tu₄-un



ب (لوح دوازدهم، شماره ۲)

۳۱ ب :

وجه ۱ :

1. ú mUn-taš-^dGAL
2. a-al Un-taš ^d
3. ku-ku-un-nu-u[m]
4. du-ni-ih hu-ut-tak ha- ú- ...
5. si-ia-an ku-uk-pa-me a-ha-an ni-im-ma ha-al ap-pa ...

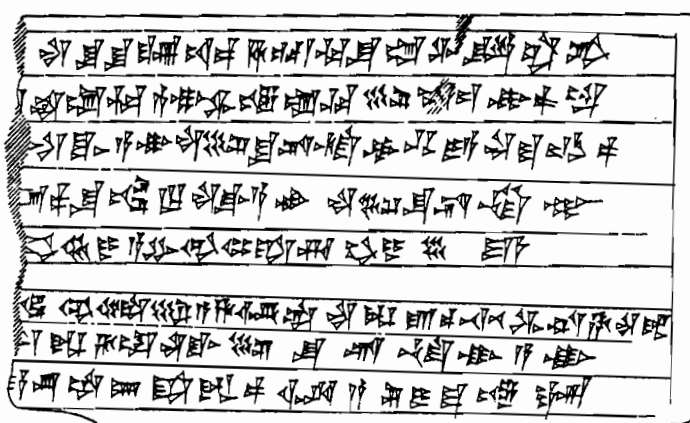
6. ag-ga hu-hu-un si-ia-an ku-uk-ma ku-ta-a a-ha-ar
7. ha-al-te-te lu-mu-un-ra a-ak pi-ti-ir ši-in-ni
8. ^dKi-ri-ri-ša s[i-ia-a]n ku-uk-pa ri-uk-ku-ri-ir ta-a[k- ...

Face b :

وجه ۲ :

1.
2. in-ka-
3.-a]k si-ia-an ku-uk-pa
4. ^dIn-šu-ši-na-ak
5.-uh-hi mi-ša-ri hi-i-še-e

6. l]i-in-ra tu₄-ul-li-in a-ha-ar ta-an-ra ú-pa-ti-pi du-uh-ha-ra
7. .. a-ha-ar tu₄-um-pa-an-ra ha-at ^dGAL ^dIn-šu-ši-na-ak a-ak
8. ^dNa-ah-hu-un-te ir-ša-ra-ra pa-ar a-ni-i ku-tu₄-un

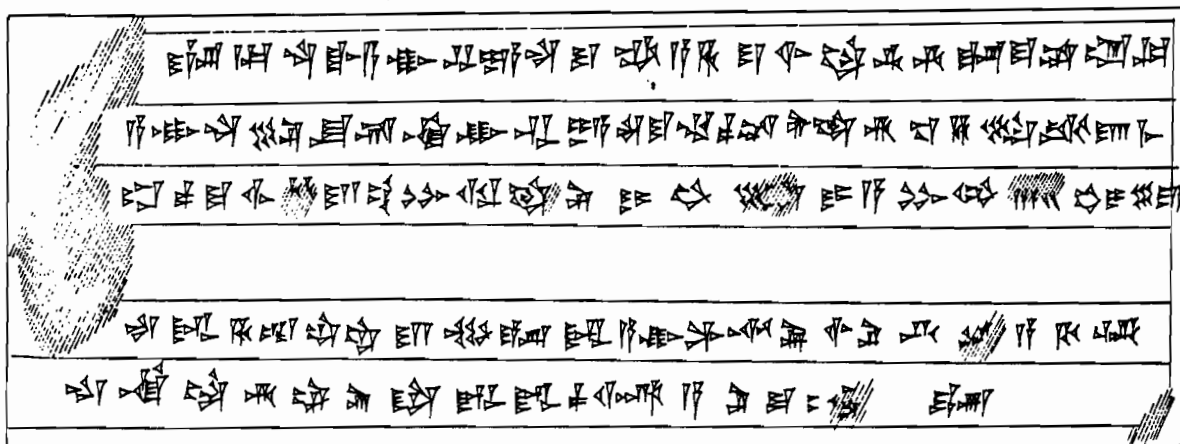


ج (لوح دروازده، شماره ۳)

: ج ۳۱

1. ...]-an Šu-šu-un-ka ha-al ma-šu-um pi-it-te-ga
2. ...]-du-um-ma a-ak pi-tu₄-um-ma in ka-ak-pa-ah
3. ...]^dGAL a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa
4. ...]-um-pa šu-tu₄-ur ^dGAL a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak
5. ...]hi-še i a-bu-ul mi-ša-ri hi-i-še-e

6. ...]u₄-ul-li-in a-ha-ar ta-an-ra ú-pa-ti-pi du-ha-an-ra
7. ...]-an-ra ha-at ^dGAL ^dIn-šu-uš-na-ak a-ak
8. ...]-un-te ir-ša-ra-ra pa-ar a-ni-i ku-tu₄-un

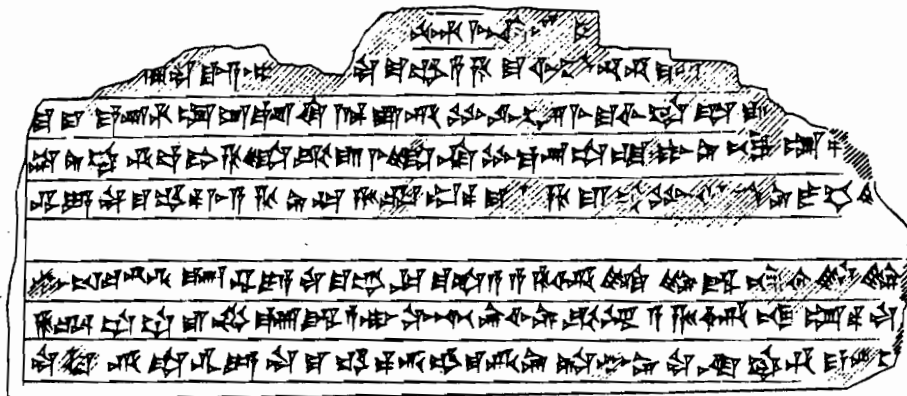


د (لوح دوازدهم، شماره ۴)

: ج ۳۱

1. ...] Un-taš-^dGAL a-ak si-ia-an ku-uk a-ha ku-ši-ih hu-hu-un ku-du-um-ma
2. ...] a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa du-ni-ih hu-ut- < tak > ha-li-ik ú-me
3. ...] ap-pa ku-ši-ha lu-up-pu-ru-uh-ni i hi-li i a-bu-ul 'šarri' hi-i-še-e

4. ...]-an-ra ha-al-te-te lu-mu-un-ra a-ak pi-ti-ir ši-ni hu-el (ou lam ?) a-ha-ar
5. ^dNa-ah-hu-te ir-ša-ra-ra pa-ar a-ni ku-tu₄-un



ه (لوح سیزدهم، شماره ۲)

۳۱ ه متنی است که توسط M. RUTTEN در 1, 23, 32 Mém., بر مبنای اثری که از آن تهیه شده بود (عملیات حفاری سال ۱۹۴۶) منتشر شده است. قرائت جدید از روی اصل کتیبه که در سال ۱۹۶۲ در انبارهای خانه هیئت در شوش پیدا شد، به عمل آمده است.

1.]-ban-nu-me-na-gi s[u- ...
2. ..-ta]š-^aGAL a-ak[...]-an ku-uk a-ha ku-ši-ih hu-hu-'un'...
3. ku-ku-un-nu-um su-un-ki-ip ú-ri-pu-pi im-me ku-ši-ih-ša ú[...]
4. du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me li-na-pu-un te-la-ak-ni tu₄-um-pa [...]
5. si-ia-an ku-uk-pa-me a-ha ni-ma ha-al ap-pa ku-ši-ha lu-[up]-r[u-u]h-ni i hi-l[i ...]

6. [a]k-ka hu-hu-un si-ia-an ku-uk-ma ku-ta a a-ha-ar li-in-ra tu₄-[ul-li]-in[...]
7. ha-al-te-te lu-mu-un-ra a-ak pi-ti-ir ši-ni ik-el a-ha-ar tu₄-um-pa-an[...]
8. ^aKi-ri-<ri>-ša si-ia-an ku-uk-pa ri-uk-ku-ri-ir ta-ak-ni ^aNa-ah-hu-un-t[e ...]

متغیرها:

1. Šu-šu-un-ka / Šu-šu-un-ga-a (1 fois).
5. a-ha / a-ha-an.
ni-ma / ni-im-ma.
lu-up-pu-ru-uh-ni i / lu-up-pu-ru-uh-ni (1 fois).
hi-li i (7 fois) / hi-el i (2 fois) / hi-še i (1 fois).
ra-bi-lu₄ (5 fois) / mi-ša-ri (3 fois) / šarri (1 fois, TZ 31 D) / ki-ša-a-li (1 fois).
6. du-ha-an-ra / du-uh-ha-an-ra (1 fois) / du-uh-ha-ra (1 fois).
7. ši-ni / ši-in-ni.
ik-el (3 fois) / hu-el (1 fois).
su-lu₄-ur / su-du-ur.
8. ak-ka / ag-ga.
a-ni i / a-ni.

- ۱ «من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، محل شهر (یک بار) محصور،
 ۲ در آنجا شهر اونتاش-گال و مکان-مقدس را ساختم؛ در درون حصاری بیرونی و درونی آن را محصور کردم.
 ۳ شاهان قدیم *kukunnum* را نشاخته بودند؛ برای خدایان گال و اینشوشیناک (اریاب) مکان-مقدس
 ۴ آن را هدیه کردم. باشد که آنها اعمال و کارهای مرا به عنوان هدیه بپذیرند. اجرای فرامین خدایان گال و اینشوشیناک
 ۵ (اریاب) مکان-مقدس در اینجا (تحقق) یافته است. باشد شهری را که ساختم از آن استفاده کنم... (در مورد)
 این ورودی «دروازه بزرگ»، (چنین) است نام آن.»

۱ - *hal mašum pittega*

مراجعه شود به متن ایلامی ۶:۲.

۲ - *al Untash-d GAL*

در زبان آکدی *álu* به معنی «شهر» در حالت ساخت است. مسلماً عبارت از شهر اونتاش-گال است که بعداً
 دور-اونتاش *Dâr-Untaš* نامیده شد (Mém., 3,69: 9-10) که به تصرف آشوریانیال در آمد که او آن را هنوز هم به مثابه
 محوطه یا شهرک شاهی می دانسته است، *al Dâr...Dâr^mUndasi...šarri-šu* (۱)
 پ از شهر به حصرالمعنی، به *siyan kuk* محوطه مقدس مذهبی، تمنوس *téménos* اشاره شده که در میان حصار
 دوگانه ای محصور است. به نظر می رسد که معنی «حصار» برای *huhun* ارتباط *huhun* در متن ایلامی ۶:۳۱ = *dâru* (آکدی)
 در متن ایلامی ۸:۳۲ تضمین شده است.
 در مورد *kudumma/pitumma* به متن ایلامی ۲۲:۴ مراجعه شود.

۳ - *kukunnm*

این کلمه ضمناً بطور واضحتری نشانگر نیایشگاهی است که در بالای زیگورات بوده است (مقایسه شود با متن ایلامی
 ۲ و متن آکدی I). به نظر می رسد که در اینجا به جای بخشی برای همه بکار رفته است: شاه به این امر مباحثات می کند که اولین
 برج مطابق را ساخته است (۲).

۱ - STRECK, *Assurb.*, p. 48 et 49

۲ - در مورد این معنی گسترده *kukunnu* مراجعه شود به *CAD*, s. v. *gigun* «بنای مقدسی به صورت مطابق برپا گردید،
 لذا بیان شاعرانه ای از معبد اوج گرفته». و نیز در این معنی مقایسه شود با E. BERGMANN, *ZANF*, 22(1964), p.7
kukunnu الزماً در ارتباط با برج مطابق نیست. به این ترتیب شاید اونتاش-گال اولین شاه شوش است که یک
kukunnu-ziggrat ساخته است. در زمان سوکولاماه *sukkulamah* یک *Kuk-Nashur* - احتمالاً کوک ناشور دوم که

۴ - *tumpa šutur*

tumpa، شکل ساده مصدر (باب اول صرف افعال)؛ در مورد معنی آن مراجعه شود به متن ایلامی ۲:۲۷. در این جا این اسم مشتق از فعل می تواند «اجرا، انجام» ترجمه شود. معنا و مفهوم «قانون، حکم، فرمان» برای *šutur* از طریق این بخش از کتیبه Behiston فراهم شده است: *šū-tur uk-ku hu-pa gi-ut*، «مطابق قانون رفتار می کنم» (DB 63:80, *aršta* فارسی قدیم به معنی «راستی، درستی» که آکدی آن *dīnu* به معنی «تصمیم، حکم، قضاوت» است)^(۱).

۵ - *ni-ma/ni-im/ma*

از یک پایه *ni-* به معنی «بودن» که در ایلامی -هخامنشی به شکلهای *ni-ma-ak* (PTT, 22:22, 23; XPh: 45-46) و *ni-ma-an-ki* (DB 24:10-11) کاملاً مورد قبول است. شکل مصدری صرف افعال است. مراجعه شود به HOLLACK, JNES, 18, p. 17

kušihā: اول شخص مفرد با /a/ ربطی که طبق گفته HALLOCK گذر به یک ماده پایانی است که در اینجا توسط یک متعدی *luppuruhni* (همان مأخذ، p. 5) بیان شده است. که بر اساس عبارات آورده شده (Mém., 5, colonne 6:16,--17; 77, 11, 92, revers. colonne 2:47) در اینجا به هیچ وجه امکان تشریح این فعل از طریق پایه *lup-* ایلام میانه که دارای یک معنی دقیقاً نامطلوب است، نمی باشد. می توان شکل مرکبی از *lup(pu)+ru-* را مجسم نمود که برای آن ایلامی -هخامنشی شاید عنصری را فراهم می کند: *lip(pu)* به معنی «آمدن به طرف، خود را معرفی کردن» (*li-ip-pu-gi-ud-da*) در DB 19:73؛ *li-ip-ka* در DB 20:79؛ مقایسه شود با HALLOCK, l.c. p. 8. معنی یک پایه فرضی و قیاسی *ru-* به صورت غیر محقق باقی می ماند (مراجعه شود به متن ایلامی ۱۰:۲). کلمه *ulluuru* از متن ایلامی ۳:۳۸ می تواند به ترتیب مشابه تشکیل شده باشد.

فکر می کنیم که *abul rabitu* آکدی به معنی «دروازه بزرگ» - یا *abullu mišari* به معنی «دروازه حق و داوری»، *abullu kištar* به معنی «دروازه بیشه ها»، که صور متنوعی از آن است - برای کلمه *hi-el* ایلامی که قبل از آن بوده، یک سند است. بنابراین، این کلمه دارای همان معنی است که کلمه *abullu* به معنی «دروازه شهر، ورودی» داشته است^(۲). به نظر می رسد که قرائت *hi-el* به جای *hi-lam* از طریق متغیر *hi-li* تأیید می شود^(۳). لازم به تذکر است که تمام آجرهای چکش کاری شده متعلق به نوع متن ایلامی ۳۱ د است و این نوع تنها شاهی برای متغیر *abul šarri* به معنی «دروازه شاه»

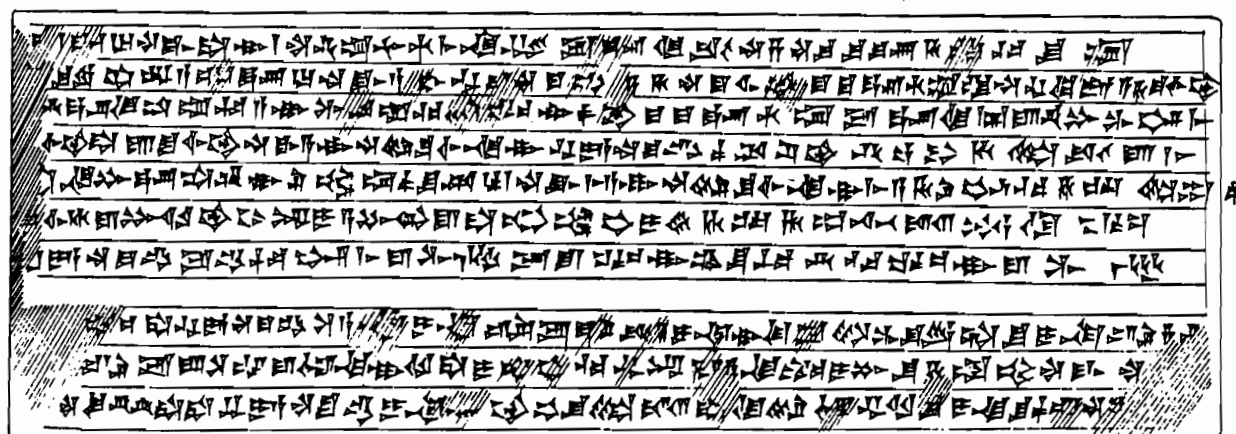
حفریهای اخیر شوش سطوح استقرارهای مهمی از او را هویدا کرد - در روی آکروپل یک *kukunnū* ساخت (Uru.an.na). مقایسه شود Mém., 6, p. 28:5. پدر اونتاش - گال، هوبانومنا (خط خاص این متون)، یکی از آنها را در لیان (بوشهر) ساخت، Mém., 15, p. 42-3, ligne 6.

است. به نظر می‌رسد که انهدام به صورت عمدی انجام گرفته است. آیا باید در این امر نشانه‌ای از عکس‌العمل علیه سلسله اونتاش-گال را دید؟

۳۲ (لوح سیزدهم، شماره‌های ۵-۳؛ لوح چهاردهم، شماره‌های ۲-۱)

(قطعه، *Mém.*, 32, n. XXV, 2)

این متن فقط توسط آجر بزرگی که از «ذخیره» به دست آمده (متن ایلامی ۳۲ الف؛ ابعاد: ۳۹×۳۹×۱۲/۵ سانتیمتر)، و ۵ قطعه آجری معرفی شده است که باید آجر *Mém.*, 32, 2 را به آن افزود. تنها دو نمونه در بخش شرقی حصار سوم پیدا شده‌اند؛ سایر آجرها در جاهای مختلف بنا دوباره به کار رفته بودند.



الف (لوح سیزدهم، شماره ۴)

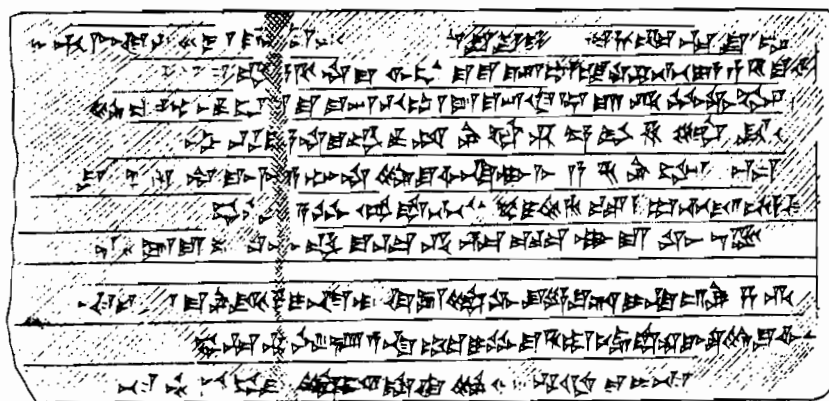
۱۵-10. MOSCOU, 1964, pp. 11 [14]. کلمه *šutur* با کلمه آکدی-ایلامی *kubussu* به معنی «سنت مشروع» پیوستگی دارد. این پذیرش بیش از حد محدود کننده است.

۲- این معنی می‌تواند مناسب متن بعدی باشد که در آن قطعاً موضع عبارت است از یک ساخت و ساز *hi-el La-qa-ma-al-me*^۴، در *Mém.*, 3, 29: 3; 59: 8.

۳- متغیر *hi-še i* (متن ایلامی ۵: ۳۱ ج) باید یک اشتباه کاتب باشد، که می‌توانسته دومین قسمت نشانه *LI: = še, = li* را فراموش کند.

۳۲ الف :

1. [ú]^mUn-taš-^dGAL ša-ak ^mHu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik
An-za-an Šu-šu-un ha-al ma-šu-um
 2. [pi]-it-te-ka a-al Un-taš-^dGAL a-ak si-ia-an ku-uk a-ha-an ku-ši-ih
ku-ku-un-nu-um la-an-si-di-ia a-ha ku-ši-ih
 3. [hu]-hu-un ki-du-um-ma a-ak pi-du-um-ma in ka-ak-pa-ah
ku-ku-un-nu-um su-un-ki-ip ú-ri-pu-pi im-me
 4. [ku]-ši-ih-ša ú ku-ši-ih ^dGAL a-ak ^dIn-šu-ši-na-ak si-ia-an ku-uk-pa
du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me
 5. [li]-na-pu-un te-la-ak-ni tu₄-um-pa šu-du-ur ^dGAL-me a-ak
^dIn-šu-ši-na-ak-me a-ha ni-im-ma ha-al-li ap-pa
 6. [ku]-ši-ha lu-pu-ru-uh hi-el i a-bu-ul-lu ša-qu-tu₄ hi-i-še ha-al
ha-ap-ti-iš il-ki-ka
 7. [si]-ia-an ku-uk su-uk-ma im-me lu-pi-en su-lu-ka-ak uk-ku-ma
hu-ma-ka-ak lu-pi-en
-
8. [ša a-na] dūri (BĀD) ša si-ia-an ku-uk qa-a-na i-na-as-sú-ku ni-ik-sà
i-na-ak-ki-sú li-bi-it-ta-šu i-na-as-sà-ḫu
 9. [da-la]-as-sú ú-qa-al-lu ù na-ak-ru ša i-ṭe₄-ḫi-ma si-el-ṭu a-na dūri (BĀD)
i-pu-šu ḫa-at-tum ^dGAL ^d[Šušinak]
 10. [ù]^dKi-ri-ri-ša si-ia-an ku-uk i-na mu-uḫ-ḫi-šu li-iš-ša-ki-in ù se-ru-šu i-na šu-pa-al ^dSamaš
(UD) [la i-ša-ri]



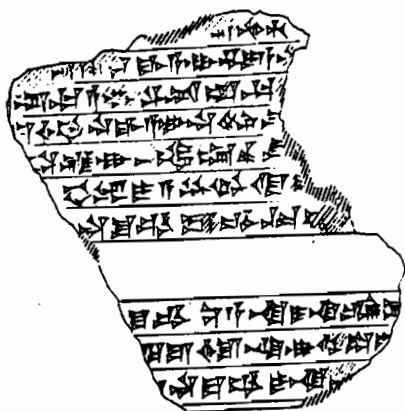
ب (لوح سیزدهم، شماره ۵)

۳۲ ب :

1. ...]-nu-me-na-gi su-u[n]-ki-[...] -an Šu-šu-un-ka ha-al ma-šu-um
2. ...i] a-an ku¹-uk a-ha-an ku-ši-ih ku-ku-un-um la-an-si-ti-ia a-ha ku-š[i-ih]
3. ...]in 'ka-ak'-pa-ah ku-ku-un-nu-um su-un-ki-ip ú-ri-pu-pi im-[me]
4. ...]-ak si-ia-an ku-uk-pa du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik
5. ...]^dGAL-me a-ak ^dIn-šu-ši-na-ak-me a-ha ni-im-ma

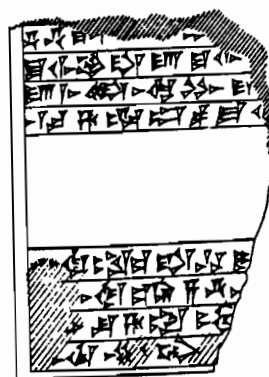
6. ...]-pu-ru-uh hi-el[i (?) a-bu-ul ša-ti-x (?) hi-i-še ha-al ha-ap-ti-iš il-ki-[ka]
7. ...]-en su-lu-k[a-a]k uk-ku-ma hu-ma-ka-ak lu-pi-en

8. ...]-ku ni-ik-sà i-na-ak-ki-sù li-bi-it-tu (!! écrit Šu) -uš i-na-as-sà-ḫu
9. ...]-hi-ma si-el-ṭu a-na dūri (BÀD) i-pu-šu ḫa-at-tum ša ^aGAL ^aIn-šu-ši-n[a-ak]
10. ...]-na mu-uḫ-ḫi-šu li-iš-ša-ki-in ù se-ru-šu i-na[...



ج (لوح دوازدهم، شماره ۳)

د ۳۲

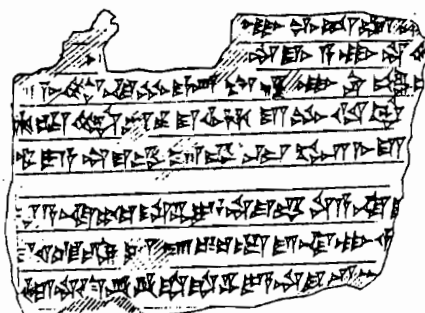


د (لوح چهاردهم، شماره ۱)

ج ۳۲

1. ...]-um-ban-nu-m[e- ...
 2. ...] GAL a-ak si-ia-an[...
 3. ...]-um-ma a-ak pi-du-um-ma[...
 4. ...]ku-ši-ih ^aGAL a-ak ^aIn-š[u- ...
 5. ...]te-la-ak-ni tu₄-um-pa š[u- ...
 6. ...]hi-el i a-bu-ul ki-[...
 7. ...]-an ku-uk su-uk-ma im-[...
-
8. ...]ku-uk qa-a-na i-na-as-sù- ...
 9. ...a]l-lu ù na-ak-ru ša i-[...
 10. ...]-an ku-uk i-na m[u ...

1.
 2.
 3. hu-hu-un [.....
 4. ku-si-ih-ša ú ku-š[i-
 5. ú-me li-na-pu-u[n]
 6. -ma ha-al ap-pa ku-š[i-
-
7. [a]-na dūri ša si-i[a-an ...
 8. [i]-na-as-sà-ḫu [.....
 9. [i-p]u-šu ḫa-at-tum [.....
 10. [i]-na mu-uḫ-ḫi-šu [.....



هـ. (لوح چهاردهم، شماره ۲)

۳۲ هـ

این متن توسط M. RUTTEN, *Mém.*, 32, 25, 2 بر مبنای یک اثری که از آن وجود داشته، منتشر شده است. قطعه آجر، که در انبارهای شوش پیدا شد، در اینجا امکان بهبود و کامل کردن قرائت اول را فراهم می‌آورد.

1. ...
 2. ...
 3.¹-ak pi²-du-um-m[a
 4.] ^aGAL a-ak ^aI[n-
 5. ú-me li-na-pu-un te-la-ak-ni tu₄-u[m-
 6. ha-al-li ap-pa ku-ši-ha lu-pu-ru-uh-[...]
 7. si-ia-an ku-uk su-uk-ma im-me lu-[...]
-
8. ša a-na dûri(BÂD) ša si-ia-an ku-uk qa-a-na[...]
 9. [d]a-la-as-sú ú-qà-al-lu na-ak-r[u ...]
 10. ú ^aKi-ri-ri-ša ša si-ia-an ku- uk[...]

متغیرها :

2. ku-ku-un-nu-um / ku-ku-un-um
la-an-si-di-ia / la-an-si-li-ia
6. a-bu-ul-lu ša-qu-lu₄ (32 A) / a-bu-ul ša-ti-× (32 B) / a-bu-ul ki-[... (32 C)
8. ša a-na / ša om. (32 D)
li-bi-il-la-šu / li-bi-il-lu(!)-uš (32 B).

«لمن اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش،² (همین که) محل شهر محصور شد، در آنجا شهر اونتاش-گال و مکان-مقدس را ساختم؛ در آنجا یک kukunnum طلائی ساختم؛ آن را قدر یک حصار بیرونی و درونی محصور کردم. شاهان قدیم kukunnum نساخته بودند،⁴ من آن را ساختم؛ آن را به خدایان گال و اینشوشیناک (اریاب) مکان-مقدس هدیه کردم. باشد که اعمال و کارهای من به عنوان هدیه مورد قبول⁵ آنها قرار گیرد. در اینجا اجرای فرمان خدای گال و خدای اینشوشیناک (تحقق) یافته است. این شهر که⁶ بنا کردم داشتم... (در مورد) این ورودی، «دروازه عالی»، (چنین است) نام آن.

شهر ... بوده است...⁷ انهدام مکان-مقدس افق نخواهد افتاد، اتفاق خواهد افتاد مگر این که آن را بگیرند برای ...»

۲ - *Kukunnum lamsidiya*.

مراجعة شود به متن ایلامی ۲ و متن آکدی I.

۶ - *lupuruh*.

به صورت متعدی و با مکرر شدن آن در متن ایلامی ۵:۳۱.

abullu šaqtu به *ká.gal.mah* سومری مربوط می‌گردد. در متن ایلامی ۳۲ ب نام دروازه کامل نیست؛ چنین قرائت می‌شود *a-bu-ul-ša-ti*، آخرین نشانه می‌تواند *in* یا *pi* باشد. این کلمه می‌تواند عبارت از کلمه ایلامی *šatin* به معنی «پیشوای مذهبی» باشد، که ضمناً آن را در متون آکدی می‌یابیم^(۱). در مورد متن ایلامی ۳۲ عبارت *a-bu-ul ki* را داریم که همانند متن ایلامی ۳۱ برای کامل کردن *ki-ša-a-ti* آمده است.

تعبیر و تفسیر دنباله متن - مخصوص متن ایلامی ۳۲ - دشوار است. قرائت *il-ki-ka* (متن ایلامی ۳۲ ب) مطمئنتر از *kar-ki-ka* که ابتدا پیشنهاد شده بود (*Ir.Ant. II, p. 73*)؛ مراجعه شود به ۱۲-۱۳: 69: 5, *Mém.*, 5, *Ti-ik-ni*؛ ولی این قرائت معنی گروه *hal haptiš* را که به نظر ما تاکنون توضیح اقناع‌کننده‌ای داده نشده، روشنتر نمی‌کند^(۲). نوشتن *hal* در متن منتشر شده توسط WEISSBACH (= *HÜSING, Qullen, 54 e*) در تمام موارد چنین القاء می‌کند که وقتی کلمه به صورت *ha-al* یا *ha-al-li* (خط ۵) نوشته می‌شود، در این مورد نیز موضوع کاملاً بر سر آن یک شهر یا یک ناحیه است.

۷ - *sukuma*.

نام مشتق از فعل، وابسته به پایه *suk-* که معنی «منهدم کردن، پاک کردن» به نظر مطمئن می‌رسد (مقایسه شود با متن ایلامی ۷:۲). حالت نفی آن مؤید معنی نامطلوب است.

lu-pi-en قبلاً (متن ایلامی ۵:۳۱) به یک ریشه *lip-* به معنی «آمدن، خود را معرفی کردن» اشاره کردیم که بهتر از *lup-* در ایلام میانه، با یک معنی مشابه با *suk-* عبارت منطبق بود. به نظر میرسد که باید برای *lu-pi-en* ترجمه‌ای را انتخاب کرد که در مقابل *sukma* باشد، یعنی همان چیزی که حضور نفی‌را بیان می‌کند.

آیا *su-lu-ka-ak* شکل متضاد، برای *su-lu-uk* و *hu-ma-ka-ak* شکل متضاد برای *hu-ma-ak a-ak* است؟ کلمه

اول می‌تواند از یک کلمه وصفی خدای Tepti از Malamir باشد: *su-ul-ra-ir-ra* (*Mém.*, 3, 63:12, 18)^(۳).

۱- کلمه ایلامی به همان صورت در متون آکدی شوش بکار رفته است. مقایسه شود با 102:16: 22,16:31,32: *Mém.*, 22, 37, p. 37, (1962), *HINZ, Or. NS 31* به معنی «das erobert Land»، در مورد همین متن جایی که SCHEIL آن را چنین ترجمه کرده است: «در سرزمین Haptiš»، *Mém.*, 5, 70:31. برای *M. LAMBERT, IR, Ant., V, p. 27*. «تمام سرزمین» دارد.

۳ - 110-109: *HINZ, Hanne, p.* به معنی «siegverleihend».

ukkuma: بر اساس گل نوشته های ایلامی شوش به معنی «در معاوضه، برای» (Mém., 9, p. 100).
Huma-: بر اساس عبارات (بخصوص مراجعه شود به 5, 69:7-8; 3, 24:6; 25:3; 5, 69:7-8) به معنی تعریف شده
 «بلند کردن، حمل کردن». علیرغم حضور پاره ای عناصر شناخته شده، معنی کلی جمله برای ما مفهوم نمی شود.
 برای داده هایی که در اینجا باهم هستند متون - ایلامی و آکدی - ثبت های تحتانی متن ایلامی ۳۱ و ج. ز. ۳۲ را ذخیره کرده ایم. ابتدا یک کنار هم گذاشتن خطی را ارائه می دهیم:

متن ایلامی ۳۱

متن ایلامی ۳۲

ša a-na dūri(BĀD) . ۸	ak-ka- hu-hu-un . ۶
ša si-ia-an ku uk	si-ia-an ku-uk-ma
qa-a-na i-na-ak-ki-sū	ku-ta a a-ha-ar li-in-ra
ni-ik-sà i-na-ak-ki-sú	tu ₄ -ul-li-in a-ha-an-ra
li-bi-it-ta-šu i-na-as-sâ-hu	ú-pa-ti-pi du-ha-ar ta-an-ra
[d]a-la-as-sú úaq-al-lu . ۹	ha-al-te-te lu-mu-un-ra . ۷
ù na-ak-ru ša i-te ₄ -hi-ma	a-ak pi-ti-ir ši-in-ni
si-ei-tu a-na dūri(BĀD) i-pu-šu	ik-el a-ha-ar tu ₄ -um-pa-an-ra
ha-at-tum ^d GAL ^D Šušinak	ha-at ^d GAL ^d In-šu-uš-na-ak
[ù]. ۱۰	a-ak
^d Ki-ri-ri-ša ša si-ia-an ku-uk	^d KI-ri-ri-ša si-ia-an ku-uk-pa . ۸
i-na mu-uh-hi-šu	ri-uk-ku-ri-ir
li-iš-ša-ki-in u	ta-ak-ni
i-na šu-pa-al ^d Šamaš(UD)	^d Na-ah-hu-un-te ir-ša-ra-ra
se-ru-šu [la i-ša-ri]	pa-ar a-ni-i ku-tu ₄ -un

هر دو متن، علیرغم اختلافات جزئی در تمام ترجمه ها، دقیقاً یکدیگر را می پوشانند.
 ۶/۸: کسی که تیرهایی علیه حصار مکان - مقدس بفرستد، کسی که شکافی در آن باز کند، کسی که آجرهایی از آن ببرد.
 ۷/۹: کسی که دروازه آن را بسوزاند، و دشمنی که هجوم آورد و به حصار حمله کند، کسی که خشم خدایان گال،
 اینشوشیناک

۸/۱۰: وکی ری ریشا بر او نازل شود، (و)، زیر خورشید، باشد که اعقاب و احفاد او پیشرفت و ترقی نکنند!

hu-hu-un : ۶/۸

به کلمه آکدی *dāru* (BĀD سومری) مربوط می گردد و نشانگر حصار، دیوار حصار یک شهر، سپس به طریق اولی

نشانگر یک شهر برج و بارودار یا یک دژ و قلعه مستحکم است^(۱). حرف ربط *ana* از متن آکدی در اینجا توسط پسوند مکانی *ma-* نمایانده شده که بعد از گروه *huhun siyan kuk.ma* قرار گرفته است. می توان فرض کرد که حرف اضافه *me-* که بیانگر مضاف الیه است در جلوی قید مکانی *ma-* افتاده، یا این *siysn kuk* را به مثابه نسبت دادن *huhun* فرض شود؛ نسخه آکدی آن به هردو فرضیه مطابقت دارد.

رابطه بین کلمه ایلامی *kuta* و کلمه آکدی *qanû* روشن نیست. همانطور به آن اشاره شده است^(۲) ایدئوگرام GI به معنی «نی» (= *qanû* آکدی)، در گروه GIŠ.GI.MEŠ، غالباً در گل نوشته های ایلامی شوش، همسو با GIŠ.BAN.MEŠ به معنی «کمان» و *šu-kur-ru-um* به معنی «نوک، تیزی» به کار رفته است^(۳). لذا کلمه GI بیانگر ساقه نی، «مناسب برای تبدیل شدن به بدنه پیکانها، زوبینها، دسته نیزه ها» است (مراجعه شود به V.SCHEIL, *Mém.*, 9, P. 69)، که معنی کلی «پرتاب کننده» از همانجا ناشی می شود. از مجموعه متون چنین بر می آید که فقط می تواند عبارت از یک عمل جنگی علیه شهر باشد.

به نظر نمی رسد که بتوان معنی *kuta* را به کمک *kut-* به معنی «حمل کردن» روشن کرد. شاید حرف *a* بین *kuta* و *ahar* متکی ملکی، *e>a*، تحت تأثیر پایانه قبلی است.

linra: فعل لازمی است که به دنبال آن پسوند شخصی سوم شخص مفرد می آید همانند تمام شکلهای زیر *tanra*، *duhanra* ... پایه *li-* به معنی «در اختیار گذاشتن، پیشکش کردن»، بر اساس کلمه آکدی *nasâku* باید بیانگر «فرستادن» نیز باشد.

عبارت *tullin ahar tanara* معادل آکدی خود را در اصطلاح *niksa inakkisu* می یابد که این اصطلاح یادآور تصویر ذهنی یک بریدگی یا یک شکاف است. ساختار جناسی «بریدن یک بریدگی» در زبان ایلامی پیدا نمی شود؛ پایه *ta-* به معنی «گذاشتن، نهادن» فقط یک روش کمکی را فراهم می کند. بنابراین، ترجمه عبارت *nakâsu* همان عبارت *tu₄-ul-li-in* است. ما چنین می اندیشیم که یک ریشه *t/dul-* به معنی «بریدن، شکاف دادن» در کلمه وصفی *du-ul-li-ra* ظاهر می گردد که این کلمه وصفی با نام یکی از اشخاص موجود در نقش برجسته Hanni در مال میر Malamir (کول فره - Kul-e-Farah) همراه است. مراجعه شود به *Mém.*, 3, p. 107, n.7 و لوح شماره ۲۳. مرد در پائین سه نوازنده ای که زیرپایشان سر سه

۱- KÖNIG, *EKI*, p. 66, n. 11 این معادل را قبول ندارد. به هیچوجه نمی توان علیه معنی ای توسل جست که در اینجا برای اصطلاح هنوز مبهم *kuš huhum* از *Mém.*, 3, 47:36; 51:9, 10 etc. پیشنهاد شده است. انحرافات معنایی گاهی دارای گردشهای پیش بینی نشده ای هستند. زبان لاتینی نمونه ای را در اختیار می گذارد که می تواند روشنگر ایلامی باشد: در عین حال هم کلمه *oppidum* به معنی «شهر قلعه ای»، «شهر به طور کلی» داریم و هم قیدی را از زبان متداول داریم که معادل کلمه *multum* است که: *oppido* باشد، مقایسه شود با:

A. ERNOUT et A. MEILLET, *Dictionnaire étymologique de la langue latine*, Paris, 1932, p. 671

۲- M. LAMBERT, *Ir. Ant.* V. p. 31 - ۲

۳- مراجعه شود به ARMT XII, p. 157، پاورقی شماره ۴، خط ۷.

بزکوهی است، ایستاده و بدن بدون سر این بزهای کوهی اندکی دورتر افتاده است، قربانی چهارم آماده برای قربانی شدن است. قرائت کتیبه چنین است: *Te-ip-ti-hu-ban mu-uh-hu(?) du-ul-li-ra* ^(۱). شکل *dullira* به طبقه بندی اسامی مشتق از فعل تعلق دارد که غالباً در زبان ایلامی برای نشان دادن یک کارکرد، یک حرفه بکار رفته است ^(۲). در اینجا موضوع عبارت است از قربانی کننده که نقش او - همانطور که برای *nâš patri* بابلی مطرح است - دقیقاً «بریدن سر» قربانی است. عبارت *upatipi duhanra* معادل عبارت آکدی *libitta-šu inassahu* است. این ارتباط در مورد کلمه ایلامی *upat* معنی «خشت یا آجر، آجرکاری» را تضمین می کند. به علامت جمع *pi* قبلاً در متن ایلامی ۴:۶ برخوردیم. در اینجا عبارت *du-ha-an-ra* معادل عبارت *du-un-ra* متن ایلامی ۲:۷ است؛ معادل ایلامی *du-* و آکدی *nasâhu* (یا *našû*) از متن ایلامی (I:۵) مشکلی را به وجود نمی آورد، که هر دو فعل نشانگر «برداشتن، حمل کردن» هستند. اضافه شدن *h/* در جاهای دیگر نیز دیده می شود: *du-uh-iš-da* (Mém., 9, 11؛ *du-uh-iš* (Mém., 3, 63:4; 9, 135:12) / *du-iš* (PTT, 11:7 et passim) revers. 3, et passim) / *du-iš-da* (PTT, 1:22 et passim)

۷/۹ - مرمت و بازسازی قطعه ای که توسط M. Rutten (Mém., 32, n. XXV, 2) منتشر شده بود به ما این اجازه را داد که در ابتدای خط ۹ از متن ایلامی ۳۲ دو علامت ناخوانای *da-la-* را بخوانیم. ما به جای خواندن *da-la-at-šu* (از *daltu* به معنی «در، دروازه»، «لنگه یا لت در»)، این چنین می خوانیم: *da-la-as-sû*. کلمه ایلامی *haltete* که در جاهای دیگر به اشکال *halteji* (متن ایلامی ۱۸:۲؛ *halti lani* (?)) در *halti* ۴: 5, 71, 55, champ I a: 4; 5, 54 colonne 2:18; 55, Mém., 3, 54 colonne 2:20 و غیره و *haltite* در *haltite* 7: 99 C: 11, 99 Mém., آمده است، بنابر این به نظر عبارتی می رسد که نشانگر در یا دروازه و لتهای چوبی است که آتش می تواند آن را منهدم نماید.

معادله *lumunra/uaqallû* وجود یک پایه *lum-* به معنی «سوزاندن» را در زبان ایلامی مدلل می دارد که با *lim-*، که معنی آن بخصوص از طریق A²Sa:4 تضمین شده، به تناوب جایگزین یکدیگر می شوند. *tehû = ši-in-ni/ši-ni* آکدی، به معنی «خود را نزدیک کردن، خود را معرفی کردن»؛ معنایی را تأیید می کند که قبلاً توسط DB 13,41; 30:45; 31:50, 51 شناخته شده است. شکلی که حرف آخر کلمه آن برای *šinra* حذف شده در حالی که پسوند در انتهای گروه پس از فعل *tumpan* جای گرفته است ^(۳).

a-ha-ar tu₄-um-pa-an-ra = si-el-tu a-na dûri i-pu-šu (با تنوع *ik-el* (hu-el)). قرائت عبارت به این صورت: *si-el-lu* بر اساس آجری که در طول آخرین عملیات حفاری گردآوری شد (متن ایلامی ۳۲ ب) به جای این قرائت: *si-el-lu* که

۱- به طور به قرائت *mu-uh-hu* که بلافاصله یادآور *muhhu* آکدی به معنی «سر» است، اطمینانی نیست؛ می توانسته اند آن را *mu-uh-du* نیز بخوانند که HINZ معنی «پیشکش» را برای آن پیشنهاد کرد و در جایی که وی آن را «Opfer-Darbringer» ترجمه کرده، مناسب کامل دارد. مقایسه شود با ZANF, 16, p. 251. همچنین مراجعه شود به Ar. Or., 18, p. 292.

۲- مقایسه شود با HALLOCK, Studies., p. 123.

۳- مقایسه شود با *aq-qa me-el-qa-an a-ak su-ku-un-ra*؛ Mém., 5, 77, colonne 6:405.

در ابتدا پیشنهاد شده بود (Ir. ant. II, p.75). خطوط آن بسیار نزدیک به Ch. FOSSEY, *Manuel d'Assyriologie* تحت شماره‌های 34 368؛ 34 400 تا 34 404. عبارت آکدی *saltu/seltu/siltu* به معنی «مبارزه، حمله، یورش» در این عبارات کاملاً در سرجای خود است و بطور عادی با فعل *epêšu*: *saltu dannatu ana libbi âli îpušu* بکار می‌رود (WISEMAN, *Chron.*, 58:43; CADn s. v. *epêšu*, 2c; s. v. *saltu* 2h) در کتیبه‌های هخامنشی عبارت آکدی *sa-al-tum* به ایلامی *ša-pár-rak-um-me* ترجمه شده است (DB 19:75; 26:25; 31:51).

معادل *saltu* در اینجا *ikel* است که سه بار معرفی شده؛ نسخه متفاوت با اصل *hu-el* (که یک بار معرفی شده) شاید یک اشتباه کاتب است و ضمناً معنی این کلمه برای این به عنوان یک پایه برای تعبیر و تفسیر به کار رود، بیش از حد نامطئن است. تا موقعی که وافرترین مدارک را به دست آوریم می‌توان *ikel* فقط یکبار ذکر شده را به عنوان معادلی برای *šaparrakum* به حساب آورد.

tumpa-/epêšu؛ این ارتباط امکان دقیق‌تر کردن بعضی از بکارگیری‌های فعل ایلامی را فراهم می‌نماید. مراجعه شود

به متن ایلامی ۲:۲۷.

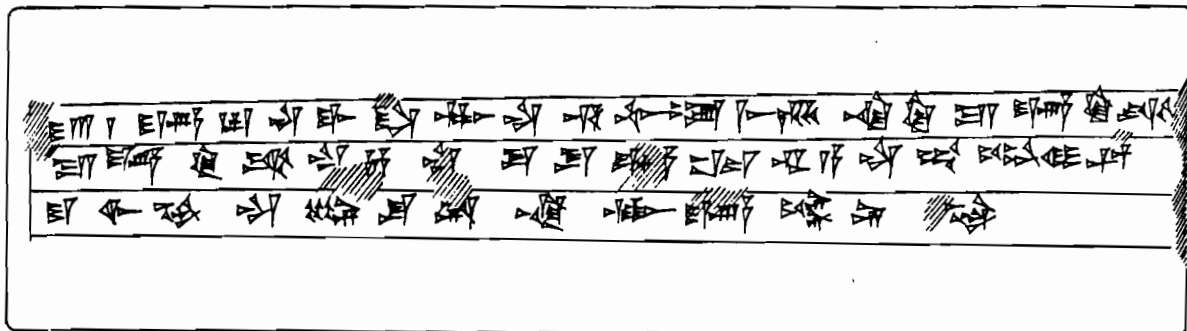
دنباله متن در متن ایلامی ۲:۷-۹؛ متن ایلامی ۴:۷-۸ و متن آکدی ۶-۷:۱ پیدا می‌شود.

دسته د (چ. ز. ۵۲-۳۳)

کتیبه‌های جمع آوری شده در این سری در بخشهای گوناگون حفاری پراکنده بودند. امکان وابسته کردن آنها به ساختمانها یا جاهای مشخص ممکن نبود. در پاره‌ای موارد - وقف به خدایان هیشمیتیک و روهوراتیر (چ. ز. ۳۹)، به خدای نوسکو (چ. ز. ۴۳ و چ. ز. ۴۴) - احتمال دارد که آجرهای کتیبه‌دار مربوط به نیایشگاههای این خدایانی باشد که قبلاً از طریق متون دیگر شناسائی و مکان آنها معلوم شده است.

۳۳ (لوح چهاردهم، شماره ۳)
(=Mém., 3, 22 (Suse); 32, n. X)

متن مختصری از یک وقفنامه به خدای اینشوشیناک است که در روی ۷ عدد آجر پراکنده در محوطه، معرفی شده بود. یکی از این آجرها در محل اصلی خود در رگهای زیرین پیش آمدگی بیرونی طرف غربی دروازه شمال غربی (حصار دوم، نقشه شماره ۱، F×III-V) قرار داشت؛ به احتمال خیلی زیاد از این آجر استفاده مجدد شده است. ابعاد: ۳۳×۳۳×۷/۵ سانتیمتر، با سه خط در روی یک وجه. نمونه‌ای از آنها دارای دو وجه پنج خطی بود که در درون قابهای ۱۶/۵×۷ سانتیمتر و ۱۴×۶ سانتیمتر نوشته شده بودند.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak ^aHu-ban-um-me-en-na-ki su-un-ki-ik
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an up-qu-mi-ma
3. ku-ši-ih ^aIn-šu-uš-na-ak un tu₄-ni-ih

متغیرها

۱ - *su-un-ki-ik*: متنی که در اینجا بازسازی شده تنها نمونه‌ای است که کلمه *sunkin* را در انتهای خط اول و ابتدای خط دوم تکرار کرده است.

۲ - *up-qu-mi-ma / up-qu-mi-a* (که *up-qu-mi-a* کمتر متداول است).

۳ - *tu₄-ni-ih / du-ni-ih*

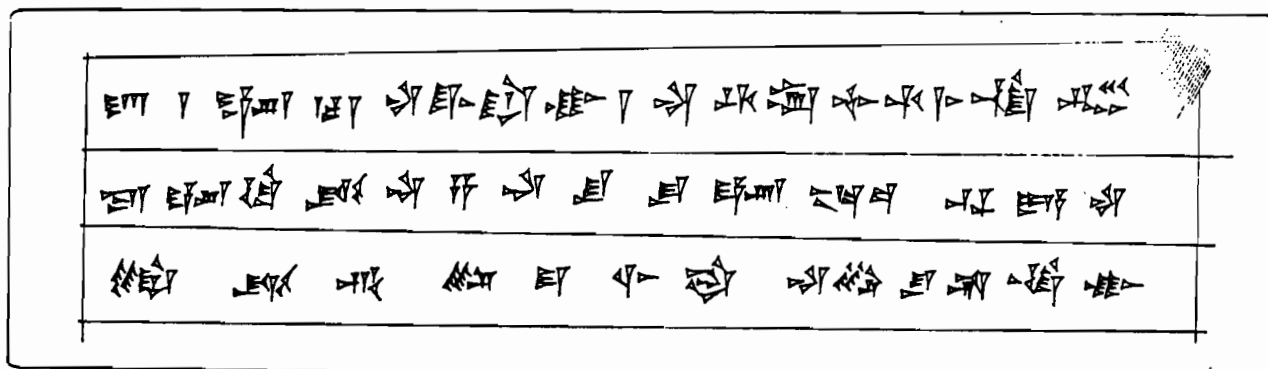
«^۱من اونتاش-گال، پسر هویانو منا،^۲شاه انزان و شوش، معبد باشکوهی^۳ ساختم؛ آن را به خدای اینشوشیناک هدیه کردم.»

۲ - *upkumi(m)a*.

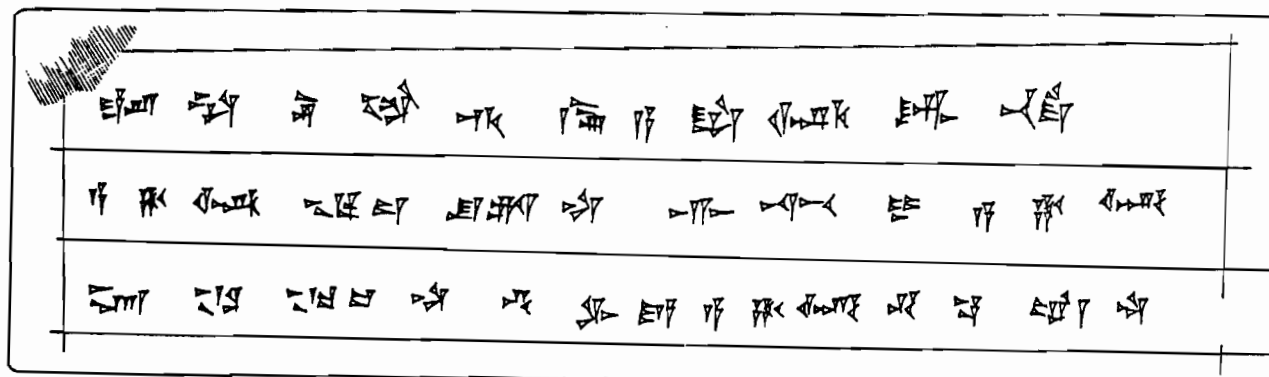
درج. ز. ۱:۵، کلمه وصفی به *kukunnum* اطلاق شده است. شاید در اینجا نیز اشاره‌ای به معبد ساخته شده در قلعه زیگورات است.

۳۴ (لوح چهاردهم، شماره‌های ۴-۵)

پنج آجران از «ذخیره» می‌آید و دو قطعه آجر از این آجرهای شکسته کف سازی واقع در بین معبد خدایان هیشمیتیک و روهوراتیر و زاویه شمالی حصار دوم فراهم شده است.
ابعاد: ۳۶/۵ × ۳۷ × ۹/۵ سانتیمتر؛ ۳۸ × ۱۶ × ۹ سانتیمتر.



1. ú ᵐUn-taš-ᵍGAL ša-ak ᵐᵈHu-um-ban-nu-me-na-gi
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an
3. li-ik-ri-in ku-ši-ih ᵍIn-šu-uš-na-ak



4. un du-ni-ih hu-sa a ša-ar-ra-na

5. a-ha-ar ka-šu-uš-an si-ti i a-ha-ar

6. ip-uk-ka-an hu-pi-e a-ha-ar hu-ut-ta-an

تنوع:

5. a-ha-ar / a-ha.

6. a-ha-ar / a-ha.

«امن اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، معبدی *likrin* ساخت؛ آن را به خدای اینشوشیناک هدیه کردم. با بریدن چوب (جنگل) در آنجا، آن را مرتب و آماده کردم، با شن و آجار من...؛ این همه کار را در آنجا کردم.»

۳ - *likrin*.

نام جدید معبد. حضور *-r* در ریشه، مقایسه و سنجش با پایه *luk* را مبهم و مشکوک می‌کند، که به احتمال خیلی زیاد نشانگر آتش است (*betip luk limmašpi*... *Mém.*, 11, 92, Face, col. 2:65, 88). همین مشکل برای گروهائی وجود دارد که دارای پایه *lik* (شاید مشابه *luk*) هستند: *likume*, *ligame*, *likkime*, *liku*. شاهی با آن برخورد می‌کنیم (مراجعه شود به *sunkip likup urpupa* در *Mém.*, 3, 48:14-15 و *menku likki Hatamtik* در *Mém.*, 5, 84:3؛ *Hubanim-mena. gikki likume rišaqqa* در همان مأخذ قبلی، 2؛ و غیره).

۴ - *husa*.

برای این کلمه معنی «چوب» را حفظ می‌کنیم (مراجعه شود به متن ایلامی شماره ۱). به نظر می‌رسد که مجموعه متن اشاره به مواد و مصالح گوناگون ساختمانی کرده است.

šarrana، نام مشتق از فعل، از *šara* به معنی «قطع کردن». این پذیرش بنیادی که توسط HALLOCK در مقاله‌ای

متأخر تصریح شده است (JNES, 24 (1965, pp. 271-273) انطباقهای متعدد این فعل را در ایلامی - هخامنشی در نظر می‌گیرد. در ایلام میانه، شکل‌های *ša-ri-ih*، *ša-ar-rih*، *šar-ra-ah* بدون تفاوت با معنی «تراش دادن، کنده کاری کردن، قلمزنی کردن» بکار رفته‌اند (Mém., 3, 55, Champ I, 1:5)؛ همان مأخذ، recto: 24، 54, col. 2:8؛ 3، 13: 4؛ 5، 75: 10؛ و غیره). بدون تردید، همین معنی یکی از بیانهائی است که باید در اینجا مورد نظر قرار گیرد.

۵ - *ka-šu-uš-an*

اولین تأییدیه‌ای است از یک پایه *kaš-* که حرف صامت دوم آن تکرار شده است. در گِل نوشته‌ها و کتیبه‌های ایلامی شوش دو شکل مجاور *ka-iz-za-ak*، *kaz-za-ak* (Mém., 9, 22:3؛ 80:5؛ 102:6) و *kas-su-na* (همان مأخذ، 28:11؛ 103:1؛ 29) عمل انجام شده بر روی مواد خام مثل پشم، چوب، فلز را نشان می‌دهند. این کلمه به نظر SCHEIL دارای معنی «تراشیدن، از بیخ بریدن» را می‌دهد (Mém., 9, p. 221) و از نظر HINZ (معنی کوبیدن، آهنگری کردن) (ZDMG, 1961, p. 249).

۶ - *si-ti i a-ha-ar ip-ukka-an*

این عضو جمله باید توصیف کننده یک عمل مادی باشد که موازی با اولی و مکمل آن است زیرا عبارت انتهائی *huttan* فکر ساختن و درست کردن را القاء می‌کند. ما بیش از *si-ti* به معنی «سلامتی، خوب بودن» به کلمه *si-ti* از DSf:23 دل می‌بندیم که به نظر می‌رسد به بهترین وجهی به کلمه آکدی *hussu* NA₄ به معنی «شن»، و در فارسی قدیم *Oika* (مقایسه شود با Mém., 24, p. 109 و 111, n. 22-23) مربوط می‌گردد. *ipukkan* : *hapax*؛ مقایسه شود با *ibbax.ra* در DB63:80.

۶ - *hupie ahar huttan*

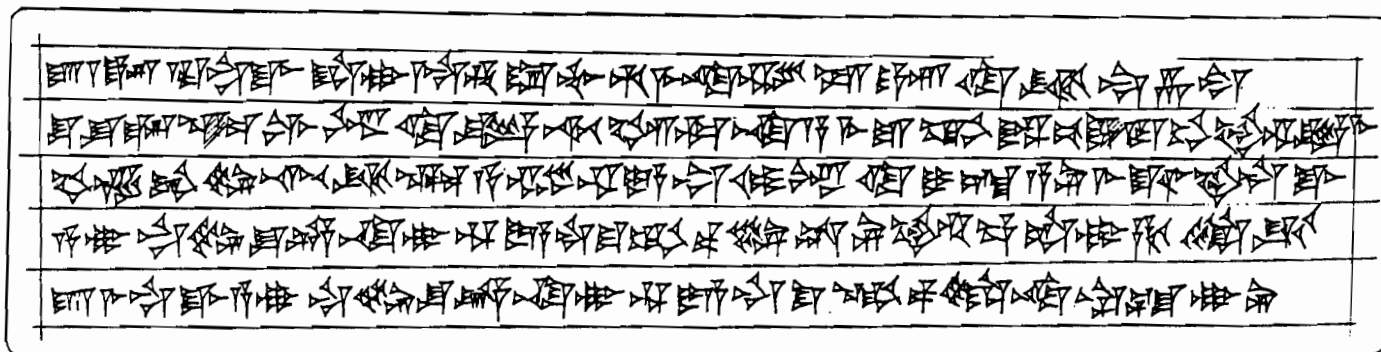
hupie ضمیر اشاره، سوم شخص جمع (مراجعه شود به HALLOCK, JNES, 21 (1962), p. 55)، با دو عملی منطبق می‌شود که به دنبال هم انجام می‌گیرند.

۳۵ (لوح پانزدهم، شماره ۱)

(= Mém., 3, 16 (Suse))

یکی از سه آجری که این کتیبه را در چغازنبیل معرفی می‌کند، کتیبه‌ای که در شوش شناخته شده بود، بطور مجزا و منزوی در نمایه یکی از بخشهای دیوار، کاملاً پائین در سطحی پیدا شد که خط شمالی حصار سوم به صورت گازانبری به طرف آن پیش می‌آید. دو آجر دیگر به ترتیب از کفسازی یک نیایشگاه کوچک پی‌نیکی و از محراب خدایان IM و شالا گردآوری شدند.

ابعاد: ۳۵×۳۵×۹/۵ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak m^dHu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka pi-el ki-it-ti-im-ma na-a-me-lu-uk-ra tu₄-ur hi-ih si-it-me
3. hi-en-ga in-ti-ik-ka a-gi si-ia-an mi-el-ki i-la-a-ni-me ku-ši-ih ^dGAL
4. a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa in du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik
5. ú-me ^dGAL a-ak ^dIn-šu-uš-na-ak si-ia-an ku-uk-pa li-na te-la-ak-ni

Var.

تنوع

3. i-la-a-ni-me / i-la-ni-me.

«امن اونتاش-گال...»

2...موجودیتی طولانی در طول سالها و روزها به دست آوردم،³ دارای سلامتی بودم، به همین دلیل معبد «شاه خدایان» را ساختم؛ آن را به خدایان گال⁴ و اینشوشیناک (اریاب) مکان-مقدس هدیه کردم...

3 - melki ilâni.me

تداخل جدید آکدی. تلفظ حروف مصوته آن خیلی نزدیک به *milku* به معنی «اندرز، شورا» است، ولی در این جا قطعاً *malku* به معنی «شاهزاده، شاه» است که وارد زبان ایلامی شده که در آنجا آن را می بینیم که به صورت *me-el-ku* نوشته می شود (Mem., 3, 52:9; 53:10; 5, 78:40; 11, 92, Face, col. 1:17; 95:9; 96:9).

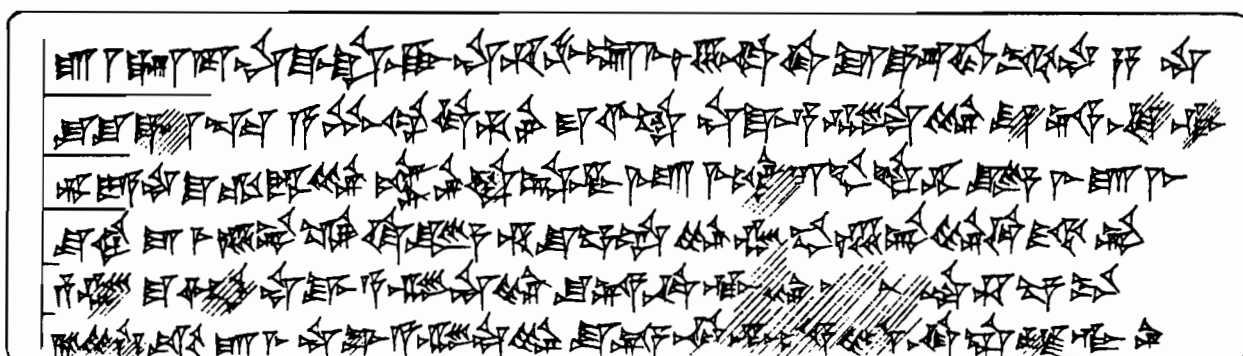
۳۶ (لوح پانزدهم، شماره ۲)

(=Mém., 32, n. IV, 1)

متون ۳۶ و ۳۷ حالت ساختن یک «دروازه بزرگ» یا «دروازه شهر» (*abullu*)، مشهور به «کوره یا تنور»، و وقف شده به خدایان گال و اینشوشیناک را نمایش می دهند. همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم، فقط خط شمال شرقی دیوار خارجی است که خارج از ورودی بزرگ زاویه شرقی، می توان در آنجا دروازه ای را بنا نهاد که راه به شهر داشته باشد. قسمت میانی آن توسط مسیله ها واژگون شده است، ولی حفاریها توانستند نشان دهند که قسمتهائی از حصار به داخل خم می شود و در جهت دشت، جائی که آب در آن جاری است، یک محوطه عمیق را تشکیل می دهد. در این بخش است که، در طرفی که گل، آب و سوختنی ضروری در آنجا دیده می شد، می توان، با پاره ای ظواهر حقیقی و احتمالات، هم وجود یک کوره و هم وجود یک دروازه را فرض کرد. بر اساس مکان پیدا شدن آجرها به دست آوردن کمترین نشانه درباره این استقرار غیر ممکن است، ۱۶ نمونه پراکنده به دست آمد (۸ نمونه از نوع کتیبه ایلامی شماره ۳۶ و ۸ نمونه از نوع کتیبه ایلامی شماره ۳۷).

متن منتشر شده در اینجا، از مخزنهای و انبارهای شوش به دست آمده است (حفاریهای دو ممکن)؛ مکعبی است که دو وجه آن دارای کتیبه است.

ابعاد : ۳۳/۵×۳۴×۹ سانتیمتر.



1. ú ᵐUn-taš-ᵈGAL ša-ak ᵈHu-ban-um-me-en-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka a-bu-ul ki-nu-ni ku-ši-ih ᵈGAL a-gi ᵈIn-šu-uš-na-ak
3. si-ia-an ku-uk-ra in tu⁴-ni-ih ta-ak-me ú-me tu⁴-ur hi-ih si-it-me ú-me
4. šu-ul-lu-me-en-ga ak-ki-it hu-šu-ut-ta in-gi hi-en-ga in-di-ig-ga
5. a-gi ku-ši-ih ᵈGAL a-gi ᵈIn-šu-uš-na-aki[n tu⁴-n]i-ih hu-ut-tak
6. ha-li-ik ú-me ᵈGAL a-gi ᵈIn-šu-uš-na-ak il-li-na te-la-ak-ni

۱ من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان^۲ شوش، «دروازه بزرگ کوره» را ساختم؛ آن را به خدای گال و به خدای اینشوشیناک^۳ (رب) مکان-مقدس هدیه کردم. یک زدگی طولانی به دست آوردم، سلامتی ام دارای پیشرفت است.

..... برای همین است که ساختم؛ آن را به خدایان گال و اینشوشیناک اهدا کردم. باشد که کارها و اعمال من به عنوان نذورات مورد قبول خدایان گال و اینشوشیناک قرار گیرد!

۲ - *abul k/ginuni*,

از کلمه *kinûnu* به معنی «کوره».

۴ - *hu-šu-ut-ta*

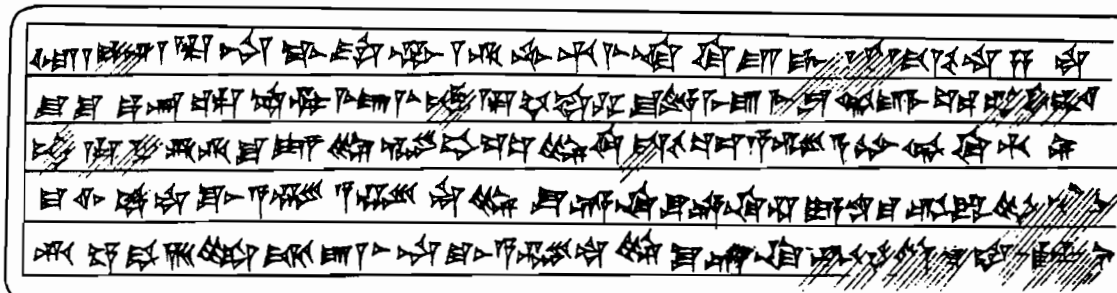
مراجعه شود به کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل شماره ۴-۳:۱.

hušutta معادل *hušuya* که در همه جای وجود دارد، یادآور شکل گیری *mušitta* (کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل شماره ۳:۵۳؛ الف ۳:۵۴) است؛ در آنجا شکل اسمی را با یک پسوند تعمیم دهنده *-ta* را ملاحظه می‌کنیم که کاربری آن را برای ایلامی - هخامنشی H. H. PAPER تعیین کرده است.

۳۷ (لوح پانزدهم، شماره ۳)

(= *mém.*, 32, n. IV, 2)

مراجعه شود به کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل شمار ۳۶. این کتیبه فقط تنوعی از فرمولهای شناخته شده متن قبلی با خطاهای فاحش خطاطی در خط ۴ است. بنابراین همین ساختار می‌توانسته شامل آجرهایی باشد که محتوای آنها مطلقاً مشابه نبوده‌اند. نمونه از انبارهای شوش به دست آمده است (حفاریهای دومکنم).
ابعاد: ۵.۳۲×۳۲×۷ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL ša-ak mHu-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-ka az-ki-it
3. tu₄-ur sah-ri hu-šu-ia in-gi hi-ka in-di-ik-ka a-gi a-bu-ul ki-nu-ni

4. ku-ši-ih ^dGAL a-gi a-gi ^dIn-šu-uš-na-šu-uš-na si-ia-an ku-uk-ra in tu₄-ni-[ih]
 5. hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^dGAL a-gi ^dIn-šu-uš-na-ak ul-lil[na] te-la-ak-ni

تنوع:

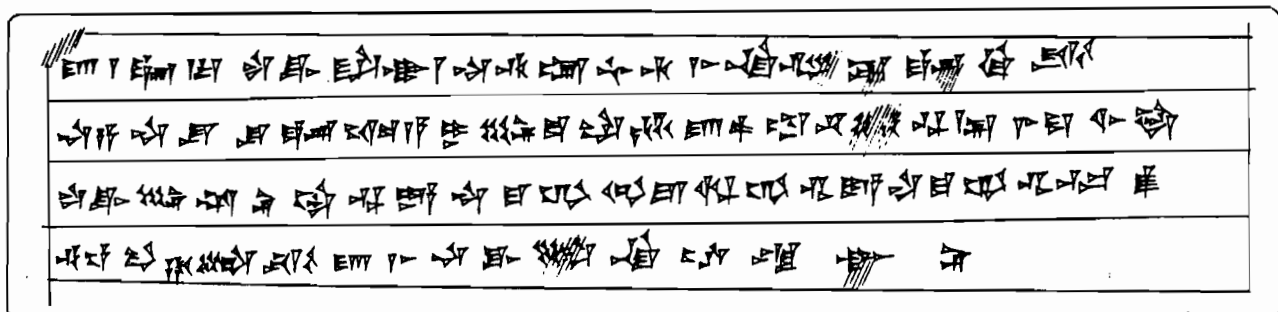
1. [⌘]Hu-ban-nu-me-na-ki / Hu-ban-nu-me-na-ki (2 fois)
2. šu-ul-lu-me-ka / šu-ul-lu-me-en-ga
3. hi-ka / hi-en-ga
 in-di-ik-ka / in-di-ig-ga
 ki-nu-ni / gi-nu-ni
4. a-gi a-gi (ditt.) / a-gi
 In-šu-uš-na-šu-uš-na (!) / In-šu-uš-na-ak
 tu₄-ni-ih / du-ni-ih

۳۸ (لوح پانزدهم، شماره ۴)

(= *Mém.*, 3, 15, (Suse); 32, n. XXI)

از بنائی که *ain kulen* نامیده می شود ۱۶ عدد آجر به دست ما رسید. از «ذخیره» ۱۰ نمونه کاملاً سالم به دست آمد. تعدادی مکعب وجود دارد که متن در دو وجه آنها و نیمه آجرهائی که متن در یک یا دو وجه آنها تکرار شده است. بر اساس مکانهای یافته شده سایر قطعات، به هیچ نوع نشانه ای از محل آنها نمی توان رسید و کاملاً مشخص است که اینها مجدداً غیر از جای اصلی خود در جای دیگری بکار رفته اند.

ابعاد: ۳۶/۵×۳۸/۵×۹ سانتیمتر؛ ۳۶×۳۶×۸/۵ سانتیمتر؛ ۱۶/۵×۱۰ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^aHu-um-ban-nu-me-na-gi su-un-ki-ik
2. An-za-an Šu-šu-un-ka a-i-in ku-te-en ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-h
3. ^aGAL in du-ni-ih si-ia-an ku-uk ul-lu-ru-uk si-ia-an ku-uk si-ma-áš
4. hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aGAL li-na te-la-ak-ni

تنوع:

۳ - (فقط یک بار آمده است) *ul-lu-ru-uk / lu-ru-uk*

مقایسه شود با 4-3:15, Mem., 3 که در آن چنین آمده است *si-ia-an ku-uk-ra si-ma-áš*. در تمام شواهدی که ما داریم چنین آمده است *si-ia-an ku-uk si-ma-áš*.

«^۱ من اونتا-ش-گال ...»

«^۲ یک خانه عدالت»، با سقفهای هلالی آجری ساختم. آن را ^۴ به خدای گال هدیه کردم: مکان-مقدس داشته است ...، مکان-مقدس ...، باشد که اعمال و کارهای من به عنوان نذر مورد قبول خدای گال قرار گیرد.»

a-i-in - ۲

این عبارت در اینجا نشانگر بنائی است که می توان آن را به کمک آجر ساخت؛ عبارت است از ساخت و سازی با ویژگی مقدس که در 3:2 col 54, Mem., 3 (به صورت جمع: *a-ani-ip*) آمده است، زیرا در آنجا اثایه ای را مستقر کرد که در جای دیگر در معابد پیدا می شود (مقایسه شود با 55, 3, Mem., به همین معنا در 29:1 Face, col. 11, 92, Mem., معادل با *hiyan*)^(۱). معنی مشتق شده «خانه، خانواده، تبار» برای *a-a-n[i-i]p ú-b* از 5:98, 11, Mem., توسط SCHEIL و از 3:63, 3, Mem., توسط HINZ انطباق داده شده است (مقایسه شود با 107, Hanne.).

ku-te-en: شاید مشابه با عبارت *ki-tin*, *ki-te-en* مربوط به المیر *Mālāmir* باشد (3:63, 5, 7, Mem.). به این ترتیب است که HINZ ترجمه «Schirm, Schutz (magischer) Bann» را پیشنهاد می کند (294, p. 18, AN. Or.); متأخرتر از آن 106, p. Hanne., با مأخذی دارای کتیبه ای که به «*Daiwa*» ها مشهور است، 31: XPh)^(۲). هیولای مذهبی که یاد آور این مفهوم *kidin*، باطناً ایلامی، است، امکان می دهد که آن را بطور مبهم بر اساس متون تابلتها و کتیبه های قضائی شوش^(۳) ببینیم. عبارت است از یک مکان «مقایسه شود با 1, 5:390, 24, Mem.»، ساخته شده یا ساخته نشده، که داوری

۱- SCHEIL در متنی که ساختمانهای گوناگونی را سیاهه می کند به *ha-a-in* از *a-i-in* نزدیک می شود: 11, Mem., گل نوشته یا کتیبه شماره 6, 7: 300.

۲- مراجعه شود به 476, p. 1959, G. G. CAMERON, *Well des Orients*.

۳- مقایسه شود با W. F. LEEMAN, *Symbolae J. Ch. van Oven* (1946), p. 366 ss

۳- مقایسه شود با

در آن انجام می‌شده است (Mém., 24, 391:4, 21 ss.)؛ یک علامت، یک نماد مادی قدرت خدائی کسی داده می‌شد که دارای نوعی مصونیت، یک حق است و حمایت مقدس بوده است (Mém., 22, 9:10). در شوش یک *kidkn* مربوط به اینشوشیناک (Mém., 22, 9:10) و یک *kidin* مربوط به شیموت (Mém., 24, 390) وجود داشته است و در چغازنبیل برای خدای گال که بزرگ و قطب بوده است.

۳ - Ulluruk

وجود یک عنصر *ullu/i-* در ایلامی - هخامنشی امکان می‌دهد که فرض کنیم ترکیب *ullu+ru-* وجود دارد. موصوف *ullu* در تابلت های اداری شوش (Mém., 9, 101, rev.: 7; 126 rev.:1; 150:2; 150:4) که توسط SCHEIL به «پارچه، پوشاک» و توسط J. B. YOUSIFOV (Vestink, 156: 4) به «زنجیر، گردن آویز» ترجمه شده، برای نزدیک شدن به اسم فاعلها یا اسم مفعولهای *ul-la-ka* (همان مأخذ 3: 65: 6-7; 100, rev.)، *ul-li-ra* (PF. 786: 6)، طبق گفته: (HALLOCK, Studies, p. 123) است؛ به معنی «تحويل دادن، حمل کردن» نیز به *ul-la-ma-na* (FORT, 10263) مقایسه شود با 15 p. 18, JNES, HALLOCK) مراجعه شود. ولی ویژگی مسئله ساز یک پایه *ru-* به هیچ وجه امکان پیش بردن کمترین فرضیه را نمی‌دهد.

simas: به احتمال خیلی زیاد یک شکل فعلی از باب اول صرف افعال در سوم شخص مفرد است. یک ریشه *-sima* در ترکیب با فعل *ta-* دیده می‌شود: *i si-ma-ta-ah* (Mém., 3, 24:7; 28:4)، گروهی که شل آن را «وقف کردم، اختصاص دادم» ترجمه کرده است^(۱). در مال میر پیوستگی *si-ma-ki-te-nu-uh* را می‌یابیم (Mém., 3, 64:5)؛ خط پنجم از 112 p. HINZ, Hanne). معنی مکانی «در پیش، در جلو»، که توسط (A. POEBEL (AISL, 49 (1932), p. 134, 135) و W. HINZ (ZANF, 24, p. 89) و LAMBERT (RA, 49 (1955) p. 43) با اصرار خیلی زیاد درخواست شده و (Mém., 3, 24:7; 5, 67, col. II: 2) را پذیرفته اند می‌تواند متناسب با عباراتی باشد که در آنها موضوع ستونهای یاد بود (Mém., 3, 24:7; 5, 67, col. II: 2) یا مجسمه‌ها (خطوط ۱۲-۱۳ همان مأخذ قبلی: 6, p. 12; 3, 30:15; 3, 28:4)، چوب (؟) گرانبها (همان مأخذ 5, 69:15) مطرح است. فرمول «قرار داده در جلوی (خدا)، وقتی که صحبت ساخت و سازهای آجری است (همان، 3, 28:4; 31:4; 48:14)، کمتر با موضوع مطابقت دارد. از طرف دیگر: در حالت فعلی، موضوع *simas* برای تعریف و تعیین وضعیت خوبی ندارد و چندان راحت نیست.

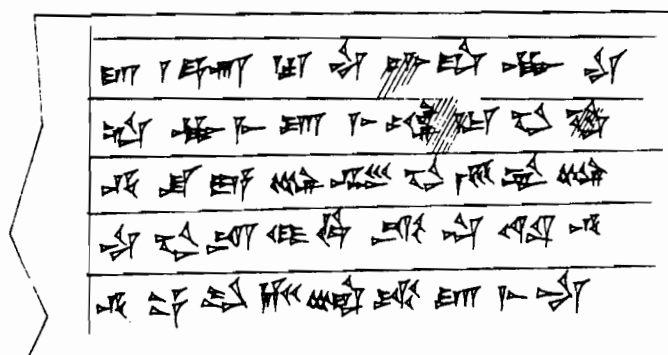
P. KOSCHAKER, MV AG, 24, (1921), p. 74; W. VON SODEN, AHW, s. v. *kidi/ennu(m)*, *kidinu*.

۱- آیا با ارجاع ضمنی به *SÎM/SUM* سومری (= *nandânu* آکدی)؟ به نظر ما چنین می‌رسد که نزدیک شدت به آن از طریق کلمه ایلامی *su-um-mu* قابل قبول تر است. (Mém., 5, 78:39) و غیره.

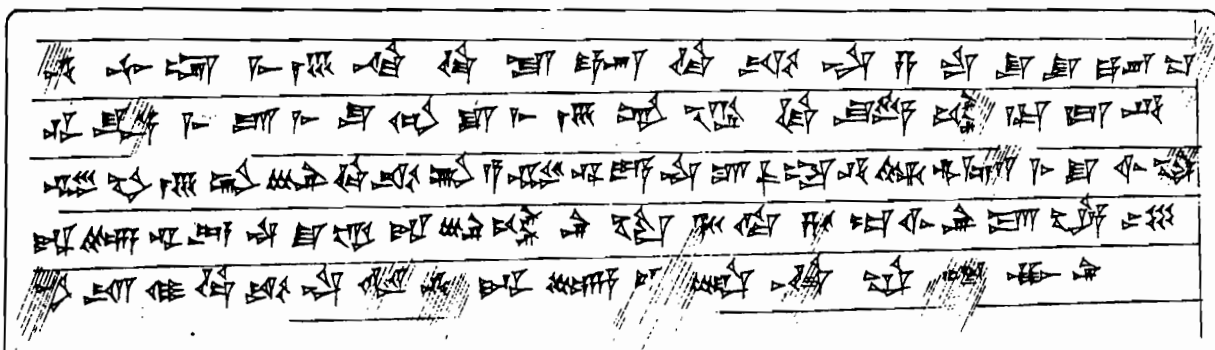
۳۹ (لوح شانزدهم، شماره‌های ۱-۲)

(= Mém., 32, n. XXII, قطعات 1-2)

۵ آجر از یک نذرو وقف جدید به خدایان هیشمیتیک و روهوراتیر؛ هیچ کدام از آنها از محل‌های معبدی جمع نشده‌اند که توسط کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل شماره‌های ۱۹ و ۲۰ شناسائی شده‌اند. بر اساس این چند تا آجر که بطور اتفاقی در مصرف مجدد برابر هستند، فرض موجودیت بنای دیگری برای این خدایان دشوار است و اندیشیدن به این موضوع که آنها مربوط به همان گروه بناهایی هستند که در کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل ۱۹ و ۲۰ آمده‌اند، به حقیقت نزدیکتر است. متون ۶ خطی روی یک وجه یا ۵ خطی در روی دو وجه؛ مکعبی به ابعاد ۳۴×۳۴×۹ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak ^a
2. ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih
3. hu-šu-ia in-gi hi-en-ga in-
4. ^aHi-iš-mi-di-ik ^aRu-hu-
5. hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^a



1. Hu-ban-nu-me-en-na-ki su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-k[a]
2. si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-en-ga az-ki-it tu₄-ur sah-ri
3. gi hi-en-ga in-di-ig-ga a-gi si-ia-an ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih
4. ra-tir si-ia-an ku-uk-ra in tu₄-ni-ih ha-di<-en> ha-ap-ši-ir su-kar-táh
5. Hi-iš-mi-di-ik *Ru-hu-ra-tir i[l]-li-na te-la-ak-ni

تنوع:

۳ - *ingi heinga* که دوبار آمده است؛ تکرار سهوی و مساعد آنها در عبارت وجه دوم.

hi-en-ga / hi-en-ka

in-di-ig-ga / in-di-ik-ka

tu₄-ni-ih / du-ni-ih - ۴

ha-di که اشتباه حکاک است؛ در همه جا *ha-di-en* است.

su-kar-táh / su-uk-?..

۵ - *il-li-na / ul-li-na* یک بار آمده است).

ترجمه: به استثنای گروه *ha-ap-ši-ir* از خط ۴، تمام این فرمولها در کتیبه ایلامی در چغازنبیل ۱ دیده می شود.

۴ - اگر این کتیبه کاملاً متعلق به معبد هیشمیتیک و روهوراتیر است که حفاری آن را در بخش شمال شرقی صحن های بزرگ آزاد کرده است، سعی خواهد شد که در آنجا اشاراتی را جستجو کنیم که بیانگر استقرارهای آئینی پیدا شده مثل محراب ها، حوضچه ها، راه آبها... هستند. متأسفانه نمی توانیم هیچ نوع توضیحی عقلانی و منطقی برای عباراتی پیشنهاد کنیم که تشکیل دهنده گروه *ha-di-en ha-ap-ši-ir su-kar-táh* هستند. از مقایسه های ممکن هیچ نوع توجه به یک نقطه استنباط نمی شود.

ha-di-en: شکل مشابه آن *ha-te-en* در تابلت های شوش است (Mém., 9, 96, rev.:9; 107:3). در آخر مراجعه شود به HINZ (ZANF, 24, p. 71-2) با ارجائی که به یک تابلت تخت جمشید داده است (Fort. 2509:5)؛ معنی پیشنهادی وی برای *ha-te/in* چنین است: «Haut, Balg, Schlauch». این معنی می تواند به طرف معنی «ظرف، حوضچه» هدایت نماید که در اینجا مطابقت دارد^(۱).

ha-ap-si-ir: در ایلام میانه یک پایه *šap*- دارای معنی احتمالی «شنیدن» در جمله هائی از نوع: *kullak ume hapti*,

۱ - گواهی کلمه *hate/in* در ایلام میانه، با اقتباس از کلمه فارسی قدیم **adaina*، دلیلی برای مستثنی کردن بیشتر آن است این همان کاری است که J.B.YOUSIFOV انجام داده است (Vestnik..., 85 (1963), p. 244)، همچنین مقایسه شود با HINZm l.c., p.

به معنی «به دعا و نماز من گوش ده» است (Mém., 3, 54, col. 3:7 و غیره). در ایلامی - هخامنشی معمولاً *hapi-* را به فعل «مجازات کردن، تنبیه کردن» ترجمه کرده‌اند (DB 8:18; 55:65; 63:82)^(۱). عبارت است از اشیاء ناشناخته، شاید ساخته شده از جنس چوب، که در مأخذ 2, 5: Mém., 9, 139 rev. آمده است: *ha-ap hu-sa ma-du-ak-ka...* کلمه ایلامی *ši-ir* (که معادل *ši-ir* است: مقایسه شود با کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل شماره ۲: ۱۸)، می‌تواند از *ha-ap* جدا شده باشد، ولی این حدس و احتمال دیگر برای پاره‌ای روشن‌گرها خیلی دور است.

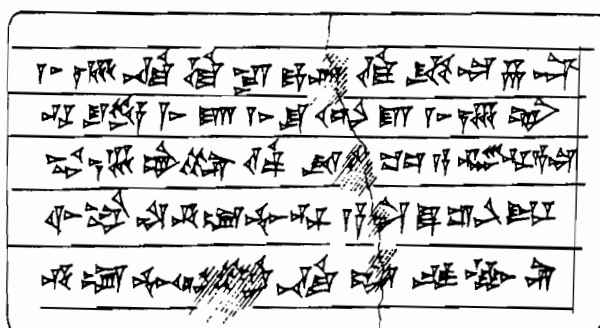
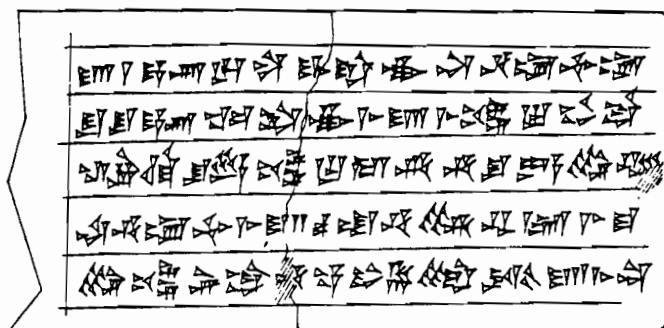
sukartah: فعلی ترکیبی مرکب از *sukar+ta-* است. به نظر می‌رسد که *sukar* هیچ نوع رابطه‌ای با پایه *suk-* به معنی «منهدم کردن، پاک کردن»، که قبلاً با آن برخوردیم (کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل، شماره ۲: ۷) و در جای دیگری نیز پیدا نمی‌شود، نداشته باشد. بنابر این معنی ترکیبی آن به صورت نامعین باقی می‌ماند.

۴۰ (لوح شانزدهم، شماره ۳)

از ۴ عدد آجر به دست آمده که اشاره‌ای به یک معبد خدای هوبان یا هومبان (Hu(m)ban) داشتند، سه عدد آنها مربوط به «ذخیره» می‌شدند؛ چهارمین آجر در دوباره سازی و مرمت بخشی از زیگورات نزدیک به زاویه غربی دوباره بکار رفته بود.

درباره مسئله شناسائی هومبان یا هوبان با خدای گال، که به نظر ما هنوز هم این مسئله به صورت معلق باقی مانده است، مراجعه شود به بحث‌هایی که قبلاً در مورد کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل، شماره ۹ به عمل آمد.

کتیبه‌ها در روی مکعبهای $34 \times 34 \times 9$ سانتیمتر؛ نیمه آجر $34 \times 17 \times 8/5$ سانتیمتر و یک چهارم آجرهای $16/5 \times 16/5 \times 8$ سانتیمتر حکاکی شده‌اند.



- | | |
|---|---|
| 1. ú mUn-taš- ^a GAL ša-ak ^a Hu-um-ban-um- | me-en-na-ki su-un-ki-ik An-za-an |
| 2. Šu-šu-un-ka ta-ak-me ú-me tu ₄ -ur hi-ih | si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-en-ga |
| 3. az-ki-it tu ₄ -ur sah-ri hu-šu-ia in-gi | hi-en-ga in-di-ik-ka a-gi si-a-an |
| 4. ^a Hu-um-ban-me ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku- | ši-ih ^a Hu-um-ban si-a-an ku-uk-ra |
| 5. in tu ₄ -ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^a | Hu-um-ban ul-li-na te-la-ak-ni |

تنوع:

2. šu-ul-lu-me-en-ga / šu-ul-lu-me-ga / šu-ul-lu-me-ka.
3. in-di-ig-ga / in-di-ik-ka.
si-a-an / si-ia-an.
4. ^aHu-um-ban / ^aHu-ban.
5. ul-li-na / il-li-na.
te-la-ak-ni / te-la-ak (1 fois).

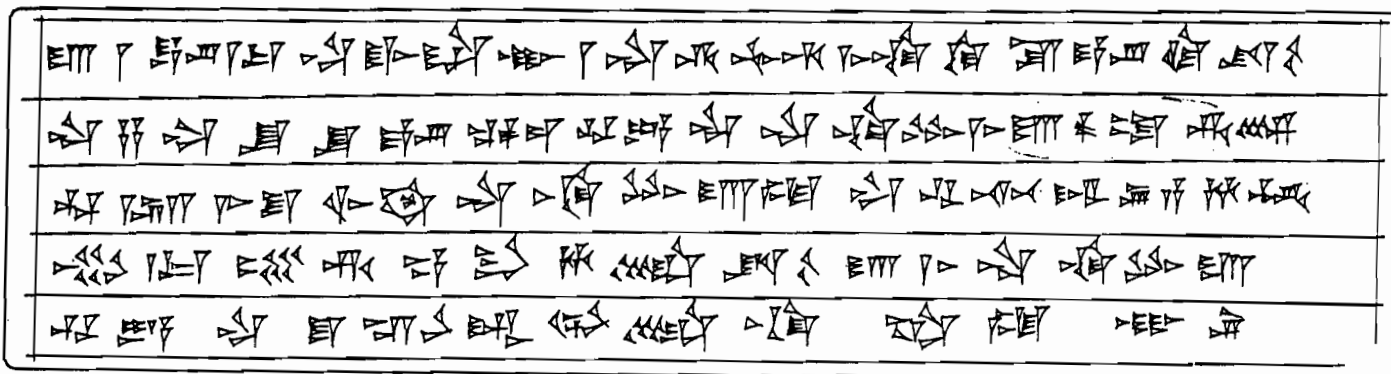
ترجمه آن همان عناصر ترجمه کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل شماره ۱ است.

۴۱ (لوح شانزدهم، شماره ۴)
(Mém., 3, 7 (Suse); 32, n. XIV)

علیرغم تعداد قابل توجه آجرهای گردآوری شده، محل استقرار معبد نابو Nabû به صورت سؤال باقی مانده است. از ۱۴۱ نمونه، ۸۵ عدد از آنها کنار هم در «مخزن» چیده شده بودند. این جزییات نشان می‌دهد که بنا با دقت زیادی پیاده شده است. از طرف دیگر، از بین ۵۶ آجر باقی مانده، ۳۲ آجر آن از صحن جنوب شرقی زیگورات و تقریباً از قسمت جنوبی به دست آمده‌اند. بنابر این می‌توان بطور عقلانی فرض کرد که نیایشگاه خدا در همسایگی برپا بوده است. فراوانی کتیبه‌ها ابزاری به نفع یک بنای مستقل و آزاد است و در این مورد شاید بتوان هویت آن را با این «معبد چهارگوشه جنوبی» که در ورودی «دروازه شاهی» قرار گرفته و کاملاً تراشیده شده و از بین رفته است، تشخیص داد. می‌دانیم که نابو Nabû در بابل، در É-sag-íl، نزدیک به نیایشگاه پدرش مردوک، که زیگورات وقف او بوده، دارای نیایشگاه کوچکی بوده است. ذکر این قضیه جالب توجه است که آئین نابو فقط در عصر اونتاش-گال مورد تأیید قرار گرفته است^(۱). مستور کردن آئین او در زمان

۱- متونی که ذکری از نابو/نابیوم در دوره‌هایی می‌کنند که قبل از اونتاش-گال بوده (مراجعه شود به کتیبه چغازنبیل شماره ۴۲) به زبان آکدی بوده و فقط نامهای خاص خدایان هستند. آثار مهرهای نقش بسته در روی گل‌نوشته‌های شوش، به تاریخ ابتدای دوره هخامنشی و دارای اسامی

سلسله‌های بعدی بیانگر تخریب عظمت و شکوه معبد او در چغازنبیل است.
ابعاد: ۴۰×۱۶/۵×۹/۵ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^aHu-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik
2. An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an ^aNa-bu-me ú-pa-at hu-us-
3. si-ip-me ku-ši-ih ^aNa-bu-ú la-an-si-ti-ra ir a^aha-ar
4. mu-ur-tah hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aNa-bu-ú
5. si-ia-an ku-uk-ra ul-li-na te-la-ak-ni

تنوع:

۲ - یک بار از قلم افتاده است / ^aNa-bu-me / ^aNa-bu-ú-me / ^aNabu-ú

۳ - یک بار از قلم افتاده است: a-ha-ar

در مورد ترجمه مراجعه شود به کتیبه‌های ایلامی چغازنبیل شماره ۱۰.

۴۲ (لوح هفدهم، شماره ۱)

۶ آجر است که دو عدد از آنها از صحن زیگورات در نزدیکی زاویه جنوبی به دست آمده‌اند.

املاء Nabium برای Nabû در ایلام و بین‌النهرین بسیار قدیمی است که در آنجا در طول اولین سلسله بابلی متداول بوده و در عصر بابل جدید نیز دوباره ظاهر می‌گردد^(۱). همزیستی هر دو نوع املاء الزاماً مستلزم فرضیه ساخته شدن یک معبد

مردوک و نابو (Mém. 9, 90; 107; 124; 134) شاهی بر استفاده از مهرهای تخت بابلی قدیمی تری هستند. موضوع مهر شماره ۱۳۴ و شکل نشانه‌های KAR, ZI به دوره بابل جدید تعلق دارند.

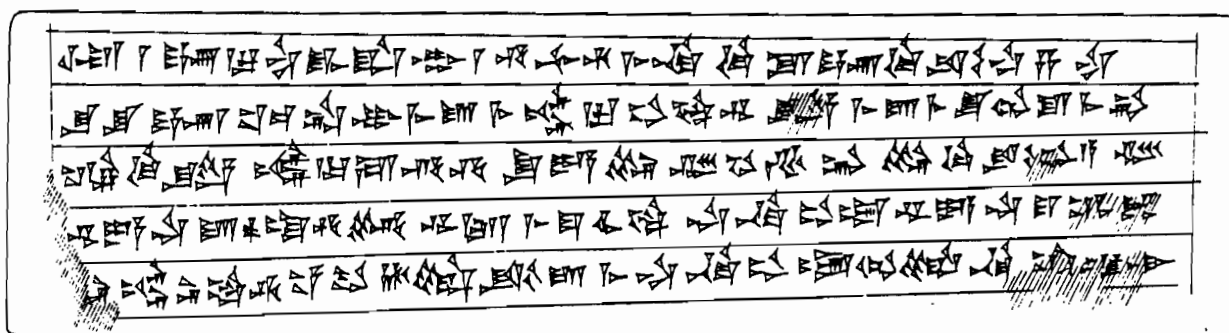
۱- در مدارک عصر آکده-اور سوم Agadé-Ur III این کلمه Nabium ذکر شده است:

Mém., 14, p. 63, no. 2, col. 3: 8; p. 67, no. 6, rev. col. 2: 1.

در روی Sukkalmah ها، 2: rev. 220, Mém., 23.

زیرین بعدی با یک کتیبه جدید نیست^(۱). می توان متذکر شد که دو متن همانند یکدیگر نیستند؛ یک معبدگاهی مواقع شامل انواع متعدد وقف و تقدیمی هستند - در این مورد می توان از بین کتیبه ها به کتیبه های ایلامی چغازنبیل شماره های ۴۳ و ۴۴ مراجعه کرد. تنوع خط می تواند اثر گروه های حکاکان متفاوت باشد: به این ترتیب است که هم هو بان Huban و هم هومبان Humban را داریم.

ابعاد: ۳۵×۳۵×۸/۵ سانتیمتر؛ ۱۶×۱۶×۸/۵ سانتیمتر.



1. ù ᵐUn-taš-ᵐGAL ša-ak ᵐHu-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-su-un-ka ta-ak-me ú-me tu₄-ur hi-ih si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-ga
3. az-ki-it tu₄-ur sah-ri hu-šu-ia in-gi hi-en-ga in-di-ig-ga a-gi
4. si-ia-an ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ᵐNa-bi-um si-ia-an ku-uk-ra
5. [i]n tu₄-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ᵐNa-bi-um ul-li-na te-la-ak

تنوع

Hu-ban-nu-me-na-ki / Hu-ba-nu-me-na-ki - ۱

in-di-ig-ga / in-di-ik-ka - ۳

۵ - *te-la-ak*: دو نمونه که در روی آنها کلمه قابل خواندن است، پایانه *-ni* را ندارند.

در مورد ترجمه: همان عناصر ترجمه در کتیبه های ایلامی چغازنبیل شماره ۱.

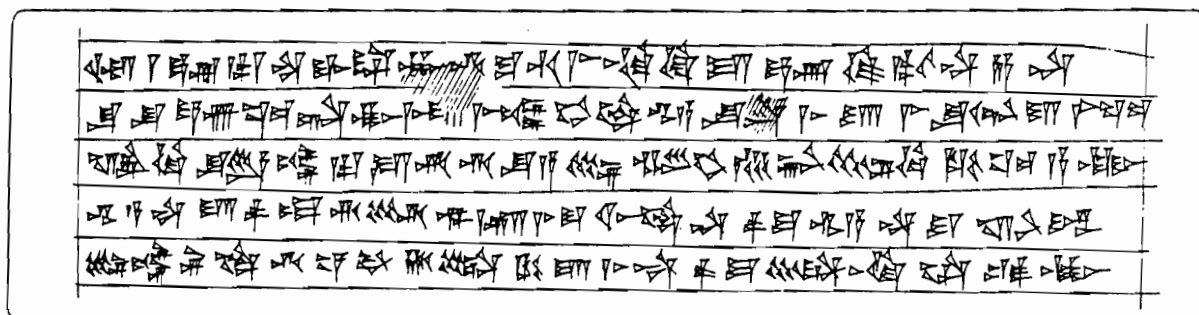
۴۳ (لوح هفدهم، شماره ۲)

(=Mém., 32, no. XIX?)

متن متداول یک وقفنامه به خدای نوسکو. ۱۵ نمونه پراکنده که ۶ نمونه آنها از بازیهای معبد خدایان ناپراتپها به

دست آمده‌اند (مراجعه شود به کتیبه ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۳).

ابعاد: ۳۵×۳۳×۸/۵ سانتیمتر؛ ۱۶/۵×۱۸×۹ سانتیمتر.



1. ù mUn-taš-^aGAL ša-ak Hu-ba-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka ta-ak-me ú-me tu₄ <-ur> hi-ih si-a(!)-it-me ú-me šu-ul-lu-me-ka
3. az-ki-it tu₄-ur sah-ri hu-šu-a in-gi hi-en-ga in-di-ik-ka a-gi
4. si-a-an ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ^aNusku (PA.TÚG) si-a-an ku-uk-ra
5. in tu₄-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aNusku PA.TÚG) li-na te-la-ak

تنوع

۱ - *Hu-ba-nu-me-na-ki*: همچنین با *-ba-* نیز نوشته شده است، ۴ مرتبه.
 ۲ - *tu⁴-ur*، در همه جا؛ اشتباه دیگر حکاک نوشتن *si-a-il-me*، به جای *si-il-me* در همه جای دیگر است.

š-ul-lu-me-ka / *šu-ul-lu-me-ga*

li-na / *ul-li-na* - ۵

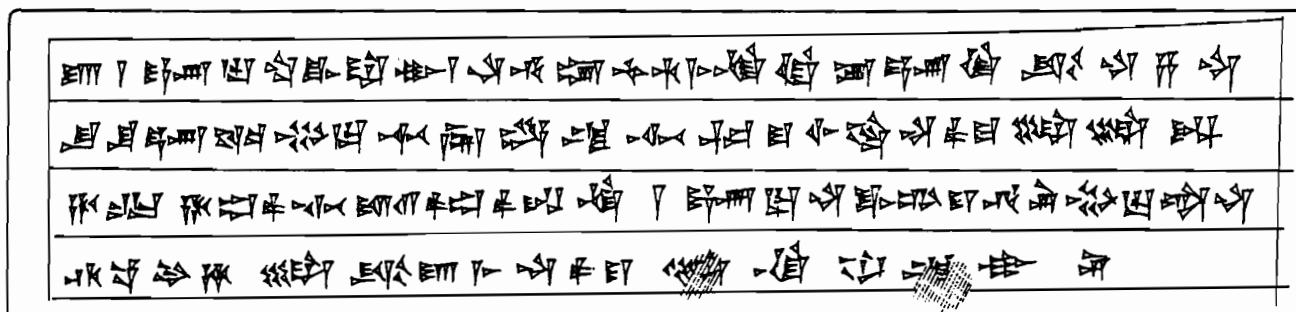
te-la-ak: در همه جا.

ترجمه: عناصر ترجمه در کتیبه ایلامی چغازنبیل شماره ۱.

۴۴ (لوح هفدهم، شماره ۳)

۵ عدد مکعب در بهترین حال که از «مخزن» به دست آمدند و یک قطعه که از زاویه شمالی دومین حصارگردآوری شد.

ابعاد: ۳۸×۳۸×۸/۵ سانتیمتر



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^aHu-um-ban-nu-me-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
2. Šu-šu-un-ka mu-ur-ti ip-il-la-ti-ma ku-ši-ih ^aNusku (PA.TÚG) li-li-ra
3. ha-al ha-ap-pa-ti-iš pa-ap-pa-ra-na mUn-taš-^aGAL uk-ku-ri-ir mu-ur-ta-an
4. hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aNusku (PA.TÚG) li-na te-la-ak-ni

تنوع

۳ - *ha-ap-pa-ti-iš / ha-ap-ti-iš / ha-ti-iš*. درباره نوشتار *ipillati* متذکر می شویم که در جای دیگر یعنی در کتیبه ایلامی چغازنبیل شماره ۲۹:۴؛ کتیبه ایلامی چغازنبیل ۴۷:۶ و ۱۰ پیدا می شود که در آن قرائت آن در آنها جای هیچ تردیدی نمی گذارد.

mu-ur-ta-an / mu-ur-ta-an-ra (یک بار).

۴ - *te-la-ak-ni / tr-la-ak-ni-e* (یک بار).

» من اونتاش - گال ...

۲ ... یک «ماوا» در *ipillati* ساختم. خدای نوسکو آن را ...^۳ شهر ... روی اونتاش - گال قرار دارد،^۴ کارهای من ...

۲ - به کتیبه ایلامی شماره ۲۳ مراجعه شود که در آن ذکری از بنای *ipillati* به میان می آید.

li-li-ra: در این مورد می توان دو نوع معامله کرد یا بر اساس پایه *li-* به معنی «دادن»، با تکرار آن عمل کرد^(۱)، یا بر مبنای پایه *lilu* که در ایلامی - هخامنشی به معنی «خارج شدن، رفتن» مورد تأیید قرار گرفته است (DB 31: 49) کتیبه داریوش در بیستون). با زهم نشانه و معنای کلی این متن برای ما معلوم نیست.

۳ - *pa-ap-pa-ra-na*: شکل عجیبی که شاید بتوان ریشه *par-* را که در ایلام میانه و در ایلامی - هخامنشی آن را به معنی «رفتن به طرف، رسیدن» پیدا می کنیم، استخراج کرد (مراجعه شود به PTT, p. 208؛ تأیید قطعی این معنی برای

۱ - من باب مثال مراجعه شود به Mém., 5, 86, Face 2 : 13, 43 که در آن هر دو شکل *a-ni li-li-en* و *a-ni li-en* را داریم.

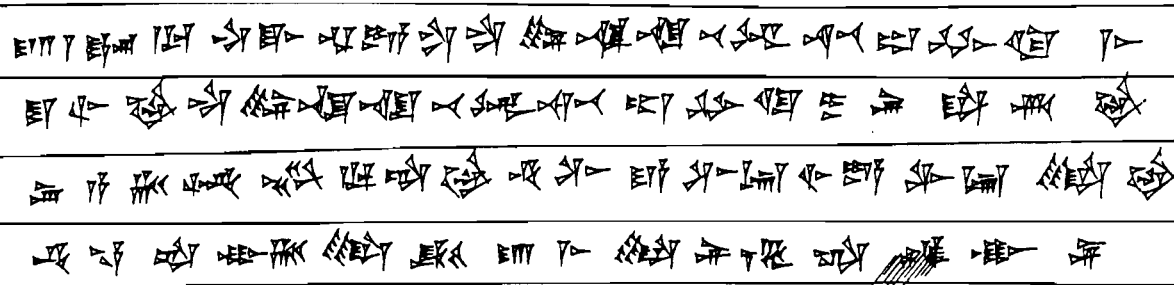
عبارت ایلام میانه : *HÜSING, Quellen., no. 54 C = WEISSABACH, Neue) ku-uš Pu-ra-at-tu⁴ ir pa-ri-ih* : در این مورد موضوع عبارت است از یک اسم بر پایه فعل (صرف باب سوم، *huttan(a)*) با تکرار اولین بی صدا، *pa(pa)rana*.

این تعبیر موجب پیدایش مخالف ممکن می‌گردد که عبارت است از : *lil-* «خارج شدن» / *par-* «رسیدن».

۴ - با اضافه کردن *-e* را به متعدی *telakni* در یک متغیر متذکر شد؛ همین قضیه در مورد *turušin.e* در کتیبه ایلامی چغازنبیل، شماره ۵: ۵۷ صادق است.

۴۵ (لوح هفدهم، شماره ۴)

۴ قطعه از این متن از بخش حصار دوم که از طرف مغرب در امتداد معبد های کی‌ری‌ریشا، ایشنی‌کاراپ و گال امتداد دارد، گردآوری شد؛ تمام این فضا کاملاً واژگون شده است و آجرها در ساختن «مساکن موقت»، که به یاری مواد گردآوری شده ساخته شده‌اند، بکار رفته‌اند (مراجعه شود به نقشه شماره ۱، C-D×VI). شاید نیایشگاه اینانا Innana در این حوزه قرار داشته است، ۵ آجر با کیفیت خوب نیز از «مخزن» به دست آمده‌اند.
ابعاد : ۳۶×۳۶×۹ سانتیمتر؛ ۳۹/۵×۱۶×۸/۵ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^aGAL si-ia-an ^aIn-na-na be-el-ti ap-pu-ki-me
2. ku-ši-ih ^aIn-na-na be-el-ti ap-pu-ki-i ir ša-ri-ih
3. ir a-ha-ar mu-ur-ta-ah hu-pi-e pi-ip-ši-ia pi-ip-li-ih
4. hu-ut-ta-ak ha-li-ik ú-me li-ni-en te-la-ak-ni

«¹ من اون‌تاش-گال معبد اینانا بانوی مرحمت ² بنا کردم (مجسمه) اینانا، بانوی مرحمت را ساختم و در آنجا نهادم؛ همه آنها را ساختم و قرار دادم. ⁴ باشد که همه اعمال و کارهای من به صورت هدیه مورد قبول واقع شود!»

۱ - اینانا الهه سومری - بین سامی‌ها ایشتار - خیلی زود و بدون تردید به دنبال اشغال بخشی از این سرزمین توسط

آگاهده شاه^(۱) در ایلام نفوذ کرد. در زمان شاهان سیماش Simash به این الهه همزمان با اینشوشیناک، شاماش Shamash و سین Sin متوسل می شده اند (Mém., 6, p. 17, ligne 63). این الهه بانوی Uru.an.na، مکان والای شوش است که در آنجا او داری معبدی است (Mém., 14, p. 25, 1-2, 11-13; 10, 9:3; 24:5).
صفت وصفی این الهه، belti appuki، کلاً چنین به نظر می رسد که اقتباسی است از آکدی؛ شاید با تغییراتی که پیدا کرده نوعی بستگی با فعل epêqu داشته باشد (مقایسه شود با CAD, s.v. epequ B).

۳ - pi-ip-ši-ia

بر گرفته از piš- به معنی «بنیاد گذاشتن، ساختن» با تکرار مجدد. شکل اول شخص مفرد با /a/ ربطی :
pipšia < pipšiha^(۲)
pi-ip-li-ih : بر گرفته از b/pil- به معنی «نهادن، جا دادن»، شکل مجدداً تکرار شده؛ معنی آن از طریق ایلامی هخامنشی تضمین شده است (DB 18: 69; 43:19).

۴ - li-ni-en

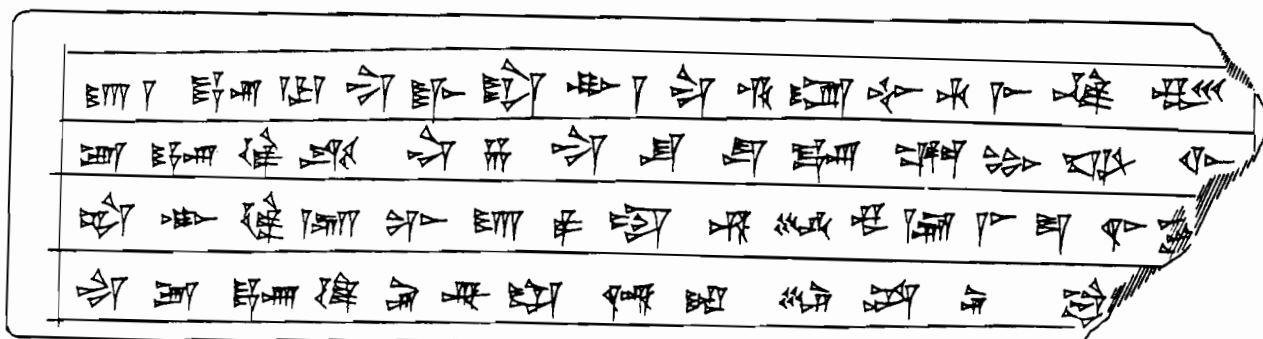
به جای شکل متداول li-na این نوشتار شاید از طریق معکوس شدن پیشوند بیان می شود : li-na in برای in li-na
مقایسه شود با li-na-pu-un (برای li-na a-pu-un) در کتیبه ایلامی چغازنبیل شماره ۳۴:۴؛ کتیبه ایلامی چغازنبیل شماره ۳۲:۵؛ کتیبه ایلامی چغازنبیل شماره ۵۰:۳.

۴۶ (لوح هیجدهم، شماره ۱)
(=Mém., 32, no. XVIII, 1)

فقط سه نمونه وجود دارد : یک قطعه در حیاط الحاقی معبد هیشمیتیک و روهوراتیر، قطعه دوم (دو وجه سه خطی) در دیوار حصار دوم نزدیک به زاویه شمالی دوباره بکار رفته بود. یک آجر کامل نیز از «مخزن» به دست آمد.
ابعاد : ۳۶/۵ × ۳۶/۵ × ۸/۵ سانتیمتر.

۱- نقش برجسته آنوبانینی Anubaninin در سرپول، با ارائه ایشتر جنگجو، شاهی بر این نفوذ است. مراجعه شود به :
J. DE MORGAN, Mission scientifique en Perse, Paris, 1896, t. IV, p. 161.

۲- مقایسه شود با E. REINER, Language, ch. 4,6,2.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^aHu-um-ban-nu-me-na-gi
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka pu-uk-ši
3. ta-ak-ki-ip-pi ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-i[h
4. ^aSu-un-ki-ir ri-ša-ar-ra in du-ni-ih

«۱من اونتا-ش-گال ...»

«۲... یک takkipi³ pukši با طاقهای آجری ساخت؛ آن را به خدای «شاه بزرگ» هدیه کردم.»

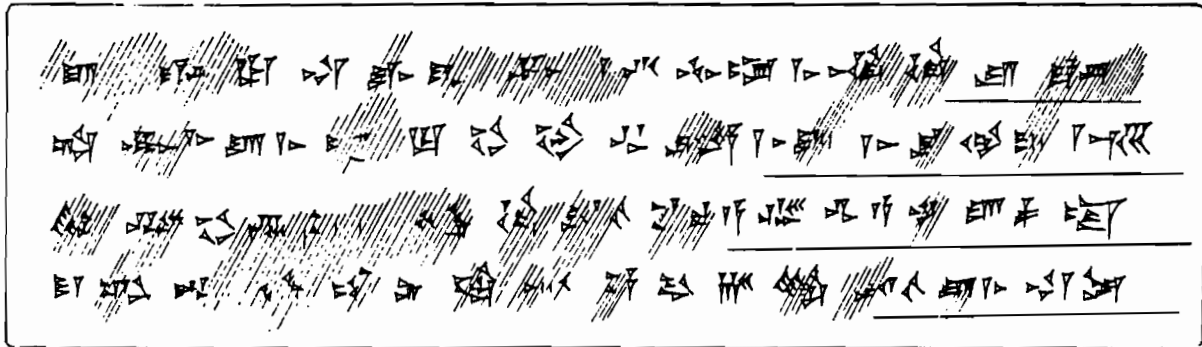
۲-۳ - pu-uk-ši ta-ak-ki-ip-pi

برای تشکیل واژه‌هایی از نوع: *pu-uk-ri-ir* (Mém., 5, 70: 28,32) که ظاهراً نشانگر یک مقر یا یک بنا است، *pu-uk-tu₄ti* که معادل *pi-ik-ti* ایلامی به معنی «یاری، کمک» است^(۱)، می‌توان عنصر *puk-* را مجرد نمود. به نظر می‌رسد که *ta-ak-ki-ip-pi* جمع ریشه‌ای است که کلمه *ta-ak-me/ta-ak-ki-me* به معنی «زندگی» داده است. این پیوند بدون احاطه به پاره‌ای نامگذاریهای سومری-آکدی از نوع «خانه زندگی»، «مکان مقدرات» نیست.

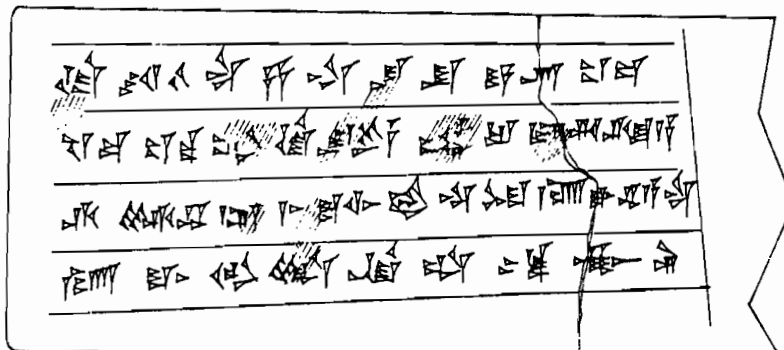
۴۷ (لوح هیجدهم، شماره‌های ۲-۳)

(= Mém., 32, no. XIX)

۳ آجری که مؤید آئین «بانوی کاخ» در چغازنبیل است از بین آوارهای صحن‌های زیگورات جمع آوری شده‌اند. مکعب‌هایی با پنج خط در روی یک وجه؛ چهار خط در دو وجه. ابعاد: ۳۴×۳۴×۹ سانتیمتر.



1. ú [ᵐ]Un-taš-ᵈGAL ša-ak ᵐHu-ban-um-me-na-ki su-un-
2. ta-ak-me ú-me [tu₄] -ur hi-ih si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-en-
3. in-gi hi- en-[ga] in-di-ik-ka a-gi si-a-an ú-pa-at
4. ku-uk-ra i[n] du-ni-ih [hu]-ut-tak ha-li-ik ú-me ᵈNIN.



1. ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka
2. ka ka(!) az-ki-it tu₄-ur sah-ri hu-šu-a
3. hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ᵈNIN.É.GAL si-a-an
4. É.GAL ul-li-na te-la-ak-ni

تنوع:

šū-ul-lu-me-en-ka-ka! / šū-ul-lu-me-ga. - ۲

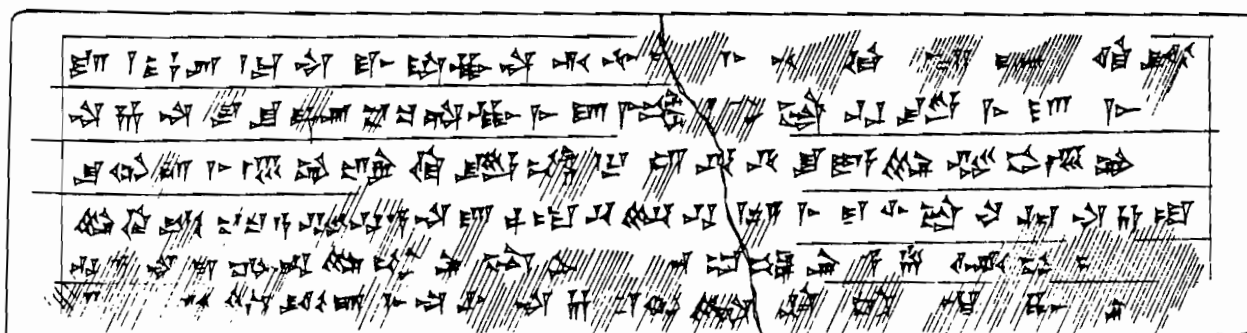
du-ni-ih / tu₄-ni₄-ih - ۴

ترجمه: همان عناصر ترجمه کتیبه ایلامی چغازنبیل، شماره ۱.

۳-۴ - خداوند قیم و پشتیبان NIN.É.GAL بخصوص در فضای مذهبی اور سوم مورد توجه است. ولی این خداوند از همان ابتدای هزاره دوم قبل از میلاد در شوش دارای معبدی است (no.7: 5; cachet; no.34: 8, rev.4; 45:5; 46: 6; 59:7). حضور او در چغازنبیل مآبه اهمیت دوراوتاش به مثابه اقامتگاه شاهانه است.

۴۸ (لوح هیجدهم، شماره ۴).

یک آجر کامل، ولی در وضعیت بسیار بد که در کفسازی صحن جنوب غربی زیگورات بکار برده شده بود. متأسفانه، قطعه دیگری که بعداً در خرابه‌هایی به نام «مجموعه جنوب شرقی» پیدا شد (مراجعه شود به نقشه شماره ۱ (G×VI)، امکان خواندن قسمت ناخوانای متن اول را فراهم نمی‌کند.
ابعاد: ۳۵/۵×۳۵/۵×۸/۵ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak ^aHu-ban-[um(?)]-me-n[a]-ki su-un-ki-ik
2. An-za-an Šu-šu-un-ka ta-ak-me ú-me tu₄-[ur hi]-ih si-it-me ú-me
3. šu-ul-lu-me-en-ga az-ki-it tu₄-ur sah-ri hu-šu-ia in-gi hi-en-ga
4. in-di-ik-ka a-gi si-a-an ú-pa-at hu-us-si-ip-me ku-ši-ih ^aMa-an-za-at
5. si-a-an ku-uk-ra in tu₄-ni-ih el(?) × (?) × (?) ap(ou at)-tu₄ ir a-ha-ar hi-[ih(?)]
6. [h]-u[ut-tak h]a-li-ik ú-me ^aM[a]-an-za-[a]t ul-li-na te-la-ak-ni

تنوع:

mu-an0za-at / ma-za-at ۶-۴

ترجمه: همان عناصر ترجمه کتیبه ایلامی چغازنبیل شماره ۱.

خواستگاههای الهه مانزات Manzat مبهم مانده است. اگر آن را بطور ریشه‌دار مستحکمی در ایلام می‌یابیم، می‌توان رد آن را در بستر فضای گسترش آشوریا تا کاپادوکیه تعقیب نمود که در آنجا نوعی ایشثار تلقی شده است^(۱). در شوس از

۱- درباره مانزات Ma(n)zat نگاه کنید به:

SCHEIL, RA, 22 (1925), p. 149s.; TALLQVIST, *Akkad. götterept.*, p. 361; J. LEWY, *Die*

همان اواخر دوره آگاده Agadé، مانزات در اسم خاص *Man-za-ti* خود را می‌نمایاند (Mém., 14, p. 113, no. 74:4)؛ در تمام دوره سوکالمه‌ها *sukkalmah* آن را بازمی‌یابیم (Mém., 22, 76:7; 24, 329:2, 17; 330:4). از زمان شاه شیلهاک اینشوشیناک به بعد مانزات گاهی مواقع با خدای شیموت پیوند دارد که یک خدای ایلامی کامل است و خدای سرزمین هاتامتی Hatamti (ایلام) است: *Ma-za-at a-ak Ši-mu-ut-ta nap Ha-tam-ti-ir-me* (Mém., 11, 94:1-3). هوتلودوش - اینشوشیناک Huteludush-Inshushinak به او لقب «بانوی بزرگ» می‌دهد: *Ma-an-za-at za-na* (Mém., 11, 97:1) *ri-ša-ar-ri*. بخش کوچکی از آجرهای ایلامی موزه برلین (VA 3397-3402) که آنها را HÜSING در KöNIG و Quellen, n.63 در WZKKM 32 (1925), pp. 212-220 و CIE/EKI, no. 42 انتشار داده‌اند، بیانگر چگونگی ساختمان معبدی از مانزات است. در حال حاضر می‌دانیم که این متن از ده‌نو، روی ساحل شرقی آب دز، در مقابل چغازنبیل پیدا شده است^(۱). شاهی که آن را ساخته، شوتروک-ناهونته است. دو قطعه (ده نو A و B) به سرزمین Hubšen اشاره دارند که از تاریخی طولانی توسط متون ایلامی شناخته شده است (Mém., 14, p. 11:21, p. 14; 5, 77, col. 4:10; RA 29 (1932), p. 73:13; 11, 92, Face, col. 1:95; col. 4:34). این ناحیه در سیاهه جغرافیائی آشوریا به نام *Hu-up-ša-an* یا *Hu-ap-šal* نشان داده شده است (II R 60 7 b; III R 66 rev. II d). این متون نشان می‌دهند که در آنجا الهه‌ای را به نام *A-a Hu-up-ša-an^{ki}* و خدائی را با نام *Nergal ša Hu-up-šal* بازخواهیم دید. به نظر چنین می‌رسد که کتیبه‌های جدید ده‌نو به خوبی نشان می‌دهند که بعدها مانزات و شیموت به خدایان سومری آکدی ملحق می‌شوند و لذا به مثابه خدایان بومی تلقی می‌گردند. دشت وسیعی که پراکنده از تپه‌هاست و از آب دز تا اولین جرزه‌های فلات گسترده است، محققاً حوزه سرزمینهای *Hubšen* و *Hatamtir* یعنی قلب ایلام را تشکیل می‌دهد. اگر مانزات بانوی سرزمین *Hubšen* است، در آنجا ابزاری به نفع شخصیت و ویژگی ایلامی الهه وجود خواهد داشت.

۵ - انتهای خط عملاً ناخوانا است.

۴۹ (لوح نوزدهم، شماره ۱)

تنها نمونه وقفنامه به شیاشوم Shiasum است؛ از گذرگاه واقع در بین دیوار حصار دوم و معبد خدایان شیموت و

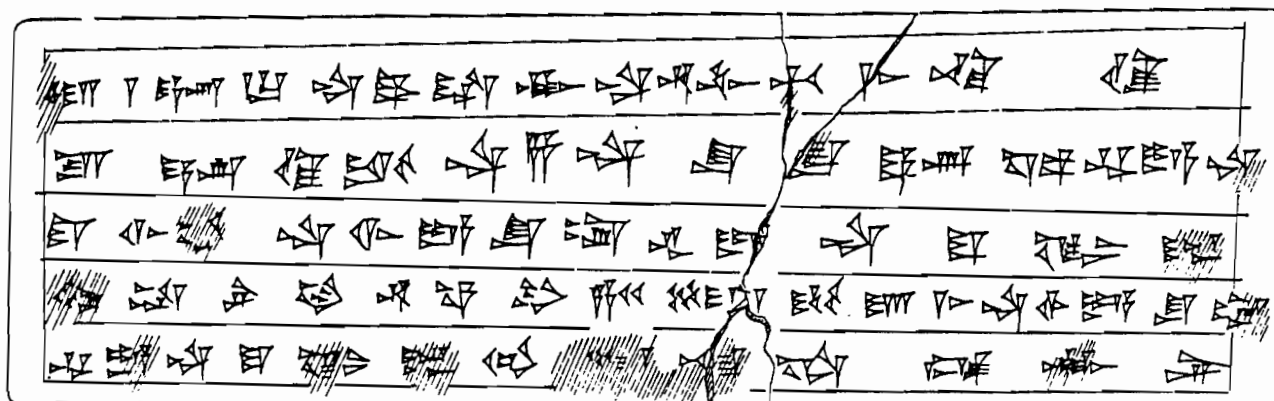
Kultpetexte der Sammlung Frida Hahn (1930), p. 42, n. 1; P. GARELLI, RA, 56 (1962), p. 208.

به جای «*Ma-zi-ra[a]*» که SCHEIL آن را این چنین خوانده (Mém., 11, 88, Face, col. 1 : 19) به احتمال زیاد خوانده شود *Ma-zi-a[t]* (مراجعه شود به Mém., 11, 94:1). در آنجا قدیمی‌ترین اشاره به این الهه را در ایلام، در تحت پادشاهی نارام-سین داریم. مقایسه شود با HINZ, ZANF, 24, p. 68، حدس مشابه، که G. G. CAMERON آن را پیشنهاد کرده است.

۱ - مقاله‌ای که در مجله *Orientalia* منتشر شده است.

بِلت-آلی Bêlet-ali به دست آمده است.

ابعاد: ۱۰×۳۶×۳۶ سانتیمتر.



1. ù mUn-taš-^aGAL ša-ak ^aHu-ban-nu-me-na-ki
2. su-un-ki-ik An-za-an Šu-šu-un-ka si-ia-an
3. ku-ši-ih ^aŠi-ia-šu-um si-ia-an ku-uk-ra
4. in du-ni-ih hu-ut-tak ha-li-ik ú-me ^aŠi-ia-šu-um
5. si-ia-an ku-uk-ra ul-[l]i-na te-la-ak-ni

^۱من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، ^۲شاه انزان و شوش معبدی ساختم ^۳آن را به الهه شیاشوم (بانوی) مکان مقدس هدیه کردم ^۴. باشد که اعمال و کارهای من به عنوان هدیه مورد قبول الهه شیاشوم (بانوی) مکان مقدس قرار گیرد.»

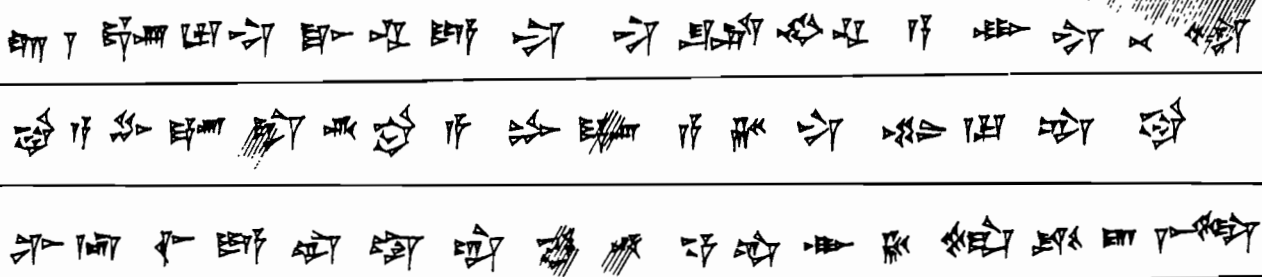
۳ - Ši-ia-šu-um

این الهه جزو موضوعات جوهری پانتئون ایلامی است. این الهه به شکل *Ši-a-šu-um*، همراه با خدایان بزرگ ایلامی در «رساله نارام-سین» دیده می‌شود (Mém., 11, 88, Face, col.1: 18; col.3:7). شخصیت الهه بودن او از نامهای خاص خدایان که زن‌ها داشته‌اند به دست می‌آید: *Šu-ia-šu-um am-ma* / *Ši-ia-šu-um am-ma*؛ به معنی «سیاشوم یک مادر است» (Mém., 22, 5:12; 162: 11)؛ *Pa-ar Ši-a-šu-um* به معنی «زاده سیاشوم» (همان مأخذ، 76:22). در حوالی عصر هخامنشیان این الهه را به صورت نوشتاری *Ša-šum* در کتیبه پلاک مفرغی تخت جمشید باز می‌یابیم ^(۱). شاید نام این الهه از به ریشه *šiy-* به معنی «دیدن» نزدیک می‌شود.

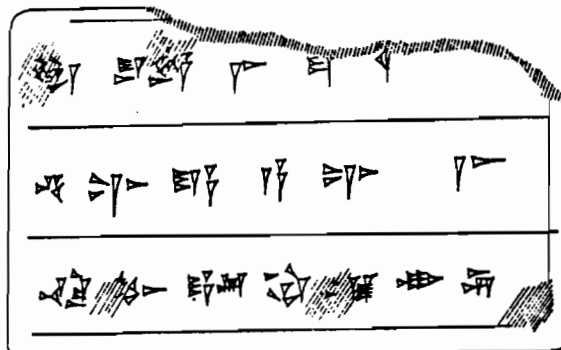
۵۰ (لوح نوزدهم، شماره ۳-۲)

یک آجر نیمه مربوط به زاویه که از «مخزن» به دست آمد و یک قطعه آخرین از این متن که از فضای واقع در بین معبد

خدایان IM و Shala و حصار دوم گردآوری شد، در حال حاضر شنها شاهد این زوج خدائی هستند که در چغازنبیل دارای یک نیایشگاه با مجسمه‌های خود بوده‌اند.
ابعاد: ۳۸/۵×۱۶×۹ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL si-ia-an ^dŠu-uš-mu-si (ou Da-mu-si) a-ak ^dBe-li-
2. ih a-pu-un ša-ri-ih a-pu-un a-ha-an mu-ur-ta-ah
3. pi-ip-ši-ia ta-at-ta-ah hu-ut-ta-ak ha-li-ik ú-me li-



1. li-it-me ku-ši-
2. hu-pi-e a-pi-me
3. na-pu-un te-la-ak-ni

۱ - من اونتاش-گال، معبد خدایان شوشموسی Shushmusi (یا داموسی Damusi) و بلی لیت Belilit را ساختم؛
(مجسمه) ۲ آنها را ساختم و در آنجا نهادم؛ همه اینها را برای آنها ساختم و گذاشتم. باشد که اعمال و کارهای من به عنوان هدیه مورد قبول آنها قرار گیرد!

۱ - در جهت تلاش برای شناخت Parédre اوست که خواهیم توانست شکل این خدایا را که در اینجا برای اولین بار با نام *Šu-ušmu-si* ظاهر می‌شود اندکی روشن کنیم. در شوش به خدائی به نام *Be-la-la* (Mém., 3, Pl 5:1, et p.) احترام می‌گذاشته‌اند که آن را با *Bu-la-la* متون آشوری (II R 60, a 27) مقایسه کرده‌اند که ما چیز اندکی درباره او می‌دانیم. در متن حاضر، علیرغم گذر از یک خط به خط دیگر که می‌تواند تکرار یک کلمه را بطور عمدی یا سهوی امتیاز بخشد - *Belilit* را به جای *belit* بگذارد - به نظر می‌رسد که قرائت *Belilit* بهتر است. بنابر این می‌توان معادل *Belilit/belit* را تصور نمود هرچند که *t*-انتهائی مشکل آفرین می‌شود. این الهه *Belili* معمولاً به مثابه *parédre* با خدای *Alala* متحد می‌شود. بنابر این باید شوشموسی خودمان را بیشتر به این خدای *Alala* تشبیه کنیم تا به تموز/دوموزی

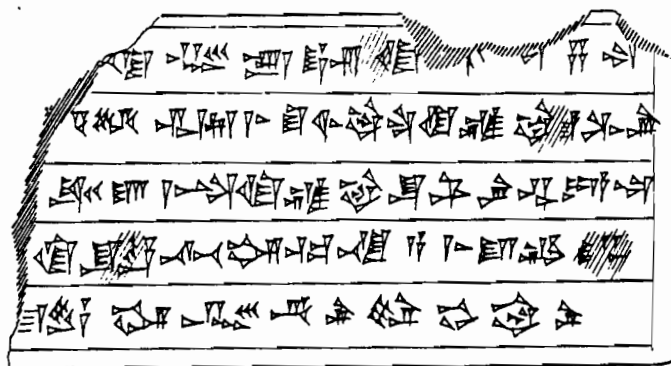
Tammuz/Dumuzi که رابطه آن با Belili به نظر کاملاً اتفاقی می‌رسد^(۱).

۲ - *hupie api.me*: معنی تحت‌اللفظی آن «این چیزهای آنها».

۳ - *ta-at-ta-ah*: شکل تکرار شده *ta-* به معنی «جا دادن، گذاشتن».

۵۱ (لوح نوزدهم، شماره ۴)

قطعه اول این متن - شکل زیر - در فضای شامل بین معبد خدایان ناپراتپها و دومین حصار پیدا شده بود. سه قطعه کوچک دیگر بعداً گردآوری شد: یک قطعه در محلهای دروازه خارجی زاویه شرقی، دو قطعه دیگر در جریان آزادسازی بخشی واقع در نزدیکی حصار سوم، طرف جنوب غربی. در مورد ج. ز. شماره ۲۹ ما این فرضیه را در نظر گرفتیم که ج. ز. ۲۹ و ج. ز. ۵۱ قطعاتی از همین کتیبه هستند.



۱ - مقایسه شود با:

F. THUREAU-DANGIN, *RA* 16 (1919), p. 149;

Th. JACOBSEN et S. N. KARMER, *The myth of Inanna and Bilulu*, *JNES*, 12 (1953), pp. 160-188.

قرائت *Da-mu-si* بجای *šū-uš-ma-si* پیشنهاد KÖNIG (*EKI*, p. 56, n. 1) بوده است. در ست است که در این متن، که در آن نشانه‌ها خیلی فاصله‌دار هستند، گروه *šū-uš* فقط به صورت یک گروه ظاهر می‌شود. معذالک در خط سوم *me-* و *li-* را در برخورد با یکدیگر داریم. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که نشانه *DA* در زمان اونتاش - گال بکار نرفته است مگر در بخش آکدی کتیبه‌های چغازنبیل ۳۲:۸ که در آن به صورت *𐎠𐎶* نوشته شده است. از زمان شو تروک - ناهوته به بعد به صورت *𐎠𐎶𐎵* بسیار متداول می‌گردد. در اینجا نشانه *UŠ* بسیار واضح است؛ ولی می‌تواند یک اشتباه خطی یا حکاکی باشد، اختلاطی بین *UŠ* و *DU* که چندان هم نادر نیست. بنابر این، ماز از قبل فرضیه W. F. KÖNIG را، تا به دست آوردن مسطوره دیگری از این متن که مسئله را باز خواهد کرد، کنار نخواهیم گذاشت.

1. ...-na-gi su-un-ki-i[k A]n-za-an
2. ...[h]u-us-si-ip-me ku-ši-ih ^aKi-la-ah [š]u-pi-ir
3. ...-ik ú-me ^aKi-la-ah šu-pi-ir si-ia-an
4. ...[ki-it-ti-im-ma na-a-me-lu-uk-ra
5. ...[it-im gi-ri-ni in hi-ih-ni

تنوع

...[it-im] / ...[t-im-ma - ۵

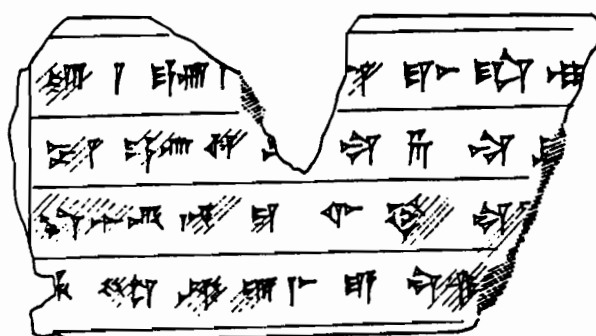
در مورد ترجمه آن نگاه کنید به بازسازی ج. ز. ۲۹.

۲ - ^aKi-la-ah šu-pi-ir

این خدا باید - شاید بطور محلی - اهمیت زیادی در دنیای ایلام داشته است. در برابری با بزرگترینها، اورا در این فرمول یکنواختی که آن را در بالای رقعها می‌یابیم آن را ستایش می‌کرده‌اند: *ND₂ liballituka* ND₂ *ù ND₂ liballituka* به معنی «باشد که ND₂ و ND₂ تو را زنده نگهدارند!». اولین خدای نامبرده شده معمولاً شَمَش Shamash است؛ گاهی مواقع *Kilah šupir* در وضعیت ثانوی جایگزین اینشوشیناک، هو(م)بان، کی‌ری‌ریشا، منزات یا روهوراتیر می‌شود (مراجعه شود به *Mém.*, 18, 237:4; 245:4؛ در اکثر رقعهای سطح و لایه دوازدهم کارگاه A در شوش = TS/A XII نیز، که هنوز منتشر نشده‌اند، همین‌طور است). همچنین اسم خاص *Ku-uk Ki-la-ah šu-pi-ir* را نیز داریم (*Mém.*, 18, 105:3). عنصر دوم - که به صورت *šu-pir* نوشته شده - متصل به نام خدای هو بان در گل‌نوشته‌های اداری شوش است که قدمت آنها به آخر قرن هفتم قبل از میلاد یا به اوایل قرن ششم قبل از میلاد می‌رسد (*Mém.*, 9, 119:4; 135:7; 169, rev. :8; 294:8,13). شاید اولین عنصر از نام خدا در پایه *K/gil* به معنی «صاحب بودن، حاکم» توضیح خود را در برداشته باشد که در ایلامی هخامنشی (مقایسه شود با *PTT*, 8:7-8, p. 95) و در قسمتی از یک کتیبه شوتروک-ناهونته دوم، که خوشبختانه Hinz آن را به حال اول برگردانده و متن آن چنین است: *Pi-ni-gir ki-ik-ki gi-li-ir-ra* (*Mém.*, 3, 57:4) مورد تأیید قرار گرفته است^(۱).

۵۲ (لوح نوزدهم، شماره ۵)

قطعه‌ای با چهار خط، با قرائتی نامطمئن؛ نمی‌تواند به هیچ‌کدام از متون ما مربوط شود. محل پیدا شدن آن: گذرگاه بین معبد شیموت و بِلِت - آلی و دومین حصار.



1. ú mUn-t[aš-^aGAL ša-ak[...
2. su-un-ki-i[k] An-za-an Š[u-...
3. x-x ri(?) en(?) ku-ši-ih ^a[...
4. h]a-li-ik ú-me ^ax[...

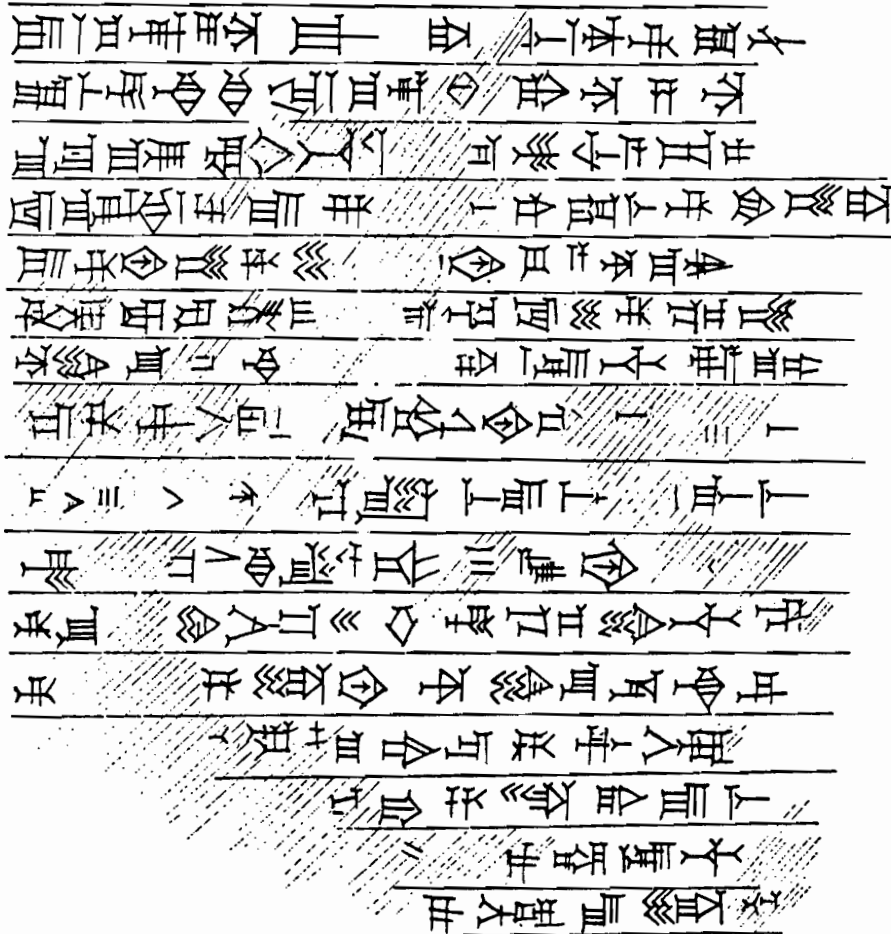
دسته ۵ (چ.ز. ۶۱-۵۳)

متونی که تحت شماره‌های ۵۳ تا ۶۱ جمع شده‌اند تمام کتیبه‌هایی در یک گروه گردآوری می‌کنند که روی اشیاء مواد گوناگونی حکاکی شده‌اند که آجر نیستند: مثل مجسمه‌های گاو نر یا حیوانات خیالی که در ورودی دروازه‌های زیگورات یا معابد نگهداری می‌داده‌اند، سرگرزها نذری از سنگ، تبرهای مفرغی، گلمیخهای تزئینی، «زیتونهای» از گل که در قبرها پیدا شده‌اند.

۵۳ (لوح بیستم، شماره‌های ۷-۱)

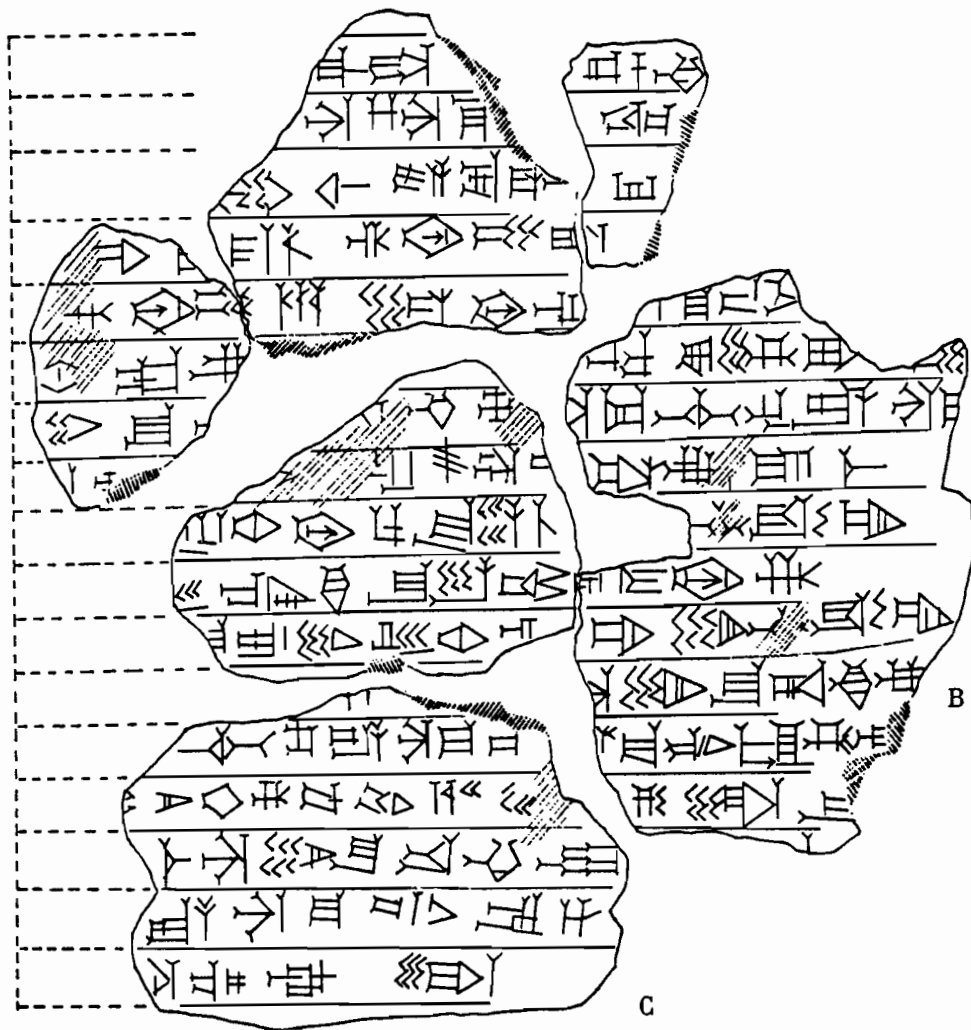
چ.ز. ۵۳A در روی جلوگاه مجسمه یک گاو نر ساخته شده از گل پخته لعابدار گسترده شده است که خرده ریزهای این مجسمه در جریان حفاری دروازه جنوب شرقی زیگورات گردآوری شد. این مجسمه مرمت گردید و در حال حاضر در موزه باستانشناسی تهران از آن نگهداری می‌شود.

کتیبه با قلم حجاری روی پوشش لعاب کدری به ضخامت متوسط ۲ میلیمتر که روی گل کشیده شده، حک شده است. این گل پخته و لعاب روی آن حرارت آتشی را تحمل کرده که خارج از توان بوده و لذا همین حرارت تقریباً در همه جا موجب سوختگی‌هایی شده و سطح آن را سوراخ سوراخ کرده است. همین امر باعث شده است که خواندن نشانه‌های روی آن، که با نوعی سلیقه آمیخته با ذوق و هوس حکاکی شده، بیش از پیش دشوار تر گردد (بخصوص مراجعه شود به چ.ز. ۵۶، لوح بیستم، شماره ۹). قطعاتی که تحت شماره ۵۳B گردآمده‌اند، و از همین محل نیز گردآوری شده‌اند، محققاً به مجسمه گاونر دیگری تعلق دارند، و قطعات مربوط به شماره ۵۳C، که به این معما الصاق کرده‌ایم (II. 13-17)، به سومین مجسمه یک گاونر مربوط می‌شوند.



53 A (Pl. XX, 1-3) :

1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak m^aHu-um-ban-
2. um-me-en-na-ki su-un-ki-ik An-za-an
3. Šu-šu-un-ka pu(?)ru(?)-x-[u]m mu-ši-a ap-pa
4. su-un-ki-ip ú-ri-[pu]-up um-me hu-uh-táh-ša
5. ú hu-uh-táh ha-l[i]-ih si-a-an ku-uk
6. x šir₈ um(?) la-am[...]ma zu-uz-ka-táh
7. ^aIn-šu-^uš-na-[ak]te-ip-ti si-a-<an> ku-uk
8. la-ha-ak-^uir-ra ú(?) tu₄-ni-ih ta-[ak-me]^u-me
9. [tu₄-urhi-ih] si-it-me ú-me[.....]GAL me
10. en[...]az-ki-it tu₄-^uur sa-ah-[ri]
11. hu-šu-[ia] in-gi hi-en-ka in-ti-ka(?) [a-gi]
12. hu-[uh-tah] ha-li-ih ^aIn-šu-uš-na-ak
13. [te-ip-ti si-]ia-an ku-uk la-ha-ak-ir-ra
14. [ú tu₄-ni-ih] hu-ut-tak ha-li-ik ú-me
15. [^aIn-šu-uš-na-a]k te-ip-ti
16. [si-ia-an ku-uk la-ha-]ak-ir-ra ú li-na [te-la-ak-li]



53 B-C (Pl. XX, 4-7) :

1. [ú mUn-taš-^a]GAL ša-[ak m^aHu-um-ban-u]m-me-na-ki
2. [su-un-ki-ik] An-za-an Šu-[šu-un-]ka
3. [x x x] mu-ši-ia su-un-[ki]-ip [ú-ri-]
4. [pu]-up um-me hu-uh-táh-ša
5. [ú] hu-uh-táh ha-li-ih si-[a-a]n ku-uk
6. [x][šir₉] um(?) la-[...]ma zu-uz-ka-táh
7. [^a] In-šu-[uš]na-ak[t]e-ip-ti si-ia-an k[u-uk]
8. [la-ha-ak-ir]ra áš(?) du[...] ta-ak-[me]ú-me
9. [tu₄]-ur hi-ih si-it-me[ú-me in]-ti-ig-ga
10. [a]-gi az-ki-it tu₄-ur sa-ah-ri
11. [hu-š]u-ia in-gi hi-e[n]-ga in-ti-ig-ga
12. [a-gi hu-uh-táh ha-li-ih] ^aIn-šu-uš-na-ak
13. [te-ip-]ti si-ia-an ku-uk la-ha-a[k-ir-ra]
14. [ú t]u₄-ni-ih hu-ut-tak ha-li-[ik ú-]me
15. ^aIn-šu-uš-na-ak [te-ip-ti]
16. [si-]ia-an ku-uk la-ha-[ak-ir-ra ú li-na]
17. [t]e-la-ak-li

قسمتهائی که به صورت حروف مورب نوشته شده‌اند به قطعه ۵۳C تعلق دارند.

تنوع:

Hu-am-ban-um-me-en-ia-ki / Hu-im-ban-um-me-na-ki - ۱

۳ - از قلم افتاده است / ap-pa

mu-ši-a / mu-ši-ia

zu-uz-ka-tâh / zu-uz-ga-tâh - ۴

si-a-an / si-ia-an - ۷

tu₄-ni-ih / du-ni-ih (?) - ۸

hi-en-ka / hi-en-ga - ۱۱

in-ti-ka / in-ti-ig-ga

«^۱ من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا^۲ شاه انزان^۳ و شوش، یک [گاونر(?)] از گل پخته لعاب خورده، آن چه که شاهان قدیم نکرده‌اند، کمن آن را انجام دادم و ساختم؛ در مکان-مقدس^۶ یک [فرشته نگهبان حامی] در محل گذاشتم؛^۷ برای خدای اینشوشیناک، ربی^۸ که به مکان-مقدس اقتدار معنوی دارد آن را هدیه کردم؛ یک زندگی^۹ طولانی به دست آوردم، سلامتی من [حاصل است]،^{۱۰} به نحوی که ...^{۱۱} برای تبارم نخواهم داشت؛ برای همین است که (آن را)^{۱۲} انجام دادم و ساختم، برای خدای اینشوشیناک،^{۱۳} ربی که به مکان-مقدس اقتدار معنوی دارد آن را هدیه^{۱۴} کردم. کارها و اعمال من^{۱۵} باشد که خدای اینشوشیناک،^{۱۶} ربی که روی مکان-مقدس اقتدار معنوی دارد، آن را از من به عنوان تقدیمی بپذیرد!»

۳ - سه یا چهار نشانه‌ای که به دنبال mu-ši-a می‌آیند برای تعبیر و تفسیر متن هیچ دست‌آوردی نمی‌دهند؛ همچنین قطعی نیست که عبارت مشابهی در همین جا در کتیبه‌های بعدی چ.ز. ۵۴ و چ.ز. ۵۵ پیدا شوند. بر عکس احتمال بسیار زیادی وجود دارد که mu-ši-a/mu-ši-ia نشانگر ماده‌ای باشد که سازنده موضوعی است که باید این عبارت نشناخته را نشان دهد.

در چ.ز. ۵۷:۱، کلمه^۱ mu-ši-it-la ظاهراً مربوط به نوعی گل میخ تزئینی از گل پخته لعابدار است، ماده‌ای که همچنین مجسمه حیوانات نگهبان که موضع کار ما در این جا است، در آن ساخته شده است. در این صورت، کلمات ناخوانا، که آن را mušia تشخیص داده‌اند، - در یک معنی صحیح یا استعاری - به این گاوهای نری یا فرشته‌هائی مربوط خواهند شد که شکلها و کاربریهایشان از یک محل قرارگیری نسبت به محل قرارگیری دیگر می‌تواند متغیر باشد.

۴ - umme:

چ.ز. ۵۶:۶ معادل بودن آن را با نفی imme ثابت کرده است.

۶ - از چهار نشانه اول - که قطعی نیستند - نشانه دوم احتمالاً بیشتر šir است تا muš. گروه یا کلمه بعدی با la-am شروع می‌شود و به ma- خاتمه می‌یابد؛ شاید در این جا نیز مثل چ.ز. ۵۵:۶ آن را باید به صورت la-am-li-e-ma بازسازی

کرد. جمله را فعل ترکیبی شناخته شده *zu-uz-ka-táh* تمام می‌کند، *zuk-* به معنی «جادادن» (شکل تکراری + *ta-* به معنی «گذاشتن»، که تحت اللفظی آن «سرجا گذاشتن» است. *me-* که به دنبال آن می‌آید اسم مکان است، برای اتصال به *siyan kuk* که قضیه و جمله با آن آغاز می‌شود. معنی آن به صورتی واضح آشکار می‌شود: «در مکان - مقدس یک (فرشته، از نوع *lamassu* ها، *šedu* ها یا *kāribu* ها) + (کلمه وصفی) در سرجای خود گذاشتم».

۸ - قرائت آن، که پروفیسور W. HINZ آن را به ما القاء کرده است، از طریق مقایسه آن با خطوط مختلف سایر کتیبه‌هایی که همین کلمات در آنها پیدا می‌شوند قابل اطمینان است. اصطلاح مشابهی در متنی بکار رفته است که PÉZARD آن را در *Babyloniaca* 8, p. 8:7 منتشر کرده است که چنین است: *Šušinak te-ip-ti ku-uk-in-nu-um* *la-ha-ak-ra*. نویسنده برای این آخرین کلمه به معنی «مسلط شدن، صاحب شدن» می‌رسد (l.c., p.14-15). این بیان بهتر از بیان «مسکن کردن» با عبارات گوناگون انطباق دارد. او ابتدا «مسکن کردن» را بعد از HÜSING^(۱) برای کتیبه Lyan (*Mém.*, 15, p. 80:2,5 et p. 81) برای عبارت *Li-ia-an- la-ha-ak-ra* ، «کی‌ری‌ریشا بانوی ساکن در Liyan) پیشنهاد کرده بود. به هر حال معنی «مردن» که گاهی مواقع برای این ریشه *laha-* پیشنهاد شده، در این جا مردود است^(۲).

۹ - قرائت *GAL-me* در آخر خط احتمالاً یک خطای حکاکی و کاتبی است: معنی جمله و ابتدای خط ۱۰ امکان بازسازی فرمول *si-it-me ú-me šu-ul-lu-me-en-ga* را می‌دهد. در ج. ز. ۵۳B:۹ نیز یک اشتباه نوشتاری وجود دارد: کلمه *in]-ti-ig-ga* ظاهراً در سر جای خود نیست و به روی آخر خط ۱۱ تجاوز کرده است.

۱۶ - *ú li-na* :

به جای *ul-li-na/il-li-na*. این ساختار در جای دیگر دیده نمی‌شود؛ در اینجا می‌تواند ضمیر شخصی اول شخص مفرد باشد.

۱- G. HÜSING, *Die Sprache Elams*, Breslau, 1908, p. 17

۲- مقایسه شود با معنی «کشتن، در حال نزاع بودن»:

SCHEIL, *RA* 14, ch., 2:2

KÖNIG, *EKI*, p. 136, n. 8 et p. 200 "sterben, tôten, vernichten, schlachten"

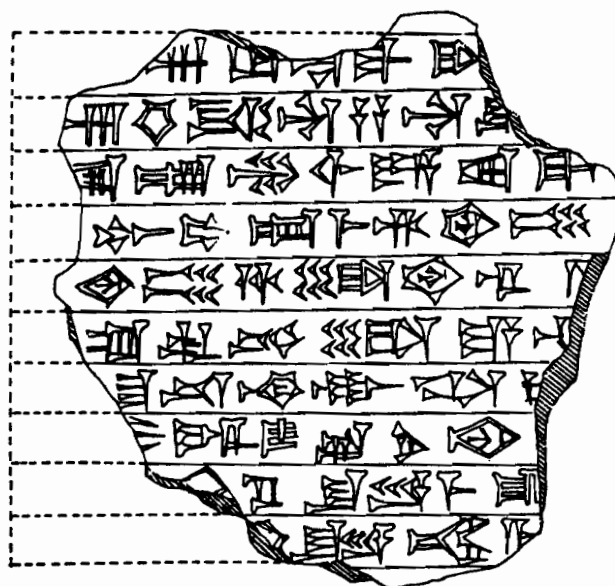
از نظر HINZ دارای این معانی است: «sterben» - «betreten» > «eingehen» که در مأخذ زیر آمده است:

(ZANF, 16, p. 243, 251; Hanne, p.116, n. 1)

8. la-[ha]-ak-[ir]-ra tu₄-ni-ih ta-[ak]-me ú-me
9. tu₄[-ur hi-ih si-it-me ú]-me[in]-ti-ik- [...]
10. a-gi[... ... sah]-ri
11. [hu]-šú-ia in-gi hi-[en-g]a in-ti-[ig]-ga
12. [hu]-ut-táh ha-li-ih ^aIn-šú-uš-n[a-ak ...]
13. [t]e-[ip]-ti si-ia-an ku-uk-ra[...]
14. [......]ú du-ni-[ih ha]-li-[ik ú-me ...]
15. [......] ^aIn-šú-uš-n[a -ak...]
16. [......]ku-uk[... t]e-la-[ak]-li

۵۵

قطعات به دست آمده از همان محلی که چ. ز. ۵۴ به دست آمده‌اند. در این جا نشانه‌ها به جای این که با یک چیز نوک تیز حک شوند، به صورت متداول در ضخامت لعاب چاپ شده‌اند.



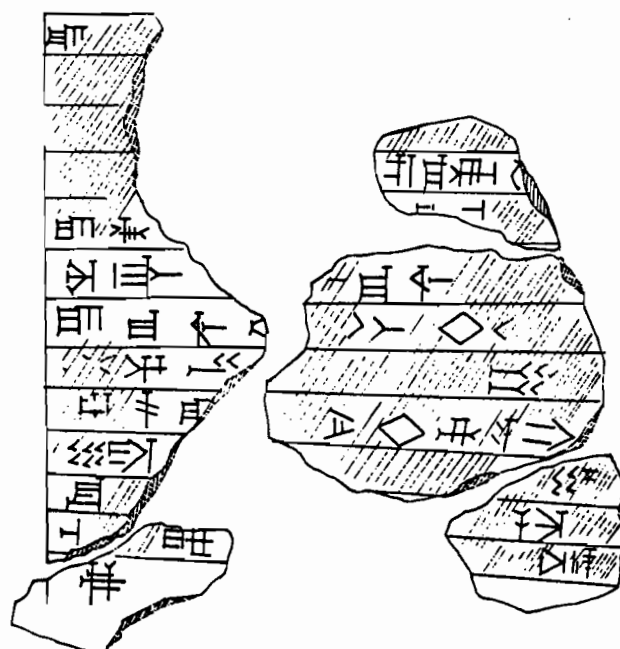
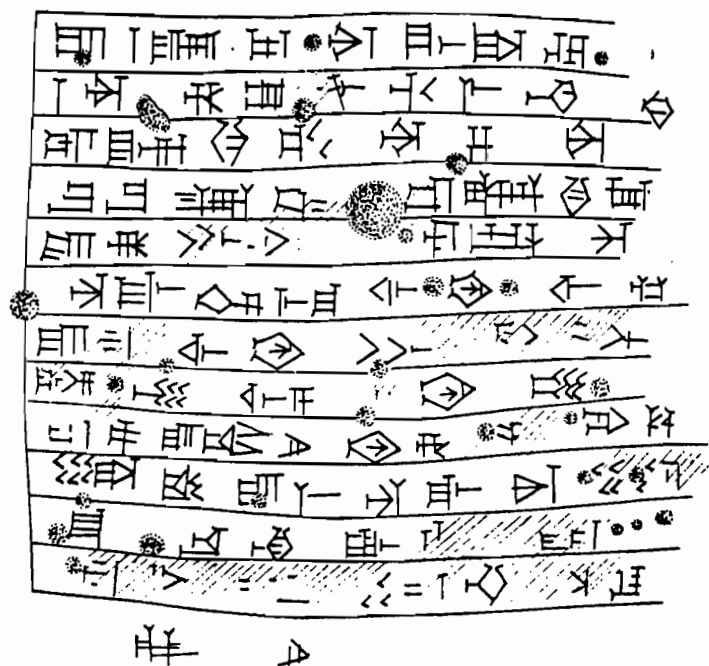
1. [ú mU]n-taš-^aGAL ša-[ak ...]
2. [su-u]n-ki-ik An-za-an Šu-[šú-un-ka]
3. [x]-zu-um mu-ši-ia sú-un-[ki-ip]
4. [ú-ri]-pu-up um-me hu-uh-táh-[ša]

۵۶ (لوح بیستم، شماره ۹)

قبلاً به یافتن خرده ریزهای متعددی اشاره کرده‌ایم که در حیاط معبد خدایان IM و Shala پراکنده بودند و از مجسمه گاونری به دست می‌آمدند که قطعه قطعه شده بود. در بین این قطعات، قطعه کتیبه داری پیدا شد که روی بدن حیوان حکاکی شده بود (چ.ز. ۵۶B)، و آجر بزرگ تختی (۵×۲۵×۶۰ سانتیمتر) به دست آمد که سطح لعابدار آن دارای همان متن در ۱۳ خط بود (چ.ز. ۵۶A).

56 A :

1. ú mUn-taš-^aGAL ša-ak
2. ^{md}Hu-um-ban-nu-me-na-ki
3. su-un-ki-ik An-za-an
4. Šu-šu-un-ka su-un-ki-ip
5. ú-ri-pu-[u]p si-ia-an
6. ^aGAL im-me ku-ši-ih-ši-ma
7. ú ku-ši-ih pu-uh-x
8. x IM(?) mu-ši-a [hu]-uh-tah
9. ap(?)₁-pa ú tu₁-ni-ih hu-ut-ták ha-
10. li-ik ú-me ^aGAL ^aIn-
11. šu-uš-na-ak s[i]-ia-[an]
12. ku-[uk-ra li-na] [t]e-la-
13. ak-ni



56 B :

1. ú[.....
2. 3[.....
4. [...]su-un-k[i-...
5. ú-ri-[..
6. ^aGAL[.....]ku-ši-[..
7. ú ku-ši-i[h] pu-uh-x
8. [...]IM(?) m[u-.....]-tah
9. ap(?) -pa ú[tu₄]-ni-ih hu-ut-tak[...]
10. li-[.....^a]I[n-...
11. šu-[.....-i]a-an
12. k[u-uk]-ra[.....t]e-la-
13. ak[...]

«¹ من اونتاش-گال، پسر ²هومبانومنا، ³شاه انزان ⁴و شوش، شاهان قدیم معبد ⁶خدای گال را نساخته بودند، ⁷من آن را ساختم...⁸... گاوانر(?) از گل پخته لعابدار درست کردم ⁹(این است) آن که دادم. کارهای من ¹⁰و اعمال من باشد که خدای گال و خدای ¹¹اینشوشیناک (رب) مکان-مقدس ¹²⁻¹³این تقدیمی را بپذیرند!»

۶ - *ku-ši-ih-ši-ma*

به نظر نمی‌رسد که در این جا، مثل مورد مربوط به *Mém., 3, 23:3*، *sunkip uripupi Šušun imme kušihši.ma*، علامت اسم مکان *me*-را در آخر فعل داشته باشیم. استفاده از روش مستقیم در این مورد که بازهم از *kuših* به دست بیاید، موجب اشتباه خواهد شد. سایر نمونه‌های مشکوک، ولی این که می‌توان آن را از طریق ساختار مکانی بیان کرد عبارتند از: *hi-ši e-ri-en-tu₄-um be-ip-ši-ia-ma*، به معنی «نام او را، روی آجرهایی (که) درست کردم، نوشتم» (*mém., 3, 32:5*)؛ هم چنین مقایسه شود با *ha-li-ih-ma* در *Mém., 3, 26:4*. نشانه *ma*_ شاید بتواند نشانگر یک پسوندی از نوع فعلی انتهائی باشد.

۷ - آخر خط ناخوانا است: *pu-uh-[...]* شاید فعل دومی باشد، مکمل *kuših* یا این که کلمه اولی که نشانگر حیوان، نگهبان معبد یا تصویری ذهنی از خدا باشد.

۸ - نشانه IM در ۵۶B:۸ قطعی‌تر است. در این مورد، مجادله خواهیم داشت در مورد این که نشانه‌ای از خدای IM است یا این که به طریق اولی نشانه‌ای از گاوانر، نماد اوست.

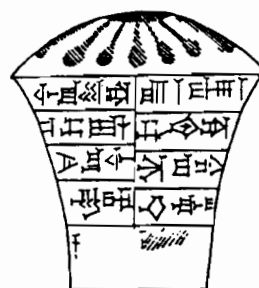
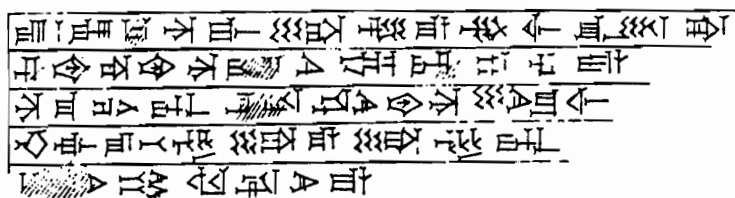
۹ - *ap-pa*:

این قرائت عملاً تنها قرائت ممکن است؛ معذالک این بکارگیری نسبی *appa* به جای یک مدلل کننده به نظر ناصحیح می‌رسد.

در خط ۶ قرائت *GAL*^d جای تردیدی باقی نمی‌گذارد؛ این اشاره به ساختن یک معبد خدای گال در مدارک به دست آمده از نیایشگاه IM و Shala نمی‌گذارد که معما و ابهامی باقی بماند.

۵۷ (لوح بیست و یکم، شماره‌های ۵-۶)

کتیبه بر روی گل‌میخ از جنس گل پخته لعابدار، با لعاب آبی، به دست آمده از معبد ایشنی کاراپ. نگاه کنید به :
Mém., 39, pl. XCV, G, T-Z. 55; pl. LI : 8 در موزه تهران.
 ارتفاع : ۷/۲؛ قطر حداکثر : ۷/۲؛ قطر پائین : ۳/۸ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL li-gi-e mu-ši-it-ta
2. hu-uh-ta-ah ^dIš-ni-ka-ra-ab si-ia-
3. an ku-uk-ra id(?) -du-ni-ih ^dIn-šu-ši-
4. na-ak lu-pe-en li-e li-en-ra
5. x x tu₄-ru-uš-ni e

۱ «من اونتاش-گال، این «میخ» گل پخته لعابدار را^۲ درست کردم؛ برای الهه ایشنی کاراپ
 ۳ به (بانوی) مکان-مقدس آن را هدیه کردم. باشد که خدای^۴ اینشوشیناک ...
 ۵... بگوید!»

۱ - *li-gi*.

همین کلمه در روی «میخ‌ها» یا گل میخای تزئینی‌ای که در ضخامت دیوار در تخت جمشید فرو رفته‌اند، دیده می‌شود

(DPI; XPi)^(۱). *Ligi* ابتدائاً بایستی نشانگر «میخ»، در معنی اولش باشد، همچنانکه کلمه *mayuza* در فارسی قدیم و *šikkatu* در زبان آکدی.

mu-ši-it-ta: همگون با *mu-ši-a/ia* در چ. ز. ۵۳:۳؛ ۵۵:۳؛ ۵۵:۸، با پسوند تعمیم دهنده *-ta* (مقایسه شود با چ. ز. ۳۶:۴، صفحه ۷۴) که باید حالت «کاملاً، تمام آن از گل پخته لعابدار» به آن اضافه شود.

۳ - *id-du-ni-ih* به جای *in-du-ni-ih* تنها نمونه تشابه.

۴ - *lu-pe-en li-e li-en-ra*.

تعبیر و تفسیر این گروه دشوار است، هرچند که بتوان به آن عناصر گوناگونی با ریشه‌های شناخته شده وابسته کرد. موضوع، که توسط پسوند انتهائی *-ra* نشان داده شده فقط می‌تواند خدای اینشوشیناک باشد که به نظر می‌رسد نذرکننده در بازگشت از او مرحمتها و موهبتها طلب می‌کند. در مورد پایه *dup-/lip-* با معنی «آمدن، خود را معرفی کردن»، نگاه کنید به چ. ز. ۳۱:۵، صفحه ۶۳. *li-e li-en-ra* احتمالاً حالت متجانس: «موافق بودن با نذر او». معنی حدسی مجموعه آن چنین است: «باشد که خدای اینشوشیناک بخواهد اعلام کند که موهبتهایش را خواهد بخشید!».

۵ - *tu₄-ru-uš-ni e*

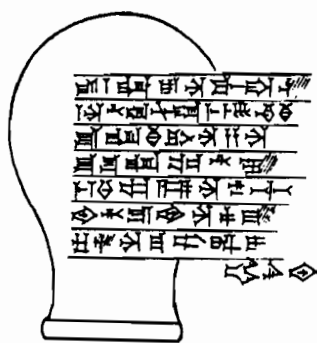
حالت تمنائی *tu/ir-* به معنی «حرف زدن، گفتن» در سوم شخص مفرد. حرف */e/* آخر یک بار دیگر پس از یک شکل تمنائی دیده می‌شود: *te-la-ak-ni e* (چ. ز. ۴۴:۴، تنوع).

تعداد زیادی از گرزها سنگی دارای کتیبه بودند. آنها عمدتاً در جریان حفاریهای پیدا و گردآوری شدند که موجب پیداشدن مجموعه‌های معابد کی‌ری‌ریشا (معبد شرقی) و ایشنی کاراپ گردید. مجموعه چ. ز. ۵۸، بر اساس شماره ردیف و سیاهه، شامل نمونه‌ائی است که متن آنها به زبان ایلامی است. به استثنای چ. ز. ۵۸/۶۰، تمام این قطعات نام شاه را ارائه می‌کنند که با دقت حکاکی شده است: *ū mUn-taš-dGAL*. در اینجا سیاهه‌ای از این گرزها را می‌دهیم که بر اساس لوح‌های جلد ۳۹ *Mémoires* گروه بندی شده‌اند:

Pl. LXXXVII : 114 (LVII : 7) ; 90 (LVII : 9). — Pl. LXXXVIII : 73 (LXI : 5, a) ; 82 (LXI : 5, c) ; 100 (LX : 4, b) ; 99 (LXI : 5, b) ; 89 (LXI : 3, b) ; 152 (LX : 4, c) ; 80 (LX : 5, a) ; 78 (LX : 1, a) ; 136 (LX : 1, d) ; 116 (LIX : 8, a) ; 79 (LVIII : 6, c) ; 91 (LX : 1, b) ; 148 (LX : 1, c) ; 141 (LXI : 3, a). — Pl. LXXXIX : 69 (LIX : 2, b) ; 75 (LXI : 4, c) ; 95 (LIX : 1, b) ; 123 (LIX : 2, a) ; 113 (LIX : 3, a) ; 70 (LIX : 4, a) ; 77 (LIX : 3, b) ; 115 (LIX : 1, a) ; 72 (LIX : 4, b) ; 117 (LIX : 1, c) ; 94 (LIX : 4, c) ; 88 (LIX : 3, c) ; 110 (LIX : 2, c) ; 126 (LX : 5, b). — Pl. XC : 143 (LXI : 4, b) ; 146 (LX : 5, c) ; 149 (LXI : 4, a) ; 147 (LXI : 3, c) ; 124 (LXI : 2, b) ; 119 (LXI : 2, c) ; 74 (LX : 4, a) ; 103 (LIX : 7, b) ; 145 (LX : 4, d) ; 111 (LVII : 4) ; 121 (LXI : 2, a). — Pl. XCI : 67 (LVIII : 5, b) ; 127 (LVIII : 6, a) ; 68 (LVIII : 6, b) ; 153 ; 159 (LVIII : 1, d) ; 158 (LVIII : 5, c) ; 154 (LVIII : 1, a) ; 105 (LVIII : 2, b) ; 107 (LVIII : 2, a) ; 156 (LVIII : 1, c) ; 128 (LVIII : 1, b) ; 157 (LVIII : 3, b) ; 106 (LVIII : 2, c) ; 155 (LVIII : 3, a) ; 129 (LVIII : 3, c). — Pl. XCV : 45 (en provenance du temple d'Ishnikarab).

۵۸/۱۶۰

از سنگ آهکی سفید، نذر خدای نوسکو؛ کتیبه‌ای در ۸ خط. موزه لوور (Pl. LXXXVII et Pl. LVII). (Mém., 39, Pl. LXXXVII et Pl. LVII).
ارتفاع : ۸/۵؛ قطر حداکثر : ۶ سانتیمتر.



1. ú mUn-taš-^dGAL ša-a[k
2. ^{md}Hu-um-ban-um-me-en-na-ki
3. su-un-ki-ik An-za-an
4. Šu-šu-un-ka hu-sa(?)
5. me la-an-si-ti-
6. ih hu-lu-uh ^dNusku (PA.TÚG)
7. si-a(!)-an ku-uk-ra i
8. tu₄-ni-ih

۱ - « من اونتاش-گال، پسر

۲ - هویانومنا

۳ - شاه انزان

۴ - و شوش، چوب،

۵ - سر سنگ را (؟) پوشاندم

۶ - از طلا (؟)، سرهم کردم، به خدای نوسکو

۷ - (صاحب و مولای) مکان-مقدس

۸ - آن را هدیه کردم

.hasa.me - ۵-۴

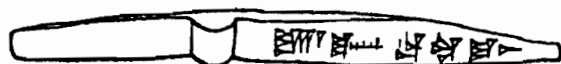
نشانه *sa* مطلقاً قطعی و محقق نیست. در مورد معنی *husa* نگاه کنید به ج.ز. ۱. قرائت *sa.dug₄* که در *Ir.Ant. III (1963), p. 123* پیشنهاد شده و فقط می تواند به معنی «تقدیمی منظم» ترجمه شود، به نظر ما در نهایت احتمال اندکی دارد. بهتر است که در این گروه اصطلاحی را جستجو کنیم که بیانگر خود گرز باشد. ما می گوئیم در نشانه تعبیر شده ابتدا *DI/sá* را ببینیم که ایدئوگرام HAR است و شکل های قدیمی آن خیلی نزدیک به نشانه هائی است که با دشواری روی سنگ سخت کنده شده است. ایدئوگرام HAR به معنی «سنگ» در ایلامی - هخامنشی به کار رفته است (مقایسه شود با *Mém., 24, p. 110, lignes 38, 40*؛ *PTT, 9:5; 24:5, etc.* همان مأخذ سیاهه نشانه های شماره ۱۴). همین موضوع در مورد SAG برای «سر» صدق می کند (*PTT* سیاهه نشانه های شماره ۷۴). *Husa.me + HAR.SAG* به گرز کامل ارجاع می شوند یعنی دسته (چوبی) و سر گرز از سنگ.

Lansiti. فعل با پایه اسمی، به معنی «مطلا کردن، پوشاندن با طلا»، بر اساس فرضیه «طلا» = *lansiti*

.huluh - ۶

در ایلام میانه، پایه *hul-* در عباراتی از نوع: *pa-hi-ir hi-iš hu-li-ir* (*Mém., 3, 52:5; 53:6; 54:7; 55:5*) معرفی شده و به شکل *hul-lak* (*Mém., 3, 63:9*) و از نظر HINZ معنی «ausplündern» از طریق تشخیص *hull-/hill-* کسب شده است؛ مقایسه شود با *Hanne. p. 108, n.2*). ما بر اساس *hu-ul-pa-ah* معنی حدسی «سرهیم کردن، اجتماع کردن» را پیشنهاد می کنیم که به نظر ما یک فعل ترکیبی می رسد (نگاه کنید به ج.ز. ۲۲:۴). به نظر می رسد شکل هائی از نوع *pa-ak-ni* (*Babyloniaca 8, p. 7:14, cf. p. 21, n. 4; Mém., 3, 64:19, 21*) وجود یک پایه *p/ba* در ایلامی را تأیید می کنند.

بعضی اشیاء کتیبه دار در زیر شماره ۵۹ دسته بندی شده اند. ج.ز. ۵۹/۱۸۵ یک تبرزین است که در روی آن نام شاه حکاکی شده است: *ú mUn-taš GAL* (نگاه کنید به *Mém., 39, pl. LXXXV et pl. LIII: 6-7*).



همین کتیبه را روی تیغه دو عدد تبر می بینیم: ج.ز. ۵۹/۱۶۳ (*Mém., 39, pl. LXXXIII; et pl. LIII: 1-2*) و ج.ز.

۵۹/۱۷۳ (Mém., 39, pl. LXXXIII; et pl. LIII: 3).

ج.ز. ۵۹/۶۶۵ و ۴۶۲ (Mém., 39, pl. LXXI et LXXVIII). به دو عدد صفحه مدور کوچکی از ورقهٔ مفرغ مربوط می‌شوند که سوراخهائی نیز برای ثابت شدن دارند؛ در حاشیه آنها نام خدای *Inšušinak* و احتمالاً فعل *kuših* قابل تشخیص است.

۶۰

صدها «میخ». گل میخ ساخته شده از گل پخته و پوشیده از لعاب آبی رنگ، در جریان حفاریها گردآوری شد. وقتی که میله مستقیماً در دیوارها فرو رفته بود، نام شاه: *Un-taš-d GAL* در روی سطح محدب «میخ» وجود داشت (نگاه کنید به *Mém., 39, pl. XCVIII, nos 18a et 18b*). «گل میخ‌ها» به شکل کاملتری دارای پایه‌ای مربعی شکل بودند که روی مقطع آنها گاهی کتیبه‌ای دیده می‌شد (*Mém., 39, pl. XCVII*؛ با کتیبه‌ای روی پایه شماره‌های ۱۱۵۶-۱۱۵۷). در این جا نمونه‌ای از این نوع متن را می‌بینیم که گوناگونی‌های آنها به ویژه شکل نشانه‌ها را متأثر می‌کنند؛ گاهی تعیین کننده اسم خاص انسانها از قلم افتاده است.



۶۱ (لوح بیست و یکم، شماره‌های ۱-۳)

سه شیئی عجیبی که در زیر شماره ۶۱ گردآوری شده‌اند دارای ظاهری مهره‌مانند از جنس گل دارند و حالت کلی آنها بطور مبهمی به شکل مثلث است؛ یکی از آنها (ج.ز. ۶۱ ب) در جهت طولی سوراخ شده است. کتیبه که عمیقاً حکاکی شده، شامل سه یا چهار نشانه است. مقایسه آنها با مهره‌هائی که در بعضی از گورهای آشوری پیدا شده‌اند به نظر نمی‌رسد که ره به جائی ببرد مگر از طریق شکل و ابعاد^(۱). اینها در اولین اتاق مقبره دوم کاخ مقبره پیدا شدند. در مورد وضعیت و مقتضیات

۱- L. NESSERSCHMIDT, *KAH I*, nos 31-33, 35s. et 54. محتوای آن معمولاً دارای سه خط و از نوع زیر است: *ana* J.MEŠCANINOV, *ana balati-šu igiš* (یا *šar mâl Assur*) *ND bêt(i)-i-šu/NP apal NP₂* 7 (1931-1932), pp. 266-267, et fig.1. *A/O*, قطعاتی که ما در اختیار داریم هیچ نوع رابطهای با زیتونهای اتیکت Tello ندارند. مقایسه شود با *Nouvelles Fouilles de Tello*, Paris, 1914, p. 216, 268.

یافته‌ها مراجعه شود به جلد ۴۰ یادنامه‌ها (*Mémoires*)^(۱). هرکدام از این مهره‌ها - یا «زیتون‌ها» - از بین خرده‌های اجساد پیدا شدند که نیمه آهکی شده بودند. احتمال دارد که این چند نشانه فقط نشانگر نام یا کار شخصی باشد که به این ترتیب شناسائی او را در ماوراء جهان تضمین می‌کند. در قرائت آنها چندان قطعیتی وجود ندارد.

چ. ز. ۶۱ الف؛ ۲/۷×۱×۰/۹ سانتیمتر
 mPa-ši-ba(?) یا mpa-ši-šu(?)



چ. ز. ۶۱ ب؛ ۲/۶×۰/۹×۰/۹ سانتیمتر
 ša ru x
 pa(?)ki(?)



چ. ز. ۶۱ ج؛ قطعه ۲/۲×۰/۹×۰/۷ سانتیمتر
 [...l]u(?) -tu-uš



۱- فعلاً مراجعه شود به گزارش مقدماتی هفتمین عملیات (VII Campagne)، نوشته:

R. GHIRSHMAN, *Art Asiatique*, t. VI (1959), pp. 272-278.

متون اکدی

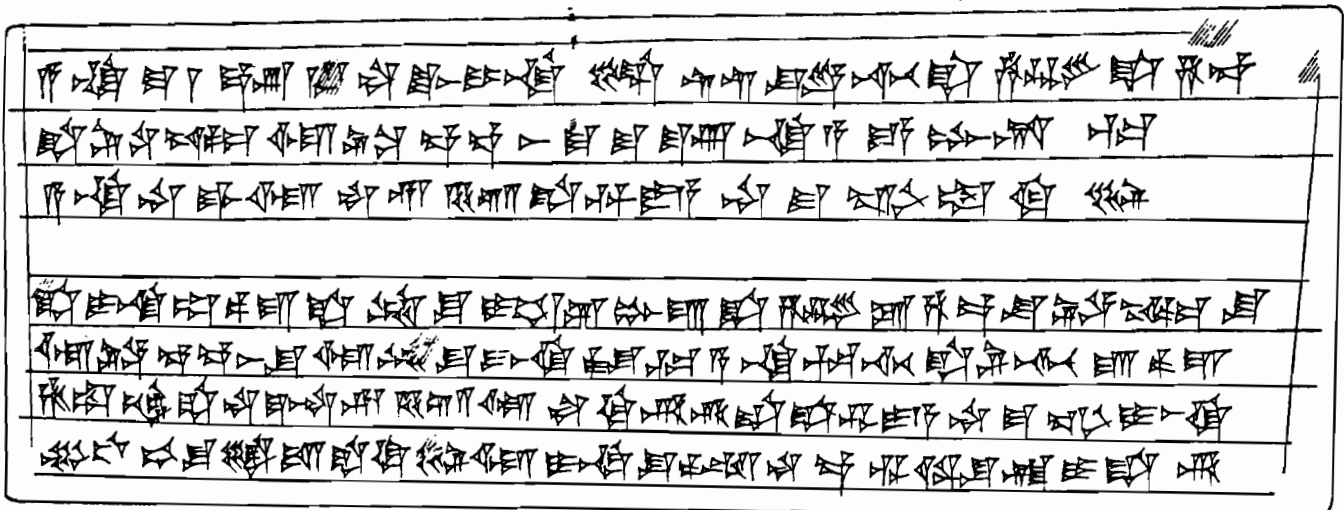
I (لوح بیست و دوم، شماره ۱)

(= Mém., 28, 17; 32, II et II bis)

این متن توسط ۶۶ نمونه معرفی شده است ولی هیچکدام از آنها در سرجای اصلی خود پیدا نشده‌اند. ۳۳ عدد از آنها از «مخزن» به دست آمد؛ ۱۰ عدد از آنها نیز در بازسازی «گذرگاه شاهی» دوباره به کار رفته بودند و ۶ عدد از آنها نیز روی بقیه محوطه پراکنده بودند. با این همه ۱۷ آجر از وجوه زیگورات با نسبت منظم به دست آمدند: در روی هریک از ضلعهای شمال شرقی، شمال غربی، و جنوب شرقی ۴ آجر و ۵ آجر نیز از ضلع جنوب غربی به دست آمد.

کتیبه اشاره به ساختن کوکونو *kukunna* دارد، اشاره به آجرهایی با لعاب رنگین دارد که خرده ریزهای آنها نیز در شیبهای برج مطابق پراکنده بودند، آمیخته با این قطعات لعابدار (چ. ز. II) که در روی آنها توانسته‌اند متنی را بخوانند که نظیر یا همانند چ. ز. I است. این نشانه‌ها و نیز مدول خاص این مواد ما را به سوی یک ساختمان جالب توجه - فقط احتمالاً - واقع در قلّه زیگورات هدایت می‌کند (در این مورد نگاه کنید به تذکراتی که در رأس چ. ز. ۲ قرار دارد).

ابعاد: $35 \times 35 \times 12/5$ سانتیمتر؛ نیمه آجر، $38/5 \times 18 \times 12/5$ سانتیمتر. کتیبه فقط در روی یک وجه آنها، در ۸ خط و یک فاصله (۳+۴) حکاکی شده است. آجرهای زاویه دارای دو وجه کتیبه دار و همچنین با فاصله هستند (۲+۳).



1. a-na-ku mUn-taš-^aGAL i-na li-bi-it-ti ša ħurâši(KÛ.GI) ša kaspi (KÛ.BABBAR)
2. ša NA₄.KA ù NA₄.UD.UD.AŠ ku-ku-un-na-a e-pu-uš-ma
3. a-na^aGAL ù ^aŠušinak (MÛŠ.ERIN) ša si-ia-an ku-uk ad-di-in
4. ša i-na-ap-pa-lu ša libitta(SIG₄)-šu i-ĥe-ep-pu-ú ša ħurâs(KÛ.GI)-sú kasap (KÛ.BABBAR)-
šu NA₄.KA-šu
5. ù NA₄.UD.UD.AŠ-šu ù libitta(SIG₄)-šu i-na-áš-šu-ma a-na ma-ti ša-ni-ti ú-bá-lu
6. ĥa-at-tum ša^aGAL^aŠušinak(MUŠ.ERIN) ù ^aKi-ri-ri-ša ša si-ia-an ku-uk i-na
7. mu-uĥ-ĥi-šu li-iš-ša-ki-in ù i-na šu-pa-al^aŠamaš(UD) se-ru-šu la i-ša-ri

تنوع


۱ - (یک بار) *li-bi-it-li / li-bi-it*۲ - (یک بار) *i-ša-ri / i-ša-ri-i*

ترجمه :

- ۱ - من، اونتاš-گال، از آجرهائی (با بازتاب) طلائی، نقره‌ای،
- ۲ - اوبسیدین (شیشه آتشفشانی سیاه) (؟)، مرمر فام (؟)، این کوکونو را ساختم؛
- ۳ - آن را به خدایان گال و اینشوشیناک، (صاحبان) مکان مقدس، هدیه کردم.
- ۴ - کسی که ویران کند (این را)، منهدم کند آجرهای آن را، آنها را بردارد و به سرزمین دیگری ببرد
- ۵ - طلای آن را، نقره آن را، اوبسیدین (؟) آن را، مرمر فام (؟) آن را
- ۶ - باشد که ترس و بیم خدایان گال، اینشوشیناک و کی‌ری‌ریشا، (صاحبان و مولایان) مکان-مقدس
- ۷ - شامل حال او گردد و باشد که اولاد و سلاله او در زیر خورشید نیک بخت نباشد!

- ۲-۱

می‌توان فرض کرد که در این جا اصطلاح *ina libitti šahurasi...* برای بیان رنگینی آجرهائی با لعابه‌ای شفاف بکار رفته است که پوشش معبد اعلی را تشکیل می‌داده‌اند. بعضی از آنها حقیقتاً دارای بازتابهای طلائی و نقره‌ای بوده‌اند (نگاه کنید به *Mém. 39, p. 37*)؛ تعداد بیشتری از آنها دارای پوشش ضخیمی به رنگ آبی یا آبی متمایل به سبز بوده‌اند. وقتی که متون آکدی بنائی را که در قلعه زیگورات می‌درخشیده، توصیف می‌کنند (من باب مثال مراجعه شود به *VAB, 4, 98 i 25*; اشاره به همین مایه رنگ مسلط دارند که با بازتاب رنگ لاجوردی قابل مقایسه است. *114 i 43; OIP 2 107, VI, 42, etc*)

چنانکه از سفرنامه‌های همراهان آشوربانیپال برمی‌آید، دیوارهای برج مطابق شوش نیز از آجرهای آبی رنگ ساخته شده بود (STRECK, *Assurb.* 2, 52, VI, 28). در این صورت، همیشه عبارت *uqnû*، به معنی «لاجورد» است که بکار رفته است؛ در متن ما وجود ندارد، ولی باید بدون هیچ تردیدی فرض کنیم که جای این عبارت را پاره‌ای از معادله‌های آن گرفته است. *NA₄.KA* (یا *ZÚ*) هم بیانگر اوبسیدین است و هم بیانگر انواع گوناگون سیلکس (ن.ک. *CAD*, s.v. *surru*). این چنین رنگ آمیزی می‌تواند از سیاه به سفید تغییر یابد و از رنگ سبز و شاید هم از رنگ قرمز بگذرد (همان مأخذ، p. 259). در کتیبه‌های چغازنبیل به متغیر *NA₄.KA.DU* برنخوردیم (*Mém.*, 28, 17:2 و 32, II:2؛ آوانگاری آجر موزه لور). آن چه که برای نشانه UD در نظر گرفته‌اند عملاً پایانه نشانه KA است که در این متن نوشته شده و در جاهای دیگر غالباً به صورت  نوشته شده است (ن.ک. به جدول راهنمای تلفظ هجاهای کلمات).

بنابراین، اصطلاح *NA₄.KA* در اینجا می‌تواند بیانگر رنگ آمیزی آبی - سبز اکثریت آجرهای لعابدار باشد^(۱). با عبارت *NA₄.UD.UD.AŠ* احتمال قریب به یقین وجود دارد که با بعضی از «گونه‌های تمام عیار» *UD.AŠ* مواجه هستیم که غالباً به عنوان نوعی مرمرفام تلقی شده است (ن.ک. *J. BOTTÉRO, ARMT*, p. 295). *CAD* (s. v. *gigunû*) از طریق *pappardillu* نمایانگر *UD.UD.AŠ* است؛ در واقع کاملاً به نظر میرسد که، تنها، گروه *UD.AŠ* بتواند به این طریق خوانده شود. معذالک انتخاب رنگها در چغازنبیل بسیار محدود است: پس از آجرهایی با بازتابهای طلائی و نقره‌ای یا با مایه‌ای از رنگ آبی، چیز دیگری نیست مگر بعضی آجرهایی با پوششی به رنگ سفید که می‌توانند به حساب آیند. بنابراین در مورد *UD.UD.AŠ* به رنگ آمیزی روشنی می‌رسیم که کاملاً به حالت رنگی که مرمرفام دارد، نزدیک است.

۳ - *MUŠ.ERIN* را ایدئوگرام خدای اینشوشیناک می‌خوانیم، که در گذشته‌ها به صورت *MUŠ(SUH).ERIN* نیز نوشته می‌شده است (مقایسه شود با 1:5, n. 6, Pl. 6, *Mém.*)^(۲)

۷ - نوع دیگر *NUMUN.NU.TUK* از *Mém.*, 32, II bis : 7 در دسته چ.ز. I ما مورد تأیید قرار نگرفته است.

۱- بررسی یک نمونه (ICF, 12 584) که دارای لعاب ضخیمی به رنگ آبی - سبز است بنا به درخواست ما توسط Laboratoire de Céramique Française de Sèvres به عمل آمد. فکر می‌کنیم که ارائه نتایجی تحلیلی که توسط اسپکتروفتومتری شعله انجام شده، مفید باشد.

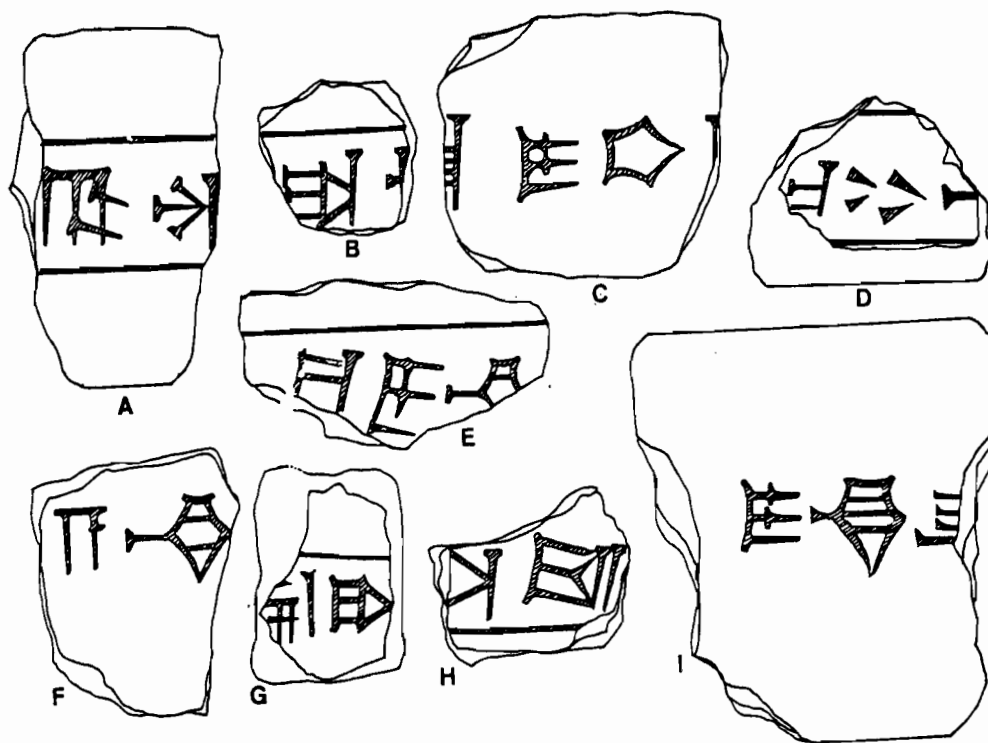
۲- از صمیم قلب از پرفسور E. REINER و آقای CIVIL که این مراجع را در اختیار ما گذاشتند سپاسگزاریم:
 «Diri IV 94: [šu]-šum MUŠ[ERIN.k]I=[Š]U (i.e. Šušum)»
 Proto-Diri 461: MUŠ.ERIN.ki = šu-ú-šu-um
 نام خدا در واژگانها با این خط تند نویسی مورد تأیید قرار نگرفته ولی فقط با نشانه MUŠ (c.-à-d. SUH) مورد تأیید است که - بنابه گفته آقای CIVIL - به عنوان MUŠ به کار می‌رود که نشانه آن در متون قدیمی است: *Šu-ši-nak MUŠ* (a-A VIII/I : 170) = *Šu-ši-nak MUŠ*

II (لوح بیست و دوم، شماره ۶)

این ۹ قطعه آجر لعابدار در طی خاکبرداری از قسمتهای مرتفع زیگورات، از روی سه وجه شمال شرقی (قطعات D, E, F, G)، جنوب شرقی (قطعات A, C, I, H) و جنوب غربی (قطعه B) گردآوری شدند. کتیبه فقط یک خط دارد؛ این کتیبه در روی ضخامت لعاب، قبل از پخته شدن حک شده است. از نزدیک کردن قطعات مختلف چنین حاصل می شود که متن باید در یک گیلوئی ممتد متن چ. ز. I را بازسازی کرده باشد. فرض این موضوع محتمل است که این آجر در تدارکات رنگینی به کاررفته بوده که به تزئین و نمای معبد اعلی را تشکیل می داده است. ارتفاعی که از یکی از این آجرها باقی مانده (چ. ز. I, II) ۱۲ سانتیمتر است.

روی محصول خشک شده در حرارت ۱۰۵/۱۱۰ درجه سانتیگراد نسبتهای زیر به دست آمد:

از بین رفتن درآتش	۱/۳۶
سیلیس	۷۷/۰۰
آلومین (Al_2O_3)	۱/۶۰
اکسید دو تیتان (tiO_2)	۰/۱۰
اکسید آهن (fe_2O_3)	۱/۴۸
آهک (CaO)	۶/۲۱
منگنر (MgO)	۱/۹۰
پتاس (K_2O)	۲/۶۱
سود (Na_2O)	۶/۳۲
لیتیوم (Li_2O)	اثراتی
اکسید مس (CuO)	۰/۸۱



A. (طرحهای چغازنبیل / چهارم / ۱۹۵۵-۱۹۵۴. شماره ۳۵۳). قطعه‌ای با بازتاب طلایی؛ خاکبرداری از وجه جنوب شرقی زیگورات. دسامبر ۱۹۵۴.

[ú mUn]-taš d[GAL...

B. (همان، شماره ۳۵۱). لعاب آبی-تیره؛ وجه جنوب غربی، ژانویه ۱۹۵۵.

ša-a[k...

C. (همان، شماره ۳۵۴). با بازتاب طلایی؛ وجه جنوب شرقی. دسامبر ۱۹۵۴.

[libitta-š]u i-he-e[p-pu-ú

D. (طرحهای چغازنبیل / سوم / ۱۹۵۴-۱۹۵۳. شماره ۳۲۴). لعاب آبی-سبز؛ وجه شمال شرقی.

[i-he-e]p-pu-[ú

E. (همان، شماره ۳۱۱). لعاب آبی؛ وجه شمال شرقی؛ ژانویه ۱۹۵۴.

[libitta]-šu i-na-[aš-šu-ma...

F. (همان، با بازتاب طلایی؛ همان.

a-na[...

G. (همان، شماره ۳۱۲). لعاب آبی؛ همان.

[dŠuši]nak ša[si-ia-an ku-uk...

H. (طرحهای چغازنبیل / چهارم / ۱۹۵۵-۱۹۵۴. شماره ۳۵۲). لعاب آبی-تیره؛ وجه جنوب شرقی. دسامبر ۱۹۵۴.

[l]i-iš-[ša-ki-in...

I. (طرحهای چغازنبیل / ششم / ۱۹۵۷-۱۹۵۶. شماره ۷۰۲). لعاب آبی؛ خاکبرداری از صحن جنوب شرقی، ۱۹۵۶.

i-na š[u-pa-al ...

III

قطعه‌ای از آجر لعابدار، گردآوری شده در جریان خاکبرداری از وجه شمال شرقی زیگورات (طرحهای چغازنبیل / چهارم / ۱۹۵۵-۱۹۵۴، شماره ۳۰۳). نرم و پوک. شدن لعاب، به رنگ سفید متمایل به زرد، قرائت آن را نامطمئن می‌سازد؛ به نظر می‌رسد که محتوای این متن با محتوای متن چ. ز. I متفاوت باشد. این کتیبه دارای هفت خط است که دارای یک فضای خالی بین چهار خط اول و سه خط بعدی است (۳-۴). ارتفاع: ۱۲ سانتیمتر.

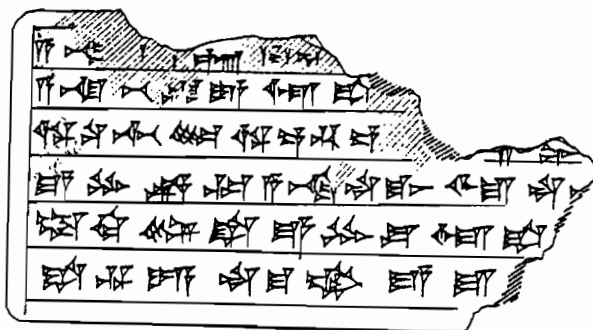


1. [...][^mUn-taš]-^dGAL mâr (DUMU) ^m[...]
2. [...]-an x ša(?) x x x [...]
3. [...]^dSuši]nak ša si-ia-an [...]
4. [...]-el(?) ^dSušinak(MÛŠ.ERIN) [...]

5. [...]ša[libitta(SIG₄)-šu][...]
6. [...]ù ^dKi-ri-ri-ša [...]
7. [...]i-na [...]

IV (لوح دوازدهم، شماره‌های ۲-۳)
(= *Mém.*, 28, 16; 32, I, 1, 2)

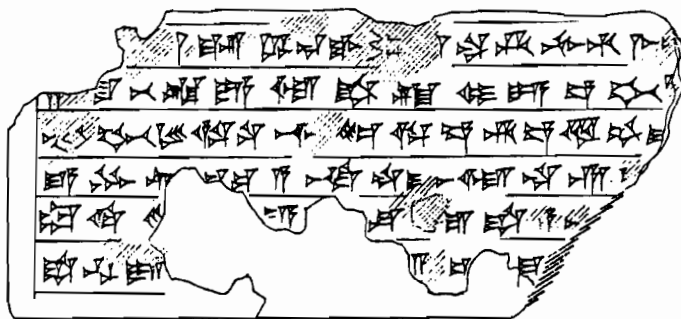
متنی که بر اساس سه قطعه تشکیل شده و بر اساس انتشارات بعدی کامل شده است. محل‌هایی که قطعات آن پیدا شدند عبارتند از TZ IV A که در طول خاکبرداری از صحن شمال شرقی زیگورات و TZ IN B است؛ قطعه سوم آن از اتاق شماره ۱۰ کاخ شماره ۳ پیدا شد.



قطعه A (لوح بیست و دوم، شماره ۲)

متن قطعه A از کتیبه آکدی شماره IV :

1. a-n[a-ku m]Un-taš-^d[...]
2. a-na balâti(TIL.LA)-ia ù ša- [...]
3. ru-qa-ti šar-ru-ut ħu-ud[...]
4. e-pu-uš-ma a-na ^dGAL ù ^d[...]
5. ad-di-in ša e-pu-šu ù ša[...]
6. ša si-ia-an ku-uk e-lu- [...]



قطعه B (لوح بیست و دوم، شماره ۳)

متن قطعه B از کتیبه آکدی شماره IV:

1. [...] ^mUn-taš-^aGAL mâr(DUMU) ^mĦu-ban-nu-me-n[a] ...
2. a-na balâti(TIL.LA)-ia ù ša-la-mi-ia ûmât[i] (UD.KAM.M[ĒŠ]) ...
3. šanâti (MU.KAM.MEŠ) ru-qa-ti šar-ru-ut ħu-ud lib-bi e- [...]
4. e-pu-u[š-m]a a-na ^aG[A]L ù ^aSuši[nak] (MÛŠ.[ERIN]) ...
5. ad-di-i[n ša] e-[pu]-šu ù ša a- [...]
6. ša si-ia- [...] l]u-u[k]-ku- [...]

بازسازی و ترکیب

1. a-na-ku ^mUn-taš-^aGAL mâr(DUMU) ^mĦu-ban-nu-me-na šâr(ĒŠŠANA) Šu-ši ù An-za-an
2. a-na balâti(TIL.LA)-ia ù ša-la-mi-ia ûmât(i)(UD.KAM.MEŠ) ma-a'-dâ-ti
3. šanâti(MU.KAM.MEŠ) ru-qa-ti šar-ru-ut ħu-ud lib-bi e-pé-ši-ia pá-la-ag za-qa-ar šu-mi <-ia>
4. e-pu-uš-ma a-na ^aGAL ù ^aSušinak(MÛŠ.ERIN) ša si-ia-an ku-uk
5. ad-di-in ša e-pu-šu ù ša a-na-ħu ^aGAL ù ^aSušinak(MÛŠ.ERIN)
6. ša si-ia-an ku-uk e-lu-uk-ku-nu li-il-li-ik

- ۱ - من اونتاش-گال، پسر هوبانومنا، شاه شوش و انزان،
- ۲ - برای زندگی ام و سلامتی ام (در طول) روزهای متعدد؛
- ۳ - سالهای دور، «برای این که» عمل کنم به یک پادشاهی کامکار، نهری [قناتی؟ م.]. «به شأن نام خودم»
- ۴ - انجام دادم؛ به خدایان گال و اینشوشیناک، (ولی نعمتان) مکان-مقدس
- ۵ - آن را هدیه کردم. آن چه که من کردم و مرارتی که به خود دادم، «ای» خدایان گال و اینشوشیناک،
- ۶ - (ولی نعمتان) مکان-مقدس، لطفاً بپذیرید!

pá-la-ag - ۳

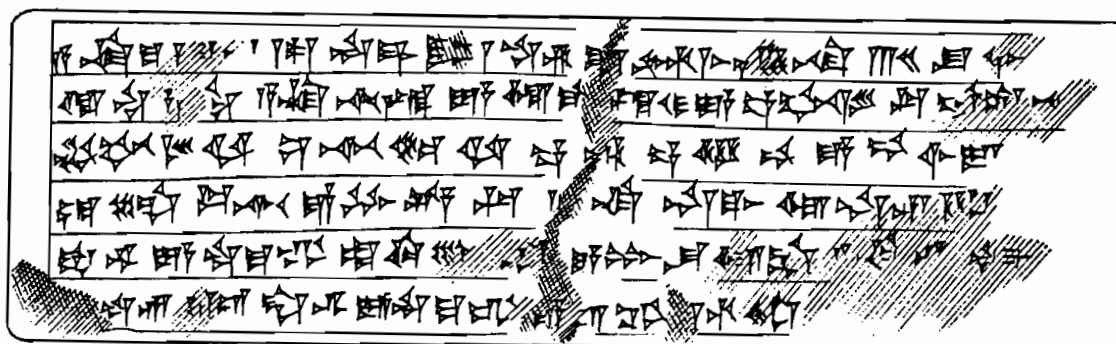
بدر نظر گرفتن عبارات متداول کتیبه‌های روی آجرهای چغازنبیل، که فقط بیان بناها هستند، ترجمه *b/palag* به «نوعی ساز یا ذوق شاعری» (*balangu*, *b/palaggu*) به هیچ وجه قابل دفاع نیست^(۱). در حال حاضر روشن است که در اینجا

۱ - مراجعه شود به 32, p. 15, *Mém.*, که در آنجا آقای روتن RUTTEN امکان ترجمه کلمه را ب «نهر یا قنات» در نظر می‌گیرد. W. VON SODEN, *AHW*, s. v. *balangu*, «Harfe, Leier», متذکر شده است که در این مورد، این موضوع عبارت از تنها

بحث بر سر یک «نهر» (*palgu*) است؛ حفاری‌ها ورودی و مصب آن را به استخر مخزن آبی نمایان ساختند که در مرز شمال غربی حصار سوم واقع شده است^(۱). ما فکر می‌کنیم که کتیبه بعدی، یعنی کتیبه شماره V، اشاره به همین مخزن آب دارد؛ هردو متن، با محتوای مشابه، به دو خلاقیت مکمل اشاره دارند که موجب افتخار و مباحثات «تکنسینهای» ایلامی هستند. نامی که توسط شاه به نهر «خودش» داده شده شاهی بر موجودیت مراسم مشابهی در ایلام است که در همسایگی آنها، در بین‌النهرین وجود داشته است^(۲).

V (لوح بیست و دوم، شماره ۴)

تفاوت این متن با متن قبلی فقط در شیء وقف یا نذر شده است و فقط در دو نمونه نیز وجود دارد. یک آجر آن تقریباً درست. کامل در فاصله‌ای پیدا شد که معبد شیموت / بِلِت-آلی را از حصار دوم جدا می‌کند؛ یک قطعه نیز قبلاً در سال ۱۹۵۲-۱۹۵۳ در جریان خاکبرداری از صحن شمال شرقی زیگورات پیدا شده بود. ابعاد: ۳۵×۳۵×۹/۵ سانتیمتر.



1. a-na-ku m[Un]-taš-^aGAL mâr(DUMU) m^aHu-um-ban-nu-me-en-na šâr(EŠŠANA) Šu-ši
2. ù An-za-an a-na balâti(TIL-LA)-ia ù ša-la-mi-ia ûmâti(UD.KAM.MEŠ) ma-a'-dâ-t[i]
3. šanâti(MU.KAM.MEŠ) ru-qa-ti šar-ru-ut hu-ud lib-bi e-pé-ši-ia
4. LA li-ma-ti e-pu-uš-ma a -na ^aGAL ù ^aSušinak(MÛŠ.ERIN)
5. ša si-ia-an ku-uk ad-di-in š[a] e-pu-šu ù ša[a-na-hu ^aGAL]
6. [ù] ^a[Sušin]nak(MÛŠ.ERIN) si-ia-an ku-uk e-[l]u-uk-[k]u-nu li-[il-li-ik]

نمونه‌ای است که واژه در آن در یک معنی دنیوی و غیرروحانی بکاررفته است. صورت نوشتاری *pá-la-ag* برای «نهر یا قنات» در کتیبه‌ای از puzur (Kutik)-Shushinak در Mém., 4, Pl. 2, col. 2:5 دیده می‌شود.

۱-ن. ک. R. GHIRSHMAN, *Arts asiatiques*, t. 8 (1961), pp. 252-254 et fig. 17 et 19.

۲-مقایسه شود با UET I, n. 44, 45, 46.

در مورد ترجمه آن مراجعه شود به چ.ز. IV.
ترجمه خط ۴ آن چنین است: «استخر دیوار حصار را ساختم...».

۴ - LA limati

ایدئوگرام LA در زبان آکدی توسط *hasbu* به معنی «خاک برای کوزه گر» نشان داده شده است، ولی به معنی «کوزه» یا «ظرف» گلی نیز آمده است (ن. ک. W. VON SODEN, *AHW*, et *CAD*, s. v. *hasbu*). مراجعی که به آنها اقامه دلیل شده است فقط ظروفی را نشان می دهند که گنجایش آنها اندک است.

در حوزه ایلامی، LA با این معنی «کوزه»، «پیمانه»، احتمالاً در کتیبه ای مورد تأیید قرار گرفته که در روی مجسمه ملکه ناپیر-اسو Napir-asu حک شده است (Mém., 5, 65: 15). با این همه، متن قدیمی تری اشاره به ساختن LA از نقره یا مس می کند، که ظاهراً ابعاد بزرگی دارد و آب از آنجا آورده می شود: A ina libbi A.MU.TE (مراجعه شود به Mém., 2, p. 63, col. 2:1,2,6). بر اساس تفسیر عیجویانه V. Schiel، «LA یک شیء نذری کتیبه بوده و احتمالاً یک استخرا یا یک چشمه» (همان مأخذ، p. 64). این نیز پذیرش مشابهی است که در این جا برای ایدئوگرام LA فرض می کنیم. فرضیه ما متکی بر آن است که حفاریها عملاً در چغازنبیل یک مخزن آب ساخته شده از آجر را آزاد کردند که مجهز به یک سیستم عالی ته نشین کردن گل و لای بوده است؛ مجموعه این سیستم سوار بر دیوار حصار خارجی در نزدیکی زاویه غربی است. بنابراین، واژه *limātu* که همراه با ایدئوگرام است، دقیقاً اشاره به همین حصار دارد (ن. ک. به W. VON SODEN, *AHW*, s. v. *liwītum/li-ma-ti*). به نظر ما عبارت «LA ی حصار» به هیچوجه نمی تواند چیز دیگری را نشان دهد مگر همین استخری که به دیوار شهر تکیه داده است، یعنی جایی که نهر یا قناتی که در چ.ز. IV از آن ستایش شده بود، در آنجا سردر می آورد.

VI

در توده ای از سرگرمهای سنگی، که قبلاً در چ.ز. شماره ۵۸ به آنها اشاره شد، دو نمونه وجود دارد که کتیبه ای به زبان آکدی روی آنها حک شده است. هر دوی آنها مربوط به اهدائی است که به نام Attar-kit(t)ah، پدربزرگ شاه اونتاش-گال داده شده است.

VI/۸۱. (طرحهای چغازنبیل / دوم / ۱۹۵۸، شماره ۸۱؛ ن. ک. به: Mém., 39, Pl. LXXXVII et LVII: 10).
ارتفاع: ۴/۸ سانتیمتر؛ حداکثر قطر: ۴/۴ سانتیمتر.



At-tarkit(?) -táh mâr(DUMU) ... šar(EŠŠANA) Šu-ši u An-za-an

« Attar-kittah پسر ... شاه شوش و انزان »

به نظر می‌رسد که روی کتیبه اولیه، که با ظرافت نقش انداخته شده، نام اونتاش-گال دوباره حک شده است (?).

VI/۸۷. (طرحهای چغازنبیل / دوم / ۱۹۵۳، شماره ۸۷؛ 11 (Mém., 39, Pl. LXXXVII et LVII: 11)
ارتفاع ۵/۶ سانتیمتر، حداکثر قطر: ۵/۶ سانتیمتر.



𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵

ša At-tar-ki-táh mâr(DUMU)I-gi-hal-ki- šar(EŠŠANA)Šu-ši
u An-za-an iš !-tu !-ru x x x

« این را Attar-kitah، پسر Igi-halki، شاه شوش و انشان، مکتوب کرد (?)، ... »

VII (لوح بیست و دوم، شماره ۵)

در روی بعضی از عناصر سنگی بکار رفته در بنا - سنگهای زینتی نمای بنا، «حلقه‌های کلون در» که کشوها یا کلونا در آنها می‌لغزیده اند - می‌توان نام شاه را که قبل از آن ضمیر وصفی اکدی ša آمده است، خواند. این نام کم و بیش عمیقاً حک شده است.

a. 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵

b. 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵

چ.ز. VII الف نمونه‌ای از یک کتیبه روی «حلقه چفت در» است که از «دروازه شاهی» گرفته شده (ن.ک. به *Mém.*, 39, Pl. LXXIV, T-Z 714-717).

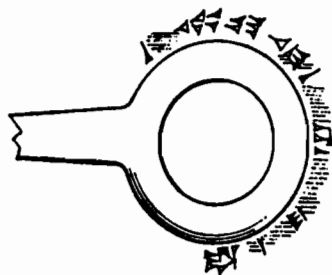
چ.ز. VII ب روی یک سنگ ریگی کنده شده است. کلمه وصفی از قلم افتاده است.

ša Untaš-^dGal

VIII

کتیبه‌ای در روی اشیاء گوناگون مفرغی.

چ.ز. VIII الف : «حلقه چفت در». ن.ک. به 3-4 : *Mém.*, 39, Pl. XXXVI. سایرکتیبه‌ها روی «حلقه چفت در» عبارتند از : *ša šarru U[n]-t[aš-^d]GAL i-pu-[šu]*، همان مأخذ *Pl. XCVIII, G. T.-Z.* این عبارت را به این ترتیب J. Nougayrol خوانده است.

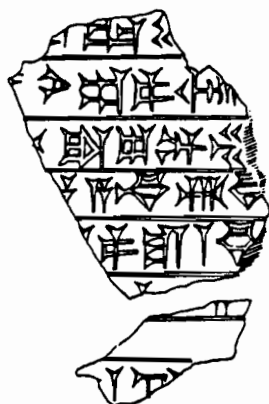


ša mU[n]-taš-^dGAL i-pu-[šu(?)]

چ.ز. VII ب : «بیلچه نذری» یا «marre» که از مفرغ قالبگیری شده و در حفاریهای ر. دومکنم در چغازنبیل پیدا شده است (*Mém.*, 33, p. 57 et fig. 26). در انتهای فوقانی دسته آن کتیبه زیرین حک شده، که G.Dossin آن را منتشر نموده است (*RA*, t. 35 (1938, p. 129-135)).
«marre خدای نابو»، Ma-[a]r-[r]u ša ^dNa-bi-i

چ.ز. نامشخص. (لوح بیست و یکم، شماره ۷)

قطعه‌ای از یک لوح یا ستون یادبود از جنس سنگ آهک، گردآوری شده از پای یک پایه ساخته شده از آجر که در صحن شمال غربی زیگورات، در مقابل معبد کی‌ری‌ریشا برپاشده است (طرحهای چغازنبیل/سوم/۱۹۵۴-۱۹۵۳، شماره ۳۰۸). این سند به قدری کوچک است که از روی آن می‌توان به این نتیجه رسید که آیا متن آن ایلامی است یا آکدی.






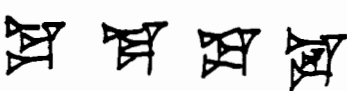



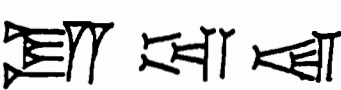










[...]x ka(?) x[...
 [...]ni ap pa ar(?)[...
 [...]ša ap pi mu[...
 [...]x a na ri ki[...
 [...]x pa(?) lu^m di(?)[...]




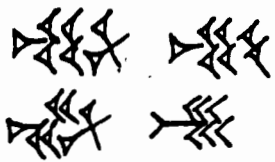

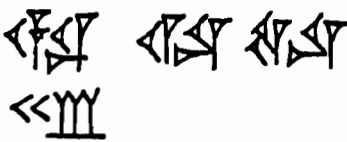



هجاها





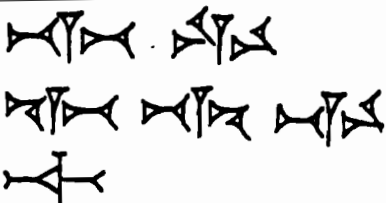







رقمهای ستون اول در ارتباط با شماره گذاری *Akkadische Syllabar* از W. von Soden (*Analecta Orientalia* 27 (1948) است که نشانه‌ها و ارزشهای آن در ستونهای ۲ و ۳ آمده است^(۱). در ستون چهارم شکل‌های عمده‌ای را می‌بینیم که در کتیبه‌های چغازنبیل بکار رفته‌اند. این نشانه‌ها بر حسب ترتیب فراوانی طبقه بندی شده است. ستون پنجم شامل ارزشهای هجائی و ایدئوگرام بکار رفته در ایلامی است. آنهایی که به صورت حروف ایتالیک نوشته شده‌اند ارزشها و ایدئوگرامهایی هستند که منحصرأ در متون و زبان آکدی ارائه شده‌اند. در ستون ششم اسناد و مدارک مختصری آورده شده که در پاره‌ای جهات نشانگر هستند.






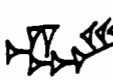






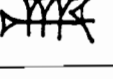
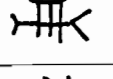

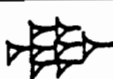


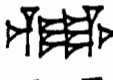

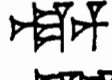
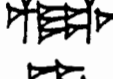
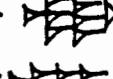
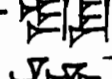

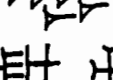



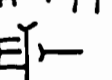
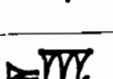
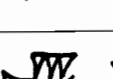
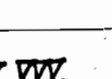
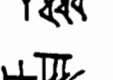

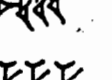
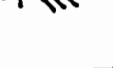

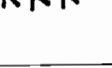
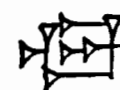



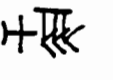


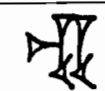
۱- بعضی از نشانه‌ها که خالصأ ایدئوگرافیک هستند و در *Akk. Syll.* وجود ندارند، تحت شماره نظم نشانه قبلی طبقه‌بندی شده‌اند که آن را به دنبال آن یک حرف کوچک آمده است: SIG₄; EŠŠANA:320b


















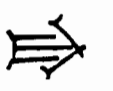

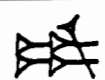



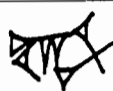
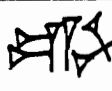









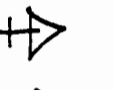


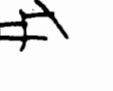

شماره A. S.	نشانه	ارزش	شکل عمدهٔ بکار رفته در کتیبه‌های چغازنبیل	ارزش هجائی	پاره‌ای سندها
۱		AŠ		AŠ	<i>NA</i> ۴.UD.UD.AŠ, متون آکدی: ۲، ۵ تنها مورد
۲		HAL		<i>hal</i>	در اسم خاص متون <i>I-gi-hal-ki</i> , آکدی / ۸۷
۴		BA		<i>ba, pà</i>	در اسم خاص <i>Hu-ba-nu-me-na</i> متون ایلامی ۴۳:۱؛ ۴۲:۱ <i>Mém., b/pá-la/ag</i> , 28, n. 16: 3; و (متون) <i>Mém.</i> (شماره ۲). آکدی، (شماره ۲) 32, n. I et 2: 3 (= TZ II)
۵		ZU		<i>zu</i> <i>sü</i>	<i>zu-uz-ka-táh</i> متون ایلامی چغازنبیل 53 A:6 <i>sú-un-ki-ik</i> , در همه جا <i>sú-ku-ša-ak</i> , متون ایلامی چغازنبیل 2:7 بانشانهٔ بعدی متناوب می‌شود.
۶		SU		<i>su</i>	<i>su-un-ki-ik</i> , در همه جا

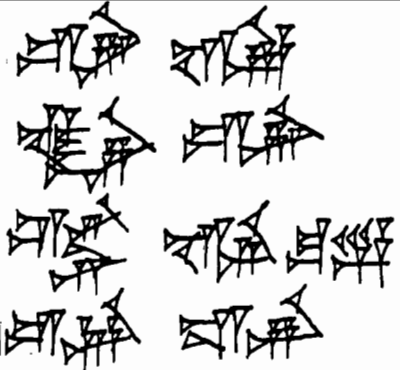
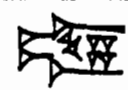

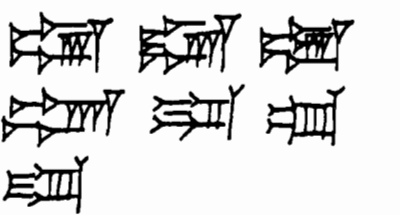

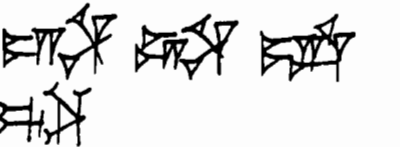

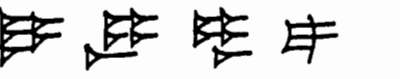





در اسم خاص متون <i>At-tar-ki-tah</i> آکدی و ایلامی VI/87	<i>tar</i>		TAR		۱۱
علامت بیانی ماقبل نام خدایان <i>an-ka</i> ، متون ایلامی 2:10، <i>ta-an-ra</i> ، متون ایلامی 2:7 <i>si-ia-an</i> در همه جا.	<i>an</i>		AN		۱۲
<i>Su-šu-un-ka</i> (متغیر آن <i>Su-š-un-ga</i>)، در همه جا <i>hi-en-ka</i> (متغیر آن <i>hi-en-ga</i>)، در همه جا در ایدئوگرام <i>NA₄KA</i> ، متون آکدی I:2,4،	<i>ka</i> <i>KA</i>		KA		۱۵
در همه جا ایدئوگرام «استخر» مخزن آب؟ متون آکدی V:4 <i>hasbu</i> خوانده می شود؟	<i>la</i> <i>LA</i>		LA		۲۷


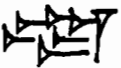



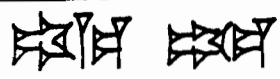




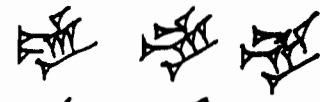
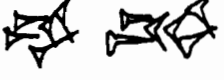

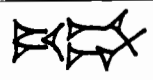
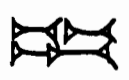
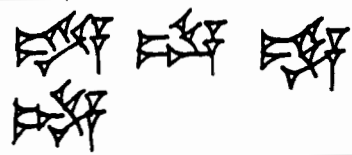

متون [u-tu-uš (?)] ایلامی 61:c	tu		TU		۳۰
در همه جا	li		LI		۳۱
در همه جا <i>MU.KAM.MEŠ</i> متون اکدی IV:3; V:3	mu <i>MU</i>		MU		۳۵
در همه جا	ru		RU		۴۱
متون Be-li-li-it، ایلامی 50:1 <i>e-pe-ši-ia</i> متون اکدی IV:3; V:3 <i>a-na ba-la</i> <i>-ti(TIL.LA)-ia</i> متون اکدی IV:3; V:3	be <i>pé</i> <i>TIL</i>		BAD		۴۲

در همه جا	na		NA		۴۳
در اصطلاح NUMUN.NU.TU, Mém. 32, n. TT= متون آکدی 7:I	NUMUN		NUMUN		۴۵
	ti		TI		۴۶
nu-ul-ki-ip-pi, 18:3, ku-ku-un-nu-im/ ku-ku-nu-um, در همه جا: 1 ایدئوگرام. نگاه کنید به NUMUN بالا.	nu NU		NU		۴۹
hu-šū-ia متون ایلامی 1:4 hu-hu-un متون ایلامی 31:6	hu		HU		۵۲
su-un-ki-ik در همه جا؛ in-di-ig-ga (با in-di-ik-ka متناوب می شود)، متون ایلامی 1:4، در همه جا	ig ik		IG		۵۵



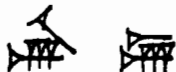

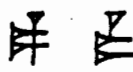









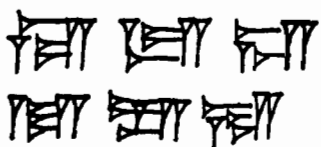

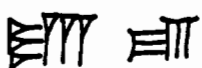

ND Ši-mut, فقط در 15:2,4; 16:4	mut		MUD		۵۶
zi-it-im-ma, 26:3 zi-it-me, 27:6 (با si-it-me به دنبال هم می آیند, 6:4; 28:3).	zi si		ZI		۵۹
Hu-ban-nu-me-na-gi (Hu-ban-nu-با) me-na-ki به دنبال هم می آیند, در همه جا; gi-nu-ni (و ki-nu-ni) متون ایلامی 27:8 ایدئوگرام در KÙ.GI, متون آکدی. I: 1,4.	gi ki GI	   	GI		۶۰
	ri	    	RI		۶۱
a-ak, در همه جا pá-la-ag متون آکدی چغازنبیل. IV:3.	ak ag	                       	AG		۷۰
	en	     	EN		۷۱





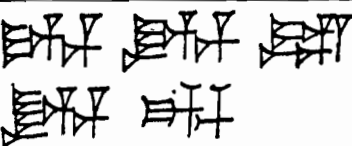
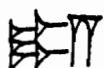
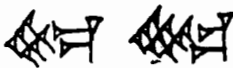

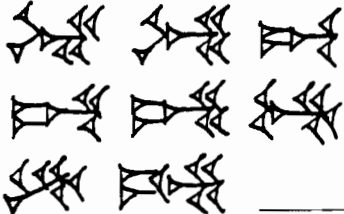

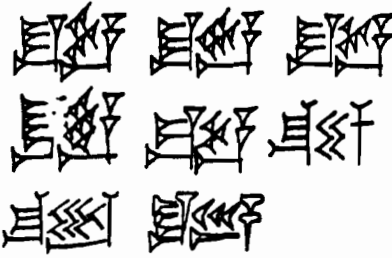

ایدئوگرام: اولین عنصر نام شوسیناک. متون ایلامی V: 4,5; I:3,6; IV: 4,5;	MUS		INANNA		۷۵
hu-sa-a, 34:5. sa-ah-ri, 53 B:10.	sa	 	SA		۷۶
si-ia-an در همه جا si-it-me, در همجا (با zi-it-me متناوب می شود، متون ایلامی چغازنبیل 26:3)	si si	     	SI		۸۵
ایدئوگرام (؟) mHAR.SAG(?) 58:5.	SAG(?)		SAG		۸۷
hu-ut-tak در همه جا	tak	    	TAG		۹۲
در همه جا	ap	 	AB		۹۳
uk-ku-ma ، متون ایلامی چغازنبیل؛ ku-uk ، در همه جا.	uk	              	UG		۹۶




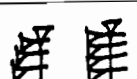

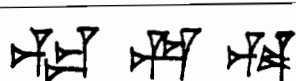

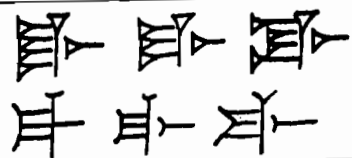

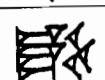

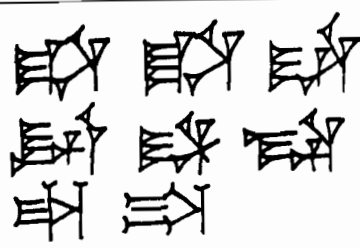

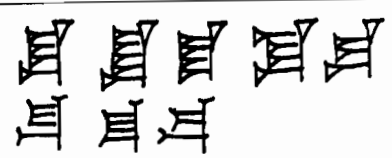



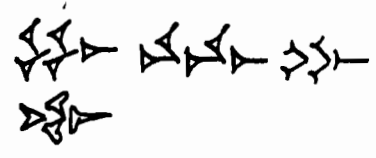
az-ki-it ، در همه جا	az		AZ		۹۷
<i>i-na-as-sa-hu</i> متون ایلامی چغازنبیل، 32:8 ، <i>i-na-as-sà-ku</i> ، همانجا.	as				
um-me ، متون ایلامی چغازنبیل 53 A:4: 55:4 (با im-me متناوب می شود) hu-ban-um-me- en-na-ki ، در همه جا؛ Hu-um-ban ، در همه جا؛ pi-tu ₄ -um-ma ، متون ایلامی چغازنبیل 22:4 (با pi-tu ₄ -ma متناوب می شود).	um		UM		۱۰۰
در همه جا. <i>ma-a'-dà-ti</i> ، متون آکدی چغازنبیل، IV:2; V:2	ta dà		TA		۱۰۲
در همه جا.	i		I		۱۰۳
در همه جا	ia		IA		۱۰۴
متون آکدی III ، IV V:1،	DUMUN <i>mâru</i>		TUR		۱۰۷

۱۰۸ at ۱۰۸ ad-di-in متون آکدی I:3	at da	 	AD		۱۰۸
در همه جا	in		IN		۱۱۰
a-na-dû-ri (BAD) 32,8,9 متون ایلامی	BÂD dûru		BÂD		۱۱۴
mu-ur-táh متون ایلامی 13:3 و غیره hu-uh-táh متون ایلامی 53A:5 At-tar Kit(?) -tah متون آکدی و ایلامی VI/81; 87	táh tah	 	GAB		۱۱۷
a-áš-ta-am متون ایلامی 12:3 la-am متون ایلامی 55:6	am	 	AM		۱۲۰
up-qu-mi-a متون ایلامی 1:5 (متغیر آن ؛(up-ku-mi-a ڭ-qu-tu4 متون ایلامی 32:6	qu		KUM		۱۲۹
il-li-na متون ایلامی ip-il-la-ti5:5 متون ایلامی 23:2	il		IL		۱۳۴

du-ni-ih (متغیر: tu ₄ -ni-ih متون ایلامی 2:4 در همه جا؛ u-dur-ur متون ایلامی 32:5، (متغیر: š _u -tu ₄ -ur ₇ متون ایلامی 31:4).	du tu	 	DU		۱۳۵
ن.ک. به بالا. zag/sig-ra-tu ₄ -me متون ایلامی 22:4؛ 1:7 tu ₄ -ru-un-ka متون ایلامی 27:2؛ ha-at-tum متون آکدی I:6	tu ₄ tum	 	TUM		۱۳۷
در همه جا	uš	 	UŠ		۱۳۸
در همه جا	iš	 	IŠ		۱۳۹
Na-bi-um ^d متون ایلامی 42:4,5 li-bi-it-ti متون آکدی I:1	bi	 	BI		۱۴۰
kib-ra-at (متغیر: ki-ib-ra-at متون ایلامی 21:2,5)	kib/p		KIB		۱۴۲
ایدئوگرام NA ₄ KA, متون آکدی I:2,4؛ NA ₄ .UD.UD.AŠ متون آکدی I:2,5	NA ₄	 	NA ₄		۱۴۳

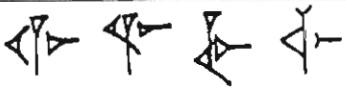


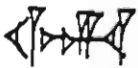




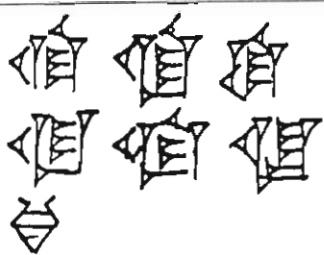





در همه جا	ni		NI		۱۴۶
در همه جا	ir		IR		۱۴۷
در همه جا <i>pa-la-ag</i> (متغیر: <i>pa-la0ag</i> ، متون آکدی IV:3	pa		PA		۱۵۳
در همه جا	al		AL		۱۶۰
در همه جا	ub/p		UB		۱۶۱
در همه جا	e		E		۱۶۳
در همه جا	un		UN		۱۶۵
za-ah-ri (با) sah-ri متناوب می شود. متون ایلامی 1:4 و غیره. تنها مورد مصرف.	sah		KID		۱۶۶
در همه جا KU.U.KUŠ (?) متون ایلامی 24:3 «ارش، زراغ» (?)	ú KÜŠ		Ú		۱۶۹

Šu-šu-un-ga (بـا) šu-su-un-ka متناوب می شود (متون ایلامی 24:1; 31:1 (متغیر) hi-en-ga (بـا) (hi-en-ka متون ایلامی 1:4 در همه جا؛ in-di-ig-ga (بـا) in-di-ik-ka متناوب می شود (متون ایلامی 1:4 در همه جا.	ga ká		GA		۱۷۰
منحصرأ در ایدئوگرام NIN.É.GAL متون ایلامی 47:3,4	É		É		۱۷۴
در همه جا	ra		RA		۱۷۸
šar-ru-ut متون آکدی IV:3; V:3	šar		SAR	 BAB.	۱۸۴
zag-ra-tu ₄ -me متون ایلامی 22:4; 1:7 (متغیر: sig-ra-tu ₄ -me)	zag		ZAG		۱۸۵
در همه جا id(?) -du-ni-ih متون ایلامی 57:3	it id		ID		۱۸۷

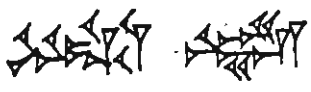



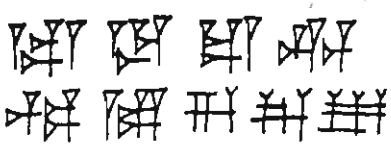





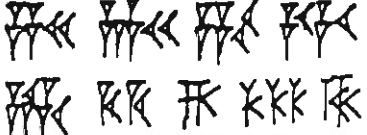







۱۹۱		DA		da	متون d]a-la-as-sù ایلامی 32:9
۱۹۲		ÁŠ		áš	متون a-áš-ta-am ایلامی 12:3 متون si-ma-áš 38:3
۱۹۳		MA		ma	در همه جا
۱۹۴		GAL		GAL	ایدئوگرام GAL
۱۹۷		GIR		kir	متون Kir-ma-šir ⁸ ایلامی 30:2
۲۰۲		ŠA		ša	در همه جا
۲۰۹		ŠU		šu	در همه جا
۲۱۲		ŠE		še	متون hi-i-še 31:5; 32:6
۲۱۳		BU		bu pu	متون Na-bu-ú ایلامی 41:3,4 متون pu-uk-ši ایلامی 46:2 متون a-pu 2:3

متون hu-us-si-ip-me ایلامی ۱:۵	us uz		UZ		۲۱۴
متون zu-uz-ka-táh ایلامی 53 A:6					
d Kir-ma-šir ⁸ -me متون ایلامی 30:2	šir ₈		ŠUD		۲۱۵
مشکوک و مبهم: متون ایلامی 53A:6	muš MUŠ?		MUŠ		۲۱۶
	tir		TIR		۲۱۷
در همه جا متون i-te ₄ -hi-ma ایلامی 32:9	te te ₄		TE		۲۱۸
متون su-kar-tah ایلامی 39:4	kar		KAR		۲۱۹
متون hu-ut-tak ایلامی 1:7؛ در همه جا UD, متون اکدی I:7؛ , NA ₄ UD.UD.AŠ متون اکدی I:2,5	ut UD		UD		۲۲۱
در همه جا متون li-bi-it-ta-šu ایلامی 32:8	pi bi		PI		۲۲۳
lib-bi متون ایلامی V:3؛ IV:3	lib		ŠÂ		۲۲۴
در همه جا متون i-he-ep-pu-u اکدی I:4	hi he		HI		۲۲۹

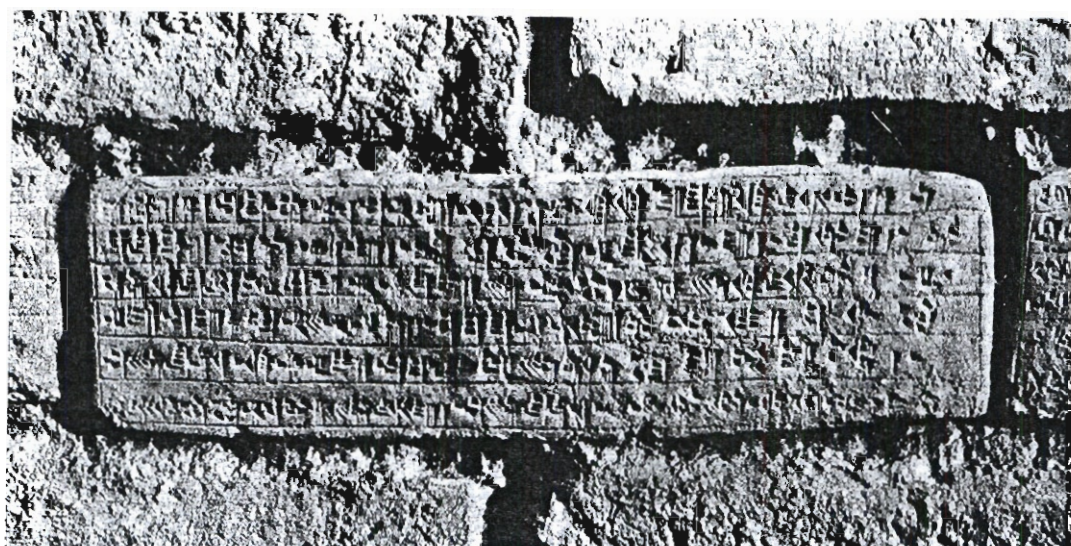
اشتباه با نشانه بعدی. 234:AH. ku-ši-ih در همه جا ma-a'-dā-ti متون آکدی IV:2; V:2	ah, ih, eh, uh. a'		A'		۲۳۳
مبین تابع اعداد ترتیبی؛ UD.KAM.MEŠ متون آکدی IV:2; V:2	KAM		KAM		۲۳۵
در همه جا ایدئوگرام IM، متون ایلامی 13:2.3.4; 14:4	im IM		IM		۲۳۶
ایدئوگرام «سنگ»، HAR.SAG. متون ایلامی 58:5	HAR(?)		HAR		۲۳۸
Šu-ši u An-za-an متون آکدی IV؛ KU U U متون ایلامی 24:3 عدد ۱۰ (؟)	u U (?)		U		۲۴۲
در همه جا	mi		MI		۲۴۸
Hu-ban-nu- me-na-ki	ban		PAN		۲۵۶
در همه جا	ul		UL		۲۵۸
Pi-ni-gir، متون ایلامی 10:2,3,4.	gir		GIR		۲۵۹

در همه جا	ši		IGI		۲۶۱
در همه جا	ar		AR		۲۶۳
ù (متغیر ù) Un-taš-gal _m در همه جا. Šu-ši ù An-za-an و غیره. متون اکدی IV:1-2؛ متون ایلامی/اکدی VI/87؛ VI/81	ú		Ù		۲۶۴
Hi-iš-mi-di-ik _h متون ایلامی 39:4,5؛ Hi-iš-mi-ti-ik _h متون ایلامی 19:2	di ti		DI		۲۶۶
در همه جا	ki		KI		۲۶۹
فقط در ایدئوگرام KÙ.GI (hurâsu) و KÙ.BABBAR (Kaspu)، متون اکدی I:1,4.	KÙ		KÙ		۲۷۲
مبین پیشین نام خاص انسان، در همه جا. در متون ایلامی 58:5 و 9:5 شاید نشانگر وحدت است: یک.			DIŠ		۲۷۶

در همه جا؛ با mi مستناوب می شود: up-ku-me-ia/up- ku-mi-ia متون ایلامی 1:5 (متغیر).	me	𐎠 𐎡 𐎢 𐎣	ME	𐎠	۲۸۷
مبین جمع، متون آکدی IV:2,3; V:2,3	MES	𐎠𐎡𐎢	MES	𐎠𐎡𐎢	۲۸۸
در همه جا ki-ib-ra-at متون ایلامی 21:2,5	ip ib	𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢	IB	𐎠𐎡𐎢	۲۸۹
در همه جا PA.TÚG (Nusku) متون ایلامی 23:5,6 و غیره.	ku TÚG(?)	𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢	KU	𐎠𐎡𐎢	۲۹۰
در همه جا	lu	𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢	LU	𐎠𐎡𐎢	۲۹۲
عنصر دوم نام خدای شوشیناک، متون آکدی I:3,6; IV:4,5; V:3,4.	ERIN	𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢	ERIN	𐎠𐎡𐎢	۲۹۵b
اب-دئوگرام در : Bèlet (NIN)-a-li متون ایلامی 15:2,3; NIN.É.GAL 16:4 47:3,4	NIN bèltu	𐎠𐎡𐎢 𐎠𐎡𐎢	NIN	𐎠𐎡𐎢	۳۰۰

ایـدئوگرام در : <i>Jibitta-šu</i> متون اکدی I:4,5	<i>SIG₄</i> <i>libittu</i>		<i>SIG₄</i>		۳۰۷a
<i>NUMUN.NU.TUK</i> <i>Mém. 32</i> متون ایلامی II مکرر: 7	<i>TUK</i> <i>taš</i>		<i>TUK</i>		۳۰۹
در همه جا <i>Un-taš-d GAL</i> m ، در همه جا	<i>ur</i> <i>taš</i>		<i>UR</i>		۳۱۰
در همه جا	<i>a</i>		<i>A</i>		۳۱۱
در همه جا	<i>za</i>		<i>ZA</i>		۳۱۶
	<i>ha</i>		<i>HA</i>		۳۱۷
نمونه منحصر به فرد: <i>sig-ra-tu₄-me</i> متون ایلامی 1:7 (متغیر <i>zag-ra-tu⁴-me</i>).	<i>sig</i>		<i>SIG</i>		۳۲۰
ایدئوگرام <i>šar- šu-ši à</i> <i>An-za-an</i> متون اکدی IV:1; V:1; VI	<i>šurru</i>		<i>EŠŠANA</i>		۳۲۰b
متون ایلامی <i>si-el-tu</i> 32:9	<i>tu(?)</i>		<i>TU</i>		۳۲۲

تصاویر



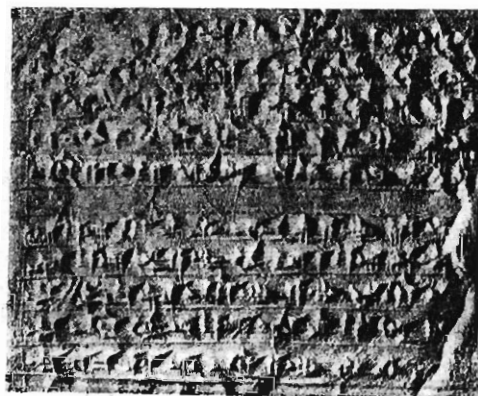
لوح شماره ۱

۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۱! در محل اصلی. وجه شمال غربی. ۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۱: در ۵ خط.

۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۱A. ۴ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۱A.



لوح شماره ۲



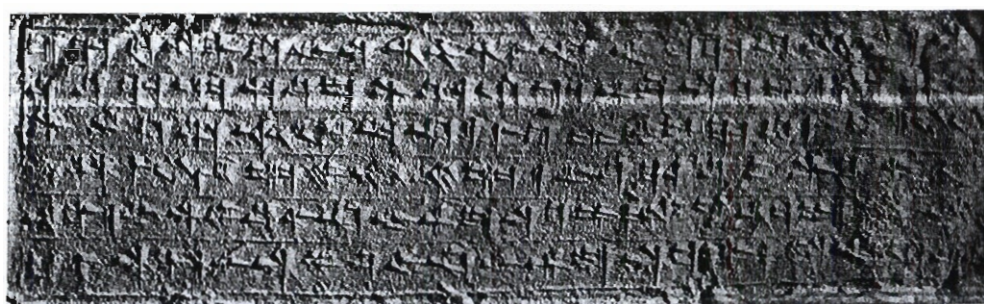
۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۱B.

۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲B.

۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲A.

۴ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳.





لوح شماره ۳

۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲.۴A - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳.۴B - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴.۵ - متون ایلامی چغازنبیل،



لوح شماره ۴



لوح شماره ۵

۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲.۱۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳.۱۲- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴.۱۳- متون ایلامی چغازنبیل.



لوح شماره ۶

۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲.۱۵ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳.۱۶ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴.۱۷ - متون ایلامی چغازنبیل،



لوح شماره ۷

۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲.۱۸ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳.۱۸ متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲.۱۹ - متون ایلامی چغازنبیل.



رج شماره ۸



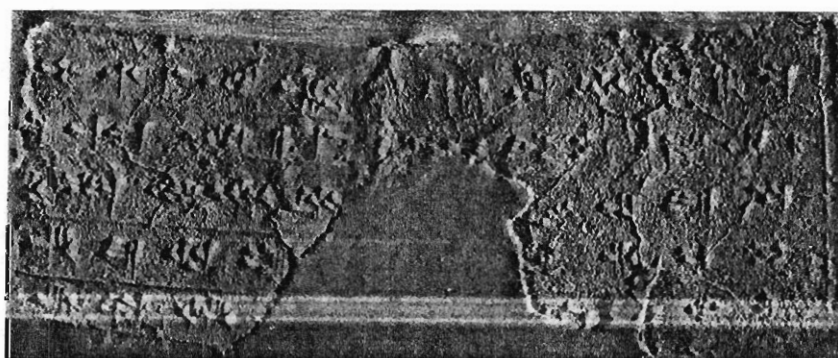
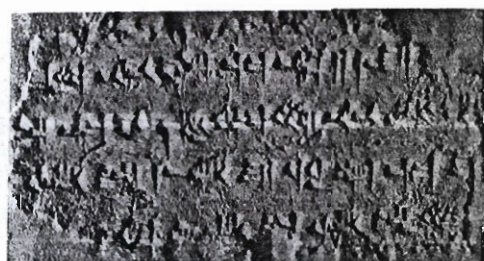
- ۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۰.
- ۲- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۱.
- ۳- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۲.
- ۴- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۳A.
- ۵- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۳B.
- ۶- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۳C.





لوح شماره ۹

۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۳D. ۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۴. ۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۵B. ۴ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۴. ۵ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۵A.



لوح شماره ۱۰

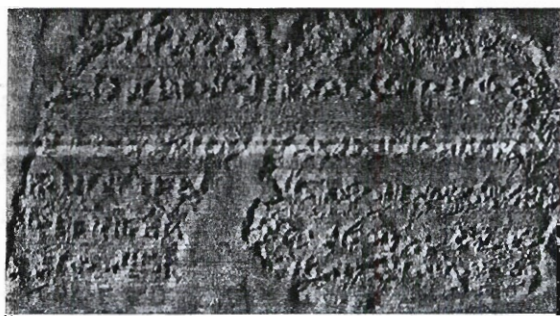
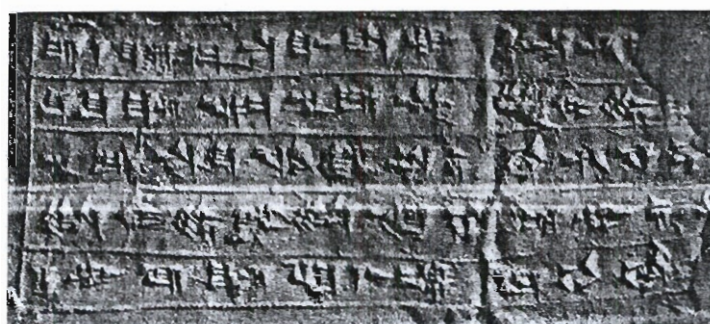
۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۶A-۲. متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۶C-۳. متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۶B-۴. متون ایلامی

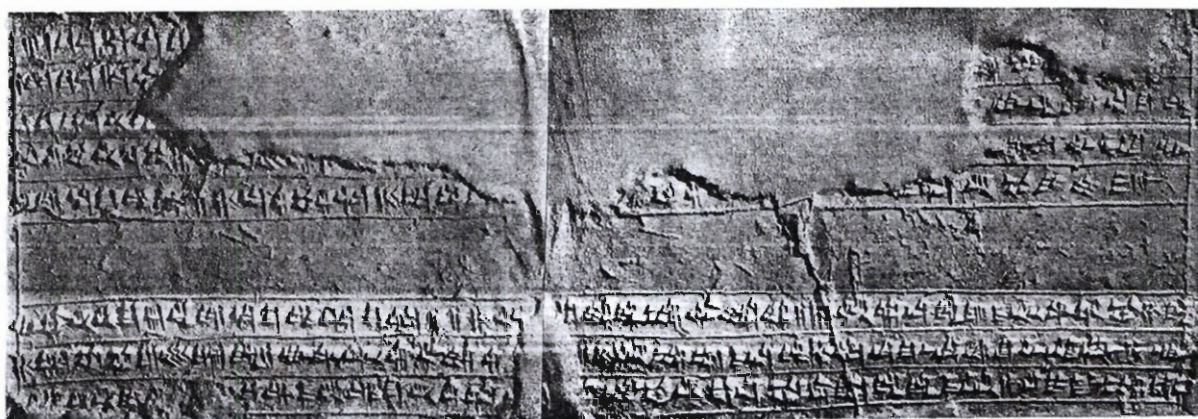
چغازنبیل، شماره ۲۶D-۵. متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۶E-۶. متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۷



لوح شماره ۱۱

- ۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۸A
- ۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۸B
- ۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۸C
- ۴ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۹A
- ۵ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲۹B
- ۶ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۰A
- ۷ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۰B





لوح شماره ۱۲

- ۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۱A.
- ۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۱B.
- ۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۱C.
- ۴ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۱D.





لوح شماره ۱۳

۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۱D چکس

۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۱E.

۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۲C.

۴ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۲A.

۵ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۲B.



ح شماره ۱۴



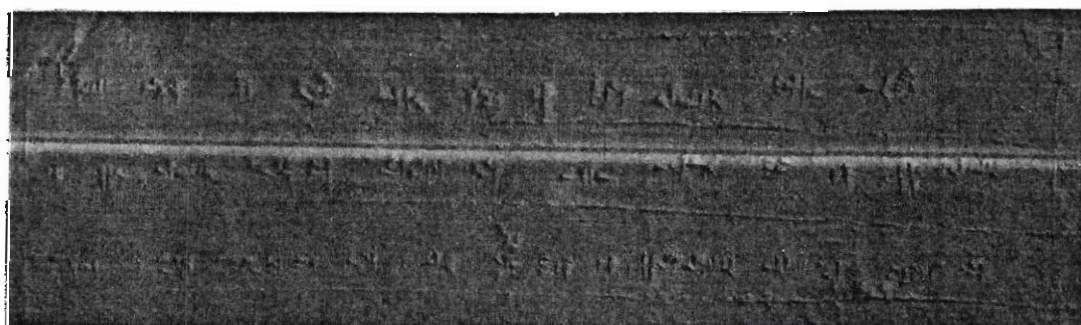
۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۲D.

۲- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۲E.

۳- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۳.

۴- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۴.

۵- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۴.





لوح شماره ۱۶

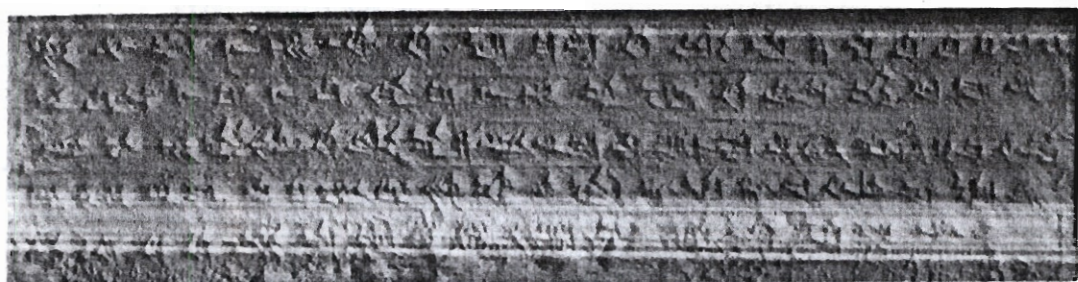


۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۹.

۲- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳۹.

۳- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴۰.

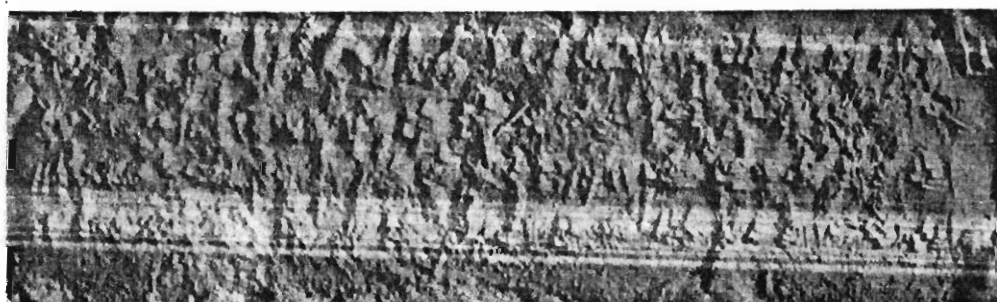
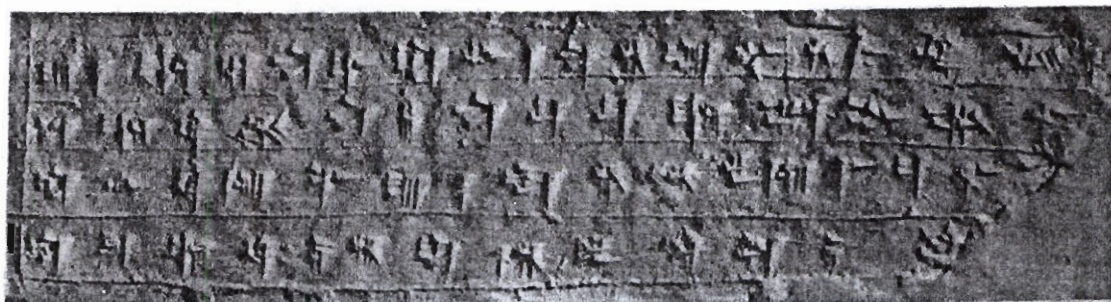
۴- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴۱.





لوح شماره ۱۷

۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۲.۴۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۳.۴۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۵.۴۴ - متون ایلامی چغازنبیل.



شماره ۱۸



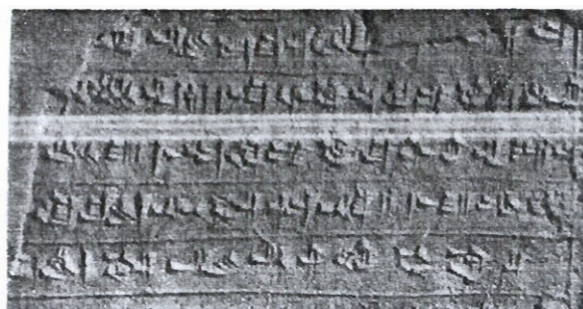
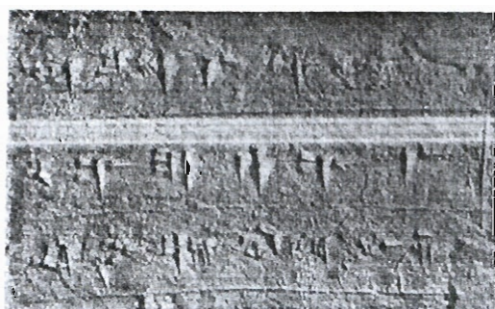
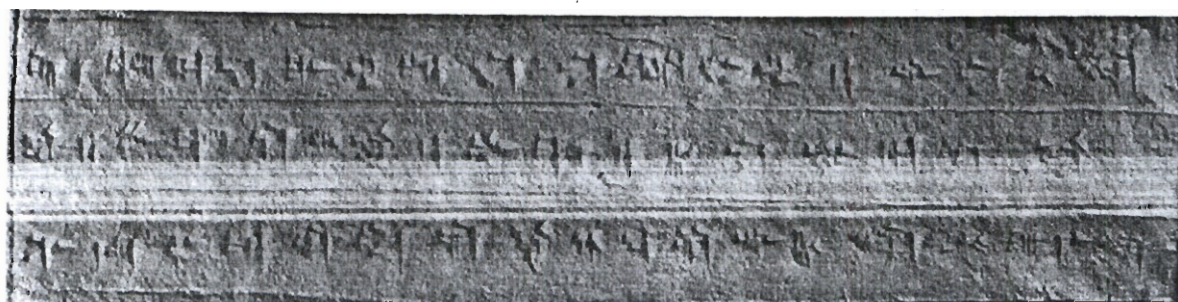
متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴۶.

متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴۷.

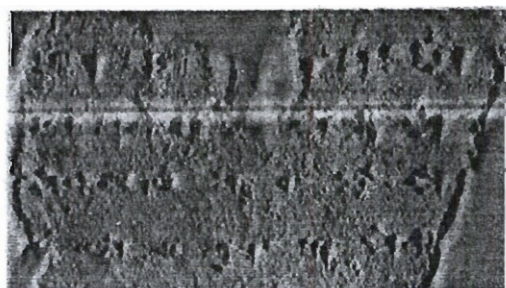
متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴۷.

متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴۸.





لوح شماره ۱۹



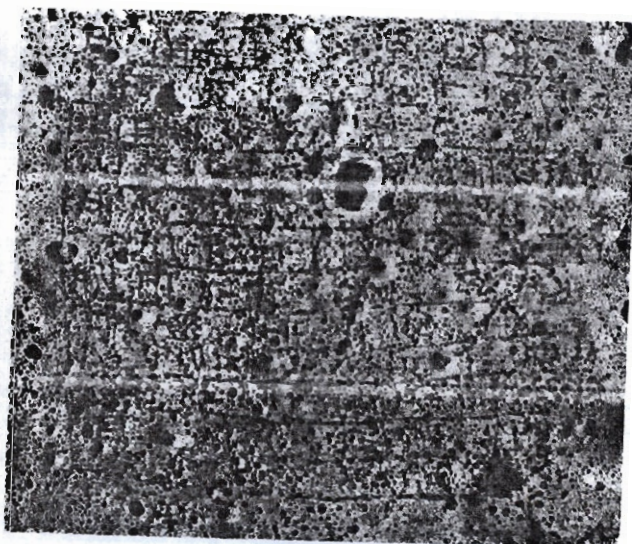
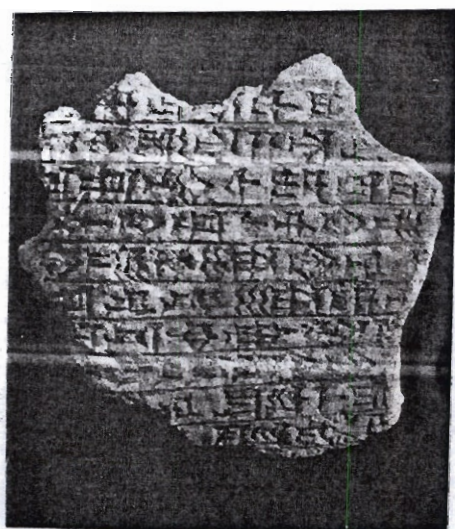
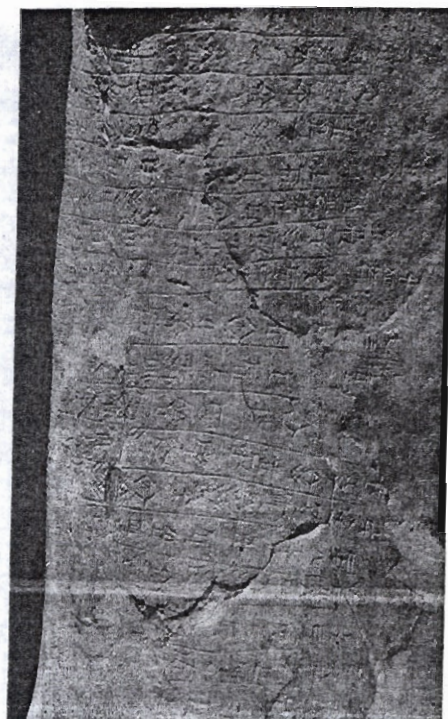
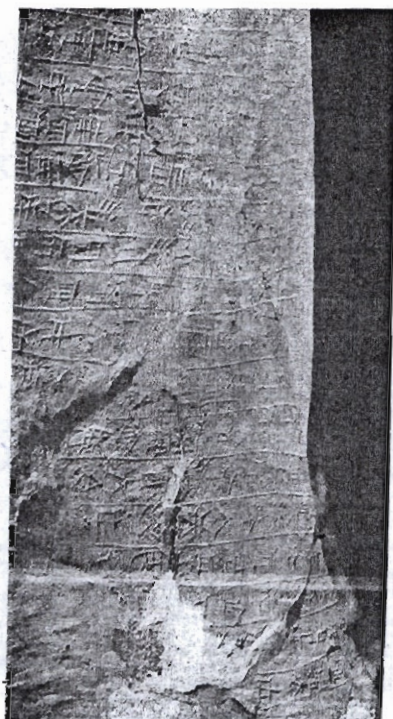
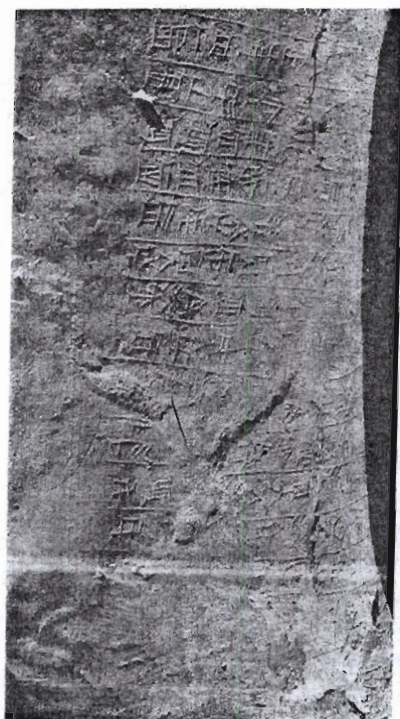
۱- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۴۹.

۲- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۰.

۳- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۰.

۴- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۱.

۵- متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۲.



شماره ۲۰

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۳A

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۳B

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۳A

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۳B

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۳C

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۳B

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۳B

متن ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۵



لوح شماره ۲۱

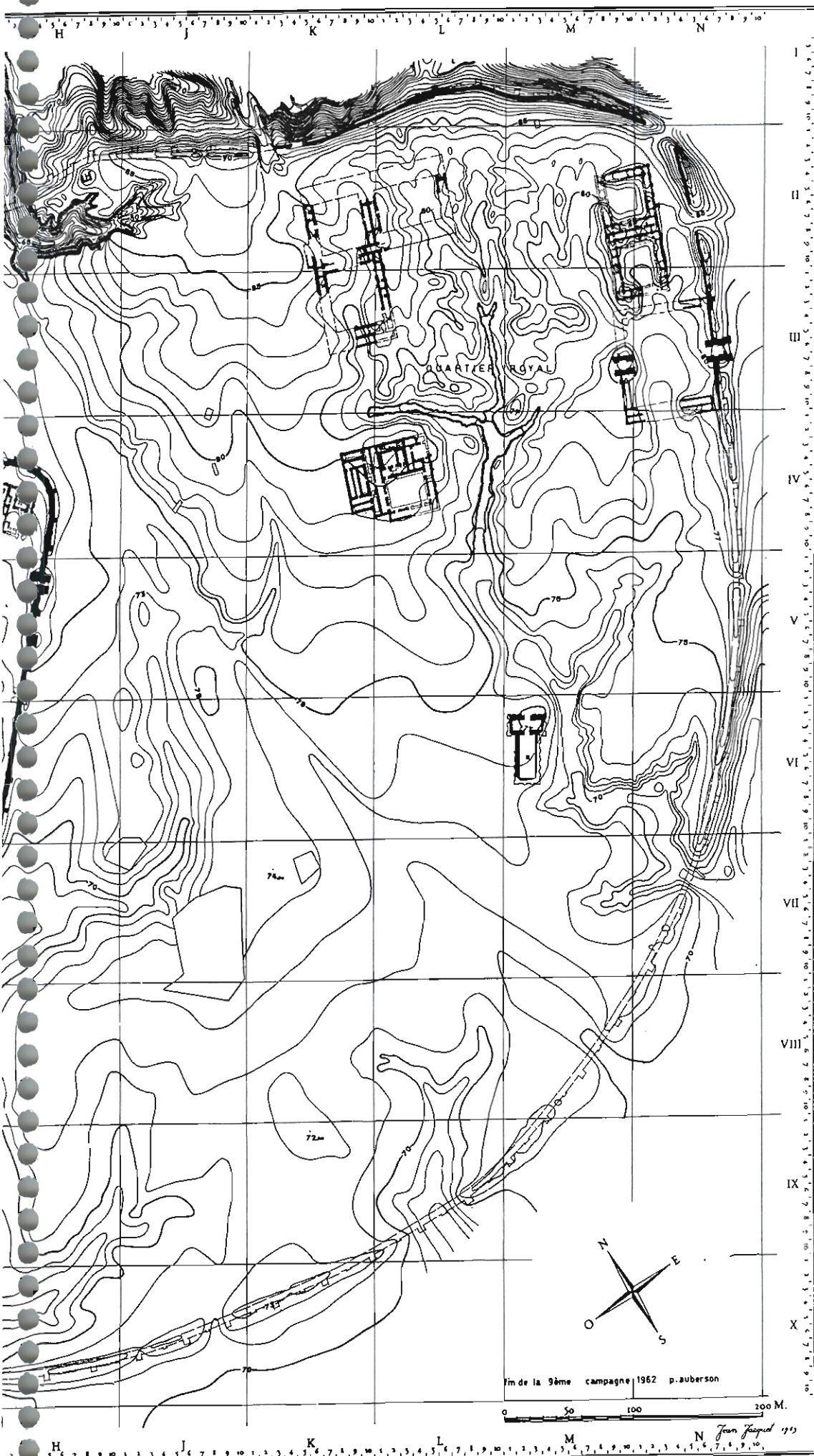
- ۱ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۶۱۸. حدود ۴ برابر بزرگتر شده
- ۲ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۶۱۵. حدود ۴ برابر بزرگتر شده
- ۳ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۶۱۷. حدود ۴ برابر بزرگتر شده
- ۴ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۶۰
- ۵ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۷
- ۶ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ۵۷
- ۷ - متون ایلامی چغازنبیل، شماره ناشناخته.



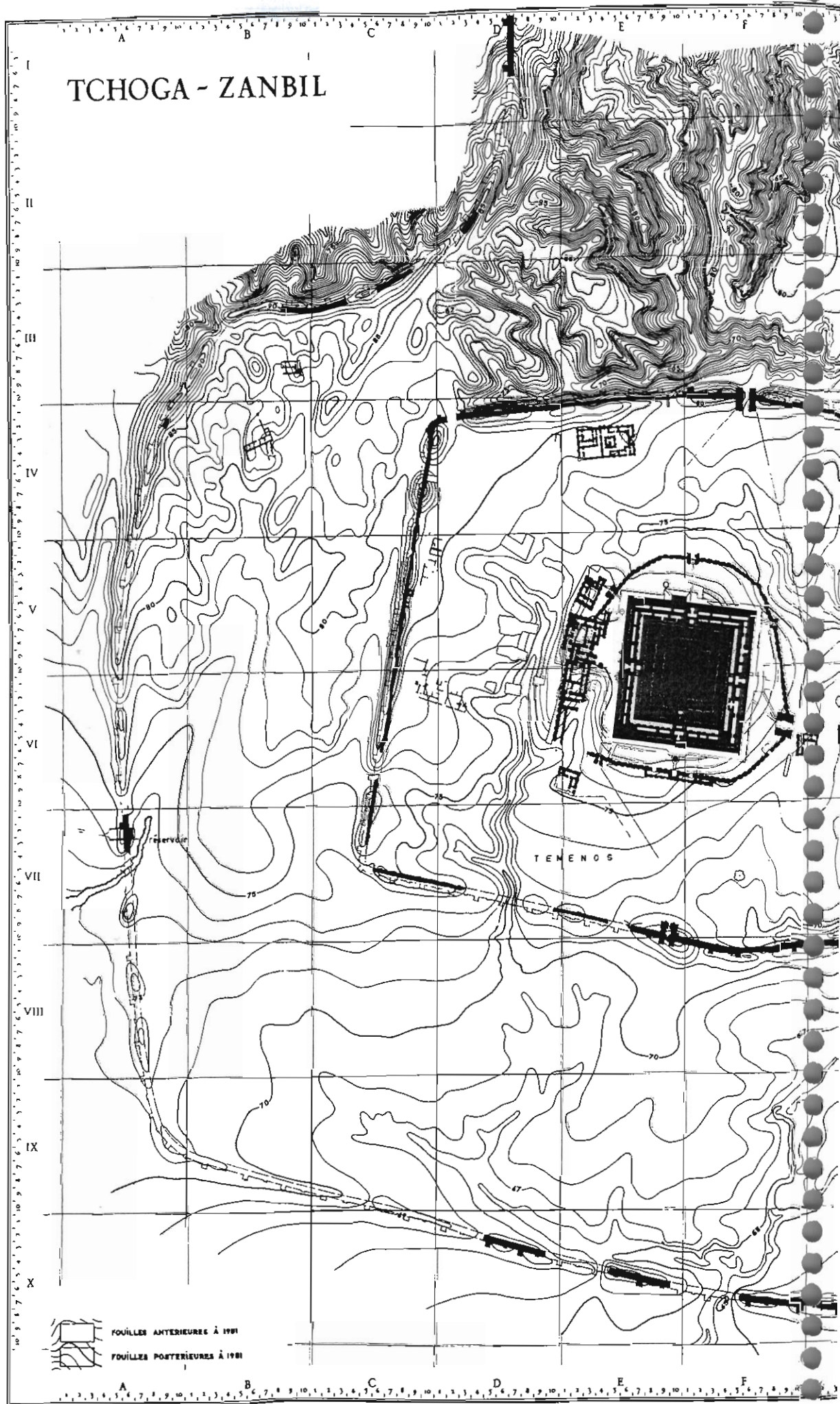


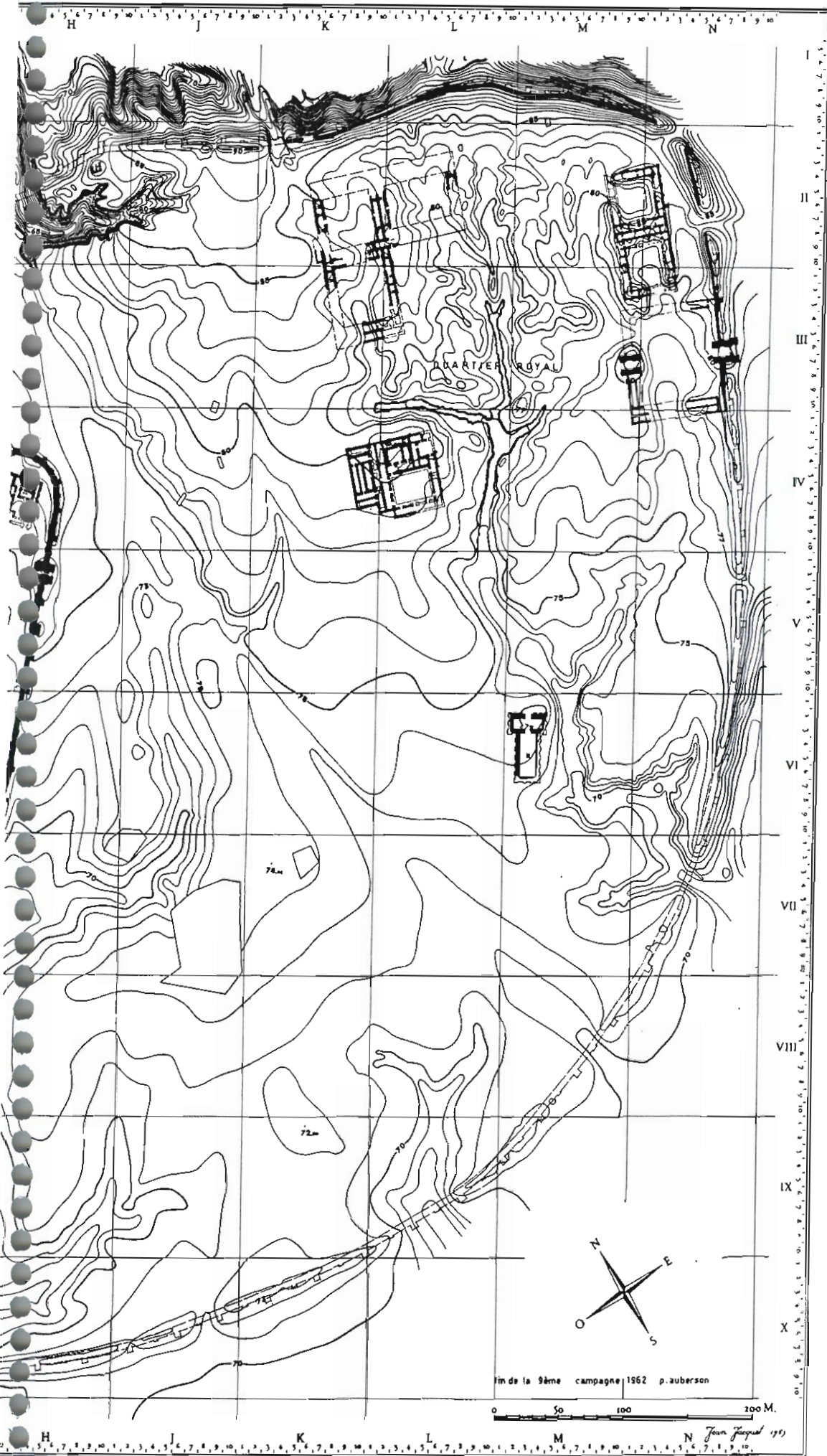
لو- شماره ۲۲

- ۱- متون اکدی چغازنبیل، شماره I.
- ۲- متون اکدی چغازنبیل، شماره IV A.
- ۳- متون اکدی چغازنبیل، شماره IV B.
- ۴- متون اکدی چغازنبیل، شماره V.
- ۵- متون اکدی چغازنبیل، شماره VII a.
- ۶- متون اکدی، چغازنبیل، شماره I، II.



TCHOGA - ZANBIL





مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی
کتابخانه مرکزی
۰۲۴۲۶۶

MÉMOIRES
DE LA
DÉLÉGATION ARCHEOLOGIQUE EN IRAN

TOME XL

MISSION DE SUSIANE

SOUS LA DIRECTION DE
B. GHIRSHMAN

TCHOGA ZANBIL

(DUR-UNTASH)

VOLUME III

TEXTES ÉLAMITES ET ACCADIENS DE TCHOGA ZANBIL

PAR

M. J. STEVE

MÉMOIRES

TOME XLI

MISSION DE SUSIANE

TCHOGA ZANBIL (DUR-UNTASH)

VOLUME III

TEXTES ÉLAMITES ET ACCADIENS
DE TCHOGA ZANBIL

Œuvre publiée avec le concours de la Commission des Fouilles
(Direction générale des Relations culturelles)

Traduction en Persan

Par:

Asghar KARIMI



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران